پیشگویی های نُستر آداموس



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پیشگویی‌های نستراداموس

نوشته: سرژ هوتن

مترجم: شهلا المعی (ترجمه از متن فرانسه)

متن کامل و قطعی سده‌ها و رساله به هانری دوّم

پادشاه فرانسه بیان و تفسیر شده تا سال ۱۹۹۹ میلادی



انتشارات بدیهه

تقدیم به مادر عزیزم

و

با تشکر از خانم منیژه کیافر

این کتاب ترجمه‌ایست از:

les prophéties de Nostradamus
par
SERGE HUTIN



انتشارات بدیهه - تهران - تلفن: ۶۴۹۵۷۱۳

پیشگویی‌های نستراداموس

سرژ هوتن

ترجمهٔ: شهلا المعی

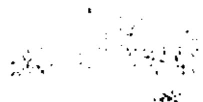
ویراستار: منیژه کیافر

چاپ اوّل - تهران - ۱۳۷۶

چاپ: رامین

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

ISBN 964 - 5509 - 69 - 6   شابک ۶ - ۶۹ - ۵۵۰۹ - ۹۶۴



فهرست مطالب

پیشگفتار

در مسئله ژنتیک و علوم خلقتی می‌دانیم که از بین صدها میلیون کروموزوم تنها یک عدد گزینش شده وارد هسته تخمک می‌شود و با تابع و تسلیم به فرمان الهی و به زبان علمی تبعیت از قوانین ژنتیک رشد وکمال خود را میسور و به نام انسان وارد این جهان می‌شود، و درکانال زمان قرار می‌گیرد. و در این گزینش به او می‌گویند تو اگر واگن وجودت را بر روی ریل دین و حق نگذاری توان حرکت نخواهی داشت و به مقصد نخواهی رسید و درگزینش دوم انتخاب نخواهی شد و عهد و پیمانی با او می‌بندند با کلید "أَلَسْتُ بِرَبِّكُم"[۱] و بعد می‌آورندش، وقتی درکانال زمان قرارگرفت این بار با داشتن اختیاراتی می‌تواند تابع و تسلیم به قوانین الهی نباشد، قوانینی که بار اول در فطرت او نهاده شده و بار دوم توسط انبیاء به او دیکته شده است، و می‌تواند آئین‌های فکری و فرهنگی خود را اجراکند و عقاید نفسانی خود را با قوانین الهی درآمیزد و در قدرت خود دارد که از پس تحقیقات و پژوهش‌ها نظام جهان را تغییر و به بی‌نظمی تبدیل کند و خلقت را مطابق با هوس‌ها و امیالش تغییر دهد.

---

۱. بیاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذُریّه آنها را بر گرفت و آنها را بر خود گواه ساخت که من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند بلی ما بخدائی تو گواهی دهیم که دیگر در روز قیامت مگوئید ما از این غافل بودیم (سوره اعراف آیه ۱۸۷).

از آنجا که کانال زمان در خود نطفه تباهی دارد قوانینی که با قانون الهی در جهان هماهنگ نیست وارد نطفه تباهی شده دوره‌ای توأم با زیان و خسران را بوجود می‌آورد، و خلقت، از آنجا که تابع قانون اولیه خود است با آن همساز نبوده و بتدریج گیتی به سوی بی‌نظمی و آشفتگی می‌رود. و در این سیر رویدادهایی پدید می‌آورد و رویدادها تاریخ را می‌نگارند. و طبق نظریه یونانی‌ها: «تاریخ پیشرفت فرایند به سوی کمال به نظر نمی‌رسد بلکه دوری است که همواره تکرار می‌شود و از نظم به سوی بی‌نظمی می‌رود سرانجام گیتی به بی‌نظمی نهایی نزدیک می‌شود. خداوند بار دیگر دخالت می‌کند و شرایط و اوضاع را به کمال اولیه باز می‌گرداند».

نستراداموس پزشک مشهور کاترین دو مدیسی و وقایع‌نگاری که رویدادهای آینده جهان را نگاشته است. او ریشه تمام حوادث مصیبت‌بار را از عدم هماهنگی بشر با قانون خداوند در جهان دانسته است و همواره توسط قدرتمندان و حکام جهانی انجام می گیرد. در نامه مبسوطش به هانری دوم، برای ما چنین بیان می‌دارد:

وقایع سترگ و غم‌انگیز، عجیب، حوادث پرمشقت که به سبب اصلی‌ترین جریانات قوانین دین نزدیک می‌شود، وقایعی که اولاً از معابد الهی و ثانیاً توسط قدرتمندان و حکام جهانی انحطاط فوق را نزدیک می‌سازند باضافه هزاران واقعه مصیبت‌بار دیگر که در موسم خود وقایع آن شناخته خواهد شد.

و نستراداموس بدین ترتیب تاریخ را جلوه‌گر می‌سازد:

حوادث آینده شبیه به واگن‌های در حال گذرست که زمان حال را نیز در بر دارد.

اشاره‌ای زیبا به قطاری دارد که حرکت آن بر روی ریل زمان انجام می‌شود و واگن‌ها نمادی از رویدادها هستند.
وقایع پانصد سال آینده و نیز تاریخ دقیق آنها را بصورت استعاره بیان داشته است. در نامه مبسوطش به هانری دوم چنین بیان می‌دارد:

زیرا خداوند، به طول نازایی[۱] بانوی بزرگ را زیر نظر دارد که پس از چندی دو اولاد اصلی را باردار خواهد شد اما خود رو به زوال می‌رود. فرزندی که مرتبط با قانون است در هیجده سالگی بر اثر بی‌باکی از ساعت از مرگ در معرض زوال قرار می‌گیرد و به سال سی و شش نمی‌تواند برسد. و از این فرزند سه فرزند مذکر و یک اولاد مونث باقی می‌ماند که از یک پدر نیستند، سه برادر با هم متفاوتند ولی بعداً متحد و هماهنگ خواهند شد. و به طوری که سه چهارم اروپا را به لرزه در خواهند آورد... همه فرزندان از ماهیت یکسانی برخوردارند اما از نظر اعتقاد کاملاً متفاوتند.

در ادامه می‌گوید:

و اما فرزند دیگر بر اثر بی قانونی زیاد و دیر توبه کردن می‌خواهد همه چیز را نابود کند.

---

۱. Stérilité

می‌توان گفت که: بانوی بزرگ نمادی از کانال زمان است. می‌دانیم هرچه که خلق شد چون از جانب خالق آمد با قانون و سنن او درآمیخت و در جهان حضور یافت، قوانین آسمانی وقتی در زمان و مکان وارد شوند پایداری آن را تضمین می‌کند، آنچنانکه موجودیت آنرا تضمین می‌کند و آنچنانکه کمال آنرا تضمین می‌کند پس زمان مطهر است و این زمان زیر نظر خداوند است. «پس‌از چندی دو اولاد اصلی را باردار خواهد شد» زمان صاحب دو اولاد می‌شود، می‌توان اینطور برداشت کرد که: قوانینی غیر از قوانین آسمانی در هسته زمان وارد شده است. پس زمان فرزندانی را باردار می‌شود. فرزند نمادی از عصر است. عصر عصاره طول آن قوانین و اساس نشکیل آن است، "وَالعَصرِ اِنَّ الاِنسانَ لَفی خُسر" قسم به عصر که ظرف زیان انسان است، عصر به شهادت می‌نشیند که انسان در ظرف زیان قرار گرفته است. و آنهایی می‌توانند از این ظرف خارج شوند که «الاَّ الَّذینَ امَنوُا و عَمِلوُا الصّالِحاتِ» با قوانین او از فضای خسران به پرواز درآیند.

پس دو فرزند نمادی از دو عصر است و نستراداموس تاریخ وقوعش را به صورت کنایه بیان داشته است، بدین صورت که: از آنجا که «شروع این وقایع از زمان حال یعنی ۱۴ مارس ۱۵۵۷ میلادی است»، و نیز: «در ۱۸ سالگی در اثر بی‌باکی از ساعت از مرگ در معرض خطر قرار می‌گیرد و به سال ۳۶ نمی‌تواند برسد» ۱۸ و ۳۶کنایه‌هایی از ۱۸۰ و ۳۶۰ سال می‌باشند که با سال ۱۵۵۷ جمع گردد منجر به، اولاً: سال ۱۷۳۷ می‌شود که بر اثر بی‌باکی افول پیدا کرده، و ثانیاً: ۱۴ مارس ۱۹۱۷ می‌گردد که اتمام عصر اول و نیز شروع عصر دیگر است که وارد عصر بی‌قانونی و دیر توبه کردن می‌شود، و می‌خواهد همه چیز را نابود کند و در ژوئیه ۱۹۹۹ این عصر هم خاتمه می‌یابد (طبق سده ۱۰ رباعی ۷۲).

درباره فرزند دوم و یا عصر بی‌قانونی می‌توان چنین بیان داشت: اولاً، قوانین تدوین شده بشری مخالف قوانین الهی است و ثانیاً زمانی توبه انجام می‌پذیرد که دیگر دیر شده است، و مهلتش به پایان رسیده است و گزینش بعدی برایش نیست. پرانتزی باز کنیم، توبه یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های تمام ادیان است و اشاره به موقعیت اولیه آدم پس از هبوط و از دست دادن قدرت‌های وی دارد، و برای بدست آوردن مجدد آن باید از پل توبه عبور کند و پیوند به ریشه اولیه خود زند. ثانیاً، «می‌خواهد همه چیز را نابود کند» به زبان ساده وقتی بشریت قوانین خود را که مغایر و مخالف با قوانین طبیعت است اجرا نماید طبیعت با او هماهنگ و همساز نخواهد شد و به مقابله می‌پردازد. به چند مثال اکتفا می‌کنیم: وقتی قوانین به نحوی تنظیم شود که اساس خانواده از بین رود. از جمله زوجیت مردان با هم، نتیجه آن شیوع بیماری ایدز می‌شود، که در سده ۸ رباعی ۶۳ نسترآداموس به آن اشاره داشته است:

در آن هنگام که زناکار بدون هیچ ضربه‌ای زخمی خواهد شد
به سبب دردش زن و فرزندان هم از پا خواهند افتاد
زن آلوده شده فرزند را به کشتن خواهد داد
اشخاص بی‌توجه اسیر شده بدون وقفه خواهند مرد.

و یا از قانون تعادل خارج شود و اسراف را پیشه خود سازد و حرمت طبیعت را نادیده بگیرد، در نتیجه به محیط زیست خود آسیب می‌رساند. بطور مثال اسراف در مصرف سوخت فسیلی، آب، استفاده بی‌رویه از محیط زیست و قطع درختان، موجب تغییر در آب و هوای

زمین می‌گردد. که می‌بینیم با چنان مقیاس وسیعی زمین در حال گرم شدن است و گرم شدن موجب انبساط آب اقیانوس‌ها و ذوب یخ‌های مناطق قطبی خواهد شد و گسترش سوراخ لایه اوزون که در این نابودی مؤثر است، و هنوز علم بشر به اثرات زیانبار آن دست نیافته است، و نسترادا‌موس در سده ۳ رباعی ۳۴ به آن اشاره کرده است:

در آن هنگام که نقصی در خورشید دیده شود
در کاملیت روز هیولا دیده خواهد شد،
که به گونه‌ای خلاف واقع آن را تفسیر می‌کنند
گرانی قابل کنترل نیست، هیچ چیز دیگر قابل پیش‌بینی نیست.

باران‌های اسیدی که به خاک آسیب می‌رساند و دریاچه‌ها و رودخانه‌های سراسر زمین را آلوده می‌کند و غیره. و خطری که از جانب مهندسی ژنتیک و دستکاری در ژن D.N.A که در حال انجام آن هستند صورت می‌گیرد که شاید منجر به هیولا و یا انسان مصنوعی شود، و صنعت اتمی که منجر به انفجارهای اتمی و ابر هسته‌ای و مواد زاید هسته‌ای که نتیجه آن شاید به جابجایی قطب‌ها بیانجامد.

حوادث معاصر هم کاملاً با گفتار نسترادا‌موس منطبق است:

۱ ـ در اکتبر ۱۹۱۷ انقلاب کبیر بلشویکی در روسیه تزاری اتفاق افتاد و دین را تریاک توده‌ها به شمار آورده‌اند.

۲ ـ اوایل دهه قرن بیستم، مسئله استراتژیکی نفت خلیج فارس مطرح بود که باعث کشمکش‌های بعدی و هسته اصلی این کشمکش «مسأله شرق عنوان شد و جنگ جهانی اول به آن پایان داد و نتیجه آن انهدام «امپراطوری عثمانی شد و اکثر کشورهای عربی از جمله

فلسطین، عراق، اردن ، سوریه از آن جدا شدند تحت قیمومیت فرانسه انگلیس و آمریکا قرارگرفت. و به گفته دیگر به تقسیم مجدد جهان بین ابرقدرتها انجامید.

۳ ـ مسئله اسکان مهاجران یهود در سرزمین فلسطین مطرح بود قبل از جنگ اول جهانی، اماکن مقدسه بیت‌المقدس در دست دولت عثمانی بود و در سال ۱۹۱۷ انگلستان قیمومیت آن را بدست گرفت.

۴ ـ در سال ۱۹۱۷ آمریکا به نفع متفقین وارد جنگ شد و در صحنه سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان وارد شد و طی سال‌های بعد بعنوان ابرقدرت شناخته شد.

و اما در مورد فرزند اول و یا فرزندی که مرتبط با قانون است: که دارای سه فرزند مذکر و یک اولاد مؤنث است، که از یک پدر نیستند. فرزندان مذکر می‌تواند نمادی از سه دوران باشد. سه نقطه عطف در تاریخ با سه نظام مختلف فکری، اولین نظام در ۱۴ مارس ۱۵۵۷، دومین آن در سال ۱۷۳۲ و سومی در سال ۱۹۱۷ می‌باشد. بی‌شک اولین دوره اصلاح دینی و احیای آن است، دومین دوره کاهش گرفتن قدرت کلیسا است، سومین دوره جدایی دین از سیاست است.

از دومین دوران شروع کنیم، نستراداموس در نامه مبسوطش به هانری دوم می نویسد:

از سایر فرزندان ذکور بزرگترین تاجگذاری کرده است و سرزمین شیرهای خشمگین را اشغال خواهد کرد و ارتشی قوی و جسور در اختیار می‌گیرد.

با بهترین نحوی که ناپلئون بناپارت را می‌توان معرفی کرد و در طی

پانصد سال گذشته هیچ پادشاهی همانند او مراسم تاجگذاری را اجرا نکرده است. و ارتش بزرگ و قوی هم در اختیار داشت، و حقیقتاً اروپا را به لرزه در آورد، و بخوبی او می‌تواند نمادی از دومین ضد مسیح باشد. می دانیم که ناپلئون در ادامه رویدادهایی به قدرت رسید که اولاً اروپا دوران انقلاب صنعتی و فلسفی خود را طی می‌کرد و تغییرات عظیمی هم در حوزه عقاید و ایمان می‌گذراند و فیلسوف معروف ژان ژاک روسو کسی که نظریه قراردادهای اجتماعی‌اش اساس تشکیل حکومت مدرن اروپا گردید در سال ۱۷۳۲ وارد پاریس شد و بعنوان فیلسوف نابغه و الهام‌بخش انقلاب فرانسه قلمداد شد. و نسترادآموس در نامه‌ای که به سال ۱۵۵۵ به پسرش سزار نگاشته است، اشاره دقیق به این تاریخ می‌کند:

«مطابق علائم و نشانه‌ها بزودی دوران طلایی بعد از آشفتگی و بلواهای بسیار مجدداً شروع خواهد شد و زمان آن دقیقاً ۱۷۷ سال و سه ماه و یازده روز بعد از لحظه‌ای است که مشغول نوشتن این جمله هستم آه، همراه با آن عصر بار دیگر فساد اندیشه‌ها و رذائل اخلاقی و جنگ‌های خانمانسوز و گرسنگی و قحطی‌ها نیز افزایش می‌یابد».

و اما اولین دوران که مربوط به اصلاح دینی و احیای آن است، نسترادآموس چنین بیان می‌دارد:

آنکه سن کمتری دارد سلطنت مسیحیت را مورد حمایت قرار می‌دهد و باعث رشد آن می‌شود. فرقه‌هایی سر بلند کرده و ناگهان

سقوط می‌کند عرب‌ها به عقب رانده می‌شوند قلمرو سلاطین با هم متحد شده و قوانین جدیدی را تدوین می‌کند.

می‌تواند اشاره‌ای به تحول اروپا از قرون وسطی به عصر جدید باشد، در طی این دوره، حقیقتاً، کلیسا در اکثر کشورهای اروپا سلطنت می‌کرد و قدرت خود را افزون می‌داشت. و منتهی به پیدایش پروتستان‌ها شد، که در ابتدا با اصلاح دینی آغاز و سپس فرقه‌هایی سر بلند کردند. و اساس آئین پروتستان این است که فرد مسیحی فقط در مقابل خدا مسئول است نه در برابر کلیسا. در این دوره جنگ‌های مذهبی در سراسر اروپا شدت گرفت.

و سومین دوران مربوط به جدایی دین از سیاست است، او چنین بیان می‌دارد:

دومین اولاد ذکور با حمایت و همراهی اقوام لاتین پیشروی زیاد کرده و برای دومین بار مون‌لوئی لرزان و خشمگین می‌شود که در آنحال نزول کرده سپس راه صعود پیموده تا کوه‌های پیرنه پیش می‌روند ولی نمی‌توانند به مقام و منزلت گذشته خویش برسند. اینان سومین سیل خون بشر را جاری می‌سازند.

نستراداموس به واقعه‌ای اشارت دارد که دوبار تکرار می‌شود. و در بار دوم سومین خون بشر را جاری می‌سازد. می‌تواند مربوط به جنگ‌های بین‌الملل اول و دوم باشد. که جنگ جهانی اول از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ طول کشید. در این جنگ طرفین متخاصم عبارت بودند از متحدین مرکب از دول اروپای مرکزی یعنی آلمان، اتریش و

هنگری‌ها که بعدها ترکیه و بلغارستان نیز به آنها پیوستند. پس در اینجا بخوبی توصیف شده است: «با حمایت و همراهی اقوام لاتین پیشروی کرده است». و جنگ جهانی دوم از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ طول کشید، پیشوای آلمان، هیتلر با هدف عمدهٔ قیام بر ضد معاهدات صلح و ضدیت با یهودیان و تقویت قدرت مرکزی دولت بود و سومین خون بشریت را جاری ساخت. و هیتلر نمادی از سومین ضد مسیح می‌باشد.

و اما در مورد اولاد مؤنث نستراداموس چنین بیان می‌دارد:

و اما فرزند دختر را برای حفاظت به کلیسای کاتولیک می‌سپارند ولی دامنه قدرت وی بدلیل فرقه‌های شرک‌آلود عهدشکن جدید تنزل می‌یابد، این دختر دو فرزند خواهد داشت، که یکی از آن دو وفادار و دیگری عهدشکن می‌باشد این بی‌اعتقادی را کلیسا هم تأیید میکند.

دختر می‌تواند نمادی از جامعه باشد. از آنجاکه به کلیسای کاتولیک اشاره رفته است. بخوبی می‌تواند به جامعه مسیحیانی مربوط باشد که اسقف رم یعنی پاپ رئیس آن است. ولی بعداً، طرفداران اصلاحات دینی رشد یافته و آئین‌های لوتر را پدید آوردند که منجر به پائین آمدن قدرت جامعه مسیحیت شد. و آئین‌های پروتستان در اروپا، در آلمان شمالی، در سوئد نروژ انگلستان هلند و در آمریکا در ایالات متحده رواج دارد و دو فرزند کنایه‌ای از کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها می‌باشد.

نستراداموس در نامه مبسوطش به هانری دوم، در دو نوبت فاصله زمانی بین برخی از انبیاء را بیان داشته است و از بین هزار و دو پیامبر (طبق گفته خود) فقط اشاره به پیامبرینی دارد که از ذریه نوح و در

ارتباط مستقیم با بنی‌اسرائیل هستند. از آنجا که تاریخ تاریک و اختلاف تواریخ زیاد است، پس نستراداموس به بیهودگی نام انبیاء و زمان آنان را ذکر نکرده است، شاید بدین وسیله خواهان آن بود که، پیام خود را از طریق هانری دوم پادشاه فرانسه به آیندگان منتقل نماید: بی‌شک پیام به ملتی است که عهد و پیمان خود را با خداوند به فراموشی می‌سپارند. او چنین بیان می‌دارد:

... سپس از میلاد حضرت ابراهیم تا حضرت اسحاق صد سال است. از حضرت اسحاق تا حضرت یعقوب شصت سال می‌باشد، از زمانی که یعقوب وارد مصر خواهد شد تا خروج از آن صد و سی سال است. و از زمان ورود یعقوب به مصر تا خروج از آن چهارصد و سی سال است. و از این زمان خلاصی از مصر تا احداث معبد سلیمان در سال چهارم حکومت آن پیغمبر، چهارصدو هشتاد سال می‌گذرد و یا هشتاد سال. از زمان تعمیر و بنا کردن معبد سلیمان تا عصر حضرت مسیح، برحسب برآورد اشکال قدیم، چهارصد و نود سال سپری شده است. و باین ترتیب برآوردی که این جانب انجام داده‌ام بر مبنی محاسبات فوق و کلمات مقدس بایستی تصحیح گردد. جمعاً حدود چهار هزار و صد و هفتاد و سه سال و هشت ماه کم و پیش شده است.

بنابراین برای روشن شدن حقایق، تاریخ را بطور اختصار در می‌نوردیم و به زمان حضرت ابراهیم می‌رسیم. او یکی از بزرگترین انسانهای متکامل زمان و دوست خالق خلیل‌الله می‌شود. در دوران پیری خداوند دو پسر به او می‌دهد یکی بنام اسماعیل، خداوند

آزمایش خلوص را از او به عمل می‌آورد: آن پیامبر پس از تو باید ذبح گردد. حضرت ابراهیم آن تبلور زندگی خود را در مذبح ذبح خالق قرار می‌هد، و تا آخرین لحظه آزمایش را ادامه و پیروزمندانه در اوج کمال خود به تکامل می‌رسد و خداوند او را پدر امتهای بسیار گردانید. و با همراهی اسماعیل پایه مکه را بـنیان مـی‌نهد. و فـرزند دیگـرش بـنام اسحاق است، که به توسط ملائکه بشارتش را به او و سارا می‌دهند که هزاران پیغمبر مرسل از نسل او بوجود خواهند آمد. فـرزند حـضرت اسحاق حضرت یعقوب است که او به توسط پسرش حضرت یوسف با فرزندان خویش وارد مصر می‌شود. و در اینجا، اولین حکومت اسرائیل از مـصر شـروع مـی‌شود. چـهارصد و سـی سـال بـعد، از آنـجا کـه بنی‌اسرائیل تحت استعمار شـدید و شکـنجه فـرعون قـرار داشـتند، خداوند حضرت موسی را بـه پـیامبری مـبعوث مـی‌کند تـا قـوم را از سرزمین مصر خارج کرده و برای رسیدن به عرض موعود اورشلیم به حرکت در آورد. و در اردن است که موسی به کوه طور می‌رود و خداوند در میعادگاه عهد و پیمان خود را با بنی‌اسرائیل می‌بندد، که ده فرمان نتیجه آن است و در تابوت عهد و یا تابوت شهادت واقع شده است. ولی تا سال ۹۷۰، بنی‌اسرائیل همواره در صدد ورود به اورشلیم بودند تا اینکه توسط حضرت داود به شهر وارد شده و او بنای معبد یا هیکل ساخته شده را در بالای صخره قرار داد. و این بنا به دست سلیمان در مدت هفت سال تکمیل شد، پس هیکل یا معبد بیت همیقداش تقریباً در هزار تا هزار و یکصد سال بعد از بنای کعبه و نهصد و هفتاد سـال پیش از میلاد مسیح بنیان‌گذاری شده است. و اوج قدرت بنی‌اسرائیل در زمان سلطنت حضرت سلیمان است. ولی از پس سلیمان، جانشینان او سفاک، بیرحم بی‌اعتنا به دین و انبیاء را می‌کشتند که منتهی به ظهور

بخت‌النصر شد، و او تمام اورشلیم را از بنیاد ویران ساخت، و مردم بنی اسرائیل را پراکنده کرد و آنان اسیر بابل گشتند. و در این زمان، از زبان پیامبرین بنی‌اسرائیل پیشگوئی‌های سرود مانند که بیان‌کننده اسارت یهود و نویددهنده ظهور منجی نجات‌بخش است ضبط است. که بسیاری از مفسرین حضرت مسیح را همان مسیا و یا نجات‌دهنده بنی‌اسرائیل می‌دانند.

از ویرانی اورشلیم بدست بخت‌النصر حدود سال ۵۸۸ قبل از میلاد همواره بنی‌اسرائیل پراکنده در جهان بودند تا اینکه طی سال‌های ۱۸۸۲ تا ۱۸۹۷، صهیونیست جهانی تصمیم به اسکان مهاجران یهود در سرزمین فلسطین شد. و بعداً، در سال ۱۹۱۷ انگلستان قیمومیت و سرپرستی فلسطین را در اختیار گرفت. لازم به ذکر است که در هنگام متارکه جنگ بین‌الملل اول فقط پنجاه هزار یهودی در ارض مقدس وجود داشت اما حکومت جدید درهای کشور را به روی مهاجرین گشود[1] نخستین اعتراضات ضد صهیونی از سال ۱۹۲۸ آغاز گردید و در تابستان ۱۹۲۹ درکنار دیوار براق یا دیوار ندبه جنگ خونینی بین اعراب فلسطین و صهیونیست‌ها درگرفت. و در سال ۱۹۴۸ اسرائیل بعنوان یک کشور تأسیس شد.

نستراداموس به دوام حکومت بابلیون جدید اشاره کرده است: ***«بابیلون جدید رو به رشد می‌نهد و ۷۳ سال و ۷ ماه دوام می‌آورد»*** این عدد را ازکتاب دانیال نبی می‌توان استخراج کرد. سرودهای دانیال نبی مبهم و نامشخص است، اما اکثریت بیان‌کننده اسارت و پراکندگی قوم بنی‌اسرائیل است و بشارت به خاتمه این دربدری داده است و رمزگونه

---

۱. برای اولین بار در تاریخ کنونی به مهاجرت دستجمعی از جمعیت یکپارچه اسرائیل قرار داریم، شبیه آنچه که در قدیم بود. و این مهاجرت دستجمعی بطور قطع معنی رمزی را داراست.

دوام آن را بیان داشته‌است. در باب ۹ کتاب دانیال‌نبی شمارهٔ ۲۵ چنین می‌خوانیم:

پس بدان و بفهم که از صدور فرمان بجهة تعمیر نمودن و بنا کردن اورشلیم تا ظهور مسیح هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود و اورشلیم با کوچه و حصار در زمانه‌ای تنگی تعمیر و بنا خواهد شد بعد از آن شصت و دو هفته مسیح منقطع خواهد گردید و از آن او نخواهد بود بلکه قوم آن رئیس که می‌آید شهر و قدس را خراب خواهد ساخت و آخر او در آن سیلاب خواهد بود و تا آخر جنگ خرابیها معین است. او با اشخاص بسیار در یک هفته عهد را استوار خواهد ساخت و در نصف آن هفته قربانی و هدیه را موقوف خواهد کرد و بر کنگره رجاسات خراب‌کننده خواهد آمد و الی‌النهایه، آنچه مقدر است بر خراب‌کننده ریخته خواهد شد.

و در باب ۱۲ شماره ۶ کتاب دانیال نبی چنین می‌خوانیم:

و یکی از ایشان بآن مرد ملبس به کتان که بالای آب‌های نهر ایستاده بود شنیدم که دست راست و دست چپ خود را بسوی آسمان برافراشته بنجی ابدی قسم خورد که برای زمانی و دو زمان و نصف زمان خواهد بود و چون پراکندگی قوت قوم مقدس به انجام رسد. آنگاه همه این امور به اتمام خواهد رسید.

بدین ترتیب، در یک هفته عهد را استوار می‌سازند و در نیم هفته قربانی و هدیه را موقوف خواهند کرد. در جای دیگر، او چنین بیان

می‌دارد: دوره این تغییرات برای زمانی و دو زمان و نیم زمان خواهد بود. اگر زمان اشاره به هفته[۱] یعنی هفت سال باشد، پس دو زمان: ۴۹ = ۷ × ۷ سال می شود، و نیم زمان مساوی است با: نصف ۴۹ سال یعنی ۲۴ سال و ۶ ماه ۱۵ روز، و مجموع آن: ۴۹ + ۲۴ سال ۶ ماه ۱۵ روز یعنی ۷۳ سال ۷ ماه.

شهلا المعی

مهرماه ۱۳۷۶

---

۱. بطور دقیق از کلمه سبع در متن عبری استفاده شده است و هفته بطور معمول هفت روز است. اما سبع به هر چه که مدتی را اندازه می‌گیرند مرتبت است: فضای او ۷ است.

مشهورترین پیشگویان
عصر جدید

نستراداموس به طور قطع، و از زمانهای دور، تنها پیشگوی عصر حاضر نیست -که نمونه‌های نظیر او فراوان است، اگر حتی فقط به پیشگویان غیر روحانی اکتفا کنیم می‌توانیم برحسب مثال، به "اولریش دو مایانس"[1] اشاره کنیم که پیشگوئی بسیار شگفت‌انگیز است (۱۵۵۸-۱۴۸۶)، که صحت عجیب پیشگوئی‌هایش تاکنون بر همگان هویدا شده است، اما نستراداموس بدون شک و تردید جزء مشهورترین پیشگویان است.

شهر "سالن-دو پروانس" همان شهر ثروتمندی است که مؤبد آخرین بخش زندگی خود را در آنجا سپری کرده است، و انجمن فعالی به نام «یاران نستراداموس»[2] را تشکیل داد که تحت ریاست دوستمان آقای "مو.آ. میرولت"[3] قرار داشت. بعلاوه ، در شهر سالن دو پروانس آرامگاه میشل نستراداموس قرار دارد، این مؤبد یکی از شخصیت‌های مشهور و ممتازی است که در همان شهر دو مجسمه از او وجود دارد[4]: یکی از مجسمه‌ها جنبهٔ فرهنگستانی دارد، و در یکی از پارک‌های عمومی، و در حاشیه بزرگراه نصب شده است و تندیس دیگری

---

۱. Ulrich de Mayence

۲. صندوق پستی شماره ۱۶، در شهر سالن دو پرونس - ۱۳.

۳. Me A. - Mirault

۴. بدون اشاره به تصویر بسیار زیبائی که با رنگ و روغن ترسیم شده است و در سالن افتخار شهرداری نصب شده است.

مخصوص فرهنگستان هنر است (خیلی به مکتب فوتوریست نزدیک می‌باشد) که هلکوپتری در سال ۱۹۶۶ میلادی به آن آسیب رساند.

کتاب‌ها و مقالات بی‌شماری که درбارهٔ مؤبد بزرگ نگاشته‌اند همواره رو به تزاید است خواه کتاب‌ها و مقالاتی که نسبت به او نظر مساعد داشته‌اند و خواه نوشته‌هایی که دربارهٔ او حاکی از سوءظن و تردید بوده‌اند. در ماه مه سال ۱۹۶۸، در برنامه تلویزیون فرانسوی سریال فوق‌العاده‌ای به نام «دادگاه غیرممکن» (تهیه شده توسط میشل سوبیلا) نشان داده شد. پس از آن که فیلم زیبائی از زندگینامه پیشگو به نمایش گذاشتند، مباحثه‌ای بین شرکت کنندگان مختلف انجام شد (ما هم شرکت داشتیم) بحث همراه با نقطه‌نظرهای حاضرین دربارهٔ سده‌های نستراداموس بود و این که آیا پیشگو توانایی پیام‌آوری دارد یا فاقد این قدرت است.

در سال ۱۹۶۷، هنگامی که فکر می‌کردند همه چیز را راجع به اثر پیشگو می‌دانند، "پیر رولو"[1] متنی منتشر نشده از پیشگو را چاپ کرد با عنوان: تفسیر خط مصریها قدیم هاراپولو. این رساله دستنویس به زبان فرانسه نوشته شده دارای شماره ۲۵۹۴ در کتابخانه ملی پاریس موجود است، که به "کلبر"[2] تعلق داشته است، نه تنها نوشتهٔ نستراداموس است بلکه تماماً به خط وی می‌باشد. بررسی دقیق این اثر شاید بتواند بگونه‌ای کلید رمزی باشد که بما اجازه دهد وقایع‌نگاری موجود در سده‌ها را آشکار کنیم.

---

۱. Pierre Rollet

۲. Colbert

نستراداموس پزشک و اخترشناس ملکه

میشل نسترادام معروف، که با نام لاتین میشل نستراداموس مشهور شده است، در ۱۴ دسامبر ۱۵۰۳ در سن رمی بدنیا آمد. او سراسر زندگیش را در رؤیای زادگاه اصلی و زیبایش پروانس به سر برد: اهالی پروانس حق شناسی‌شان را به او کاملاً نشان داده‌اند.

نستراداموس نه تنها در پروانس به عنوان یک پزشک ماهر معرفی شده بود، بلکه هرگز وقت و توان خود را مصروف ثروت اندوزی از راه درمان بیمارانی نمی‌کرد که جهت معالجه نزدش می‌آمدند. برعکس انسان بسیار بخشنده‌ای بود، باکمال سخاوت خرج می‌کرد و بخوبی از امکانات مادی شغلش نزد ملکه کاترین دو مدیسی سود می‌جست تا در بنیادهای خیریه به نفع مستمندان شرکت جوید و توان مالی آن مؤسسات خیریه را افزایش دهد، و در کارهایی شرکت می‌جست که امروزه امور عام‌المنفعه می‌نامند. از جمله، شاید کسی به طور معمول نداند که سرمایه احداث کانال بزرگ آبیاری (مشهور به "کانال کراپن"[۱]) را چه کسی پرداخته است آبراهی که باعث رفاه منطقه "لاکرو"[۲] شده بود، قسمت اعظم بودجه ساخت آن کانال را نستراداموس تامین کرده است.

در بین اجداد خانواده نستراداموس افراد معروفی در بخش پزشکی تبحّر داشته‌اند؛ پدر پیشگو، ژاک نستراداموس هم پزشک بوده است. از

---

۱. canal de craponne
۲. la Crau

مسائل مهم این خانواده اسرائیلی بودن آن است که با تغییر مذهب به مذهب کاتولیک گرایش یافته است؛ در میان اشخاص سرشناس سن‌رمی، پدر پیشگو همانند «نومسیحی» شناخته شده بود، معمولاً این عنوان برای یهودی‌های تغییر مذهب داده بکار می‌رفت.

امروزه شغل اصلی نستراداموس به خوبی شناخته شده است. و توسط نویسندگانی زندگینامه وی نقل شده است. او از پزشکانی می‌باشد که به تحصیلات عالیه پرداخته و بسیار سفر کرده است، با حرفه‌ای که بایستی باعث افتخار و گل سرسبد آن روز شناخته شده باشد. بعلاوه تشخصی در خور و شایسته که بحق لایق این امتیاز بود، حتی از نقطه نظر حرفه پزشکی و اهمیت معنای جدید این عنوان. در واقع نوع درک و اطلاعات پزشکی نستراداموس بسیار جلوتر از مهارت همکارانش در عصر خود بوده است. نکته زیرین این امر را تائید می‌کند: در زمانی که مردم حتی از ابتدائی‌ترین امور بهداشت بی‌خبر بودند، این پزشک عالیقدر طی زمانی که بیماری وحشتناک طاعون در شهر پروانس شیوع پیدا کرد - اقدام به پاک سازی خیابان‌ها و خانه‌ها می‌کرده و طبق اصول صحیح و به میزان و سطح بالا این پاکسازی را انجام داده است. و این نشان می‌دهد که او بخوبی ارتباط (اموری که برای ما ظاهراً ابتدایی به نظر می‌آید اما در زمان‌های پیشین آنرا نادیده می‌گرفتند)، بین ناپاکی و شیوع بیماری را درک کرده بود مخصوصاً بیماری مثل طاعون که شیوع آن بسیار وحشتناک است.

امّا، نستراداموس به همان میزان که در پزشکی شهرت داشت، شهرت بیشتری (شاید بیشتر) از طریق ستاره شناسی و علوم ماورائی کسب کرده بود. البته به سبب این موضوع است که او تحت حمایت عالیه کاترین دو مدیسی واقع شده بود، چون ملکه مفتون علوم مجهول مافوق الطبیعه شده بود؛ و چه در طی حکومت هانری دوم و نیز پس از مرگ او، حسن نظر "فلورانتین" هرگز در مورد او نقصانی نیافت. به دفعات مختلف کاترین دو مدیسی، نستراداموس را برای مشاوره در

مورد سرنوشت آینده فرزندانش به خدمت گرفت. در مرحله اول در پاریس، ماه اوت ۱۵۵۵ میلادی، ملکه وی را احضار کرد، سپس (کمی بعد) در قصر "بلوا"[۱] او به عنوان پزشک و مشاور پادشاه دعوت به کار شد.

هنوز در پاریس، به فاصله نزدیکی از کلیسای "سنت اوستاش"[۲] از برج عجیبی بازدید می‌کنیم، که کاترین دو مدیسی با اشتیاق وافری به همراهی نسترادادموس برای دیدن ستاره‌ها از آن برج بالا می‌رفت.

نسترادادموس در سال‌های واپسین عمرش، در منزل زیبایش در محله "فاررو"[۳] در شهر سالن-دو-پروانس منزوی شد و در همان محل بود که ملکه مادر در اکتبر ۱۵۶۴ میلادی به همراهی شارل نهم و "هانری دو به آرن"[۴] هنگام اقامتش در شهر سالن به ملاقاتش آمدند.

پیشگو، بر فراز مهمانسرای خصوصی‌اش نوعی رصدخانه آزمایشی ایجاد کرده بود.

نسترادادموس در دوّم ژوئیه ۱۵۶۶ میلادی وفات می‌یابد، در شرایط و همان ساعتی که خود پیشگوئی کرده بود (موفقیت بسیار جالبی است، زیرا افراد روشن‌بینی که به طور دقیق زندگی شخصی خود را پیشگوئی می‌کنند بسیار نادرند).

ظاهراً، هیچ نکته ابهامی در زندگی خصوصی نسترادادموس وجود ندارد، حتی در وضعیت ظاهریش: در صورتی که بسیاری ار افرادی که در علوم ماوراءالطبیعه شهرت بسزایی دارند، با چهره‌های کم و بیش خاص شناخته می‌شوند، از نسترادادموس چندین تصویر بسیار زیبا در دست است. بی‌شک، جالب ترین آنها تصویر چهره مؤبد است که توسط پسرش سزار نسترادادموس نقاشی شده است. که در کتابخانه "مژان داکس آن ـ پروانس"[۵] می‌باشد.

---

۱. Blois
۲. Saint Eustache
۳. Farreiroux
۴. Henri de Béarn
۵. Méjanes d'Aix-en-Provence

برخلاف این زندگینامه نستراداموس که کاملاً شناخته شده‌است، ما یک شخصیت افسانه‌ای هم داریم، در بین مردم تصویر رؤیایی از او شناخته شده است که با قلم شیرین میشل زواگو در داستان‌های مشهور شوالیه‌گری به عنوان "جادوگر مرموز" نستراداموس را به تصویر کشیده است. که در این جا چند کلمه‌ای هم راجع به آن بهترست بنویسیم. به هیچ وجه بی‌فایده نیست که تصاویر آرمانی مورد نظر عموم (موجودی اسطوره‌ای می‌آفرینند) را در مورد شخصیت‌های بزرگ تاریخی بررسی کنیم. به نظر می‌رسد که تخیل عموم همواره در صدد است تصویر یک قهرمان را متبلور سازد که این شخصیت پیوسته به شکل‌های مختلف از نو ظاهر خواهد شد، از طرفی، شخصیت واقعی گاهی به نحو احسن با آن شخصیت افسانه‌ای شباهت می‌یابد، به ویژه در برخی نکات اساسی کم و پیش شبیه تصویر اسطوره‌ای می‌شود که در اذهان جریان دارد. بخصوص زمانی که این شخصیت افسانه‌ای به صورت موضوع و قهرمان داستان الهام شده یک نویسنده مهم تخیلی در آمده باشد.

بنابراین نستراداموس در داستان میشل زواگو چگونه جلوه‌گر میشود؟ دراین داستان نستراداموس جوانی رعنا است، نه تنها به روال همیشگی قهرمان اصیل جوان و شجاع داستان‌های افسانه‌ای شوالیه‌گری است: در عین حال سبک زندگانی دردناک بایرون را داراست ـ به شیوه‌ای تکراری با وجود شگفتی‌های ارزشمندی که قهرمان در بر دارد ـ به وحشتناک‌ترین شرایط شوم گرفتار می‌آید. او پس از سن میان سالی است که می‌تواند بالاخره به محبوب از پیش تعیین شده‌اش به پیوندد، که بانویی اصیل و زیبا است به نحوی که به طور اسفناکی قربانی دسایس خدعه‌آمیزی شده که وی را به جادوگری متهم می‌کند.

زندگینامه واقعی نستراداموس برای ما با شخصیت دیگری ظاهر می‌شود. که نقطه مقابل این جوان رمانتیک افسانه‌ای است! البته با وجودی که به سفرهای متعدد می‌پردازد ضمن آن مسافرت‌ها موقعیت

شمشیرزنی نمی‌یابد. با شناختی که از او داریم ابداً یک شخصیت عاشق پیشه از او ترسیم نشده است. ازدواج دوم او، بسیار دیر صورت گرفت، پیوندی آرام و معمولی، و بخصوص برای تداوم نام خانوادگی بود.

اما این حالت «جوان رمانتیک افسانه‌ائی» در داستان زواگو توسط سیمای دیگری که با ارزشتر است کامل می‌شود: نستراداموس یکی از انسان‌های والائی است که به اسراری واقف است، مؤبدی است که دعوت شده تا رهبر بزرگ و حقیقی علوم کیمیاگری در دربار والوا بشود. به سن سی‌سالگی که می‌رسد، به مصر سفر کرده و بزرگترین انجمن سرّی او را بملاقات فرا می‌خواند در اطاق‌های مخفی در اهرام بزرگ مصر عضو آن انجمن می‌شود. زواگو به نحو شیرینی به توصیف حوادث وحشتناکی می‌پردازد که برای قهرمان داستانش پیش می‌آید. از طرفی بسیار جالب است که ریشه اصلی این ماجراهای بهت‌انگیز را بیابیم: زواگو به وضوح از کتابی سود جسته که در فرانسه در پایان قرن هجدهم بسیار رایج و مشهور شده بود، به نام "ستو"[۱]، از "کشیش تراسن"[۲] نستراداموس پس از اینکه تعلیمات فوق‌العاده را کسب کرد، طی سال‌های طولانی، قهرمان در داخل هرم بزرگ منزوی می‌شود، و توسط استادانی تمام علوم سری باستانی را تعلیم می‌گیرد. و در بازگشت به اروپا، نستراداموس، استاد اعظم انجمن سری فراموشخانه[۳] می‌شود، به مقام والایی ازکیمیاگری می‌رسد و در دربار سلسله دو والوا جای می‌گیرد، تا بر اجرای برنامه‌های تدریجی طبق نقشه خاص نظارت کند که توسط مقام‌های رده بالای انجمن سری به نحو دقیقی متوقف شده است. فکری که در عصر ما توفیق زیادی یافته است، که از قبل شخصیت‌های برگزیده‌ای از جانب سازمانی مأمور شده‌اند ـ تا در پشت چهره سیاسی ـ آشکارا گردانندهٔ نوعی

---

۱. Sethos
۲. Terrasson
۳. Rose - croix

قدرت مخفی سنتی باشند - نیرویی که محرمانه عمل می‌کند.

در مقابل داستانی چنین شگفتی آفرین رفتار وقایع نگاران مثبت مسلماً توام با خرده‌گیری است، هر قدر هم این داستان جذاب باشد، به علاوه، زواگو در این داستان زیبای شوالیه‌گری به تجدید موضوعی پرداخته که کمی پیش از انقلاب کبیر فرانسه در بارهٔ نوعی انجمن سری گفته می‌شد که در مصر "کنت کاگلیوسترو"[۱] را تحت تعلیم قرار داده بود. با وجود این، به هیچ وجه پرسش‌های خاص ممنوع نیست: آیا نستراداموس حقیقتاً جزء گروه سری مخفی زیرزمینی بوده‌است؟ در حقیقت این مطلب که او هیچگاه به مصر و یا هیچ کشور خاور زمین سفر نکرده است چیزی را به اثبات نمی‌رساند: در زمان قدیم هم مثل دوران ما ابداً لازم نبود که به کشورهای خاوری ار طریق جغرافیایی سفر کنند تا به کسب اسرار باستانی نائل شوند: حال به وسیله نوعی تماس، اروپایی‌ها هم می‌توانند با چنین سازمانی ارتباط یابند با آنکه هیچوقت فرصت سفر به کشورهای دور دست را ندارند.

البته، حداقل با توجه به آنچه ما می‌دانیم، هنوز هیچ نوع مدرک مشخص کننده‌ای بدست نیامده است (یک گواهی که نشان بدهد نستراداموس عضو انجمن سری است، یا جواهراتی که مربوط به آداب و رسوم خاص باشد یا فلان یا بهمان درجه) که نشانگر اثبات حضور نستراداموس در یک تشکیلات سری باشد. البته یک سری نشانه‌هایی وجود دارد که ـ حداقل برای فرد متخصص این نوع مسائل ـ چنین توهمی را ایجاد می‌کند که این امر با دقیق‌ترین نحو وجود داشته است.

به نظر می‌رسد پیشگو در سده‌ها برای ما نشانه‌هایی کاملاً آشکارکننده از ارتباطات مخفی‌اش را به جا گذاشته است.

به طور مثال، می‌توانیم سده (۴۲/۱) را بخوانیم:

در دهمین روز آوریل روز شماری به سبک گوتیک:

---

۱. Comte de Cagliostro

بدست افراد شیطان صفت بار دیگر زنده خواهد شد:
آتش خاموش می‌شود، مجمع شیطانی
در حال جستجوی استخوان شیطان و پسولن[1] است.

بی‌شک بیت آخر چنین معنی می‌دهد: ***در حال جستجوی استخوان شیطان و پسولن است***، و نستراداموس فوراً یا شتاب به نحو شگفت‌آوری جمله را تغییر می‌دهد و عبارتی بکار می‌برد که کمتر افشاگرانه باشد.

در واقع موضوع در باب چیست؟ یک صحنه احضارهای جادوئی، که نه تنها بدست یک جادوگر منفرد انجام نپذیرفته بلکه بدست مجمعی صورت می‌گیرد که آداب و مراسم انجمن سری را بجا می‌آورند. و «جادوگری» مبتذل هم به طور قطع نمی‌باشد، کلمه مجمع شیطانی اینجا برای به اشتباه انداختن بکار رفته است. احتمالاً نوعی خود سانسوری است. فراموش نکنیم که در زمان نستراداموس قوانین هیئت مذهبی علیه جادوگری تنظیم شده بود و با تمام قوت به اجرا در می‌آمد: بنابراین وای به حال بینوای بی‌احتیاطی که جرأت می‌یافت و صراحتاً اقرار می‌کرد که عضو فعال صحنه‌های احضار غیبی است.

میشل پوسولس[2] (در سال ۱۰۱۸ - ۱۰۹۶ عصر حاضر) یکی از معروفترین فلاسفه یونان پیرو افلاطون است، که از خود متن‌های جادوگری باقی گذاشت که بر پیروان انجمن‌های سری مغرب زمین در عصر رنسانس تاثیر عظیمی گذاشته است. و لازم است اضافه کنیم که این نویسنده به هیچ وجه پیرو افکار شیطانی نیست، به نوعی کیمیاگری و امور جادوئی را فقط در راه اهداف خداپسندانه به اجرا در می‌آورد.

منظور از این نوع توسل فقط رسیدن به وضعیت روشن‌بینی بوده است، که پوسولس اظهار می‌دارد: ***وقتی به آن مرحله رسیدیم، بصیرت***

---

۱. Pselin

۲. Michel Psellos

یافته، و نیروی استدلال خاموش می‌ماند، یا کاملتر بگوییم متوجه نمی‌شویم که در حال فکر کردن هستیم؛ زیرا فکر در یک درجه پائین‌تر از شناخت واقع شده است، این حالت نوعی دریافت از ذات خاص است...

ما مجدداً در باره این احضارهای مرموز بایست صحبت کنیم (که این بار توسط یک فرد معتقد و منزوی عمل می‌شود) وقتی که چند لحظه پیش درباره ماهیت واقعی اسرار نستراداموس تکیه می‌کردیم. آنچه مهّم است که اینجا تذکر داده شود این است که احضارات جادوئی که توسط اعضاء مهّم و عالی مقام انجمن سری انجام می‌شود از قبیل نستراداموس، "کرنی"،[۱] "اگریپادو نه‌ته‌شم"،[۲] "جان‌دی"،[۳] "مارتینو دو پاسکوالی"،[۴] (یا امروزه) "الیستر"،[۵] "کراولی"،[۶] نبایستی به هیچ‌وجه عنوان «جادوی سیاه» به آن داد (عقیده رایج)، برعکس هدف چنین عملی را فقط در عظمت دورنمای روشن‌بینی می‌توان درک کرد که خود تابعی است از موقعیت واقعی بشر (فتح مجدد قدرت‌های از دست رفته بشر به هنگام هبوط آدم).

به هیچ وجه نبایستی شیوه‌ای که نستراداموس اجرا می‌کرد و آن آگاهی به اعمال روزمره توأم با پارسائی کاتولیکی وی را نادیده بگیریم و او را نظیر آدمی زرنگ متظاهر و ریاکار بشماریم که برای تأمین آسایش نقاب حمایت بر چهره نهاده است.

ما انسان‌های امروزی می‌خواهیم که انسان‌های مشهور دوره رنسانس را با دید انسان قرن بیستم بنگریم؛ از طرفی درست نیست که آنان را به عنوان پیشروان افکار آزاد مبارزه‌طلبانه به شمار آوریم. بالعکس، شخصیت‌هائی مثل نستراداموس در دوره‌ای قرار داشتند که هنوز (آنقدر اظهار دلسوزی از طرف "رنه گه‌نتون"[۷] و پیروانش نشده

---

۱. Corneille
۲. Agrippa de Nettesheim
۳. John Dee
۴. Martinès de Pasqually
۵. Aleister
۶. Crowley
۷. René Guénon

بود) بین دید مذهبی سنتی غرب و آئین سری شکافی به وجود نیامده بود که تکیه‌گاه این آئین مستقیماً روی همان دید واقع بود. نسترادامو‌س بخوبی می‌توانسته، بی‌هیچ ریاکاری، هم کاتولیک بسیار معتقدی باشد و در عین حال مؤبدی ماهر تعلیم یافته در بالاترین اسرار عملی باشد (با قدرتی که مشتمل بر احضار نیروهای فرشته‌آسا است). صداقت بی‌ریای روحی روشن‌بین از شعار "سولی - دئو"[1] هویدا است که همراه علامت شجره‌نامه‌اش یافت شده است[2]. از طرفی این نشانه حس کنجکاوی فردی آگاه به آئین‌های سری را ارضا خواهد کرد: چرخ (سمبل دوره سیر اجرام فلکی) است با هشت پره، عقاب نشانهٔ بارز مهارت در کیمیاگری است...

اما به بحث سده‌ها برگردیم. سه قطعه از کتاب، کاملاً عجیب است، برای ما از گنجینه‌ای اسرارآمیز و کاملاً در اختفا مانده صحبت می‌کند که با توجه زیادی نگهداری شده. نخستین متن:

گنجینه‌ایی مخفی شده است
که در طی قرن‌های پیاپی گردآوری شده است:
کاشف به مرگ سپرده خواهد مرد، و با چشمان خیره به جواهرات.

منظور نوعی دستگاه مکانیکی بسیار دقیق است، که با چشم هر افشاگر راه‌اندازی می‌شود. این نوع تقسیم سده‌ها (۱ / ۲۷) به آن وضوح بیشتری می‌بخشد.

درگی‌ین زیر درخت بلوط دفن شده از آسمان پرتو می‌گیرد
نه چندان دور گنجینه‌ای مخفی شده است...

---

۱. Soli Deo

۲. اینک شجره‌نامه نسترادامو‌س: دهانه گشاد به چرخ شکسته به هشت‌پره تقسیم می‌شود

پس منظور گنجینه‌ایی است که در نزدیکی درخت بلوطی دفن شده است ـ که شاید در شهر "گی‌آن"[۱] یافت شود، مگر اینکه کلمه "گی‌ین" از کلمات قصار مورد استعمال نستراداموس باشد تا موضوع را مخدوش کند، این لغت به معنای کسی است که «حامل درخت دیق» گیاهی مقدس است که برای راهب‌ها بسیار اهمیت دارد.

اینک دومین قطعه عجیب از سده‌ها (۹ / ۷)، این بار:

آن که درب بنای تاریخی کشف شده را می‌گشاید
و فوراً موفق نشود محکم در درب را ببندد،
مصیبتی بر او روی می‌آورد...

مجدداً، این تهدید دامی شیطانی علیه هر شخص افشاگر است.

در شهر سالن دو پروانس، افکار مردم شتابان بکار افتاد و تصور کردند که پس از مرگ پیشگو گنجینه افسانه‌ای در قبر نستراداموس مخفی شده است. طبق روایتی که از تمام باورهای عقلانی فرا رفت، گفتند که مؤبد در حقیقت نمرده است، فقط وانمود به مرگ کرده تا بتواند به تنهایی اندیشه کند و در آرامش بکار بپردازد، از مردم کناره گرفته ـ پس از یک تشیع جنازه دروغین ـ در سالن زیرزمینی تا پایان قرن بیستم مخفی شده است، افراد زود باور خصوصاً شهادت می‌دادند که به وضوح صدایش را شنیده‌اند، وقتی خوب گوش فراداده‌اند، صدای غژغژ قلم پیشگو را می‌شنیدند، که همچنان مشغول نوشتن است! معهذا، دو قطعه‌ای که در بالا ذکر شد اشاره به هر چیز دارد غیر از قبر پیشگو. مسلماً، حداقل، این طور فرض کنیم که فرضیه‌ای عجیب و کاملا بی‌پشتوانه می‌باشد که نستراداموس دو گور دارد: یکی شناخته شده و دیگری ناشناخته. این قبر اخیر متعلق به اوست!

---

۱. [illegible]

امّا اینک سومین و آخرین قطعه از سده‌ها که بـه گـنجینهٔ مـعمائی مربوط می‌شود (۸ / ۶۶):

در آن هنگام که نوشته دی ـ ام[1] کشف گردد،
و اسرار غار قدیمی با روشنائی چراغ آشکار گردد،
قانون پادشاه، شاهزاده اولپیان[2] آزموده شده،
ساختمان ملکه و دوک تحت حمایت قرار دارد.

موضوع فوق بسیار مبهم است، با وجود این که به یکباره بال‌های خیالی ترجمه خودمانی از کلمه «گنج» را قطع می‌کند: چون ابـداً بـه ثروت معمولی ارتباط ندارد؛ بلکه به نظر می‌رسد مربوط به چیزهای دیگـری است بـه غـیر از صـندوق‌های بـزرگ مـملو از جـواهـرات و سکه‌های خوش صدای طلا. پس موضوع به چه چیز می‌تواند مربوط باشد؟ آیا یک گنجینه مخفی از تعلیمات سـازمانی زیـرزمینی، یـعنی وسایل مربوط به آداب و مراسم تیره‌ای از رهبانان و پیروان تشکیلات فراموشخانه است؟ یا برنامه مجمع اسقف‌های سری و خاصی است که «سلطان بزرگ» آینده آن را بدست خواهد آورد، هـمراه بـا مشـعل باستانی سلاطینی که در سنن فرانسویان وجـود دارد؟ شـاید چـهل و هشت رباعی باشد، که در سده هفتم در متن اصلی کم است؟ یا متن مرموز از یک کتاب سری است که چون کلیدی برای گشودن رمز تمامی پیشگوئی‌های مؤبد شهر سالن بکار می‌رود؟... می‌تواند همچنین نوعی رمزگشایی برای کشف کامل علائم باشد، که در آن صورت قابل مقایسه با تعلیمات فرعی می‌شود ـ نقل در ـ "فاما فراترنیته"[3] که به سال ۱۶۰۴ میلادی در مقبره "کریستیان رزن اکروتز"[4] کشف شده بود.

این عقیده که طبق آن ممکنست نستراداموس به تعلیمات والائی در

---

۱. D.M.
۲. Ulpian
۳. Fama Fraternitatis
۴. Christian Rosen Kreutz

مجمع برادری فراموشخانه رسیده باشد و به درجه‌ای از مهارت که لقب استاداعظم یافته به نظر قابل قبول است. البته باز هم در تورن آدرسی نشان می‌دهند - «روستای مورازو»، خیابان میشل لوسونا، شماره ۶۸؛ با ویلای قدیمی ویتوریا - بر کتیبه‌ای از سنگ مرمر نوشته شده است:

۱۵۵۶ - این جایگاه نستراداموس است که در آن بهشت، دوزخ و برزخ یافت می‌شود.

من پیروزی نام دارم.
کسی که مرا محترم شمارد فلاح می‌یابد.
کسی که مرا خوار به دارد، درگمراهی کامل خواهد بود.

درباره این نوشته چه فکر می‌کنید؟ دلیل بسیار ساده‌ای که مالک منزل می‌خواسته باین ترتیب ملاقاتی که با نستراداموس داشته است جاودانی سازد - دیدار هنگامی بود که مؤبد در سال ۱۵۵۶ از تورن می‌گذشته است - این تصور ایجاد می‌شود که صرفاً این کار برای تحت تاثیر قرار دادن میهمانش بوده است. به نحوی مقاومت ناپذیر به دیداری استثنائی فکر می‌کنیم یعنی این که یکی از افراد والامقام تشکیلات فراموشخانه از آنجا می‌گذشته است. به اضافه اصطلاحات موجود در متن بما ثابت می‌کند که ملاقات مؤبد ابداً یک دیدار ساده به خاطر نزاکت نبوده است، بلکه در پاسخ به مأموریتی همراه با آموزش خاص بوده است، شاید برای تخصیص یک معبد، یا یک لژ؟ این فکر با خواندن کنایه‌های عجیب جهنم، برزخ، یا بهشت برایمان پیش می‌آید: پس اینجا موضوع به آداب مذهبی مربوط نمی‌شود، بلکه آزمایش‌های تعلیماتی است، به کسانی پاسخ می‌دهد که در آئین مخصوص پذیرفته شده‌اند و به یک روشن‌بینی رهائی‌بخشی دست یافته‌اند مربوط است. و چنانچه تفسیر ما صحیح باشد، به شکلی واقعاً فوق‌العاده کسی را که با آئین مخصوص در جمعیتی پذیرفته می‌شود به مرحله روشنگری

می‌رساند، یا نوعی توانائی برحسب آنکه داوطلبان آمادگی داشته باشند و امتحانات را با موفقیت بگذرانند یا از عهده آن برنیایند و درنتیجه آنها را به رهایی فکری کامل برساند یا برعکس به زوال اسفناکی بکشاند.

سؤال جالبی است، اگر از ما بپرسند که کدامین شخصیت‌های مهم تعلیم دیده را نسترادامو‌س در دوران زندگیش شناخته است؟ بی‌شک می‌توان "رابله"[۱] را نام برد: که شخصیت این نویسنده برخلاف آنچه در افواه شایع شده است (که او را میخواره و زن‌باره قلمداد کرده‌اند) وی یک متقدم مبارز «ضد نژادپرستی» بوده است و از همکاران بزرگ تعلیم دیده زمان خودش به شمار می‌آمده است.

ابداً بی‌ربط بنظر نمی‌آید که فرض کنیم نستراداموس نقش مهمی در تشکیلات تعلیمات سری بازی می‌کرده که بی‌شک تشکیلات فراموشخانه بوده است: در قرن شانزدهم، حس می‌کنیم که گروهی از این دست درحال شکل‌گیری است ـ با مردانی چون "اگریپا"[۲]، و "پاراسلز"[۳] ـ عملیات عظیم تشکیلات فراموشخانه در اوایل قرن بعدی بایستی به منصه ظهور برسد.

نباید همچنین، امکانات و قوانین ناشناخته ارثی را نادیده گرفت: سابقه یهودی بودن نستراداموس باعث شده که به تشکیلات انجمن علمای مذهبی "کابال"[۴] متوجه شویم ـ که مخصوص برخی‌از خانواده‌های بزرگ اسرائیلی بوده که در حقیقت انتقال اسرار کابال از پدر به پسر است ـ با نقطه نظرهای علمی و عملی.

در پایان کاملاً مغایر با افکار عمومی، تصویر مردمی نستراداموس «مرد بزرگ آشنا به اسرار» است که نه فقط همانند یک داستان شاعرانه زیبا نیست: بلکه در واقع، غیبگوی بزرگ شهر سالن نقش مهمی را بازی

---

۱. Rabelais

۲. Agrippa

۳. Paracelse

۴. تفسیر رمزی تورات نزد یهودیان که توسط گروهی از مطلعان یهود تدوین شده.

می‌کند، که ظاهراً، در تداوم فعالانه اسرار کیمیاگری و رموز کابل است.

اما حالا به مهّم‌ترین مسأله خود می‌رسیم: بله یا خیر، نستراداموس قادر بوده است آینده را ببیند یا خیر؟ پس راز چه بوده است؟

اسرار سده‌ها

انتقاد عقلانی بطور کلی و حتی با شدّت وحدت منکر موجودیت «حقیقی راز نستراداموس» است. در صورتی که ما یکی از دو فرضیه شکاکین را بپذیریم این طرز فکر به راه عدم منتهی می‌شود.

طبق اولین فرضیه، سده‌ها فقط مجموعه‌ای هذیانی در میان آثار دیگر است، و اثر یک الهام شده است (به معنای خودمانی موضوع)، و توفیق مداوم آن بر اثر فرضیه بسیار غم‌انگیزی می‌باشد که خرافه‌پرستان به آن معتقد هستند یعنی حیات پس از مرگ - موهوم‌پرستی‌ای که در عصر حاضر در بین توده مردم با وجود پیشرفت‌ها و رشد علمی وجود دارد. طبق دومین فرضیه، نستراداموس کاملاً برعکس آن شخصیت نیمه دیوانه خیال‌پرور می‌باشد: این مرد شیطان صفت، زرنگ وسیله‌ای یافته است که «پیشگوئی»هائی برای ما بنگارد، که حقیقتاً غیر قابل انکار است - بااین دلیل موجّه که هرکس اگر به قدر کافی زحمت بخودش بدهد، در سده‌های نستراداموس جستجو کند در آنها هر چیزی که بخواهد می‌یابد! پیشگو، علاوه بر این، با مهارت از زبانی ملقمه‌ای گنگ و ابهام‌آمیز استفاده کرده است، بطوریکه ما را در یک آتشبازی دوارآور از تصاویر بیانی قرار می‌دهد که قادر است آنچه را که قابل بیان و مهم است و وقایع آینده را به ما نشان دهد، تنها خواندن نوشته‌ای تاریخی هر چند ابتدائی به ما نشان می‌دهد که یک «پیشگو» در بیان احتمالات زیاد به خطر نمی‌افتد که راجع به فرانسه، ایتالیا، انگلستان و آلمان و راجع به اغتشاش‌ها، دسایس، جنگ‌ها، قتل‌عام‌ها، و غیره خبر بدهد. در حقیقت روال طبیعی و تدریجی

دگرگونی‌های ملّی ممکن است ولی این امور همواره در حد طبیعی اتفاق می‌افتد: دسایس سیاسی، درگیری‌های خارجی، جنگ‌های داخلی و غیره. پس نتیجه می‌گیریم که نستراداموس ابداً یک پیشگو نیست بلکه فردی می‌باشد که اطلاعاتی در اختیار ما گذاشته است: که در سالهای آینده، باران، خشکسالی، طوفان‌ها و زلزله‌های چند و غیره خواهد شد. مواجهه مفسرین نستراداموس طی نسل‌ها به هر قیمتی که شده سعی‌شان بر این است که عقاید سیاسی پربهاتری به دست آورند، که نوعی تأیید غیرمستقیم است ـ و به نحو احسن تحقق می‌پذیرد ـ نستراداموس موفق شده است با قدرت در باب ساحری اثری تألیف کند که هر کسی با اندکی مرارت می‌تواند موضوع را دریابد، همانطور که طنزنویسان می‌گویند (پس پیدا کنید سن ناخدا را).

اگر نظریه اوّل (آن که نستراداموس نیمه دیوانه و دچار اختلال حواس) غیر قابل پذیرش باشد[1] برعکس دومین نظریه ارزش بررسی دقیق را دارد.

البته، زبان نستراداموس بسیار پیچیده، معمائی و مبهم است و تا سرحد امکان عجیب می‌باشد. البته قطعاتی کلی وجود دارد که می‌توان آن را به موضوعات فرعی مربوط ساخت.

فرانسه یکی از ممالک غربی است که بیشترین موقعیت‌ها را داراست (اگر بتوانیم بگوئیم) از بابت جنگ‌ها، مصیبت‌های عمومی گوناگون، می‌توانیم اینطور دریابیم که تاریخ‌نویسان عقلانی ابداً با خواندن قطعات ذیل فریاد «پیشگوئی» نابغه‌وار سر نخواهند داد، با صحنه‌هایی که می‌تواند مربوط به هر نبردی باشد که مملکت فرانسه را دچار و رنج ساخته است:

---

۱. اگر لیستی از مردان بزرگی که نه تنها ایمان به اخترشناسی و پیشگوئی دارند بلکه خودشان هم نامزد اجرائی آن نیز هستند « علوم دروغین»، تهیه کنیم صورتی از جایزه بگیران عیّاری بدست خواهیم آورد که به هیچ وجه این لیست قابل ترحم نیست.

صلح از یک طرف وارد می‌شود، جنگ:
که هرگز تعقیبی چنین شدید وجود نداشته است:
مرد و زن شیون بر می‌دارند؛ خون بی‌گناهان بر زمین جاری است
و در سراسر فرانسه کاملاً روی خواهد داد (۹ / ۵۲).

با اینهمه، بررسی دقیق سده‌ها به ما نشان خواهد داد که حساب احتمالات فرضیه‌ای غیر ممکن است فرضیه آسانی که یک آدم زرنگ وقایع درهم و برهم بی‌ارزش «پیش‌بینی‌ها» را جمع کرده و سوار بر وسیله‌ای می‌کند که در موقعیت لازم توقف می‌کند.

بدون جلوگیری از ادامه این بررسی، در صفحات بعدی سعی خواهیم کرد ببینیم آیا نستراداموس حقیقتاً (یک در هزار) برخی وقایع دشوار تاریخی را دیده است، خود این امر (در میان سایر وقایع) دارای این مفهوم است: چنانچه پیش‌گوئی حوادث مهم در پاریس، لندن، ونیز، یا شهرهای بزرگ دیگر که بطور قطع درست در می‌آید، ابطال فرضیه فوق با نام "وارن"[۱] همراه است. در این شهر کوچک "آرگون"،[۲] در حقیقت حوادث تاریخی زیادی جز یک حادثه مهم اتفاق نیافتاده است آن هم توقیف لوئی شانزدهم، در حال فرار بود، در این شهر قبل از زمان حیات پیشگو یا دوران حیات وی، کمترین فعالیت مهمی (قابل ذکری) اتفاق نیفتاده تا توجه نستراداموس یا هر کس دیگری را بخود جلب کند. باضافه مؤبد هیچگاه در آرگون حضور نداشته است، در آنجا هیچ دوست یا بستگانی نداشته است، نمی‌توانیم چنین تصور کنیم و آن را به تاثیر کم و بیش آگاهی از محل معین شناخته شده‌ای مربوط کنیم، مثلاً به آنکه خاطره‌ای از دوران کودکی پیشگو باشد.

وقتی برخی قطعات را رمزگشایی می‌کنیم (البته ما متعجب نخواهیم شد) نمی‌توانیم از نتیجه‌گیری زیر خودداری کنیم: بی هیچ شکی،

---

۱. Varennes

۲. Argonne

نستراداموس می‌توانسته وقایع آینده را با شیوهٔ بسیار دقیق ببیند ـ و حوادثی که منجر به اختراعاتی می‌شد، که حتی با فراست‌ترین افراد عصر وی از نظر تکنیکی نمی‌توانسته‌اند این کشفیات را پیش‌بینی کنند. این دلیلی است برای تمام قطعاتی که، در سده‌ها بیان شده وقایع مخصوص فرعی شوم جنگ جهانی دوّم. اینک به طور مثال، توصیف بسیار دقیق آخرین روزهای پایداری آلمان در شهر برلن را می‌بینیم در حالی که این شهر بزرگ زیر بمباران بیش از بیش مرموزی قرار گرفته است.

توطئه‌چینی چون ماشین آتشین جهنده
رهبر بزرگ محاصره شده را متزلزل خواهد کرد:
در درون اغتشاش شدید پدیدار خواهد شد
که بر اثر آن تبعیدی‌ها نومید خواهند شد (۶ / ۳۴).

موضوع شگفت‌انگیز این است که حتی صحنه نبرد با استفاده از موشک‌های آتشبار توصیف شده، اسلحه شیطانی که هیچ کس نمی‌توانسته وجود آن را در قرن شانزدهم حتی درک کند:

پانزده سرباز که بیشترین دارای استاگوا هستند (۴ / ۶۴)

کلمه استاگوا در فرهنگ لغت وجود ندارد، و به هیچ کلمه شناخته شده از مردم یا طایفه‌هایی شبیه نیست؛ امّا این لغت تازه وارد فرهنگ زبان شده نستراداموس از فرانسوی کردن دو کلمه لاتین: «پرتاب‌کننده سوزان»[1] کلمه آتشبار را ساخته است.

پس، نستراداموس ظاهراً خیلی بیش از پیش‌بینی قدرت‌هایی داشته‌است.

---

۱. Ustra a Agentes

البته می‌توان گفت رؤیت حقیقی، و دقت عجیبی در جزئیات داشته‌است.

اما چه رازی نستراداموس بکار برده است؟ آیا خود سرچشمه نیروی عجیب پیشگوئی‌هایش را برای ما افشا نکرده است؟

قبل از هر چیز بد نیست کمی راجع به خود سده‌ها صحبت کنیم، کتاب عجیبی که نستراداموس به صورت مجموعه کامل سده‌ها برای ما نگاشته است و دیوان کامل پیشگوئی‌های این مؤلف، به هیچ نوشته‌ای شباهت ندارد، مشتمل بر ۹۶۹ رباعی است که خاصه در سده‌ها گنجانده شده، باضافه ۵۸ شش بخشی و ۱۴۱ «نمودار پیشگوئی». در عین حال دو عدد رساله ضمیمه شده را نباید از یاد برد: نامه‌ای که پیشگو به پسرش سزار نسترادامـوس (بـه تاریخ اوّل ژوئیه ۱۵۵۵) نگاشته است و رساله‌ای که به پادشاه فرانسه هانری دوّم به تاریخ (۲۷ ژوئن ۱۵۵۸) تقدیم داشته است. این کتاب چندین بار تجدید چاپ شده، یکی از بهترین نسخه‌ها مربوط به نسخه اهدائی به شهر سالن در سال ۱۹۴۰ (چاپخانه محلی) از طرف "شارل رینو ـ پلونس"[۱] می‌باشد، که به کمک موزه "امپری"[۲] در شهر سالن دو پروانس نگهداری شده است: به نام سده‌های واقعی و پیشگوئی‌های میشل نستراداموس، «از اولین نسخه‌های چاپ شده در شهر لیون در سال‌های ۱۵۵۸ ـ ۱۵۶۸ ـ ۱۶۰۵ جمع‌آوری شده است، در "تروا"[۳] به سال ۱۶۱۱ و در لید[۴] به سال ۱۶۵۰ می‌باشد. بهمراه زندگی نامه پیشگو، و فرهنگ لغات مربوط به اثر نسترادامو‌س[۵]». انتشار یک نسخه کامل سده‌ها در سال ۱۹۴۰ به هیچ‌وجه تعجب‌آور نیست، زیرا در هر دوره هرج و مرج بطور حتم چنین موقعیتی قابل درک است ـ به نوعی آشکارا، مجدداً کنجکاوی شدیدی نسبت به هر نوع پیشگوئی[۶] ایجاد می‌شود. بخصوص طی سال‌های اخیر (درباره حوادث سال‌های قبل از سال ۱۹۴۰ است)،

---

۱. Charles Reynaud-Plense

۲. Emperi

۳. Troyes

۴. Leyde

۵. ما متن این نسخه عالی را بکار می‌بریم.

پیشگوئی‌های جالبی شده بود، و سیلی از تألیفات بسیار متفاوت به چاپ رسیده بود، این نکات را آقای "رینو - پلونس" مورد ملاحظه قرار می‌دهد، تألیفاتی که حاوی کلید رمزگشایی و ترکیبی از وقایع‌نگاری کم و بیش پیچیده بوده است، که «نقشه مرموز» مورد مکاشفه پیشگو را طی بیداری‌های شبانه وی آشکار می‌سازد.

در اینجا بی‌فایده است که به شرح کامل نسخه‌های قدیمی اشاره کنیم که پس از مرگ نستراداموس چاپ شده است؛ تنها آنهایی که قابل توجّه است بیان می‌داریم، نسخه چاپ سال ۱۶۰۵، که مشتمل بر رساله اهدائی "ونسان سو"،[۱] از "بوکیر"[۲] به هانری چهارم، مورخ ۱۹ مارس ۱۶۰۵ است، ظاهراً به نظر می‌رسد که پادشاه خوش نیت هانری قسمت‌هایی از **سده‌ها** را که به موقعیتش مربوط می‌شده، کاملاً دریافته است و با نوعی توّجه حمایت‌کننده از این پیشگوئی‌ها حفاظت می‌کرده است. همچنین این موضوع را یادآوری می‌کنیم که به قول افراد بی‌شماری، که احتمال داشته پادشاه هانری چهارم با افرادی در تماس بوده که آشنا به اسرار کیمیاگری زمان وی بوده‌اند: از این رو حمایت بی‌وقفه‌ای از اخترشناسان و کیمیاگران می‌کرده است.

برای خواننده مدرن هیچ چیز گمراه‌کننده‌تر از مطالعه سده‌های نستراداموس نیست. که اشکال فقط مربوط به تفاوت معمولی زبان فرانسه متداول در قرن شانزدهم و زبان فرانسه امروزی نیست؛ بلکه مربوط به موضوع دیگری است، زبانی که قسمت اعظم آن رمزی است و همواره لغت‌های جدیدی در آن سبز می‌شود و بنا بر میل پیشگو در کوره شکل می‌گیرد و در این ترکیب از ریشه‌های لاتین، یونانی، اسپانیائی، قوم سلت، زبان ناحیه پروانس استفاده می‌کند. آتشبازی غریبی با نام‌های آهنگین و تصاویر منحرف‌کننده به راه می‌اندازد، که باعث الهام تحریک‌آمیز و مسلمی می‌شود که ظاهراً با همه کوششی که

---

۱. Vincent Sève

۲. Beaucaire

برای برگزدان آن به زبان فرانسه فعلی می‌شود باز معنی خود را از دست میدهد. البته، برخی مفسرین این خطر را استقبال کرده‌اند، امّا سعی آنان به راستی کاملاً نافرجام مانده است: چنین اقدامی خطر خیانت به اثر نستراداموس را در بر دارد وسوسه‌ای که ما را به شدّت به تلاش وادار می‌کند که با اصطلاحات جاری بعضی لغات معماگونه وی را بخوانیم.
هر که متن **سده‌ها** را با توجه بخواند، خیلی زود متوجه می‌شود که به هیچ وجه تعجبی ندارد که مفسرین بی‌شماری کارشان بی‌ثمر بوده یا اگر کم و بیش موفقیتی برای کشف کلید واقعی این پیشگوئی‌ها پیدا کرده‌اند ـ اغلب این تلاش به نوعی نتیجه‌گیری منجر شده که از نقطه اصلی بسیار فاصله دارد؟

این ابهام به چه دلیل است؟ آیا مربوط به نتیجه مستقیم ساده «هذیان» پیش‌گویان بدون توّجه و بررسی است؟ یا اینکه این هرج و مرج توأم با نوریاران توسط خود نستراداموس آگاهانه صورت می‌گیرد؟ نظریه دوّم صحیح است، همچنان که پیشگو قبلاً با وضوح ما را آگاه ساخته است.

نستراداموس در دیباچه به پسرش، چنین اظهار می‌دارد:

... پیش از آنکه به دامن سکوت پناه برم و همه چیز را ناشنوده بگذارم یعنی مطالبی که فقط به زمان حاضر مربوط نیست بلکه قسمت اعظم آن به آینده مربوط است که با نوشتن بایستی باقی گذاشته شود، اموری که مربوط به حکومت‌ها، فرقه‌ها و نواحی مختلف است، که به نحوی مخالف‌خوان دگرگون خواهد شد؛ حتی بخاطر، رعایت این مسأله که، اگر من آنچه در آینده رخ خواهد داد علنی کنم فرمانروایان حکومتی، فرقه‌ها و مذاهب مطابق امیال خویش شنوده‌ها را چنان ناقص تطبیق خواهند داد، که محکوم به عذاب خواهند شد اتفاقاتی که پس از قرن‌ها به منصه ظهور می‌رسد دیده شناخته شده و به ظهور خواهد رسید.

دلایل عملی این خواست مربوط به آئین‌های سری فوراً چنین در نظرمان آشکار می‌شود: که در محدوده پیشگوئی‌ها، یا در جریان زندگی خصوصی هر شخص لازم نیست همیشه همهٔ حقایق افشا شود! بعلاوه این رازپوشی فقط به پیروی از احتیاط فردی نیست بلکه بخاطر رعایت احکام ابتدائی بشریت است. احتمالاً ارجح این است، که در اکثر موارد، معنای دقیق مکاشفات مربوط به پیشگوئی درک نشود، (همانطور که نیوتن ملاحظه کرده است) مگر وقتی که این حوادث به وقوع پیوندد. از طرفی مسلماً می‌توانیم از خود بپرسیم، چون این موضوع پرسش‌های حساسی از نظر آزادی اختیار فردی مطرح می‌سازد چنانچه شخص از قبل بتواند از «سرنوشت» خود آگاه شود (یا هر نامی که می‌خواهید به سرنوشت بدهید) آیا در حدی خواهد بود که بتواند از وقوع حوادث به هر نحوی جلوگیری کند.

دقیقاً به نظر می‌آید که یکی از مرگ‌آورترین اشتباهاتی که احتمالاً لوئی شانزدهم مرتکب شد، فرار وی به "وارن" بود، و آیا در بین دلایل بدون واسطه پادشاه نوعی احساس شوم پیش از وقوع باعث بروز این واقعه نبود. الکساندر دوما، نویسنده‌ای که اگر قادر بود به آسانی تاریخ را مجدداً به شکل نوینی تحریف می‌کرد، به شیوه خاص تخیلی گزافه گویش پر و بال زیادی می‌داد، گاهی احساس قبل از وقوع را نشانه‌ای از دلیل ناشناخته برای این گروه شدیداً تیره روز قلمداد کرده است: مدّت زمان توقیف و تمرکز فکری پادشاه فرانسه در مقابل تصویر چارلز اوّل پادشاه مخلوع انگلستان. این باور را در لوئی شانزدهم به وجود آورده که به وسیله فرار، از سرنوشت شومی که از قبل به او الهام شده می‌گریزد، لوئی شانزدهم بینوا باین ترتیب با شتاب بیشتری به پیشواز خاتمه اسفناک زندگی خود می‌شتابد. مکتوب، «سرنوشتی که رقم زده‌اند» طبق گفته اعراب ...

نستراداموس علاوه بر کلمات جدیدی که وارد زبان کرده، علاقمند به استفاده از محرک‌هایی است که از طریق سمبول و علائم

مشخص‌کننده‌ای خصوصیات برخی از مردان بزرگ تاریخ را بیان دارد. در آخرین قسمت این نوشته به این نشانه و رمزها که صحتشان آشکار شده اشاره خواهیم کرد، که واقعاً بسیار عجیب بنظر می‌رسد. در ضمن بایستی به وجود سمبول و علائم کلی اشاره کنیم: وقتی پیشگو درباره خروس صحبت می‌کند، به طور قطع به فرانسه اشاره می‌کند. که مسلماً خود کلمهٔ کلیدی اولیه است، اما باز هم لازم است همیشه و هر بار که این نام در سده‌ها می‌آید دربارهٔ آن غور کنیم.

و نیز پیشگوئی‌های نستراداموس به نحوی ساده سود جوید از تحریفاتی که در صورت لزوم به نحوی پیچیده بکار می‌رود، مثلاً با حذف حرفی: کلمه **سیاه**[1] به **پادشاه**[2] بدل می‌شود.

گاهی مهارت سمبولیک بحد اعلی می‌رسد اینک رباعی عجیبی که به سده دهم اضافه شده است:

در آن هنگام که چنگال در دو تیر نوک تیز نگهداری شود،
با شش نیم شاخ و شش قیچی باز،
عالیجناب بسیار قدرتمند، از وزغ‌ها ارث خواهد برد
پس قلمروش را تحت تسلط در خواهد آورد.

ظاهراً کنایه غیر قابل رمزگشایی است، ولی چنانچه توجّه کنیم زود متوجه می‌شویم که مربوط به اعداد رمی است:

به کلمه ***چنگال***، یعنی V؛ ***تیر نوک تیز***، یعنی I؛ **نیمه شاخ**، یعنی C[3]؛ ***قیچی باز***، یعنی X[4]؛ ***در پنجه (چنگال) نگهداری شده با دو تیر نوک تیز*** چیزی نیست جز حرف M[5].

از برگردان این لغات ـ رمزی با معادل اعداد رُمی آن، تاریخی بدست

---

۱. Noir

۲. Roi

۳. در زبان لاتین C عدد ۱۰۰ است.

۴. X عدد ۱۰ است.

۵. M عدد ۱۰۰۰ است.

می‌آید که مساوی است با MCCCCCCXXXXXX که مساوی با سال ۱۶۶۰ است. سال ۱۶۶۰ میلادی، آغاز سلطنت شخص لوئی چهاردهم است لوئی شانزدهم خود زمام امور را بدست گرفت، شاهی که شایسته این لقب از وزغ‌ها ارث خواهد برد می‌باشد: چون وزغ‌ها نشانهٔ سلسله سلطنتی "مرووتژین"[۱] بوده است، که سلسله "کاپسین"[۲] بدرستی وارث قانونی آن سلسله است.

طریقه بکار بردن قوانین ساختاری لاتین بطور عمدی، در ***سده‌ها*** بسیار گیج‌کننده است. (که در آن زبان بنحوی رایج جابجائی بکار برده می‌شود) این نتیجه‌ای است که یکی از بزرگترین محققین تفسیری نوین نستراداموس[۳] طبق آن فرضیه زیر را اعلام داشته است:

در ابتدا این تألیف به زبان لاتین نوشته شده است؛ سپس نستراداموس با تلاش و کار طاقت‌فرسا آن را به زبان فرانسه برگردانده است. پس لازم است مجدداً سده‌ها به زبان لاتین برگردانده شود، و این تنها وسیله‌ای است که رمزهای سده‌ها را بگشاییم.

بسیاری از کارشناسان این فرضیه را قبول ندارند: بر طبق نظریه آنها، روش نگارش عجیب سده‌ها به اندازه کافی گویا است حتی اگر ما فرض کنیم به زبان اصلی فرانسه نگاشته شده‌است، نیز توسط نویسنده‌ای که با خرده‌بینی قوانین زبان لاتین را در ساختار آن بکار برده است.

اما چگونه نستراداموس پیشگوئی‌هایش را انجام داده است؟ آن دسته از تألیفاتی که با اخترشناسی مخالف هستند به عمد دیوان جالب نستراداموس را در شمار یکی از واضح‌ترین نمونه کتابهای خرافاتی قلمداد کرده‌اند که به این «علم نمایی» می‌بالد.

---

۱. Mérovingiens
۲. Capétienne
۳. P.V.Piobb

البته، با وجودی که مؤبد کاترین دومدیسی یکی از بهترین اخترشناسان زمان خود بوده است، ـ ما به زودی ملاحظه خواهیم کرد که منبع حقیقی اولین راز سده‌ها علم نجوم نبوده است ـ این نوشته بسیار عجیب و به وضوح با فن خاص دید اختری زاده شده است، در باب ماهیتی که نستراداموس شخصاً خواستار توسعه آن بوده است. در این باب یکی از اولین سده‌ها را باز کنیم، این دو رباعی اشاره کننده را می‌یابیم (۱ / ۲).

شبانگاه به مطالعه اسرار می‌نشیند،
در انزوا در حالی که روی سه پایه برنزی قرار گرفته است.
شعاعی کم سو از اندرونش زبانه می‌کشد،
با موفقیتی که بهیچ وجه آن را نبایستی پوچ دانست.

میله در دست را بین برانش ها قرار می‌دهد،
خود در قالب موج قرار می‌گیرد، سراپا در حالت برزخی؛
نوعی ترس و صدایی که دسته میله‌ها را می‌لرزاند:
شکوه ایزدی، ملکوت در کنارش می‌نشیند.

این قطعه، بطور عجیبی واضح است، بما نشان می‌دهد که مؤبد احضارهای ماورائی خود را شبانه انجام می‌داده است: این موجود برتر بنام "برانشو" است، که اساطیر یونان ـ رُم به آن "برانش"[۱] می‌گفتند. ما در برابر چشمانمان نستراداموس را می‌بینیم، شبیه "پیتی"،[۲] روی سه پایه برنزی نشسته است و پس از اینکه مراسم خاصی را اجرا کرده است[۳] و پس از دود کردن بخور، ابتدا بر اثر ارتباط القائی نوعی شعله کوچک در نظرش (شعاعی کم سو) شکل می‌گیرد سپس تمام وجودش

---

۱. Branchus

۲. راهبه ربّ‌النوع شعر و غیره.

۳. مراسم با استفاده از میله جادوئی انجام می‌یافته است.

را موجود برتر ترس‌آور اشغال می‌کند با تکنیک القائی ارتباط با ارواح طیبه، اسرار خفیه را به پیشگو می‌گویند. از طریق خلسه نوعی مکاشفه مستقیم باو می‌شود یعنی ارتباط با ارواح و بنابر ترانس‌های پیشگوئی است.

پیشگوئی‌ها هیچگاه بطور اتفاقی انجام نخواهد شد: برعکس پیشگو همیشه ارتباط خواهد داشت ـ و در این مرحله ما این مدعی «علم نمائی» را باز خواهیم یافت ـ، که شناسایی مستقیم (بسیار دقیق) جبریون به وسیله اخترشناسی سنتی را به اثبات می‌رساند. مکاتباتی را متذکر می‌شویم که توسط بیوه نستراداموس می‌بایستی بر کتیبه مزار نوشته شده باشد:

در اینجا استخوان‌های میشل نستراداموس بسیار والامقام غنوده است، تنها به داوری همه موجودات لایق و فانی به شایستگی با قلمی تقریباً ملکوتی، تحت تاثیر اخترها، حوادث آینده دنیا را می‌نگارد.

نستراداموس در نامه مبسوطش به هانری دوّم، برایمان بوضوح بیان می‌دارد:

امّا من نقطه نظرات و پیش‌بینی‌هایم را تقدیم آن پادشاه محتاط و عاقل می‌کنم که پیشگوئی‌های فوق بر اساس قریحه خدادادی و غریزی و متشکل از اشعاری منظوم است و برخی از آنها مشتمل بر محاسبات نجومی است که بر طبق تاریخ سال و ماه و هفته می‌باشد و از نظر منطقه‌ای شامل محله‌ها و کشورها و برخی شهرها و ایالت‌های سراسر اروپا است، حتی شامل قاره‌های آفریقا و قسمتی از آسیا می‌باشد که نمودار تغییرات عظیم منطقه‌ای است، محاسباتی که اکثر این نقاط را بهم نزدیک می‌سازد و مرکب از

انتظاری طبیعی است تا به کسی که جویای معماست پاسخ بدهد، وزن اشعاری که با وجود آسانی فهمش مشکل است.

یا به طریق دیگر بگوئیم تصاویری که پیشگو ترسیم کرده است شبیه حوادث ناگهانی و وسیله تحقیق رسیدگی در دور تسلسل تاریخی است. نقطه نظر کامل سنتی از این قرار است: این نوشته از آغاز تا پایان حوادث تاریخی را به شیوه‌ای تغییرناپذیر با قانون دور تسلسل پی‌گیری می‌کنند. هیچ امری اتفاقی نیست؛ همیشه افراد بشر هوشیار باشند یا نباشند نمی‌توانند بیش از یک بازیگر باشند (در حد پائین یا فوق‌العاده) که نقش شان را در برنامه الهی ایفا می‌کنند. در دوران ما، باز هم، مفسرین علاقمند هستند طرز استفاده از چنین مکانیسم پیچیده‌ای را برای ما ثابت کنند ـ که هر دوره در دوره دیگر جای دارد (دوره‌های طویل خود با دوره‌های کوتاهتر درآمیخته است) ـ آنچه که می توان به آن نام «ساعت جهانی» داد، که از سیاره ما، خود ما، و تمام جمعیت کره زمین شکل گرفته است. ما به سادگی تألیف پرحجم و جدید "چی.سی. سالمی"[1] را نقل خواهیم کرد تحت عنوان: **پیام مکاشفه‌ائی.** حتی این که نستراداموس هم افکاری شبیه به یکی از قدیمی‌ترین فلاسفه پیرو آئین‌های سری، را درباره درک این جهان کاملاً پذیرفته است، زیاد هم تعجب‌آور نیست[2].

برای ما قابل درک است، یک دانشمند معاصر به هیچ وجه دوست ندارد ـ این دورنمای سنتی چرخش‌های زمینی را بپذیرد که اساس آن با عقیده نوین پیشرفتی نامحدود مغایرت دارد (عقیده نوینی که برای هر دانشمند بسیار ارزشمند است). معهذا، اگر مسائل را با دیدی والا نگاه کنیم، آیا این نوع جهان بینی حقیقتاً آنقدر عجیب و غیرمنطقی است که بر آن تأکید می‌کنند؟ آیا ممکن نیست قضیه برعکس باشد، کاملاً

---

۱. J.C.Salemi

۲. "ژرن ـ شارل ـ پیشون، نستراداموس و اسرار زمان" (انتشارات پاریس ۱۹۵۹).

طبیعی است که بخواهیم از اسرار تاریخ آگاه شویم، به نحوی که به دور از انحرافات اتفاقی باشد، همیشه از قوانین غیر قابل تغییر مشیت ازلی تبعیت کند؟ ما کاملاً واقفیم که، ارزش‌های مسائل حساس فلسفی و فقهی (وارد شدن در این مقولات در صلاحیت ما نیست) به مثابه لمس کردن مسأله حاد آزادی اختیار بشری است: چنانچه نستراداموس (که یکی از بهترین نمایندگان علم چرخش‌های سنتی است) بر حق باشد، پس بنظر می‌رسد از آزادی فردی ما کاسته خواهد شد ـ مانند سربازانی که در میدان نبرد جای دارند، که صحنه نبرد می‌تواند برایشان تجسمی باشد از چند داستان کوتاه ظاهراً توأم با هرج و مرج و مجزا که در کنار هم قرار گرفته است ـ امّا چشم یک ژنرال جنگی قادر خواهد بود، در یک نگاه از محل دیده‌بانیش خطوط هدایت‌کننده نبرد راتشخیص دهد.

از نو، مؤید سالن با وضوح کاملاً قابل درکی بر لزوم انجام آئین اسرار خفیه را تأکید می‌کند ـ از این رو در نامه مبسوطش به پادشاه هانری دوّم می‌توانیم چنین بخوانیم:

> ***امّا هماهنگی زمانی، آه! ای پادشاه محبوب موقر، به دست آوردن اسرار وقایع فوق تنها از طریق استفاده از کلمات معماگونه می‌باشد که تنها استوار بر فهم و شعور برتر است و هیچگونه محاسبات پیچیده نامفهوم در آن بکار نرفته است: ولی بیشتر گفته‌ها و کلمات معماگونه یکی از هزار و دو پیامبری بر من تاثیر گذاشت و که بطور طبیعی به من القا گردید. عصر این پیام‌آوران از زمان آفرینش جهان تا...***

متن اصلی دیگر، دیباچه نستراداموس خطاب به پسرش سزار است. پیشگو، پس از اینکه بخوبی مشخص کرده که الهامات خود را از طریق مکاشفات دائمی شبانه بدست آورده است، براساس استوارترین پایه کیهانی و الوهی روشن بینی خود را توسعه داده است؛ او

مکاشفات زیر را برای ما چنین بیان می‌کند:

... از آنچه به ید قدرت ذات ملکوتی توسط حرکات انتقالی اخترشناسی به من شناخت داده شده است.

به دقیق‌ترین شکل خود، عقیده قدیمی اخترشناسی که ارتباط استواری بین حرکت چرخشی سیارات و تمام پدیده‌های زمینی را اظهار می‌دارد (که مشتمل است بر تاریخ بشریت). پیشگو این موضوع را در همین دیباچه جالب بررسی می‌کند که خطاب به پسرش نگاشته است:

همه چیز تحت اختیار و سلطه قادر یکتا خداوند لایزال است. که الهامات ما نه از جنون سکرآور و نه به وسیله جوشش لنفاوی است بلکه به وسیله تائیدات اخترشناسی است.

مکانیسم پیشگوئی‌های الوهی وی از این قرار است: صحنه‌هایی چون نمایش با داستان‌های کوتاه ناگهان در نظر مؤبد مجسم می‌شده تحت تاثیر القاء ماورایی مستقیم و همیشه به نحوی روشن این رویدادها در چرخش‌های اخترشناسی جای می‌گرفته است.

در همین دیباچه، نستراداموس کوشیده است تا بنحو بهتری این روش واقعی القایی پیشگوئی را برای ما توضیح دهد.

... و در مورد پیام‌هایی که توسط خداوند ابدی، و از طریق فرشتگان متعالی، روحی سروش‌پذیر دریافت می‌کنند، که با این وسیله به امور دوردست بصیرت می‌یابد، و حوادث آینده را می‌تواند پیش‌بینی کند.

چنین ادامه می‌دهد:

امّا راجع به سروش های غیبی که توسط روح لطیف آتش،[۱] دریافت خواهد شد که، گاهی توسط نیروی ادراک برتری است که بر ورای کواکب در حال نظاره است نیرویی که برانگیخته شده گویی مراقب است حتی در موقع بیان کردن و نوشتن، شخص باوجود غافلگیری به توصیف بدون هراس می‌پردازد...

از اینجا این توصیف زیبا توسط پیشگو بیان می‌شود:

زیرا پسرم، پیشگو به معنای واقعی کلمه کسی است که امور دوردست را با شناخت علمی از همه موجودات می‌بیند (...) زیرا اسرار خداوند غیر قابل درک است و تقوای عمل‌کننده به طول وسعت دانش طبیعی حادث می‌شود، نزدیکترین مبنای آن را از آزادی اختیار می‌گیرند، از این امر انگیزه و سببی آشکار خواهد شد که آنان خود نمی‌توانسته‌اند در چنین نوشته‌ای توفیق یابند و در می‌یابند که این امر نه بدست انسان‌های معمولی و نه توسط افرادی که تفال می‌زنند، و نه توسط هر دانش دیگری عملی نیست و تنها از طریق تقوای الهی که تحت تاثیر عمق ملکوت است و نیز در حضور تمام ابدیت صورت می‌پذیرد، که در هر زمان فرد با ایمان را دربر می‌گیرد.

نسترادامـوس کاملاً به وضوح روش حرکت را مشخص کرده است، اگر از اصل مشخصه و از شعور برتر سرچشمه گرفته باشد، به توسط آن هر ذی شعوری می‌تواند ناگهان قادر به روشن‌بینی بشود:

زیرا قوه ادراک خود شعوری به ذات نمی‌تواند غیب‌بینی داشته

---

۱. ما در اینجا صحنه بزرگ رابطه با ارواح طیبه که در سده اول شرح داده است را می‌یابیم.

باشد مگر به توسط صدایی که در حالت برزخ از طریق شعلهٔ کم‌سوی عمل‌کننده باشد که در آن قسمت صحنه وقایع آینده شکل خواهد گرفت.

بدینسان شروع می‌کنیم تا روش مکاشفه‌ای در پیشگویی نستراداموس را بطور صحیح دریابیم، که همیشه این پیشگوئی‌ها خود درون چهار چوب بسیار محکمی از نظریات کامل جبریون، از نوع قوانین اختر شناسی قرار می‌گیرد؛ باین ترتیب روشن بین به هیجان می‌آید (باز هم در دیباچه به پسرش سزار) و چنین تحلیل می‌کند:

... اخترشناسی توصیف‌ناپذیر است: که توسط آن با توسل به الهامات و مکاشفات ملکوتی با ارزیابی‌های دائمی صورت می‌گیرد ـ آیا پیشگوئی‌های تحریری ما مکتوب شده است.

بوسیله تصویر کاملاً ناقصی می‌توانیم نستراداموس را با یک شیمیدان مقایسه کنیم، که اجسام بی‌شمار معدنی را کشف کرده است و با شتاب می‌کوشد تا اکتشافاتش را طبق قوانین قاطعی به نظم درآورد که مشکلّه همان اجسام است.

پیوب سعی کرده نشان بدهد، که نستراداموس، چگونه کلیشه‌های دید اختری پیشگوهایش را همیشه در قالب چهار چوب اخترشناسی گنجانده است، که این از نظمی ساعت‌وار پیروی می‌کند. از طریق محاسبات بسیار طولانی و کاملاً پیچیده، که هدفش اینست که اشعار سده‌ها را به شکل سلسله زنجیری از چرخه‌های نجومی قرار دهد، با تمام حوادثی که با طرز قرارگرفتن کواکب مشخص شده است که نیز این وقایع به چرخه و حرکت دوره‌ای آنها مربوط است. ولی موضوع اینجا خاتمه نمی‌یابد: پیوب می‌خواسته است، بازتاب حرکت سیاره‌ها را بر روی نقشه فرانسه نشان بدهد که نشانه‌ای هندسی تشکیل می‌دهد که

گوئی هر نوع واقعه دشوار در اشعار پیشگو به تصویر در آمده است، و با نوعی تصویر رمزی توصیف شده است. فرد محقق دیگری که از مفسرین نستراداموس به نام "ژ ـ روش‌تایه"[۱] است که از روش‌های ریاضی مورد استفاده پیوب به وفور سود جسته است، که او یکی از مریدان وفادار پیوب بوده است، بایستی خاطر نشان سازیم، که این شاگرد کنت پیوب بسیار عاقلانه عمل نموده، عملاً به این نکته کاملاً مهّم توجه کرده است،[۲] طبق این نظریه پیشگوئی‌ها قابل بررسی نیست مگر هنگامی که حوادث فوق به وقوع به پیوندد، و به راستی برای ما چنین بیان می‌دارد:

در پی تحقیقات طولانی و صبورانه خود متوجه شدم، که اگر از آغاز همان اصول ام. پیوب را بکار ببرم (...) نوعی کلید هرچند هم ناقص را برای آشکار کردن آینده بکار گیرم که تا اندازه‌ای برای بررسی کافی است، یعنی در پرتو اشعار وی، تعدادی از مسائل مربوط به گذشته حتی مربوط به حال روشن می‌شود.

روش تلفیقی انعکاسی پیوب ـ روش تایه مشتمل است بر (اگر صحبت آقای روش تایه را کنار بگذاریم) بازتاب موقعیت کواکب روی نقشه، باین ترتیب یکی از اشکال هندسی را تشکیل می‌دهد که شامل یک زمان معین مربوط به رمز مسأله مطرح شده باشد ـ مسلماً نقشه انتخاب شده مربوط به مملکتی است که موضوع خاص مطرحه در **سده‌ها** است: برای فرانسه. برحسب موقعیت زمانی تاریخ، نقش گل‌های سوسن را خواهیم داشت، یا نیزه‌هایی که به‌سوی بالا پرتاب شده است و غیره حتی گاهی، نمونه گرافیکی بدست آمده نوعی شیئی است که نستراداموس یا هر فرد هم عصر وی نمی‌توانسته‌اند از وجود یا

---

۱. G. Rochetaillée

۲. همانطورکه می‌دانیم، اسحاق نیوتن بود که اولین بار این نظریه را اظهار داشته است.

حتی امکان فرضی آن آگاه باشند. به این ترتیب نقشه علائمی جغرافیایی در تاریخ اوّل اوت ۱۹۱۴ ترسیم گشت که نشان‌دهنده طرحی نظیر نوعی تفنگ ـ مسلسل مانند بود، که سراسر مملکت فرانسه را در بر می‌گرفت، از پاریس تا مارسی و از استراسبورگ تا "برست". به راستی می‌توان گفت که شک و تردید تاریخ‌نویسان پیرو مکتب عقلانی را درک می‌کنیم؛ و کاملاً واضح است که محاسبات بسیار پیچیده پیوب (حتی بیش از حد پیچیده است، که برای اندیشیدن باید سر فرود آوریم)؛ که ترکیبات چنان بی‌شماری را وارد محاسبات خود کند، بنظر نمی‌آید از برهانهای قاطعی باشد که با گرایش سریع منفی بافان را به راه آورد. فقط یک روش، و تنها این روش بما اجازه می‌دهد مشاهده کنیم ـ که علیرغم ظاهر ساده‌اش ـ با روحی بی‌آلایش: را ببینیم که، چنانچه جواب مثبت چه منفی باشد، آیا برخی اشعار سده‌ها در هر صورت نوعی وسیله فوق‌العاده تحقیق و بررسی شناسائی وقایع در آینده نزدیک یا در زمانی دور است؛ نستراداموس ـ این فردی که در قرن شانزدهم می‌زیسته است ـ آیا قدرت مشاهده داشته است یا خیر؟ آیا بازی‌های اصلی توأم با بیرحمی در چرخهٔ دوره‌ای تاریخ جدید و فعلی اروپای غربی را دیده است. این موضوع با اهمیت است که بگوییم ـ نستراداموس در دوران حیاتش، با مخالفین خشمگینی برخورد کرده است. امّا این خصومت‌ها، با بهترین نوع حمایت‌ها تلاقی می‌کرد که هیچگاه کاستی نمی‌یافت. در عین حال قید کنیم که آقای "رنسار"[1] جزء بهترین طرفداران پیشگو است، حتی این اشعار را وی نوشته است (بعقیده ما خیلی هم موفق نبوده است) باین ترتیب در جائی که به کشور فرانسه شخصیت انسانی داده است اشاره می‌کند:

تو به سخره می‌گیری پیشگوها را همانطور که خدا را

---

۱ Ronsard

میان فرزندانت برگزیدی و به محیط عرضه داشتی
از آغوش تو ظاهر شد، تا برایت از پیش آگهی دهد
روزهای سخت آیندهات را امّا تو فقط به گفتارش میخندی.
یا باشد که خدای بزرگ عظیم ابدی
روح پر هیجان نستراداموس را به شور آورد،
یا این که اهریمن خوبی یا بدی او را به حرکت در آورد...
به سان هاتف غیبی باستانی طی سالهای بیشماری
سرنوشت قسمت اعظم مملکت، مارا پیشگوئی میکند.

بیآنکه بخواهیم در سومین و آخرین قسمت کارمان (که مهمترین بخش است) سریعاً پیش برویم، فوراً به خواننده خاطر نشان میسازیم، که علیرغم عقیده پیش از حد سادهای که طبق آن همه چیز را در اثر نستراداموس به سادگی میتوان یافت و هر کسی که دارای کمی اراده و پشتکار است موفق به درک میشود، قطعاتی اندک آشفته هم در این اثر وجود دارد: پیشگو حقیقتاً دیده است، ما نیز گواه آن هستیم، حادثه مرگ غمانگیز "پادشاه هانری دوم"،[۱] و "فرار احمقانه لوئی شانزدههم، را به وارن که مقدمهٔ سرنوشت شوم وی بوده است"[۲]، و "تولّد ناپلئون اوّل"[۳] و بسیاری حوادث تاریخی دیگر که همه به همان اندازه مهّم هستند.

البته، این عقیده که هر انسانی قادر است نه تنها وقایع گذشته بلکه آنچه مربوط به آینده است (نزدیک یا خیلی دور) را ببیند، در رابطه با زمانی که در آن زیسته است، نوعی انحراف سریع در عاداتمان ایجاد میکند، که در فکر به آسودگی به آن میاندیشیم. معهذا، با تفکر و غور در این مسأله، متوجه میشویم که این امکان حتی خود بخود هم پوچ نیست ـ حال اگر برعکس در مورد یک دانشمند باشد یا یک فیلسوف؛

---

۱. سده یک، رباعی ۳۵.
۲. سده نهم؛ رباعی ۲۰.
۳. سده یک، رباعی ۶۰.

کاملاً طبیعی بنظر می‌آید که به این فرضیه بزرگ بیندیشد: در دنیای واقعی هم لازم است سلطه حکومت ابدی در حال حضور دائم را بپذیریم ـ در بارهٔ آنچه که بوده و هست و خواهد شد، که نوعی همزیستی پیدا خواهد شد، یا به شیوه‌ای هم زمان وجود خواهد داشت، بجای اینکه به نحوی پیاپی قرار گیرد. البته، خاصیت درک فردی معمول ما (حقیقتاً توهمی است) در این است که کاملاً نمی‌تواند واقعیت ظاهری را بپذیرد مگر با بروز حوادث پیاپی که بر خط فرضی گذشته ـ حال ـ آینده قرار دارد[1]. امّا در برخی شرایط، حوزه روشن بینی آگاه ما بطور ناگهانی وسعت خواهد یافت ـ خواه در جهت گذشته، یا در جهت آینده. این امر بدون دخالت شخص ایجاد می‌شود ـ و معمولاً به شیوه‌ای بسیار مختصر[2] ـ که بوسیله نوعی تمرین‌های مخصوص تبدیل به یک نیرو می‌شود، قدرتی که بر اثر تمرینات به کمال رسیده و قابل تبدیل به امکانی ارادی و مداوم می‌شود. در مجموع، نستراداموس به قدرت بهره‌برداری از سفرهایی از طریق ضمیر خود دست یافته بود و به آینده دسترسی داشت، در حین این انتقال پیشگو کلیشه‌های آینده، نزدیک، یا بسیار دور دست را «برمی‌چید».

پیش از آنکه شانه‌هایتان را طبق معمول بالا بیندازید، مناسب است که باین امر فکر کنید: پیش از این که خودمان را وادار کنیم تا هر نوع تجربه‌ای را انکار کنیم که بنظر می‌رسد دریافت عادی ما درباره طول زمان است (حوادث روی یک خط زمانی تقسیم‌بندی می‌شود که آنچنان مقطع است بنام گذشته ـ حال ـ آینده)، فرضیات علمی معاصر در مورد عامل نسبی معنای زمان می‌تواند بهترین حامی فرضی ممکن را تشکیل دهد. واقعاً به نظر می‌رسد که احساس قبل از وقوع افرادی که تحت القاء قرار دارند گاهی با امکان عجیبی از حقایق علوم عالم پیشی

---

۱. باین ترتیب زمان بُعد ویژه‌ای پیدا می‌کند.

۲. می‌توانیم مثال‌های متعددی بیاوریم از خواب‌های پرمعنی هشداردهنده یا روشن‌بینی [illegible] گذشته یا حوادثی که هنوز اتفاق نیافتاده است.

می‌گیرند. که این امر توسط دانشمندان معاصر محقق گشته است.

البته ما در اینجا مسائل حادی را مطرح می‌سازیم، که مربوط به ارزش فرضیه‌هایی است که بتدریج قابل درک شده است، آنچه که امروزه به نام ماوراءالطبیعه و فوق روانشناسی می‌نامند که سعی دارد تجربیات بشر را قابل فهم سازد که در وضعیت فعلی با تحقیقات رسمی شناخته شده هنوز غیر قابل توجیه است. نستراداموس در رؤیت این بررسی‌های تجربی نوعی متقدم می‌باشد، و در زمینه این تجربیات «در مرزهای علوم» (چنانکه امروزه به آسانی می‌گویند)، موضوع توجهات القاءکننده بی‌شماری است.

اگر ما به تجزیه و تحلیل کلیشه‌های روشن بینی نستراداموس بپردازیم، در حقیقت متوجه روش متمایزی خواهیم شد که در آن تصاویر به دست آمده نظیر همان تصاویری که ضمن آزمایش تله‌پاتی یا مورد پیش شناخت‌ها داشته‌ایم. بطور مثال، فی‌الواقع از خود می‌پرسیم آیا شکل عجیب برخی کلمات "مورد استفاده نستراداموس" همواره مطابق خواست خود مؤبد صورت می‌گرفته است تا بهتر اسرار خود را پنهان کند: گاهی بنظر می‌رسد در مشاهدات پیشگو موضوعی بکار برده می‌شود که بسیار به تحریفات عمدی مداومی شباهت دارد که در تجربیات زمان حاضر انجام یافته است تا دگرگونی تصاویر مربوط به تله پاتی را تحقق بخشد. این ساختار از نظر منطقی درونی بسیار عجیب است، گاهی (با تشکیل ناگهانی تصویر قابل لمس ولی سمبولیک) نیز کاملاً با معنی است. این موردی است که یکی از بهترین متخصصین تفسیری فعلی نستراداموس اظهار نموده است، مورخ انگلیسی به نام "جیمز لاور"[۱] می‌باشد. این نویسنده، که در زمینه تحقیقات پدیده‌های مربوط به امور «مافوق الطبیعه»، صلاحیت زیادی داراست، بخوبی متوجه خصلت عجیب تطبیق مکاشفه صحنه‌های آینده توسط

---

۱. James Laver

نستراداموس شده است؛ همه چیز دال بر اینست که مؤبد با امکان صحیحی بطور ناگهانی صحنه‌های آینده را تسخیر کرده است. گاهی همچنین در وسط حوادث تاریخی که دارای ارزش و اهمیت بسیار است، ما ناگهان می‌بینیم که یک امر قابل رؤیت فرعی از نظر واقعه قبلی ظاهر می‌شود: آقای لاور خاطر نشان می‌سازد در آن حال به مردی می‌اندیشم که می‌توانسته حوادث را از یکدیگر تفکیک کند، در رویدادهای آینده نه تنها به امور با عظمت درجه اول توجّه می‌کرده بلکه در عین حال موفق می‌شده در اطراف قضیه اصلی موضوعات کم‌اهمیت‌تر را نیز مورد نظر قرار دهد.

قدرت عجیب مشاهده‌ای نستراداموس بهر حال به نظر می‌رسد در مشاهده حوادث فرعی آینده ـ از زمان خود پیشگو تا پایان دوره حاضر زمینی را دربر می‌گیرد ـ به طور سنتی جزئی از امکانات است که مؤبد در کسب الهامات بزرگ جهانی به آن رسیده است. معهذا لازم به تذکر است که مؤلف **سده‌ها** همیشه نمی‌توانسته از واکنش‌ها و عقاید مشخص انسان قرن شانزدهم مبّری باشد چون فردی شدیداً پیرو مذهب کاتولیک بوده است و وطن‌پرست: برحسب مثال وی انقلاب کبیر فرانسه را به همین ترتیب در نظر گرفته است، بدون آنکه از ارزیابی اتفاقات با حالت پرهیجان و عصبی یک سلطنت‌طلب دوآتشه دست بکشد، و این عدم جانبداری بسیار جالب است. بی‌طرفی مؤبد بی‌شک یکی از علائم ملموسی است که به نظر ما می‌رسد وگواهی است بر این امر که مشاهدات مؤبد صحیح و بی‌خدشه بوده است: هر انسان قرن شانزدهم که ناگهان مواجه با نمایش دوارآور دگرگونی‌های شدید اجتماعی و سیاسی آینده شده باشد، البته فقط می‌توانسته کاملاً گیج شود، حتی بر اثر این مشاهدات ضربهٔ روحی بخورد.

ولی ما این بار با مسأله بنحوی قاطع بر خورد می‌کنیم: بله یا خیر آیا نستراداموس قادر بوده است وقایع بزرگ تاریخی آینده را مشاهده کند.

فقط با بررسی دقیق **سده‌ها** می‌توانیم به این موضوع پی ببریم.

سفر شگفت‌انگیز نستراداموس به آینده

ابتدا به فیلم نامه کوتاهی که در آن بطور کامل از **سده‌ها** استفاده شده است توجه کنیم، با حوادث دورانی که نستراداموس در آن می زیسته است.

به خاطر تجربهٔ شخصی در باره قدرت‌های مؤید اهل پروانس بود که کاترین دو مدیسی بیش از بیش در صدد بر آمد تا از نیروی شگفت انگیز غیبگوئی نستراداموس نامی مدد گیرد. درحالی که ملکه خود می‌توانست به حادثه توجه کند، امّا افسوس پس از وارد شدن ضربه آگاه شد! موضوعی که در رباعی سی و پنج سده یکم به آن اشاره شده است:

شیر جوان، بر همتای پیر خود غلبه خواهد کرد،
در صحنه مبارزه در دوئل شگفت انگیز:
اندرون قفس طلائی چشمانش از حدقه در خواهد آمد،
از آن دو یکی با زخمی جانکاه جان می‌سپارد.

وقایع شومی رخ می‌دهد که اینجا با دقت افسانه‌ائی نقل می‌شود: مبارزه دوستانه‌ای که طی آن هانری دوّم و مونتگمری با هم می جنگند؛ بازی جنگی که فوراً تبدیل به وحشت می‌شود (نیزه بلندی از شکاف کلاه خود طلائی پادشاه وارد سرش شد)؛ بینوا هانری دوّم، با چشمان از حدقه در آمده، دو روز تمام با رنج بسیار در حال جان کندن بود.

امّا به اینجا بسنده نمی‌کند. چندین رباعی از **سده‌ها** بی هیچ تردیدی به سرنوشت عذاب‌آور فرزندان ذکور کاترین مربوط می‌شود.

به طور مثال رباعی چهل و هفت از سده چهارم را بخوانیم:

سیاه مضحک هنگامی که مورد آزمون قرار می‌گیرد
دستش با آتش، آهن زه‌کشیده کمان خونین می‌شود،
بزودی مردم شدیداً متوحش خواهند شد
با دیدن بالا دستی‌ها که از گردن و پاهایشان آویزان هستند.

مربوط به وحشت‌انگیزترین صحنه‌هائی است که در پاریس رخ می‌دهد زمانی که قتل‌عام وحشتناک "سن بارتلمی"[1] واقع می‌شود: اشراف پروتستان قتل عام شده و در پنجره‌های روبروی قصر لوور حلق‌آویز می‌شوند؛ شارل نهم جوان ـ که خود نیمه دیوانه شده است ـ ناگهان دستخوش بحرانی وحشت‌زا با حالتی هذیانی، که خون جلوی چشمانش را گرفته ـ با وضعی جنون آمیز (با تفنگ فتیله‌ای و تیر و کمان) از پنجره قصر لوور، بدون هدف خاصی تیراندازی می‌کند[2] ... طرز بکارگیری کلمه **سیاه**[3]، البته تحریفی از کلمه **پادشاه**[4]، است: مثالی بسیار روشن است از جابجایی کوچک عمدی که بنحو ساده‌ای مورد استفادهٔ پیشگوی اهل پروانس واقع شده است که تا سرحد لزوم کشف وقایع آینده را به تاخیر اندازد، با چنین علم لدنی در دوره‌ای که نستراداموس بوده است بنظر می‌رسد به مشاهده صحنه‌های آینده، با وضعی تخیلی می‌پردازد، گوئی صحنه‌های فیلم حقیقی را تماشا می‌کند، که احتمالاً ما را به اندیشه‌های ماورائی وا می دارد که سبب دوار در سرمان می‌شود: پیشگو بر آنچه که بر سر فرانسه می‌آید (مرگ‌های خشونت‌بار، جنگ‌ها، انواع وحشت) واقف است ولی هیچ چاره‌ای نداشته است تا بتواند این حوادث را چون ترنی از مسیر خود

---

۱. Saint - Barthelemy

۲. "تاریخ وقایع حکومت شارل نهم". اثر مریمه.

۳. Noir

۴. Roi

خارج کند[1].

حالا با نمودار پیشگویی شماره ۵۸ آشنا شویم: **شاه شاهان مهربان نیست وخیم است**. این توصیف به چه کسی می‌تواند مربوط باشد؟ در حقیقت این شاه شاهان یعنی این انسانی که دو بار شاه شده است کیست؟ تنها یک سلطان دارای این خصوصیت است هانری سوّم. او دوبار پی‌درپی تاجگذاری کرد: ابتدا تاجگذاری در لهستان که (انتخابی بود). سپس در فرانسه تاجگذاری کرد (از طریق پیوند موروثی). نسترآداموس مرگ غم‌انگیز هانری سوّم را از پیش خبر می‌دهد: راهب فرقه "لیگ ژاک کلمان"[2] (با نامی چنین غلط‌انداز تجسم کلمهٔ رحیم[3]) از طریق خیانت حق ملازمت پادشاه را بدست آورده، و با خنجر زدن به زیر شکمش او را می‌کشد. مهربان نیست و وخیم، بایستی قبول داشت که صفت‌ها خیلی نزدیک است: و توجهاتی این چنین باعث سرگیجه ما می‌شود!

کاملاً ثابت شده که نستراداموس از پیش به کاترین دوام موقتی بودن حکومت‌های پیاپی سه فرزندش را که شاهزاده بلافصل بوده‌اند خبر داده است. در حقیقت، مؤبد حتی خطر کرده، که به سلطنت رسیدن چهار فرزندش را برای او پیشگوئی کرده است؛ حال آنکه بنیامین (هرکول، "دوک د.النسون")، تنها فرزند ذکور بازمانده، با مرگی زودرس از دنیا می‌رود حتی پیش از مرگ برادر بزرگترش (هانری سوّم). به طریق دیگر، کمی ما را امیدوار می‌کند: در هر صورت، نوعی حاشیه توأم با تردید نسبت به مشاهدات از طریق پیشگوئی ایجاد می‌شود؟ معهذا، واقعاً بسیار ضعیف باقی می‌ماند: حکومت دوک د.النسون که از

---

۱. رفتاری کاملاً سنتی از طرفی فرض کنیم، که مؤبد مشهور بتواند روی جریانات کوتاه مدّت تأثیر گذارد: او این عمل را نخواهد کرد اگر بداند با این عمل خطری متوجه کسی خواهد شد (اگر هم امکانش باشد) و باعث حوادث غیرمترقبه و وحشتناک و غیرقابل تحمّل خواهد گشت.

۲. Jacques – Clément

۳. کلمان به معنی رحیم و مهربان و یا رئوف است.

سلامتی اندکی برخوردار است، چندان پایدار نخواهد بود. نوبت هانری است (یعنی هانری چهارم، "لوبه‌آرنه"[۱]) فردی که علیرغم همه رویدادها فرا خوانده شده ـ تا با پایان حکومت سلسله ولوا ـ از نو احیاکننده سلطنت فرانسه باشد.

در قسمت مهرهای مخصوص کتابخانه ملّی فرانسه تصویر حکاکی شده‌ای مربوط به قرن شانزدهم است که نشان می‌دهد با چه روشی پزشک معروف فرزندان فرانسه را مشاوره می‌کرده. در صحنه اوّل، نستراداموس را می‌بینیم، درون صندلی راحتی در بالکن قصر بلوا نشسته است (در پشت سر او) دورنمای زیبای باغ دیده می‌شود)؛ وی با آرنج روی میز کوچکی تکیه داده و یک کتاب دعای خاص با صفحات باز روی میز قرار دارد. هانری دوّم (در حیات بوده) و کاترین دو مدیسی در پشت سر مؤبد ایستاده‌اند، بجز دوک د.النسون که آن هنگام دو سال داشته است؛ در این صحنه دیگر شاهزادگان نیز بنظر می‌رسند و که بسیار علاقمند به اظهارات مؤبد هستند. البته، احتمال بسیارکمی وجود دارد که این حکاکی صحنه «مشاوره» مستقیماً از جمع اصلی الهام گرفته باشد. یا ظاهراً نوعی بازسازی تخیلی از روی صحنه است؛ به‌هرحال شباهت ظاهری جسمی شخصیت‌هاصحیح می‌باشد.

پیشگو چطور عمل می‌کرده است؟ البته بنظر می‌رسد او جلسات مشاورهٔ متعددی با ملکه داشته است؛ تأثیر انگیزترین روشن‌بینی در پیشگویی نستراداموس بی شک صحنه بزرگ احضارهایی است که او نزد کاترین دو مدیسی تصاویر سه پسر بزرگش را مجسم کرده است، که هر کدام، در طول زندگی کم دوام خود حکومت راندند «به صورت تجسمی» (همانطور که معتقدین به مافوق‌الطبیعه می‌گویند)، که به آن اندازه که سال‌های حکومتشان دوام داشته که خود ملکه سلطنت رانده است. این صحنه، بایستی از سنت‌های زمان الهام گرفته شده باشد،

---

۱. le Béarnais

کاملاً مطابق و بیانگر احساسات اشتیاق‌آمیز ملکه در باب علوم غیبی است و همراه با ویژگی کامل وسواس‌های دائمی که ملکه داشته است، تا بداند آیا فرزندان ذکورش آینده نویدبخشی خواهند داشت.

امّا پیش از آنکه به دوران بعد از مرگ نستراداموس رجوع کنیم مسائلی برای ما مطرح می‌شود: آیا *سده‌ها* فقط به کشور فرانسه مربوط بوده است؟

اگر (و مطلب قابل درکی است) تمام مطالب سده‌ها مربوط به فرانسه نباشد می‌توان گفت، تقریباً اکثریت آن وقایعی است که بر کشور فرانسه وارد شده است، البته چندین پیشگوئی بسیار دقیق مربوط به کشورهای دیگر یافت می‌شود. بخصوص به طور صحیحی در مورد کشور انگلستان وجود دارد. در سده (۹ / ۴۹) نستراداموس برایمان توصیف می‌کند: مجلس سنای انگلستان پادشاهشان را به مرگ محکوم می‌کند، محال است، که چنین جمله‌ای، بطور اتفاقی گفته شده باشد. از طرفی، اعدام یک پادشاه ابداً حادثه‌ای نیست که همواره در تاریخ اتفاق بیافتد؛ از سوی دیگر، باید فرض کنیم که «اتفاقات» در واقع باید اموری را ایجاد کند: مانند «بازی شیر یا خط» است، پیشگو هیچ نوع شانسی ندارد که به جای صحبت دربارهٔ لندن از شهرهای رُم یا مسکو حرف بزند. بنظر می‌رسد این شعر یکی از روشن‌ترین و مشهورترین قطعات سده‌ها باشد: دقیقاً مربوط به دادگاهی است که مجلس سنای انگلستان توسط نمایندگان شورشی بر پا شد که چارلز اوّل را به اعدام محکوم کنند تا سر از تنش جدا بشود.

قطعهِ دیگری از *سده‌ها*، جائی که پیشگوئی راجع به دیکتاتور کرامول و سپس اعاده سلطنت به پادشاه است (جلوس شارل دوّم به سلطنت، پسر پادشاهی که سر از بدنش جدا شده است):

در انگلستان جوانی به قدرت می‌رسد،
که پدر در حال مرگش او را تائید می‌کند،

امّا در هنگام مرگ به لونول[1] موضعی خواهد داد،
و حکومت مورد درخواست را به پسرش تفویض خواهد کرد (۴۰/۱۰).

البته، نام عجیب "لونول" که در حقیقت ـ جیمز لاور بخوبی متوجه شده است ـ تحریف ـ "اولون"[2] می‌باشد.
امّا اولون یک کلمه یونانی به معنی خراب کردن است؛ امّا اگر خوب فکر کنیم در می‌یابیم که "اُل"[3] خلاصه شده از "اولیویه"[4] است. و نیز یادآور می‌شویم که، در اشعار مرسوم سلطنت طلبان زمان "اولیور کرامول"[5] به نام "الدنول"[6] معروف بوده است.
امّا راجع به اتحاد و پیوند بین سلسله سلطنتی انگلستان و اسکاتلند، که در سال ۱۶۰۳ اتفاق افتاده است (تاریخ به سلطنت رسیدن در انگلستان، با عنوان ژاک اوّل، از ژاک ششم اسکاتلند و پسر ماری استوارت)، ظاهراً نستراداموس در این قطعه آنرا پیش‌بینی کرده است (۳/ ۷۰):

بریتانیای کبیر که مشتمل بر انگلستان است،
از بالا آمدن شدید آب‌ها پوشیده خواهد شد...

نستراداموس اینجا و آنجا در **سده‌ها**، از اهالی آلبانی صحبت کرده است. آیا حقیقتاً بحث در باره اهالی کشور "آلبانی"[7] است؟ در واقع، **سده‌ها** بنظر می‌رسد با این اسم اشاره به مردمان "آلبیون"[8] دارد، یعنی اهالی انگلستان. زیرا اهالی آلبانی ذکر شده در سده‌ها بنظر می‌رسد

---

۱. Lonole
۲. Olleon
۳. Oll
۴. Oliver
۵. Olivier Cromwell
۶. Oldnoll
۷. Albanie
۸. Albanois

نمودار ملّتی است که در اروپا بسیار قدرتمند می‌شود؛ در نتیجه نمی‌تواند مربوط به مردم آلبانی باشد، حال شجاعت مردمان این کشور کوچک بالکان هرقدر که باشد.

نستراداموس به وضوح برتری دریایی بریتانیای کبیر را پیش‌بینی کرده بود و این که آنها مسخر تمام دریاهای جهان می‌شوند: که نزدیکترین معنی این شعر است. از طریق دریاها آنچنان بشدّت مورد هجوم واقع میشوند.

شعر (۱۰ / ۱۰۰) از پیشگوئی را بخوانیم:

انگلستان به امپراطوری بزرگی تبدیل خواهد شد،
بیش از سی صد سال صاحب قدرت است.

البته ـ برای ما نمایان است ـ برتری دریایی و مستعمراتی انگلستان دقیقاً می‌توانیم بگوئیم بیش از سی‌صد سال طول می‌کشد[۱].

بازکردیم به فرانسه. در اینجا، ما صفحات متعددی برای تعیین شیوه‌ای خواهیم داشت که بنظر غیر قابل انکار می‌آید ـ که گوئی نستراداموس تمام تاریخ جدید و معاصر مملکت فرانسه را به روشنی دیده است. به چند مثال افشاکننده بسنده می‌کنیم، که حقیقتاً نمی‌توان (درکمال خوش‌بینی) از آن سر باز زد.

بخصوص کاملاً موظفیم و به این امر اذعان داریم که حقیقتاً نستراداموس انقلاب فرانسه را دیده است، پیروزی مشترک حکومت کمون «به قِدرت رسیدن مردان هم فکر» یعنی موفقیت سیاسی «حکومت طبقه سوّم» است. به طور طبیعی ـ و معکوس آنچه می‌توانیم شگفت‌انگیز بنامیم ـ این موضوع باعث نشده (یعنی دیدن) که پیشگو کاملاً دید بیطرفانه را در قضاوتهایش از دست داده باشد: برای این

---

۱. بریتانیا پس از اوج امپراطوری پرتقال بر دریاها استیلا یافت: لوزیتان خوشحال نیست، تذکر نستراداموس است.

انسان قرن شانزدهم ـ کاتولیک بسیار متعصب و فرد میهن دوست، انقلاب نمی‌تواند چیزی غیر از یک موضوع غیر قابل درک و نوعی فاجعه احتمالی باشد.

در نامه مبسوطش به هانری دوّم، ما قسمت ذیل را می‌یابیم که مشتمل بر جور و ستم های ضد کاتولیکی در عصر انقلاب می‌باشد:

و آغاز دورانی است که بدترین ستم‌ها به کلیسای مسیحی وارد خواهد شد که حتی در افریقا هم، چنین ظلم‌هائی اتفاق نیافتاده است، و این ستمگری تا سال هزار و هفت‌صد و نود و دو ادامه می‌یابد، که از آن مرحله وارد قرن جدید و نوین خواهد شد.

البته، سال ۱۷۹۲ میلادی برای ما بیشتر نشانگر شروع این دوره به نظر می‌آید، که اوج بی‌سیاستی انقلابیون ملحد و خشن است؛ حداقل، باعث تعجب کمتری می‌شود چنانچه ببینیم به روشنی پیشگو یکی از سال‌های سخت انقلاب کبیر فرانسه را ترسیم کرده است.

امّا متن ***سده‌ها*** کاملاً مملو است از قطعاتی که فقط قابل ارتباط به انقلاب کبیر فرانسه است.

به طور مثال در قطعه (۱ / ۵۳) چنین می‌خوانیم:

وا اسفا! شاهد نابودی ملتی رنج دیده خواهیم بود،
آئین‌های مقدس به طور کامل نابود می‌شود،
آئین‌های جدید تمامی مسیحیت را در بر می‌گیرد،
آنگاه که معدن جدید طلا و نقره کشف شود.

نسترادامومس را می‌بینم که حقیقتاً متأثر شده است، حتی بستوه آمده، علیه اقدامات انقلابی که بر ضد برتری ـ کلیسای کاتولیک صورت می‌گیرد. امّا در مورد قسمت آخر شعر، بنظر می‌رسد اشاره به تجربیات

مالی وخیم اسکناس دارد ـ کاغذهای بی‌پشتوانه و بدون پوشش فلزی.
به نظر می‌آید نستراداموس، با دیدن تجاوزات تحت تاثیر قرار گرفته، شدیداً از طغیان انقلابیون رنج برده، در آن بعنوان یک فرد علاقمند به حکومت نوعی بی‌آزرمی فوق‌العاده و شدیدترین فاجعه عظیم اجتماعی را می‌بیند که واقعاً غیرقابل تحمل می‌باشد. او ناراحت می‌شود از این که بناهای مذهبی تاریخی به روش معمولی و غیرمذهبی استفاده می‌شود و بی‌حرمتی به مقبره‌های سلطنتی را مشاهده می‌کند (بازگشت مجدد اموری که بر ضد نوآموزان افسونگری است) رقابت آشفته رقبای دسته‌های انقلابی را زیر نظر می‌گیرد:

نقشه‌برداری غلط عرضه خواهد شد،
در بناهای تاریخی مکشوفه خمره‌هایی خواهند یافت،
فرقه و فلسفه مقدس، دچار آلودگی است[1] (۷ / ۱۴).

نستراداموس می‌بیند که هرج و مرج سیاسی در فرانسه وسعت یافته، دامنهٔ آن به سراسر اروپا کشیده می‌شود: رباعی بیست و سه از سده ششم:

روح سرزمین خاموشان از هم گسیخته می‌شود،
و ملت علیه پادشاهشان سر به شورش برمی‌دارد:
صلح جدید با نفوذ در قوانین مقدس به دست می‌آید،
راپی[2] هرگز چنین آشوب سهمناکی را به خود ندیده است.

پیشگو از صحنه‌های وحشت‌انگیز ترورها به وحشت می‌افتد، حتی

---

۱. در اینجا پیشگو با بهترین روش ممکن ـ ایدئولوژی آزادی خواهی را شرح می‌دهد که فلاسفه خواستار آن بودند بخصوص آنانی که اعضاء فرهنگستان فرانسه محسوب می‌شدند.
۲. Rapis تحریفی از کلمه Paris است.

به نظر می‌آید نمایش مهیب غرق شدن شهر نانت را هم دیده است رباعی سی و سه از سده پنجم:

سرکردگان گردنکش شهر شورشی،
که به شدت جهت کسب آزادی قیام خواهند کرد:
سرشان را از بدن جدا خواهند کرد آمیخته با جنجال،
در شهر نانت دیدن فریادها و ضجه‌ها ترحم‌انگیز است.

به افراد شکاکی که فکر می‌کنند این پیشگوئی‌ها نوعی بازی ساده احتمالات، یا بر اثر «تصادفات» است (که توضیح بسیار آن واقعاً بیش از حد ساده‌ای است)، البته، می‌توانیم قطعاتی را بعنوان دلیل بیاوریم که در آنها بی‌شک نستراداموس ـ در مورد سرنوشت شوم لوئی شانزدهم و خانواده سلطنتی از پیش به توصیف پرداخته است، اینک بطور مثال، آنجا که ازگروه اسفناک "وارن" صحبت می‌کند:

شبی ملکه از طریق جنگل خواهد آمد،
لاشخور هرمن از دو طرف سنگ سفید،
کشیش سیاه با لباس مبدل خاکستری در وارن
کاپ منتخب، بسبب طوفان، آتش، خون قطعه‌قطعه‌می‌شود (۹/۲۰).

(همانطور که قبلاً اشاره کردیم در مرحله مربوط به شارل نهم) **سیاه** فقط تحریفی است ازکلمه **شاه**. بنابراین **راهب سیاه** یعنی **پادشاه راهب**. که لوئی شانزدهم باشد، که حقیقتاً به منتهی درجه دارای نوعی زهد وسواس‌آمیز بوده، مردی با ایمان و انسانی زاهد و پارسا بوده؛ پس این جمله تصویر صحیحی از پادشاه است. تام شهر کوچک وارن که به صراحت در رباعی ذکر شده است، که واقعاً، محال است به این آسانی با حساب «اتفاقات» از آنجا نام برد: در این مکان، باز هم تکرار می‌کنیم

هیچگاه حادثه مهمی از نقطه نظر تاریخی رخ نداده است ـ جز توقیف پادشاه نگونبخت به هنگام فرار. از طرفی، لوئی شانزدهم لباس خاکستری بتن داشته است، نام خلاصه شده **کاپ** که مشتق از نام کاپه است؛ در مورد کلماتی که در نیم بیت آخر بکار رفته است (طوفان، آتش، خون، قطعه قطعه)، بهتر از این ممکن نیست به نتایج پایانی غم‌انگیز (غیر قابل تغییر، نظیر کار مکانیکی یک ساعت) این گروه قابل ترحم اشاره کرد: حمله به قصر تویلری، قتل عام نگهبانان سویسی، سر بریدن پادشاه. بی‌شک، همه آنها را نستراداموس دیده است.

امّا این تمام موضوع نیست. اشعار دیگری هم وجود دارد، که حقیقتاً تعجب‌برانگیز است.

سهم همسر تنها کلاه بلند و نوک‌دار خواهد شد
بار دیگر: نبرد از فراز تویلری خواهد گذشت.
خیانت کار ما بین پانصد نفر: مقامی را دارا می‌شود
برای چاقوست که ناربون و سولس دارای روغن خواهد شد (۹/۳۴).

ما چنین رمزگشائی می‌کنیم:

۱ ـ نخستین تسخیر توام با صلح‌جوئی، در قصر تویلری که طی آن شورشیان لوئی شانزدهم را وادار می‌کنند که سرش را با یک کلاه گیس بپوشاند؛ ۲ ـ دومین حمله، که توأم با خشونت علیه کاخ تویلری است ـ با پانصد داوطلب (جمهوری خواهان افراطی) که از مارسی آمده‌اند تا گارد ملی پارسی را تقویت کنند؛ ۳ ـ ضد و بندهای بیش از حد مشکوک کنت دو ناربون (وزیر لوئی شانزدهم) با رهبران انقلابیون؛ ۴ ـ توقیف پادشاه در شهر وارن توسط نماینده شهرداری که شغل عطاری داشت (از آنجا کنایه روغن) که وی لقب سُس به خود داده بود.

اینک، شاهد تصویر اسارت خانواده سلطنتی در داخل برج

"تامپل"[۱] هستیم:

پادشاه و دربارش به جای زبان اغراقگو،
درون برج تامپل درست در مقابل قصر،
اندرون باغ دوک دو مانتون و اِلب[۲] (۹ / ۲۲).

در اولین بررسی اندکی سخت متوجه می‌شویم، که بیت آخر نشانگر ولیعهد جوان پادشاه فرانسه است، که این چنین توصیف می‌شود:

فرزند کهتر که به تازگی مخالف‌خوانی می‌کند،
از بالای بام خانه بر فرقش فرود می‌آید،
پدرش پادشاه درون تامپل... (۹ / ۲۳).

در قطعه جالب دیگری که، نستراداموس پیش‌بینی می‌کند، آشفتگی فوق‌العاده‌ای که در پی مرگ لوئی شانزدهم ایجاد می‌گردد شرح می‌دهد (کاپ بزرگ کسی نیست جز «لوئی کاپه»):

برای حمایت از کاپه بزرگ به اغتشاش در می‌آید،
برای اصلاح اوضاع سرخ‌ها به حرکت در می‌آیند:
به تقریب تمامی خانواده با مرگ از پای در می‌آیند[۳]،
سرخ‌ها با سرخ‌ها ـ سرخ را به ستوه خواهند آورد (۸ / ۱۹).

عجیب بنظر می‌آید گویی یک نوع دام‌گزاری است، امّا در حقیقت دارای وضوح بسیار است: نستراداموس بخوبی دیده چگونه گروه "ژیروندن"[۴] بدست گروه "مونتانیار"[۵] برکنار شده است، که هر دو گروه

---

۱. Temple
۲. Elbe
۳. تقریباً، قتل عام تمام خانواده سلطنتی.
۴. Girondins

خود بصورت گروه‌های رقیب تقسیم می‌شوند، بار دیگر یادآور می‌شویم پیشگوی شهر سالن انقلاب را با دید وحشت‌زده و از نقطه نظر یک سلطنت‌طلب می‌دیده است.

حتی سرنوشت دوشس آینده انگلوم چنان غم‌انگیز تشریح شده (خواهر بزرگ لوئی هفدهم) و توسط نستراداموس اعلام شده است:

ملکه ارگاست دختر خود را در حال ناراحتی دید،
به خاطر افسوسی که در درونش حبس شده است:
سپس در انگلوم فریادهای اسفناکی بر خواهد خاست،
و با پیوند ازدواج آلمانی هم‌بستگی نزدیک می‌یابند[۶] (۱۰ / ۱۷).

ملکه ارگاست به این معنی است: ملکه محبوس شده، یعنی ماری آنتوانت.

و ما یکی دیگر از آخرین قطعاتی که بی شک به انقلاب مربوط است شرح خواهیم داد:

بسیار دیر رسیده‌اند عملیات انجام شده است،
باد مخالف، نامه‌ها در میان راه گرفته شد:
دسیسه چینی xiiij فرقه‌ای دسته‌بندی شده است
عملیات توسط روسو رهبری خواهد شد (۱ / ۷).

این قطعه واقعاً بسیار مبهم است، فقط اشاره‌ای دقیق به یک اعدام دارد که بی‌شک بایستی مربوط به لوئی شانزدهم باشد ـ و هم چنین به یک توطئه وحشت‌آور. آیا مسأله این است که نستراداموس تأکید دارد بر فرضیه‌ای که طبق آن انقلاب پیش از سال ۱۷۸۹ میلادی، با

---

۵. Montagnards

۶. کلمه ارگاست [illegible]

توطئه‌های وحشتناکی از قبل طرح‌ریزی شده است؟ توجه خواهیم داشت به کلمه کنایه‌ای «روسو»: البته نکات آرمانی آزادیخواهی اصول مشروحه‌ای که در (قراردادهای اجتماعی به طور خاص) توسط فیلسوف فرانسوی ژان ژاک روسو اقامه و اعلام شده است:

امّا حالا به دوران زندگی افسانه‌ای ناپلئون بناپارت می‌رسیم. آیا نستراداموس حقیقتاً عروج دوارآور غیر قابل تصوراین افسر جوان نابغه را دیده است؟ بله، و بی هیچ شکی.

در حقیقت مطابق متن، پیشگو نوشته بود:

امپراطوری در حوالی ایتالیا زاده خواهد شد،
کسی که به امپراطوری بسیارگران فروخته خواهد شد،
می‌گویند با چه گروهی هم پیمان خواهد شد،
گفته می‌شود، بیش از آنکه شاهزاده باشد قصاب است (۱ / ۶۰).

البته این ارزیابی چندان جالب نیست، کاملاً به دور از افسانه ناپلئونی است، امّا تطابق کامل با تعصب حقّه پیشگو دارد. موضوع به این جا ختم نمی‌شود؛ اینک قطعات دیگری، که هیچ فرد شکّاکی نخواهد توانست در آن شک وتردید کند:

روزی که الکی‌لوی[1] تولدش را جشن خواهد گرفت...(۱ / ۵۸)

از نامی که شایسته پادشاه فرانسه نمی‌باشد،
هرگز آذرخشی چنان ترس‌آور دیده نشده است[2]،
ایتالیا، اسپانیا، انگلستان، را به لرزه در می‌آورد،
به بانوی خارجی توجّه شایانی نشان داده می‌شود (۴ / ۵۴).

---

۱. Alquilou – [illegible]

۲. شاید کنایه‌ای به لوئی هجدهم باشد.

البته هیچ یک از پادشاهان فرانسه این نام را نداشته‌اند، بله، لشکرکشی‌های امپراطور بایستی اروپا را به لرزه در آورده باشد؛ و برای داشتن وارث، ناپلئون اوّل شدیداً در جستجوی یک شاهزاده خانم خارجی بر آمد پس از اینکه ژوزفین را طلاق داد.

امّا هنوز تمام نشده است. باز هم قطعه‌ای دیگر که بسیار واضح می‌باشد (۷ / ۱۳):

از شهری که خراجگزار دریایی است،
یک سر تراشیده مزدورانه حکومت را بدست خواهد گرفت:
کسی که حرکات نفرت‌آور را ترک کرده بازبرعکس عمل خواهدکرد،
به مدّت چهارده سال حکومت مستبدانه‌ای را ادامه خواهد داد.

اشاره به سر تراشیده، فوری ما را بفکر لقب آشنائی می‌اندازد که سربازان پیر عملاً با آن امپراطور را می‌نامیدند: سر تراشیده کوچولو و چهارده سال کاملاً به طورکل، طول دوران حکومت مستبدانه ناپلئون ابتدا در مقام کنسول اوّل است سپس (پس از سال ۱۸۰۴ میلادی) به مقام امپراطوری ناپلئون اوّل نائل می‌شود.

کشفیات خود را با گامهای متفاوت در رباعی‌های نستراداموس ادامه می‌دهیم:

پیش از یورش مجالس خطابه بر پا می‌شود،
به سبب دام‌های ریاکارانه‌است که‌میلان‌از عقاب[1] پس‌گرفته‌می‌شود،
دیوار قدیمی توسط توپ سوراخ می‌شود،
به سبب آتش و خون است که رحم و عاطفه کم می‌شود (۳ / ۳۷).

---

۱. هیچ شخصیت تاریخی [illegible]

با سر تراشیده[۱] خواهد آمد و به ناروا انتخاب خواهد شد،
فراتر از ظرفیتی که دارد پیش روی خواهد کرد:
خشم و نفرت زیادی اعلان می دارد،
هر نوع انسانی با آتش و خون قطعه قطعه خواهد شد (۵ / ۶۰).

البته، حماسه‌ای توام با اعجاز کامل درباره عروج بسیار جالب عقاب خواهد بود:

با رتق و فتق اموری در بالاترین حد به پرواز در می‌آید،
که در سلسله مراتب همانند او وجود نداشته است (۸ / ۵۳).

اما امپراطوریش کم‌دوام است، و به شدت سقوط خواهد کرد!

بسیار سریع به امپراطوری عظیمی تبدیل خواهد شد،
در مکانی کوچک که سریعاً توسعه خواهد یافت،
مکان که بسیار پست و باریک می‌نماید.
جائی که عصای سلطنتی خود را در آنجا به زمین خواهد گذاشت (۳۲/۱).

از طرفی، با بررسی واقعی ملاحظه می‌شود، در کتابهای تاریخی این موضوع بخوبی درج شده است: که امپراطور کشور فرانسه را به مراتب کوچکتر از زمانی که قدرت را بدست گرفت به جای گذاشت. از طرف دیگر، می‌توان، آن را احساس پیش از وقوع هذیانی تخیلی سرنوشت دشوار آینده این جاه‌طلب بزرگ دانست. که پس از عزلش مجبور شد در تبعید و در جزیره‌ای بسیار کوچک ادامه حیات دهد کسی که فرمانروای

---

۱. [illegible] تراشیده که [illegible].

یک امپراطوری بزرگ بود.

در مقابل چنین دلایل مستدلی، ناچار حق را به هواخواهان مؤید می‌دهیم که وجود غیر قابل انکار توانائی‌های روشن‌بینی نستراداموس را تصدیق می‌کنند. ذکر دلایل بی‌شمار دیگر خیلی آسان است؛ امّا ترجیح می‌دهیم که مقداری هم برای خواننده محل بگذاریم تا شخصاً در این بازی با شور و حرارت فراوان شرکت کُند، و با شیوه صحیح رمزگشائی سده‌ها را انجام دهد!

حال باز به زمان گذشته رجوع می‌کنیم، اینک قطعه مربوط به دوران پایانی زندگی کاردینال ریشلیو بخوبی مفهوم قابل درکی می‌یابد:

کاردینال مسن به دست کاردینال جوان اغوا می‌شود،
بدون مسئولیتش خود را بی‌سلاح خواهد دید،
ارلس هیولا نیست به گونه‌ای همزاد هویدا می‌شود،
و لیکودوگ و شاهزاده مومیائی می‌شوند (۸ / ۶۸).

در این قسمت متن، کاردینال را در حال پیری می‌بینیم، به سبب خیانت جوانی به نام "سنک ـ مارس" ناامید شده، به حال بیماری به رن برده شده (همانطور که در سده‌ها نقل شده "لیکودوگ"[۱]) سپس در سال (۱۶۴۲) تقریباً هم زمان با پادشاه خود جان خواهد سپرد.

و این هم رباعی دیگری است، که مربوط به لوئی پانزدهم است، پادشاهی که چندین بار در اثر هرزگی وافر از پا درآمده است، و بخاطر سهل‌انگاری به دو تن از سوگلی‌هایش بطور پیاپی اجازه داد ("پمپادور"[۲] ، و "دو باری"[۳]) که مستقیماً در امور مملکت نفوذ و دخالت داشته باشند:

---

۱. Liqueduct
۲. la Pompadour
۳. la Du Barry

پس از مرگ، پادشاه بزرگ جانشین او خواهد شد،
زندگی توام با بی‌عفتی و شهوت‌رانی را رواج می‌دهد،
به سبب اهمال‌کاری به همه چیز تن در می‌دهد،
که در پایان قانون سالیک لازم‌الاجرا خواهد بود (۵ / ۳۸).

نستراداموس دخالت سوگلی‌ها را در اداره مملکت ناشی از ضعف پادشاه ملاحظه می‌کند، طبق نظر او این دخالت نوعی تخطی از اجرای قانون سالیک به شمار می‌آید (طبق آن قانون می‌دانیم، حکومت بانوان بر تاج و تخت فرانسه ممنوع است).

حالا به تاریخ معاصر بازگردیم: به نظر می‌رسد که نستراداموس جلوس لوئی فیلیپ را به سلطنت در زمان انقلاب سال ۱۸۳۰ دیده است. دگرگونی حکومت سلاطین که البته او نمی‌توانسته بعنوان فرد سلطنت‌طلب آنرا قبول کند. مگر بعنوان خیانت نسبت به نظام فرمانروائی.

به خاطر حرص و آز با قدرت و خشونت زیاد
هواداران رهبر اورلئان دچار تاسف خواهند شد،
در نزدیکی سن مه میر با حمله و مقاومت
در چادرش مرده، گفته می‌شود که در آنجا به خواب رفته است.

به بازی لغات پایانی شعر توجه خواهیم کرد، که نستراداموس در عین حال تصویر ویژه‌ای رسم کرده تا اتهام خیانت لوئی فیلیپ آینده را بهتر مشخص سازد. هم زمان، با این شاهد بنظر می‌رسد پیشگو با نوعی انتقال موقتی ناگهانی حادثه فرعی در مشاهداتش باعث شده تا شورش‌های پاریسی‌ها را علیه لوئی فیلیپ ببیند، همانطور که ویکتور هوگو در بینوایان شرح داده است ـ مرکز شورش‌ها در کلیسای سن مری پاریس بوده است، جائی که شورش‌ها در همان جا سرکوب

شده است. توجه داریم که خانواده اورلئان در عصر نسترادادموس وجود نداشته است: مؤسس خانه اورلئان کنونی می‌بایستی گاستون برادر پادشاه لوئی سیزدهم باشد.

اینک یک رباعی که در باره فرمانروائی لوئی-فیلیپ می‌باشد:

اقبال به مدّت هفت سال با فیلیپ یار خواهد بود،
مجاهدت اعراب را کاهش خواهد داد،
سپس کارهایش واژگونه درگیرودار نوعی حیرانی عمل خواهدشد،
اونیون[1] جوان تلاشش به هدر خواهد رفت (۹/ ۸۹).

توجه خواهیم داشت: که، ۱ ـ سال‌های ۱۸۳۰ تا ۱۸۳۸ میلادی مختص به ستایش حکومت بورژوازی «پادشاه فرانسه» است؛ ۲ ـ که سلطنت ژوئیه زمینه تسخیر کشور الجزایر را استوار می‌کند؛ ۳ ـ که پایان زودرس حکومت بر پایه برنامه پولی: اونیون یا "اوگمیون"[2]، به معنای هرکول قوم سلت است، که برای اولین بار در سال ۱۷۹۲ که زمان دگرگونی بوربون‌ها بود ـ که این تصویر هرکول روی سکه پنج فرانکی نقره نقش شد و مجدداً در سال ۱۸۴۸ توسط دومین جمهوری به جریان افتاد.[3]

نسترادادموس به سرعت توجه خود را از دومین جمهوری بسوی دومین امپراطور معطوف می‌کند:

عصای سلطنتی به ید قدرت چپ تغییر جا خواهد داد
پس از مقام پادشاهی به‌امپراطور صلح طلب‌سبدن‌خواهدشد (۶/۵).

---

۱. Ognion
۲. Ogmion
۳. این سکه دقیقاً شبیه به پنج فرانکی فعلی است، که توسط جمهوری پنجم فرانسه ساخته شده است.

البته، ناپلئون سوّم در حوادث نظامی کمتر درگیر شده است با این که کمتر توفیق داشته؛ حداقل، در مقایسه با عموی وحشتناکش صلح‌جو بنظر می‌رسد یا بایستی ذکر کنیم که گوئی نسترادامو‌س بخوبی پیوند خانوادگی بین این دو را می‌دانسته است:

به سبب تصمیم‌گیری دو عامل نامشروع،
برادرزاده هم‌خون حکومت را بتصرف درخواهد آورد (۸ / ۴۳).

امّا حالا به قرن بیستم سفر کنیم. آیا مشاهدات نسترادامو‌س باز هم «با حوادث معاصر منطبق خواهد شد»؟ باز هم پاسخ همچنان مثبت است، بی هیچ نوع شکی. پیشگو نه تنها نبردها و دگرگونی‌های سیاسی و غیره را دیده است ـ بلکه مسأله‌ای را درک کرده که برای متخصصین امور مالی هم زمانش قابل درک نبوده است ـ یعنی بزرگترین مصیبت ملی که بر اثر پخش فراوان اسکناس بدون پشتوانه طلا به وجود می‌آید. پولی که نه تنها در مملکت فرانسه بلکه در جاهای دیگر هم رواج یافت، جنگ جهانی اوّل:

به جای طلا و نقره که جای زیادی می‌گیرد به کار می‌رود،
که پس از مصرف در آتش انداخته می‌شود،
در پی کشف جدید از بین رفته و متزلزل می‌شود،
در لوح مرمری نوشته شده، قبلی‌ها از دور خارج می‌شود (۸ / ۲۸).

نسترادامو‌س جنگ داخلی اسپانیا را، و پیروزی فرانکو را دیده‌است.

از قصر فرانکو مخفیانه خارج شد،[۱]

---

۱. بی‌شک اهالی قبرس، که کودتای ژنرال را ایجاد کردند.

سفیرکبیر با نارضایتی از آن تشکیلات خارج خواهد شد؛
مردم ربی‌یر به آشوب کشانده خواهند شد،
و مرد بزرگ ورود به خلیج را تکذیب خواهد کرد (۹ / ۱۶).

منظور از افراد "ربی‌یر"[۱] چه کسانی می‌باشند؟ هواخواهان پریمو ریورا[۲] به طور مسلم، ما توانستیم عقاید نستراداموس را در مورد وطن پرستی‌اش مشخص کنیم - پیشگو از قبل نظریه مردان جناح راست را قبول کرده بود (افرادی که «جنگ‌های صلیبی» فرانکو را راه نجات اسپانیا از هرج و مرج می‌دیدند). باز هم از پیشگو انتظار بی‌طرفی نداشته باشیم، که امری بسیار مشکل است. مخصوصاً برای فردی که آن زمان می‌زیسته است!

نستراداموس پیروزی آدلف هیتلر و آغاز بی‌رویه جنگ جهانی دوم را پیشگوئی کرده است.

حیوانات وحشی از شدت گرسنگی شط‌ها را پشت سر می‌نهند؛
به زودی بخش بزرگ میدان جنگ علیه هیستر به پاخواهدخواست،
مرد بزرگ به قفس آهنین کشیده خواهد شد،
در آن هنگام مراعات هیچ‌یک ازفرزندان آلمان‌نخواهدشد(۲/۲۴).

در زبان لاتین، هیستر یعنی دانوب؛ امّا این نام بصورتی که در رباعی استفاده شده است، بی‌شک به یک شخص مربوط است. بنابراین، آیا هیتلر اطریشی‌الاصل نبوده است، پس از مملکتی است که رود دانوب از آن عبور می‌کند؟ البته، انتهای رباعی به نظر عجیب می‌رسد (قفس آهنین و غیره): مثال بسیار زیبایی است که چگونه نستراداموس تصاویر اغلب دشوار را توصیف می‌کند.

---

۱. Ribiere

۲. Primo de Rivera

اشغال فرانسه بدست سپاهیان آلمان طی سال‌های (۱۹۴۰ - ۱۹۴۴) انجام شد؛ که موضوع مشاهدات دقیق بوده است:

روشنائی فروزان برای باکره شادان،
دیگر نخواهد درخشید، مدّت طولانی بدون نمک خواهد ماند،
با سوداگران، دلال‌های محبت، و گرگ‌های نفرت‌انگیز،
غول‌های جهانی همه را به جنگ و ستیز وامی‌دارد (۱۰ / ۹۸).

دز آن هنگام که ساکنان هینول[۱]، گاند[۲] بروگسل،
در لانگر[۳]، با محاصره روبرو خواهند شد:
در پشت جناح‌هایشان جنگ وحشیانه‌ای درخواهد گرفت (۲/۵۰).

به نظر می‌رسد که روشن‌بینی نستراداموس تا آنجا پیش رفته که از قبل موقعیت پیچیده و مبهم سیاست فرانسهٔ اشغال شده را پیشگوئی می‌کند:

جمهوری از سوی مردمان جدید به دردسر می‌افتد،
آنگاه که سفیدهاوسرخ‌ها به ناروامورد قضاوت قرارمی‌گیرند (۱/۳).

بنظر می‌آید که پیشگو حتی شیوه‌ای که مارشال پتن به وسیله آن از طرف آلمانی‌ها اغوا شده است را مشاهده کرده است:

مرد پیر به استهزاء گرفته می‌شود و از مقام خود معزول شده،
توسط یک خارجی اغوا خواهد شد،
دستان پسرش در برابر صورتش بلعیده می‌شود،

---

۱. Hainault
۲. Gand
۳. Langres

برادری در شارتر، اورلئان، به روئن خیانت خواهد کرد (۴ / ۶۱).

پایان رباعی بار دیگر مثال خوب و روشنی است شیوه‌ای که برای برخی از قطعات سده‌ها بکار می‌رود تصاویر پیچیده خارجی، هرج و مرج طلبان را بنحو بسیار زنده‌ای دیده است.

امکان هیچ شکی وجود ندارد، نسترادامومس بمباران هوایی وحشتناک جنگ جهانی دوّم را پیشگوئی کرده است:

فراریان، آتش از آسمان بر سر پیاده‌نظام،
جنگ آینده، از سوی لاشخورهاست که در زد و خوردند
از زمین فریادها بلند است، و کمک با نجات‌های آسمانی فرامی‌رسد،
در آن هنگام که مبارزین نزدیک دیوارها خواهند بود (۳ / ۷).

و یا رباعی که باز هم بیشتر تأثیر می‌گذارد:

آتشپارهای سوزان، مرگ پنهان پیش می‌آید،
درون اجسام کروی، وحشت طاقت‌فرسا حاکم است،
شبی از کشتی مواد منفجره پرتاب شده
شهر را به آتش کشیده، اوضاع به نفع دشمن خواهد بود (۵ / ۸).

حال به موضوعی که بویژه بسیار حاد است می‌پردازیم: آنچه باید بدانیم که، آیا سرنوشت آینده عموم ما در سده‌ها بصورت رمزی گنجانده شده است یا خیر؟

می‌دانیم که خطر بزرگ برای هر مفسّر چیست: که با اندک فشار انگشت خدعه‌آمیز یا ساده‌اش باعث خواهد شد در برابر ما بهترین

امیالش صورت تحقق پذیرد و مشاهده شود[1]. برخی از مفسرین در این امر پیشروی بسیاری کرده‌اند. به طوریکه کسانی که در سال ۱۶۴۹ نسخه‌ای از **سده‌ها** چاپ کرده‌اند و مطابق میل خود اشعاری به آن افزوده‌اند: و در آن جا سقوط آینده چهارپای سیاهشان یعنی کاردینال مازاران را اعلام داشته‌اند.

تاریخ نویسان شکّاک بطور عمدی لذّت شیطنت‌باری در بسیاری موارد می‌برده‌اند، تا نشان دهند، در بیشتر مواقع، چگونه مفسرین نستراداموس که بیش از حد به شرح و بسط پرداخته‌اند بر اثر حوادثی مجبور شده‌اند شدیداً به تکذیب نوشته خود به پردازند. اینک چگونگی اظهار نظر "کولن‌لارمر"[2] را می‌بینیم که، در سال ۱۹۲۵، میلادی در باره جنگ جهانی دوّم پیش‌بینی کرده است: ***آمریکا جزایر بریتانیا را به خاک و خون می‌کشد؛ ارتش آمریکا انگلیسی‌ها را از شدت وحشت رنگ‌پریده می‌کند... برج معروف لندن وقتی که پادشاه در آن زندانی است سقوط می‌کند. بیش از این دیده شده پادشاه با یکتا پیراهن در طول پل بزرگ گردش می‌کند...***

این مفسر، در عین حال که کاملاً درستکار بود، از افراد بازمانده نهضتی است که به شدّت با انگلیسی‌ها مخالفت کرده است، به سبب موضوع "فاشودا"[3] و جنگ "بوئر"[4] بوده است... در چنین مواردی خطر عظیم رمزگشائی بروز می‌کند به خصوص برای حوادث نزدیک به ما؛ تقریباً علیرغم نظر خویشتن، خیلی ساده است که عقاید، امیدها، تنفرهای سیاسی‌مان را به تفسیر بی‌آمیزیم. حتّی بی‌طرفترین متخصصین نوشته نستراداموس هم بدشواری قادرند از این مهلکه شک و تردید خارج شوند.

باین ترتیب است که "ژان رنه لوگراند"[5]، "***در کتاب حدسیات برای***

---

۱. یا برعکس، آنچه باعث آزار ما می‌شود و بیشتر ما را به وسوسه می‌اندازد.

۲. Colin - de - Larmer

۳. Fachoda

۴. Boers

۵. Jean René Legrand

سال ۱۹۵۹" در سده‌ها مطالب زیر را مربوط به شخص ژنرال دوگل یافته است. طبق نظر این مؤلف، اصطلاحات ذیل توسط نستراداموس، بکار برده شده است: ***شخصیت ارزشمند* (۳ / ۱۴)، *قانونگزار بزرگ* (۵ / ۷۹)، *دانشمندی که اُدبا را ترغیب خواهد کرد* (۳ / ۲۷)، *زبان ملایم در شورا موثر خواهد بود* (۱ / ۹۷)**، هم به ژنرال دوگل مربوط است لوگراند می‌نویسد: ***مشکل خواهد بود که رئیس جمهور فعلی‌مان را بهتر از این بتوان توصیف کرد که فردی ارزشمند است، که قانون مشروطیت جدیدی برای ما تدوین کرده است که کتابهای زیادی نوشته، که ذوق توأم با خرده‌بینی نسبت به برقراری مساوات در جمهوری دارد.***

شخصاً، ما خود را مجاز می‌دانیم که کمتر پیرو دسته‌بندی باشیم، در حقیقت این صفات مشخصه در مورد هر انسان ممتاز دیگر حکومت فرانسه هم می‌تواند بکار رود هم‌چنان که دربارهٔ دوگل نیز می‌شود استفاده کرد و هم چنین در هر زمان دیگر؛ با وجود این، رباعی دیگری وجود دارد که می‌تواند با مشخصات ژنرال دوگل شباهت داشته باشد: ***شخص بلندقد و لاغر و برجسته*** (اینجا ذوق نستراداموس را در نقاط تمایزی که موجب تشخیص یک فرد است بسیار تعجب‌آور می‌بینیم. و بدون آنکه هیچ قصد استهزائی در کار باشد).

... به شکوه و افسوس خواهند افتاد،
وقتی انتخاب شده در مورد سنش اشتباه خواهند کرد:
به هیچ وجه خواستار ماندن با آنان نخواهد بود،
***ازکَسانی که هم زبانش هستند مایوس شده است* (۷ / ۳۵).**

قطعه‌ای که به روشنی، و بنحو شگفت‌آوری بنظر می‌رسد گویای کناره گیری چشمگیر ژنرال دوگل در سال ۱۹۴۷ است. آن هنگام که بر اثر تحولات پیاپی سیاسی فرانسه ناامید شده است، مغرورانه در ملک شخصی خود واقع درکلومبی ـ له دُو اگلیز منزوی شده است.

اینجا و آنجا نستراداموس از «سلطان بزرگ» آینده صحبت می‌کند که احیاکننده قدرت باستانی فرانسه است و فرمانروایی که به امری خطیر می‌پردازد. طبیعتاً، مفسرین در عقاید شخصی آزادند به هر سو تاخته‌اند: مثلاً ادعای بازگشت وارث قانونی سلسله سلطنتی بر تخت و تاج فرانسه بنظر می‌رسد، نستراداموس در میان مفسرین خود، تعداد کثیری سلطنت‌طلب دوآتشه را به وسوسه انداخته است. که مسلماً امیدوارند یکی از محبوب‌ترین رؤیاهایشان تحقق پذیرد.

متأسفانه، این دورهٔ سلطان بزرگ که در انتظارش هستند و مصادف با بازگشت نویدبخش ابرقدرتی فرانسه در اروپا است (نستراداموس صحبت از آخرین بانگ خروس می‌کند)، به قدرت رسیدن نهایی ضد مسیح همراه است که توسط مکاشفه یوحنا اعلام شده است:

بزودی ضد مسیح سوّم هم نابود خواهد شد،
جنگ او بیست و هفت سال به طول خواهد انجامید[۱]،
ملحدین، کشته، اسیر، تبعید شده،
با اجساد خونین آب‌ها رنگین می‌شود گوئی زمین منجمد خواهد شد.[۲]

می‌توانیم امیدوار شویم که نستراداموس بالاخره اشتباه کرده باشد و این طغیان انواع و حشت‌ها بد فرجام نباشد... به نظر می‌رسد که نستراداموس بما می‌فهماند که مرکز طغیان جنگ جدید جهانی در خاور زمین خواهد بود، و بی‌شک با جنبش دستی توأم با تعصب برپا خواهد شد:

---

۱. جنگ جهانی نهائی به مدت ۲۷ سال بطول می‌انجامد.
۲. سده سوم، رباعی ۶۱.

گروه عظیم و فرقهٔ صلیبی‌ها،
در بین‌النهرین به پا خواهند خاست،
سپاهی اندک‌شمار درکرانه شط مستقر می‌شود
تا آنجا که قانون حاکم را دشمنانه تلقی خواهند کرد (۳ / ۶۱).

بیت آخر شعر چنین تصوری را ایجاد می‌کند که به طور مثال، برخورد شدیدی در مرزهای حکومت اسرائیل روی می‌دهد، که هر روز نگهبانان دو گروه با هم درگیر می‌شوند (اسرائیل غاصب و کشورهای هم‌جوار یعنی اعراب).

چنین به نظر می‌رسد که پیشگو در بارهٔ سقوط «دیوار برلن» صحبت می‌کند و مرگ غم‌انگیز شخصیتی مشهور که قبل از آن رخ خواهد داد:

دیوار بزرگ پیش از درگیری فرو خواهد ریخت:
بزرگی که به مرگ سپرده شد، با مرگی بیش از حد سریع و اسفبار،
آنکه نیمه کامل زاده شده، در اداره بخش بزرگ‌غوطه‌ورخواهدشد،
نزدیک شط از خون، خاک رنگین خواهد شد (۲ / ۵۷).

اثر نستراداموس اصلاً شادی آفرین نیست، کمتر از آن در مورد پیشگوئی‌های آینده‌اش می‌باشد، که چنان نقش شده که دارای وحشتناکترین رنگ ترس است:

پس ازآنکه نژادهای بی‌شمار بشریت از وضعیت طبیعی خارج‌شده؛
گرداننده بزرگ قرن‌ها را احیا می‌کند:
باران، خون، کفر، قحطی شمشیر و طاعون،
در آسمان آتشی شهاب‌وار، باجرقه طویل دیده‌خواهد شد (۲/۴۶).

در این تابلوی وحشتزا که از نقطه نظر هر نوع ادبیات توأم با رمز و راز

ـ وحشت‌های گریز ناپذیری در پایان قرن حاضر در انتظار ما است، شعر آخر مسأله عجیبی را بیان می‌دارد: تشریح اسلحه وحشت انگیزی که احتمالاً هیچ دانشمندی نمی‌توانسته در قرن شانزدهم و سالیان بعد از آن هم ساختش را پیش‌بینی کند[۱] در واقع، «آتش جاری و جرقه‌های طویل» چیزی جز اشعه لیزر نیست، باریک و با شعاع مستقیم قادر به ویران کردن تا مسافتهای بسیار دور است. شاید اشاره دیگری باشد درباره مسیر کاملاً مستقیمی که لیزر طی می‌کند که ما در شعر (۲ / ۷۰) می‌بینیم: زوبینی در پهنه آسمان می‌گذرد. امّا قطعات دیگری از سده‌ها وجود دارد که بنظر می‌رسد توسط فردی با زبان قرن شانزدهم شرح داده شده ـ کسی که نمی‌توانسته کلمات فنی عصر ما را بکار گیرد ـ در مورد سلاحهای جدید، اینک رباعی ذیل که درباره سلاحهایی است که می‌تواند هم در زمین و هم بر روی آب حرکت کند:

در آن هنگام که ماهی زمینی و دریایی
با موجی عظیم به ساحل انداخته می‌شود،
با صورت ظاهری عجیب گاهی زیبا وگاهی نفرت‌انگیز،
بزودی! تمام دشمن‌ها از دریا به دیوارها می‌رسند (۱ / ۲۹).

با رعایت کلیه شرایط احتیاط وارد این تفسیر می‌شویم، و اینک درباره تفسیر آن چنین پیش می‌رویم: سلاح مهیب ساخته شده بر طبق اصول حرکت کردن بر روی بالش هوا ساخته شده است. آیا اکنون چنین ماشینی اختراع نشده است! چه زمینی و چه دریایی که همان (هاورکرافت) می‌باشد که قادر است در ارتفاع کمی در بالای سطحی (سخت یا مایع) حرکت کند؟

باید اعتراف کنیم که نسترادامو‌س «بی‌هیچ شکی» اسلحه‌های

---

۱. یا اینکه مثلاً بفکر امکانات جابجایی رمزی تکنیک‌های وحشتناک که در تمدن‌های دور بکار برده شده و نابود گشته است. به طور مثال قاره گمشده آتلانتیس.

جدید را دیده است. بطور مثال زیر دریایی:

کشتی عجیب بر اثر طوفان دریایی،
به بندری ناشناخته وارد خواهد شد:
هیچ نشانی از درختان نخل یافت نمی‌شود
پس از آن مرگ چپاول و مذاکرات صلح‌آمیز دیر انجام می‌گیرد
(۱/۳۰).

این رباعی را همچنین از طریق رمزگشائی چنین بیان می‌کنیم: برای انجام چه مأموریت سری عده‌ای از زیر دریایی پیاده شده‌اند؟ آیا پیشگو کنایه‌ای صحبت میکند؟ اما راجع به کشف اسلحه‌های اتمی کافی است، به رباعی هفتاد دو از سده‌های چهارم نظر بی‌افکنیم. در واقع چه مطلبی می‌خوانیم؟ این نام: "ارتومیک‌ها"[۱] ـ با تمام حروف! بهترست که دیگر کسی بعد از این با ما در باره حساب «اتفاقات» صحبت نکند!

وانگهی بنظر می‌رسد که نستراداموس تنها فرد رؤیابینی نیست که قادر به دیدن همه نوع اختراعات جدید باشد و این که استفاده بسیار وحشتناک برخی از آنها را توصیف می‌کند. یر روی سنگ قبری متعلق به قرن پانزدهم که درگورستان "کی‌ربی"[۲] واقع در انگلستان، می‌توانیم این پیشگوئی دقیق تخیلی را بخوانیم:

در آن هنگام که تصاویر با حرکات آزاد زنده به نظر خواهد آمد،
در آن هنگام که قایق‌ها شبیه ماهی‌ها، زیر دریا شناور خواهد شد،
در آن هنگام که بشریت سریعتر از پرندگان آسمان را خواهند شکافت،
آنگاه نیمی از جهان عمیقاً در خون شناور خواهد بود.

---

۱. les Artomiques

۲. kirby

بر طبق نظریه نستراداموس، سال ۱۹۹۹ نقطه اوج طغیان‌های مرموز است.

سال هزار و نهصد ونود ونه پس از هفت ماه
پادشاه بزرگ وحشت از آسمان فرو خواهد آمد... (۱۰ / ۷۲).

پایان مرحله‌ای از تاریخ کاملاً با چرخه‌های فلکی مرسوم مطابق می‌باشد.

وقتی بیست سال از حکومت ماه بگذرد،
سلطنت دیگری به مدّت هفت هزار سال ادامه پیدا می‌کند،
در آن هنگام خورشید دوران ضعف خود را خواهد گذراند،
آنگاه پیشگوئی‌های من به واقعیت خواهد پیوست (۱ / ۴۸).

امّا بی‌شک بی‌فایده نخواهد بود، که حتی با به خطر افتادن تلاش‌های سخت و جسورانه راهمان را ادامه دهیم، یعنی رمزگشائی دقیقی از چندین رباعی نستراداموس بکنیم. البته این وقایع نامفهوم باقی می‌ماند مگر زمانی برسد که حوادث توصیف شده کاملاً رخ بدهد، پیش از آنکه بازیگران نمایش غم‌انگیز تاریخ نقشی بیافرینند که اینان از قبل نمایش خود را برابر چشمانمان شروع کرده‌اند.

ملاحظه اینکه چگونه مسائل معاصر بیش از بیش «انفجارآمیز» است ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اموری که در خاورمیانه و خاور نزدیک به جهات مختلف به سده‌ها باز می‌گردد. و کافی است روزنامه‌ها را بخوانیم تا فوراً دچار تأسف شویم، که نوعی تائید وحشت نستراداموس می‌باشد.

پیشگوی اهل پروانس به نظر می‌رسد همه چیز را حقیقتاً در پیشگوئی‌هایش پیش‌بینی کرده است، از جمله حمایتی که

کمونیستهای اسلاو از اعراب بعمل آورده‌اند: عرب‌ها با پولون‌ها پیوند اتحاد می‌بندند (۵ / ۷۳) پولن، همان لهستان می‌باشد. فراموش نکنیم که در عصر نسترآداموس کشور روسیه را (مسکو) می‌خواندند. که در آن زمان این کشور نقش مهمی را در جامعه جهانی بازی نمی‌کرده است: قدرت بزرگ اسلاو اروپای خاوری لهستان بود که حود بزرگترین دشمن ترکیه بشمار می‌آمد، متوجه می‌شویم کـه پیشگو از دگـرگونی بسـیار عجیب بین مسلمان‌ها و اسلاوها منقلب شده بود که چگـونه بـجای کینه‌توزی دیرینه بین این دو نژاد رابطه برقرار شده است، هرقدر هم که این موضوع را عجیب تصور کنیم، نسترآداموس در سال ۱۹۴۸ تشکیل دولت غاصب اسرائیل را شرح داده است:

طبق قطعنامه جدید سرزمین‌های تازه‌ای اشغال خواهد شد در اطراف سوریه، اردن و فلسطین (۳ / ۹۷).

جمله قطعنامه جدید مـی‌توانـد در ایـنجا بـه نـهضت صـهیونیسم اختصاص داشته‌باشد. که این شکل جدیدمخصوص جامعه‌یهود است.

بنظر می‌رسد نسترآداموس بخاطر «از بین رفتن مستعمرات» غرب در خاور میانه بسیار متأثر شده است. اینک ایـن ربـاعی کـه بـی‌شک می‌بایست به این صورت ترجمه شود: فرانسه مجبور شـده اسـتقلال الجزایر را برسمیت بشناسد و در بندر مـارسی هـجوم کشـتی‌هایی را می‌بینیم که در حال بازگرداندن «پا سیاه‌ها» به وطن می‌باشد.

به سبب اختلافات و سهل‌انگاری در فرانسه،
راه پیروان امّت محمد گشوده خواهد شد:
زمین و دریای ژنواز آغشته به خون،
بندر فوسن از کشتی‌ها و بادبان‌ها برافراشته پوشیده خواهد شـد (۱۸/۱).

راجع به خاور میانه، شاعر اهل پروانس در آنجا نکته به خصوص پر حرارتی را مشاهده می‌کند که به طور کامل می‌تواند، افسوس! عبارت از حالت انفجار یک نبرد عمومی باشد:

بسیار پیش از این رویدادها،
آنهائی که از خاور زمین از طریق فضیلت ماه قمری:
سال هزار و هفتصد بزرگترین مهاجرت را صورت خواهند داد،
تقریباً، مردمان شمال را رام خود می‌نمایند (۱ / ۴۹).

می‌توانیم حقیقتاً چنین بیاندیشیم که کلمه هزار و هفتصد، در حقیقت نمودار (چون برعکس، سال ۱۷۰۰ نشانه‌ای از تقلیل قدرت مسلمان‌ها در مدیترانه خاوری قلمداد شده است) سال‌های ۷۰، قرن اخیر است.

رباعی دیگر که خاور میانه را به عنوان ناحیه‌ای حقیقتاً «سوزان» و خطرناک توصیف کرده است:

در اقلیم مخالف بابل واقع می‌شود،
خون زیادی ریخته خواهد شد.
که زمین، دریا، هوا و آسمان در بی‌عدالتی فرو می‌روند،
گرسنگی، طاعون، آشفتگی، فرقه‌ها حکومت خواهد کرد (۱ / ۵۵).

نستراداموس مخصوصاً متاثر شده است (به عنوان فرد کاتولیک متعصب زمان خودش) به سبب عقب نشینی صلیب در مقابل هلال: صلیب بدست امّت محمدی به عقب رانده می‌شود.

سده‌ها دوبار با کنایه به یک رهبر عرب اشاره می‌کند، که در رأس لشکر طرفدار اسلام قرار می‌گیرد و موفقیت‌های عظیمی بدست می‌آورد:

از فلیس عربی[۱] مرکزی،
شخص قدرتمند و مسلط بر شریعت محمد زاده خواهد شد (۵/۵۵).

«فلیس عربی» (کشور عربی خوشبخت) کشور یمن است. بنابراین رهبر بزرگ مسلمان‌ها چه کسی می‌تواند باشد؟ مرد والامقامی از تبار عرب بزودی به پیش خواهد تاخت (۵ / ۴۷).

امّا در خصوص رباعی تذکر دهیم که مؤید به نظر می‌رسد قتل یک شخصیت بزرگ را ضمن آن شرح می‌دهد، قتلی که علامت مشخصّه آن بروز جنگ جهانی خواهد بود:

دیوار بزرگ پیش از درگیری فرو خواهد ریخت:
بزرگی که به مرگ سپرده شده، با مرگی بیش از حد سریع و اسفبار،
آن که نیمه کامل زاده شده، درادراه بخش بزرگ غوطه‌ور خواهد شد،
نزدیک شط از خون، خاک رنگین خواهد شد (۲ / ۵۷).

نستراداموس در حقیقت این جنگ را همانند نتیجه پایانی دسیسه‌کاری‌های مخفیانه‌ای می‌بیند که نمودار توطئه‌های خدعه‌آمیزی می‌باشد.

دسیسه‌چینی اجرا شده، ابتدا پیش از هر چیز، بی‌ثباتی، توأم با ظاهرسازی و سپس نمایشی است، ممالکی که با وجود برخوردهای سیاسی محلی ـ به نظر می‌رسد ابتدا به دور از همهٔ شباهت‌ها شبیه به یک جنگ داخلی است. اولین ملّت از مغرب سرزمین ایتالیاست که دستخوش جنگ می‌شود؛ سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ کشور آلمان کمی پیشروی می‌کند (با فتوحات بزرگ «باند. آ. بادر»[۲]). اینک دو شعری که به طور قطع مربوط به تروریسم ایتالیا است:

---

۱. Felice Arabie

۲. Bande á Baader

شمشیرها، آتش، آب سپس رومی‌های نجیب‌زاده
غوطه‌ور در آب کشته، از روی سبک مغزی جان می‌سپارند،[۱]

دو قطعه دیگر، مربوط به ایتالیا و اسپانیا است:

مردمانی بدون رهبر از اسپانیا و ایتالیا (...)
همه جا غرقه به خون می‌شود (۳ / ۶۸).

امّا کار انهدام تدریجی متوّجه کشورهای دیگری می‌شود که کلید مغرب زمین بودند ـ و آنهائی را فرا می‌گیرد که فرض شده بود که از همه محافظه‌کارتر هستند: از جمله بریتانیای کبیر بوده است. که وضع آن کاملاً غیر مترقبه بود در سال ۱۹۸۰ مشخص شد که آشوب‌ها فقط در جنوبی‌ترین بخش‌های ایرلند (برخوردهای مرسوم با سازمان کاتولیکی I.R.A) نیست بلکه از آن تاریخ ببعد در خود انگلستان هم آشوب گسترش خواهد یافت. آشوب‌های خونین در نواحی لندن و لیورپول آغاز شد، آشوب‌هایی که هیچگاه حتّی به خاطرمان خطور نمی‌کرد بروز خواهد کرد! نستراداموس می‌نویسد:

در داخل جزایر (البته بریتانیائی‌ها)
... غوغای چنان وحشتناک (۲ / ۱۰۰).

امّا کشور فرانسه به هیچ وجه بنظر نمی‌آید از این برنامه‌های عمومی انهدام غرب مستثنی باشد. از ابتدای تابستان ۱۹۷۲، اعضای عالی رتبه یکی از تشکیلات فرانسوی اعلام داشت که از طرف شورا دستوری دریافت نکرده است تا ایستگاه رادیوئی گیرنده ـ فرستنده ایجاد کند،

---

۱. سده اول، رباعی ۱۱.

برای دریافت دستورات و توقیف‌ها، آن هنگام که فرانسه دچار هرج و مرج و جنگ‌های داخلی دستخوش آن ناملایمات می‌شود؟

از همه امکانات استفاده خواهد شد: امیدهای استقلال (برتانی، اکسی‌تانی، کشور باسک و جزیره کرس)؛ عملیات مخرب جناح چپ افراطی به همان اندازه جناح راست افراطی بود. و نتایج به همان صورت خواهد بود که نستراداموس آن چنان به وضوح دیده است:

خشم و غضب فراوان سراسر پروانس را در بر می‌گیرد
در فرانسه جنگ عظیم و دگرگونی وحشتناک

یعنی واژگونی جمهوری پنجم.

امر فوق‌العاده ساده‌ای بود که امیدوار باشیم که جنگ داخلی آشتی‌ناپذیر در فرانسه غیرممکن شود. همه جهان (از جمله بزرگترین متخصصین بین‌المللی) در ابتدای سال ۷۰ باتفاق نظر موافق این مسأله بودند که لبنان «سویس مشرق زمین» است و آیا لبنان این نقطه امن و زیبای برخوردار از صلح اکنون کانون ابدی مراکز جنگی به شمار نمی‌آید؟ افسوس همه می‌دانند چه بر سرش آمده است...

بی‌شک سخن در این باب تمام نشده است، ولی مجدداً به فرانسه برمی‌گردیم تا صحبت‌هایی راجع به «کار بخش خدمات پلیس مخفی زمان ژنرال دوگل در شهر مارسی» بشنویم ـ (تابستان ۱۹۸۱) که مشاهدات پیشگو ـ به نحو افسانه‌ای بنظر می‌آید، امّا واقعیت دارد ـ نستراداموس گفته است:

و امیدی نیست، مارسی بدون اتحاد است.

امّا چه کسی این شخصیت بزرگ می‌تواند باشد که مرگ وی احتمال بروز خطر جنگ جهانی سوّم را دربر دارد؟

نستراداموس با کینه توزی وقایع را دیده است ـ امیدوار باشیم این پیشگوئی‌ها به حقیقت نپیوندد! ـ نظیر پیش‌بینی قتل رئیس جمهور فرانسه، که در یک ضیافت رسمی، هفت دسیسه کار قسم خورده برای این سوءقصد راه یافته بودند:

هفت توطئه‌گر در ضیافتی برق سلاح‌شان به چشم می‌خورد،
علیه سه نفر شمشیر می‌کشند که آسیب نمی‌رساند:
یکی از دو ارتش به دستور مرد بزرگ هدایت خواهد شد،
آنگاه در ماه مه، آخرین نفر به پیشانی او تیرشلیک می‌کند (۵ / ۲).

متوجه صحّت نیم بیت آخر می‌شویم، که این تصور را ایجاد می‌کند که، اگر دسیسه توأم با موفقیت بود تیری در وسط پیشانی رئیس جمهور خالی می‌شد.

قطعه دیگر، که این هم می‌تواند مربوط به احتمال قتل رئیس جمهور فرانسه باشد:

آن مرد که صورتش از خون علامت‌دار گشته،
قربانی‌ای است که در آینده فدا می‌شود،
در حالی که در لئو گرفته می‌شود، سرنوشت او پیش‌گوئی شده است.
امّا به مرگ محکوم می‌شود به خاطر یک پیمان (۲ / ۹۸).

بیت آخر چنین مفهومی دارد که رئیس جمهور سرنوشت شومی خواهد داشت به خاطر وفاداری که نسبت به جمهوری و آرمان آزادیخواهی اجتماعی داشته است که هر مورد به صورت رمزی با کلمه «پیمان» آورده شده است.

نستراداموس یک سوء قصد سیاسی را اعلام می‌دارد که قربانی هم زمان با پسرش آسیب می‌بیند:

پدر و پسر در کنار هم به قتل می‌رسند (۸ / ۷۵).

آیا مسأله مربوط به همان رئیس جمهور پیشین مورد تهدید بوده است؟

همچنین به سوء قصدی بایستی اشاره کنیم که طی آن "پل‌پت"[۱] همزمان با عده‌ای از رهبران گروه خمرهای سرخ به مخاطره افتاده‌اند:

در شهری که بوسیله دسیسه و نیرنگ تسخیر شده است،
توسط مرد جوان و زیبایی به دام می‌افتد،
حمله از سوی روبین در نزدیکی لود صورت می‌گیرد،
وی و تمامشان بمرگ سپرده می‌شوند چون کاملاً فریب خورده‌اند[۲].

البته می‌دانیم چگونه خمرهای سرخ به مردم "پنوم‌پن"[۳] قبولاند. بودند که آمریکایی‌ها برگشته و مجدداً شهر را بمباران می‌کنند. به همین روش ناب توده مردم را بحرکت درآوردند تا به خلع ید آنها و سپس به قتل عام گروهی‌شان بپردازند.

دسیسه‌چینی‌های خدعه‌آمیز رهبر ارکستر نامرئی تروریسم جهانی، فقط برخی از رهبران مملکتی را تهدید نمی‌کند امّا تردیدی در حمله به عالیجناب پاپ نکرده است. که برای نخستین‌بار در مورد شخصیت ژان پل اوّل بود که این پاپ سریعاً از بین رفت، نستراداموس در مشاهده خود تردید نمی‌کند و علت مرگ سریع وی را بر اثر مسمومیت می‌داند ـ و موضوع شگفت‌آور آن که معلوم شد که این مرگ غم انگیز درست کمی پس‌ازکشف نهائی (چنان مدت‌طولانی درانتظارش بودند) آرامگاه سن پیر انجام شد، که اولین نفر از پاپ‌های حکومت واتیکان بود.

---

۱. Pol pot

۲. (۳ / ۸۵).

۳. Phnom - Penh

در آن هنگام که آرامگاه رومی بزرگ کشف شود.
روز بعد پاپ برگزیده می‌شود،
او هرگز از سوی مجلس سنا تائید نشده بود،
مسموم شده، خونش اسکیف مقدس را رنگین ساخت (۳ / ۶۵).

در رباعی دیگری هم، از سده (۶ / ۶۶) در باب کشف مقبره سن پیر صحبت می‌کند.

اما سرنوشت پاپ فعلی ژان پل دوّم چیست؟ نسترادراموس انتخاب شگفت‌انگیز کاردینال اسقف کراکووی را به نحو کامل و واضحی دیده است؟

کلاه قرمزها (کاردینال) جدال کرده و آئین تازه‌ای تشکیل می‌دهند،
در آن هنگام که فردی از سابین برگزیده می‌شود:
علیه او سفسطه‌های بی‌پایانی خواهد شد،
رم بدست فردی از آلبانی مورد اهانت قرار می‌گیرد (۵ / ۴۶).

"ژان ـ شارل فون برون"[1] دقیقاً متذکر می‌شود که، در هنگام شروع و ابتدا تشکیل سرزمین رُم، «اهالی سابین برای رمی‌ها خارجی محسوب می‌شدند». می‌دانیم پس ار آن تعداد بی‌شمار از پاپ‌های ایتالیایی‌الاصل، چگونه انتخاب عالیجناب پاپ اهل لهستان باعث تعجب شده است.

امّا ما متقاعد شده‌ایم ژان پل دوّم ـ آخرین پاپ برگزیده خارجی نخواهد بود ـ آخرین پاپ پس از او یک فرانسوی است که برای این مقام انتخاب خواهد شد. نسترادراموس بی‌تأمل این اسقف را اهل سانس معرفی می‌کند:

---

۱. Charles de Fontbrune

اسقف اعظم یک روز پس از رویایش
که مطابق فهم خودش آن را برعکس تعبیر خواهد کرد،
یک مغ از گاسکونی جهت دیدار سر خواهد رسید
که اسقف اعظم را از سانس انتخاب خواهد کرد (۶ / ۸۶).

رباعی دیگری که درباره انتخاب پاپ فرانسوی است ـ که گزینش در رُم انجام نخواهد شد (که از همین رو به زودی علتش را ذکر می‌کنیم) بلکه در "کت‌دازور"[۱] واقع خواهد شد:

کاردینال فرانسه ظاهر خواهد شد
از قانونی بودن فرد رُمی مایوس خواهد شد،
با ضعف عقاب،
و قدرت از خروس زاده خواهد شد (۸ / ۴).

این پاپ فقط هفت ماه حکومت می‌کند و پس از مرگش یک دوره هرج و مرج فرقه‌ای آغاز می‌شود که ما شاهد دو پاپ مخالف با این وضع خواهیم بود:

اسقف فقط هفت ماه آن را به دست خواهد گرفت
از پس مرگ او تشکیلات جدیدی تأسیس خواهد شد:
اسقف دیگری هفت ماه کار را به دست خواهد گرفت
در نزدیکی ونیز صلح و اتحاد از نو برقرار خواهد شد (۸ / ۹۳).

در شهر ونیز جامعه علمای مذهبی تشکیل می‌شود و به این تفرقه خاتمه خواهد داد؛ چه کسی پاپ قانونی خواهد شد؟ درست همین

---

۱. Côte d´Azur

آخرین نفر ذکر شده است. زیرا ما کاملاً واقفیم که به جریانات حساسی نزدیک می‌شویم. آیا نستراداموس می‌دانسته شخصاً از آن مطمئن هستیم ـ یعنی روایتی که طبق آن آخرین پاپ ایتالیائی خواهد بود. و او هم نام (پیر) را بر می‌گزیند که متعلق به اولین پاپ می‌باشد.

به موضوع پاپ فعلی باز گردیم. نستراداموس بخوبی سوء قصد نافرجام علیه ژان پل دوم در بهار ۱۹۸۱ را شرح داده است:

ده نفر در صدد قتل در صحن کلیسا هستند،
یک نفر با خبر شده در کشتی جنگ آغاز می‌شود،
بی‌نظمی رهبری، یکی از آنهارا به رنجش و تأثر وامی‌دارد (۷ / ۳۷).

ژان شارل دو فونت برن (ما در این نکته با او موافق هستیم)، این اشعار را باین ترتیب تفسیر می‌کند: «ده مرد برای به قتل رساندن پاپ فرستاده شده‌اند، امّا یکی از آنها مخالفت خواهد کرد، جنگ بدست ارتش گشوده می‌شود. در بی‌نظمی رهبر گروه دست به خودکشی زده و خواهد مرد». باید خیلی ساده‌لوحانه بیندیشیم که باور کنیم سوء قصد سال ۱۹۸۱ میلادی از طرف یک فرد متعصب منفرد بوده، که به تنهایی عمل کرده است. و حتی مسأله عبارت از یک دسیسه‌چینی ناگهانی نبوده است، که عملاً هیچ شانس موفقیتی نداشته باشد؟ همه امور برعکس دال بر این است که در این ماجرا دو معجزه بزرگ رخ داده است. نخستین معجزه: بنیه قوی ژان پل دوّم بود که در حالت معمولی، کسی از زخمی چنین عمیق جان بدر نمی‌برد. دومین نکته: عدم موفقیت سوء قصد است که دسیسه‌گران را از اجرای قسمت دوّم عملیات باز می‌دارد ـ که عبارت بود، از نوعی حمله برای ایجاد وحشت عمومی (در رُم سپس در سراسر ایتالیا و نیز در نواحی دیگر)، و برای اینکه شرایط کاملاً بی‌ثباتی در ایتالیا و در سراسر اروپای غربی برقرار سازند. آیا احتمالاً این نوعی علامت برای راه‌اندازی نوعی

خرابکاری بوده است؟ تا بر اثر کنش‌ها و واکنش‌های پیاپی جنگ جهانی سوّم به راه افتد. ما بخوبی از این موضوع تاکنون رهیده‌ایم. ولی خواننده خواهد گفت، بنابراین آیا یک رهبر ارکستر نامرئی ایجاد وحشت جهانی در پس پرده وجود دارد؟ این موضوع مسلم و اثبات شده است. با اینکه مجریان گروه‌های عقیدتی متفاوت و با ایمان راسخ و نهایت قهرمانی به نحوی غیر قابل انکار جان خود را فدا می‌کنند، و در راه هدفی که فکر می‌کنند مقدس است جان می‌سپارند، افرادی با امکانات مالی نامحدود مطابق خواسته‌هایشان گروه‌های تروریستی را وارد عمل می‌کنند خواه گروه‌های چپ افراطی و یا راست افراطی باشند. اسلحه‌ها، تجهیزات، جابجائی آدم‌کشان (در سراسر دنیا) مجانی نیست، و در مقابل امکانات وسیعی دارند که با آن اعضاشان را تأمین مالی کنند. به طور مثال وقتی فکر می‌کنیم، که «باند.آ.پادر» گروه معروف تروریستی نه تنها وسایل حمله و دفاع تمام نشدنی در اختیار دارند بلکه مخفیانه در نهایت امنیت در سراسر اروپا سفر می‌کند و غیره ـ آن هم بکمک هلکوپتر (که مسلماً بیشتر از یک ماشین اتومبیل سیتروئن مدل C.V ارزش دارد)، که به نتیجه مورد نظر آسان می‌رسیم.

امّا چگونه می‌توان کوشید تا رهبر ارکستر نامرئی تروریسم جهانی را کشف کرد؟ همه چیز مثل اینکه بر ورای برخوردهای بین فرقه‌های رقیب صورت می‌گیرد، و حتی بین دو بلوک بزرگ عقیدتی که دنیا را بین خود تقسیم کرده‌اند، حقیقتاً نوعی حامی واقعی از تروریسم بین‌المللی وجود دارد. از همان هنگامی که تروریست‌ها شرکت در بهم زدن نظم بی‌وقفه مغرب زمین نمودند از آنها با سخاوتمندیی حمایت کرده است. نستراداموس باکنایه به شاهزاده لیبیائی قدرتمندی اشاره می‌کند که در «مغرب» بخوبی شناخته شده است: سرهنگ قذافی بخاطر نفت با امکانات و قدرت مالی تمام نشدنی که در اختیار دارد، از زمان‌های دور به فلسطین و ردیف‌های مختلفش کمک مالی رسانده است. به فلسطینی‌های افراطی (جوخه سرخ و غیره) تا جناح راست افراطی را

از نظر مالی تأمین کرده است.
رباعی دیگر بیان مسموم شدن یک رهبر قدرتمند حکومتی میانه سال می‌باشد.

توسط دشمن مرد سالخورده عالی مقام با زهر با اندوه جان می‌سپارد[۱].

چه کسی می‌تواند باشد آیا رهبر اتحاد جماهیر شوروی است یا رئیس جمهور آمریکا؟ برکناری این شخصیت بزرگ باعث خواهد شد که مردی بسیار جنگجوتر از پیشین جانشین وی شود.
کسی که می‌آید قانون‌هایش نابودکننده است:

مرگ ناگهانی شخصیت اوّل مملکت.
تحولی ایجاد کرده و یک نفر دیگر را به حکومت می‌نشاند،
اگ چه مرد کم سال به مقام عالی خیلی دیر دست خواهد یافت،
از زمین و دریا بایستی از او در هراس افتند (۴ / ۱۴).

تا آنجا که به ما مربوط است، فکر می‌کنیم: سوء قصد به رهبر جماهیر شوروی مربوط می‌شود. در حقیقت بخوبی می‌توانیم تصور کنیم جانشین او با گروه «سرسختی»، که در آغاز کردن جنگ جهانی سوّم تردید نمی‌کنند، به این امید که عقیده خود را با موفقیت کامل برتری بخشند. در صورتیکه در ایالات متّحد آمریکا، حتی جانشین رئیس جمهور فعلی با شخص رادیکال تر منجر به موفقیت اقلیت افراطی نمی‌شود (در عین حال ابله و توأم با بیرحمی) که در رویای ویران ساختن کامل اتحاد جماهیر شوروی با جنگی برنامه ریزی شده

---

۱. سده دوم، رباعی ۴۷.

باشد. فراموش نکنیم که، برعکس آنچه که گروه کثیری از مردمان فکر می‌کنند، رئیس جمهور آمریکا به هیچ وجه پادشاه یک کشور بزرگ با قدرتهای نامحدود نمی‌باشد: در حقیقت حقوق مدنی کمتری نسبت به حقوق مدنی رئیس جمهور فرانسه دارد (بر طبق قانون مدنی ۱۹۵۸).

نستراداموس بخوبی بیان می‌دارد، که اگر سومین جنگ جهانی آغاز شود، با توجه به بازی تعهدات پذیرفته شده متقابل بین دو بلوک بزرگ، آمریکا و شوروی است.

دو برادر از خانواده سلطنتی به شدت جنگ خواهند کرد،
بین آنها جنگ کشنده‌ای در خواهد گرفت:
که هر دوی آنها دژهای محکمی را متصرف می‌شوند،
مقام و حیات بزرگترین اختلاف آنها خواهد بود (۳ / ۹۸).

از طرفی بسیار قابل توجه است که نستراداموس برای دو قسمت غول‌آسا در برتری جهانی‌شان، شکستی را دیده باشد. و نیز نقش مهمی که توسط آفریقا ایفا شده است:

آفریقا را به استیلا درآورده، و تا عمق استخوانش فرسوده می‌کند (۶۹/۵).

اما چگونه جنگ جهانی سوم منفجر خواهد شد؟ بروز جنگ به نظر ناگهانی می‌رسد، ولی آیا بر اثر نوعی دسیسه و توطئه خدعه‌آمیز است که در واقع فرجام نهایی برهه‌ای از تاریخ جهان خواهد بود و یا شاید پایان جهان:

به یکباره انجام می‌گردد وحشت عظیمی برپا خواهد شد،
اساس عملیات در نهان خواهد بود:

بانوی آشوب طلب پیش از آن دیده نخواهد شد
اندک اندک خشم عظیمی برانگیخته خواهد شد (۵ / ۶۵).

به نوعی دیگر می‌شود گفت ابر قدرت‌ها ناگهان به توسط بازی‌های پیچیده اتحادشان، بجایی می‌رسند که بن‌بستی غیر قابل جبران است، موضوعی که هیچ‌گاه از صمیم قلب آرزومندش نیستیم.

اگر رباعی بسیار دقیق دیگری را دراین باره باور کنیم (۲ / ۵۷)، جنگ جهانی سوّم فقط حول و حوش زمانی آغاز می‌شود که دو کشور آلمان (آلمان غربی و شرقی)، «دیوار ـ شرمساری» را از میان برداشته باشند.

قبل از نبرد دیوار بزرگ فرو می‌ریزد،

"ژان ـ شارل فون برون" رباعی سی از سده اوّل راگویای علت جنگ می‌داند ـ دلیل مستقیم جنگ این است ـ پیاده شدن افراد در بندری بر اثر طوفان که توقف هر نوع وسیله دریایی در آنجا ممنوع است. که به این ترتیب حقوق قانونی آنجا را زیر پا خواهند گذاشت:

کشتی خارجی از طریق طوفان دریایی
به بندری ناشناخته وارد خواهند شد:
آنجا هیچ نشانی از درختان نخل یافت نمی‌شود،
از پس آن مرگ، چپاول، مذاکرات صلح آمیز دیر انجام می‌گیرد.

ما این حادثه را به آسانی به لبنان مربوط می‌کنیم. که به سبب موقعیت خاص، نبرد جدیدی بین اعراب و اسرائیل در دو جبهه مخالف رخ می‌دهد ـ که همراه با مداخلات ناوگان‌های روسیه و آمریکا در دریای مدیترانه است؛ شاید باین ترتیب جنگ جهانی سوّم

آغاز شود.

رباعی هجده از سده دوّم نبرد وحشتناک بین دو ناوگان بزرگ را شرح می‌دهد:

سنگ و آتش گوئی از آسمان فرو می‌ریزد و دریا را غیر قابل عبور می‌سازد

که ابتدا مشترکاً به حمله علیه اسرائیل غاصب شرکت می‌کنند، که آن کشور را به طور عجیبی منزوی می‌کند:

کنیسه بدون حاصلی عقیم خواهد ماند
از طرف عهدشکنان پذیرفته می‌شود
از بابیلون دختری که در احقاق حق خود می‌کوشد
بدبخت و غمگین بال‌هایش را قطع خواهد کرد (۸ / ۹۶).

اعتلاف اعراب به وسیله دو رهبر صورت می‌گیرد که یکی از آنها متعلق به کشور لیبی است:

از خاور زمین قلب کارتاژی خواهد آمد
هادری خشمناک است، و وارثین رومولوس،
نیروی دریایی لیبیک همراهی خواهد کرد.
معابد ملیت و جزایر نزدیک به آن خالی خواهد شد (۱ / ۹).

امّا جنگ جهانی بر پا نخواهد شد مگر پس از برخورد دو ابر قدرت شوروی و آمریکا.

نباید فراموش کرد که دو قدرت بزرگی که جهان را رهبری می‌کند قبل از هر چیز، به شکست در سطح جهانی توجه دارند، و به حامیانی

که اکنون از خط مشی آنان پیروی می‌کنند، و این پشتیبانی‌ها برحسب منافع و نیازشان در تغییر و تحول است و («حکومت‌ها یارانی ندارند، چون فقط منافع برای آنها مهّم است» ـ که این گفته مشهور از ژنرال دو گل است) باین ترتیب است که دیده شده کشور اتحاد جماهیر شوروی از دیکتاتور امین دادا در اوگاندا حمایت کرده و غیر از او بیشتر از بوکاسا پشتیبانی کرده است که درگیر سوسیالیسم شده بود؛ آمریکا بالاخره حمایت "پول پت" را بعهده می‌گیرد. که رهبر خمرهای سرخ و مسئول گروه‌های افراطی اخلاقی و اجتماعی کامبوج بود. امّا باز گردیم به جنگ جهانی سوّم: که چگونه این نبرد جدید در فرانسه آغاز می‌شود؟ نستراداموس می‌نویسد:

توسط آرنانی تولوز شهر فرانگ،
رشته بیکران به سوی کوه آدریان،
توسط نقشه‌ای پل هوتن از رودخانه می‌گذرد،
همه بایون‌هاوارد شده تمام‌بیگورهافریاد سرخواهندداد (۸ / ۸۶).

بنابراین آیا در مرز فرانسه و إسپانیا در ناحیه هندای[1] است. که اولین برخوردها زاده می‌شود؟

احتمالاً، ناروا است، که چنین اهمیت کمی به گروه تروریستی E.T.A.، در جایی غیر از کشور اسپانیا داده شود: بخوبی می‌توانیم تصورکنیم ـ این موضوع را از رباعی ذکر شده چنین احساس می‌کنیم ـ که بی ثباتی در ناحیه باسک فرانسه، موجب وضع نابسامان و در حال انفجاری خواهد شده که مورد انتظار مقامات مملکتی کشور فرانسه نخواهد بود!

مشاهده نستراداموس در باب جنگ داخلی است که جنوب فرانسه

---

۱. Henday

را بیش از تهاجم سپاهیان خارجی به ویرانی کشیده است. آیا ارتباطی و نوعی همکاری بین نیروهای دست‌نشانده اسرائیل در بین اعراب و تروریستهای عمل‌کننده در اسپانیا وجود دارد؟

در سده (۷ / ۲۲) این اشعار را می‌خوانیم:

شهروندان بین‌النهرین (مربوط به عراق است)
برخلاف دوستی به تاراکونا بروید
تفریح، خنده، ضیافت‌ها برپاست وقتی تمام افراد در خوابند
خلیفه روزن شهر را با تمام اهالی اوزن تسخیر می‌کند.

اینک رباعی دیگری که بسیار دقیق است، در مورد جنگ داخلی در جنوب غربی فرانسه:

برای انجام دادن نبردی طولانی، رانده خواهد شد،
توسط مملکتی، شدیدترین اعتصابات انجام خواهد شد:
شهر و روستا شدیدترین درگیری‌ها را خواهند داشت،
کارکاس و ناربن قلب آزمایش‌ها خواهد بود (۱ / ۵).

در تولوز، علامت آشوب‌ها کشتار پنج خارجی در داخل کلیسا خواهد بود:

پنج خارجی وارد معبد می‌شوند،
خون آنها زمین را نجس خواهد کرد:
برای اهالی تولوزن سرمشق بسیار سختی خواهد بود (۳ / ۴۵).

این اشعار ظاهراً از مرگ یا مثله کردن پنج شخصیت در داخل کلیسایی در شهر تولوز خبر میدهد. آنچه مطابق نظر ما چنین است: پنج

تروریست بعد از ارتکاب به جنایت به مکانی که مختص اجرای مراسم مذهبی است پناهنده می‌شوند. جایی که آنها سنگربندی می‌کنند؛ کشتار این افراد خواه بدست ماموران پلیس است که آن جا را تحت محاصره گرفته‌اند، خواه بدست مردم خشمگین از قربانیان بی‌گناهی است که سوءقصدکنندگان کشته‌اند.

ناربون بیشتر از این محدود نخواهد شد:

در ناربون باز شکاری چشم را از حدقه در می‌آورد (۳ / ۹۲).

این شعر بسیار مبهم است! می‌توانیم شعر را طبق تفسیر شخصی‌مان چنین تعبیر کنیم فرد متخصص در امور تروریستی راه ارتباط ناربون را با خارج قطع می‌کند؛ تلگراف، تلفن، ایستگاه ارتباط رادیویی و تلویزیون را.

پرپینیان صحنه نمایش شورش افراطیون جناح چپ خواهد شد. از آنجا که لقب «شهر سرخ» را پیشگو برای آن بکار برده است:

شهر سرخ دیگر خواستار توافق نیست (۸ / ۲۲).

دو شعر سلسله وقایع شهر محاصره شده را برای ما تشریح می‌کند:

قائم مقام در هنگام ورود به در. (به دروازه شهر)
مرد بزرگ پارپینیان را از پا در خواهد آورد. (رهبر شورشیان را)

امّا نستراداموس بخوبی در ناحیه باسک گره‌ای راجای می‌دهد که نشانه‌ای بین جنگ داخلی و اشغال خارجی است:

بین بایون و ناحیه سن ژان دُلوز

مارس (خدای جنگ) دماغه‌ای را قرار خواهد داد (۸ / ۸۵).

فرانسه و اسپانیا بهرحال در زمرهٔ کشورهایی هستند که بیش از همه آسیب خواهند دید:

هیچ کس از اسپانیا، حتی از فرانسه کهن،
برگزیده نخواهد شد چون نیروی دریایی شکننده است،
به دشمن اعتماد خواهد شد،
که در مدت حکومتش طاعون وحشتناکی رخ خواهد داد (۵/۴۹).

سپس نستراداموس به تفصیل تهاجم به جنوب فرانسه را شرح می‌دهد:

فرن و آنتی بور [آنتیب] شهرهای پیرامون نیس،
از زمین و از دریا بشدت مورد تهاجم قرار خواهد گرفت (۳/ ۸۲).
کاملاً در نزدیکی اوش، از لکتور و میراند،

کمی پس از آن زمین به لرزه در خواهد آمد (۱ / ۴۶).

باین ترتیب مصائب زمینی با اوج نبرد تقارن خواهد یافت. شعر دیگری که باز هم به حملات هوایی تا ناحیه اوش مربوط می‌شود:

گوندون و اوش و اطراف میراند
از آسمان آتشی می‌بینیم که همه جا را احاطه می‌کند (۸ / ۲).

ممالک باسک و بی‌گور هم جهنم اتمی را خواهند شناخت:

به‌آرن و بیگورا بواسطه آتش هوائی به وضع وخیمی‌خواهدافتاد[1].

رودهای پو، نی، اوران بیش از آتش در خون فرو می‌رود (۸ / ۱).

روسیه بادبان‌های خود را گسترش خواهد داد در ناحیه جنوب غربی:

بدست راهبه کودک جان سپرده به نمایش گذاشته می‌شود،
بدست خرس کشته شده و با همیاری یک شیشه‌گر،
از طریق فوا و پامی سپاه آرایش یافته
علیه تولوز و کارکاس توقف‌گاه را بر پا می‌کنند (۹ / ۱۰).

به بیان تصویری توجه خواهیم کرد «بدست خرس کشته می‌شود» که در عین حال تجسمی از حیوانی است که مظهر کشور «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» است.

مسلماً جنگ جهانی سوّم، فقط به کشور فرانسه مربوط نمی‌شود، بلکه ایتالیا را هم در بر خواهد گرفت:

پیزا، اُست، فرار و تورن سرزمین‌های ممنوعه‌اند (۲ / ۱۵).

در واقع نبرد سراسر سرزمین‌های مسیحی را دربر می‌گیرد:

آبشخور و تباهی هیئت روحانیون کلیسا
به اضافه کسانی که‌نمی‌خواهندهیچ چیزراجع به آنهابشنوند(۱۵/۱).

---

۱. (۵ / ۹۸).

حین جنگ از خلال ممالک یوگسلاوی، سویس، ایتالیاگذشته آلمان غربی و فرانسه را تسخیر می‌کند سپس نوبت بریتانیای کبیر و اسپانیا خواهد بود.

درباره شهر جاودانه نستراداموس اشغال این شهر را بدست تسخیرکنندگان اعلام می‌دارد:

اه ای رُم پهناور نابودی تو فرا می‌رسد،
نی از مرزهایت بل از خونت جوهر حیاتت:
با نامه‌های تند محیط کشتی را بسیار متشنج خواهد کرد،
شمشیر نوک‌تیز تا دسته در بدن همه‌جای خواهدگرفت (۱۰ / ۶۵).

پاپ مجبور به گریختن از رُم می‌شود:

به دنبال پنج دسته‌ای که کنار گذاشته نشده است،
یک فراری مهمل بخاطر پنلون آزاد خواهد شد،
با زمزمه کردن دروغین کمک از آن طرف خواهد رسید،
رهبر از آن پس محاصره را ترک خواهد کرد (۱۰ / ۳).

این دو شعر را کنار هم شرح می‌دهیم:

با ید قدرت سه پادشاه موقت،
در مکان دیگری جایگاهی مقدس بر پا خواهد شد (۸ / ۹۹).

عالیجناب پاپ بایستی بگریزد، که فرارش مانع سرنوشت شومش نمی‌شود این رباعی کاملاً گویای آن است:

کشیش والامقام رُمی خودداری می‌کند که به تو نزدیک شود.

در یک شهر که دو شط آن را آبیاری می‌کند،
در نزدیکی آنجا خونت فوران می‌کند،
تو و بستگانت در آن هنگام که گل رز خواهد شکفت (۲ / ۹۷).

اصطلاح «آن هنگام که گل رز خواهد شکفت» فوراً موفقیت حزب سوسیالیست فرانسه را یادآور می‌شود؛ «گل رزی در پنجه» آیا نشانه برگزیده از طرف فرانسوا میتران برای حزب سوسیالیست فرانسه نبوده است؟ امّا می‌توانیم همچنین نشانه سنتی گل رز + صلیب را به یاد آوریم ـ و یا نیز آن را به علامت خاندانی سلطنت طلبان فرانسه منسوب سازیم. راجع به شهری که «دو شط آن را آبیاری می‌کند»، فوراً شهر لیون به خاطرمان می‌آید. امّا شهر "کراکووی"[1] ـ مقر فرماندهی حکومت اسقف‌ها و اسقف بزرگ کلیسای لهستان است ـ آیا این شهر هم با دو شط آبیاری نمی‌شود؟ در مورد خطری که برای ژان پل دوّم وجود داشته که با گریختن از رُم صورت گرفت، آیا نمی‌توانست در نزدیکی شهری اقامت گزیند که برایش عزیز بود؟

و شهر کراکووی، در حالتی که لهستان به طور ناگهانی محاصره شود ـ به شیوه دومین «ضربه به پراگ» (همانند تابستان ۱۹۶۸) ـ که توسط قدرت‌های (پیمان ورشو) محاصره شد و در آن صورت شهری حقیقتاً در معرض خطر خواهد بود.

بنابراین نبرد گسترش می‌یابد و دامنه وسعت آن شدید می‌شود: تعداد بی‌شماری از رباعیات میزان سرعت و گسترهٔ شگفت‌انگیز جنگ را تشریح می‌کند و به فتوحات ارتش مسلمان به پشتیبانی کشور روسیه اشاره دارد.

یقیناً خورشیدی‌ها از دریا گذر نخواهند کرد،

---

۱. Cracovie

آنانی که از زهره (مسلمان‌ها) هستند تمام افریقا را در دست می‌گیرند:
و زحل دیگر حکومت آنها را به تصرف درنخواهد آورد،
و بخش آدریاتیک را تغییر خواهد داد (۵ / ۱۱).

صلیب توسط امت محمد کنار گذاشته خواهد شد، (۳ / ۲۰).

برعکس پیروان محمد (در مغرب زمین) (۳ / ۲۳).

شهر پروانس از تهاجم در امان نمی‌ماند (توسط بمباران‌هایی که ما قبلاً به آن اشاره کردیم):

شهر پروانس از تهاجم برکنار نمی‌ماند
از مراتع سبز و خرم آلن تا از وارنس،
ازکوهستان لوبران تا نزدیکی دورانس.

در این جنگ وحشتناک سرنوشت شهر پاریس چه خواهد بود؟ آیا این شهر پس از محاصره طولانی به آتش و خون کشیده خواهد شد؟
اینک رباعی ۸۴ از سده سوّم:

شهر بزرگ بشدت مصیبت‌زده شده است،
حتی یک نفر از ساکنان هم جان سالم بدر نخواهد کرد:
به حریم، ناموس، معبد، و باکره‌ها هتک حرمت می‌شود
مردم با اسلحه، آتش، طاعون، گلوله توپ خواهند مرد.

امّا این رباعی ـ که می‌تواند براستی مربوط به هر شهر بزرگی شود که در طول تاریخ با خونریزی فتح شده است ـ آیا این واقعاً به سرنوشت پایانی پاریس مربوط است؟

یک رباعی دیگر (۵ / ۳۱)، که ظاهراً بسیار دقیق بیان شده است:

مقر پاپ و جاه و جلالش از بین رفته
به طور ناگهانی همه چیز در آب غرق خواهد شد.

برعکس ژان شارل فون برون، که تصور می‌کند که پاریس با پرتاب موشک از طرف روس‌ها و اصابت بر آن ویران می‌شود و ناچار شهر را رها می‌کنند، ما تشخیص می‌دهیم که انفجار نوعی مواد منفجره می‌باشد که در سوراخ معدنی جاسازی شده است. که درون پلی در مرکز شهر و در محله (پون- نف؟) یا درون گودالی اطراف (مترو؟ یا شبکه فاضلاب؟) جای گرفته است. دوست ما تعریف کرده، که در سال ۱۹۵۹، مشاهده‌ای داشته است - و در آن حال سعی کرده که این دو شعر نستراداموس را تفسیر کند - یک سلاح انفجاری که در گودال‌های معدنی در محل زیرزمینی در نزدیکی پون.نف جاسازی شده است. این سوء قصد ابداً در حالت جنگ و یا اشغال شدن شهر اجرا نمی‌شود؛ حتی می‌توان چنین استنباط کرد که «تکنولوژی» در تهیه سلاحهای بسیار ظریف اتمی به تروریست‌ها اجازه می‌دهد یک بمب اتمی را درون چمدانی حمل کنند و این سلاح شیطانی را در بهترین جای ممکن پنهان سازند تا در عملیات خرابکارانه گستردهٔ خود از آن بهره گیرند. نمایش نظامی به هیچ وجه غیر ممکن نیست زیرا مسأله جاسازی با در نظر گرفتن «بهترین» مکان مناسب انتخاب شده است تا با انفجارش شهر پاریس را به هوا پرتاب کند.

مردمان روسیه به هیچ وجه در استفاده از سلاح اتمی در زمان یورش تردید نخواهند کرد:

سحرگاهان در آسمان آتش شدیدی دیده خواهد شد [نور خیره کننده به ناگاه از بمب اتمی شعله می‌کشد]

صدا و روشنائی در امتداد شمال ادامه خواهد داشت،
سلاح آتشین، گرسنگی، و مرگ در انتظارشان است (۲ / ۹۱).

اولین بمب در سوئیس منفجر خواهد شد، از طریق موشکی پرتاب شده است:

شب هنگام مشعلی فروزان در آسمان دیده خواهد شد
نزدیک به انتها و مبنا و اساس رزن [رود" درکشور سویس قسمت فرانسه زبان سرچشمه می‌گیرد] (۲ / ۹۱).

این رباعی از تهاجم ناگهانی و دحشتناک به قسمت سویس فرانسه زبان صحبت می‌کند:

پارک جهانی در اطراف شهر نوبنیاد [تصویری بسیار زیبا ازکشور سویس است]
و در راه ناهموارکوهستانی غارها: [یعنی حفاری شد: توسط ارتش سویس قلعه‌ای درکوه احداث شده است] (۱۰ / ۴۹).

رباعی‌های دیگری هم موجود است که بهمان نسبت وحشت‌آور و به کشور سویس مربوط است. به طور مثال:

فرمانده لشکر درمیان مطبوعات،
با تیری که به پاهایش اصابت می‌کند زخمی می‌شود،
در آن هنگام ژنو در ماتم و زاری است،
از سوی لوزان و سویس مورد خیانت واقع می‌شود (۴ / ۹).

از لوزان بوی تعفن بر خواهد خاست
که به سرچشمه آن پی نخواهند برد،
تمامی مردم را به جاهای دور روانه خواهند کرد،
درآسمان آتش دیده می‌شود، ملّت خارجی شکست می‌خورد (۸/۱۰).

مهاجرت‌ها، بزودی از ژنو مهاجرت‌ها،
زحل طلائی به نوع آهنین تبدیل می‌شود،
تمام کسانی که با ری‌پز به مخالفت برخاسته‌اند نابود می‌شوند،
قبل از حمله در آسمان نشانه‌هائی آشکار خواهد شد (۹ / ۴۴).

گرسنگی، تشنگی، مردم جنوا بسیار شدید است.

واقعاً بدشواری بنظر این امر قابل قبول می‌آید ـ اینکه کشوری بی‌طرف که مثل «صندق امانات جهانی» در نظر گرفته شده است مورد تجاوز قرار گیرد. امّا آیا مسأله و انگیزه حمله فقط از لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی است؟ یا اینکه حساب خدعه‌آمیزی است براساس این کنش که متعلقات لشکر «اتلانتیک» تعدادشان در سویس بیشتر از جبهه مخالف است.

ارتش بزرگ شوروی بیشتر نواحی جنوبی ایتالیا و فرانسه را تسخیر خواهد کرد، پس از گذاشتن از یوگسلاوی:

توده‌ای از مردم اهل اسلاونیا نزدیک می‌شود، (۴ / ۸۲).

در عصر نستراداموس اسلاوانی ـ به کنارهٔ «دالمات» و تمامی سرزمین بعد از آن اطلاق می‌شد: (به نام اسکله معروف اسلاوانی در ونیز بیندیشیم).

پرانتزی بازکنیم: لازم است به طرز برخورد نستراداموس توجه کنیم

که چگونه به شکل خاصی متعجب شده و تحت تاثیر قرارگرفته وقتی با جنبش اخیر نهضت طرفدار اسلام مواجه شده است و با آن به شیوه مخصوص خود برخورد کرده است. افرادی که نه‌تنها در رؤیای بازگشت اسلام ناب محمدی هستند بلکه به جنگ مقدس غول‌آسایی می‌اندیشند که باعث گرایش تمام جهانیان به دین اسلام باشد. پیشگوی شهر سالن دو پروانس نه تنها نقش رو به رشد قذافی را در صحنه جهانی دیده است بلکه هم چنین نقش رهبر مذهبی عظیم الشأن انقلاب اسلامی ایران یعنی آیت‌الله خمینی را پیش‌بینی کرده است کسی که رژیم کاملاً حمایت شده غربی شاه ایران را شکست داد. با آن که عالی‌ترین کارشناسان جهانی شاه را یکی از قدرتمندترین سلاطین مسلمانی می‌پنداشتند که با نهایت قدرت بر تخت تکیه زده بود. می‌توانیم به این مضمون بخوانیم:

کسی که نام پیامبر ما قبل آخر را داراست،
دیان را به عنوان روز تعطیل بر خواهد گزید:
در شور خویش تا دوردست‌ها بر آب پیش خواهد راند،
ملت بزرگی را از یوغ بندگی نجات خواهد داد (۲ / ۲۸).

صراحت عجیب این نام بسیار تعجب‌آور است.

ایمان فوق‌العاده واقعی است. پادشاه فریب خواهد خورد (۱ / ۷۰).

تعریف بسیار رسایی از سقوط شاه ایران، که بر اثر احیای کامل اسلام از سلطنت برکنار شده است. اینک تصویری که درباره تبعید شاه نقش شده است:

پادشاه سرزمین کهن از حکومت رانده می‌شود،
به خاور زمین خواهد رفت برای گرفتن کمک‌هایی در جنگ.
به دلیل وحشت از صلیب‌ها پرچمش را جمع خواهد کرد،
از بندر و زمین به میتلن خواهد رفت (۳ / ۴۷).

اشعار دیگری که افشاگرانه است:

بزودی امپراطوری بزرگ به دردسر خواهد افتاد،
و انوبارب[1] بر بینی عقابی حکومت خواهد کرد (۵ / ۴۵).

این انوبارب: «مردی با محاسن برنزی[2]» آیا آیت‌الله خمینی نیست؟

با محاسن برنزی خود را در برانش[3] خواهد آزمود (۱ / ۷۴).

اسنادی از پیغمبر بزرگ [محمد] ربوده خواهد شد
به دست دیکتاتوری خواهد افتاد،
پادشاه را فریب داده و اداره امور را به دست خواهد گرفت،
امّا اختلاس‌ها بزودی او را تباه خواهد کرد (۲ / ۳۶).

بر طبق نظر نسترادااموس، انگلستان که آن را ملاحظه خواهیم کرد از هجوم شوروی در امان نخواهد ماند:

از جانب شمال [باد شمال اشاره به مردم روسیه است] کوشش‌های عظیمی صورت خواهد گرفت،
به اقیانوس راه گشوده خواهد شد

---

۱. Aenobarb
۲. Barbe d´airain
۳. ظاهراً نسترادااموس او را با موجودات برتر در ارتباط دانسته است.

مخارج سالانه اداره جزایر سنگین خواهد بود
لندن به‌لرزه درخواهدآمد بدست‌نیروی‌دریایی‌انجام‌شده (۶۸/۲).

آخرین پناه سلطنت برج لندن خواهد بود:

قلعه‌ائی در نزدیکی رود تایمز (برج لندن)
از هنگامی که پادشاه در آن محبوس است ارزشمند شده،
نزدیک پل یکتا پیراهن دیده خواهد شد،
نفر مقابل‌می‌میرد،سپس‌درون‌دژپشت‌میله‌هاجای‌می‌گیرد(۳۷/۸).

حال به فرانسه باز می‌گردیم دوره اشغال توسط نیروی اعتلای اعراب ـ شوروی است و شخصیت مرموزی که نستراداموس «سلطان بزرگ» می‌نامد: که باز مانده مستقیم پادشاهان باستانی [۱] است، نام هانری پنجم را می‌گیرد که مؤبد او را با نام چیرن توصیف می‌کند که تحریفی از اسم هانری می‌باشد یعنی نستراداموس چنین لقبی به او داده است. البته قبلاً کسی به نام کنت شامبور بود که هنری پنجم نام داشته است. امّا فراموش نکنیم که این فرد حکومت را قبول نکرده بود، پس موضوع مربوط به کیست؟ لازم است ذکر کنیم که برخی از مفسرین نستراداموس از جمله ـ "امیل روئه" [۲] و" دکتر فون برن" [۳] این سلطان بزرگ را از سلاله مستقیم لوئی هفدهم می‌دانند که از تامپل فرار کرده است: آیا او عضوی از خانواده "بوربون ـ نون‌دورف" [۴] است؟ سایرین او را باز مانده مستقیم سلسله والوا می‌دانند که بنحوی غیرمستقیم وارث پنهان قدیمی‌ترین سلسله سلطنتی فرانسوی: خاندان مرووتژین

---

۱. البته، می‌توانیم او را رهبر حکومت در نظر بگیریم (رئیس جمهور یا دیکتاتور) که میتواند یک سلطان باشد. امّا ظاهراً نستراداموس در ارتباط مستقیم خودش روایت سلطان فرانسه قید کرده است.

۲. Emile Ruir

۳. Font Brune

۴. Bourbon - Naundorff

است، اینک یک رباعی دقیق و استثنایی دیگر:

در مرکز آلمان فردی با خون تروین زاده خواهد شد
که به اوج توانائی خواهد رسید:
سپس مردم خارجی عرب نژاد را بیرون خواهد راند
کلیسا را به مقام بلند پایه اولیه‌اش باز می‌گرداند (۵ / ۷۴).

یک رباعی دیگر ـ که چهارمین رباعی از اولین سده ـ و قطعی است. مسأله این است که نه‌تنها اعاده حکومت به سلسله سلطنتی در فرانسه است، بلکه صحبت از سلطانی است که رهبر حقیقی جهان خواهد شد، امّا حکومتش با «آخرین بانگ خروس» در فرانسه، و با ویرانی پاریس و پایان کار کلیسا تقارن می‌یابد:

با همراهی جهانیان سلطانی به تخت خواهد نشست،
که از نظر صلح و حیات عمر طولانی نخواهد داشت:
در آن هنگام که کشتی‌های پاپ از بین می‌روند،
حکومت با بیشترین زبان‌ها اداره خواهد شد.

کشتی‌های پاپ «قایق صیادی» در عین حال شامل کلیسا است (قایق سن پیر) شهر پاریس (که علامت آن قایق است).

موفقیت نظامی سلطان بزرگ بر متجاوزین پس از دو سال صورت خواهد گرفت. امّا آیا فقط آمریکائی‌ها هستند که از سلطان بزرگ حمایت میکنند؟ رباعی زیر به ما ثابت می‌کند که چینی‌ها با «خروس» متحّد خواهند شد:

هیچ‌گاه با پدیدار شدن سپیده دم
به نشان عصای سلطنتی آهنی دست نخواهد یافت

چنانچه تمام مسندها خالی باشد،
از طرف ارتش تائوی مسلح به خروس کمک اهداء خواهد شد (۸/۶۱).

به جمله عجیب "تائویِ مسلح"[۱] توجه کنیم: تائو، در فلسفه باستانی چین - مسلح است، یعنی دارای اسلحه. بنابراین به معنای سپاهیان چین است که سلطان بزرگ را با نیروی زیاد یاری خواهند کرد. سریعاً شانه‌هایتان را بالا نیندازید! آیا ندیده‌ایم که چین با وجودی که یک مملکت کمونیستی است متحّد آمریکا هم شده بود؟ بخوبی می‌توان تصور کرد که نوعی قدرت متزاید ارتش چین را تقویت می‌کند. مجدداً به مقوله چین باز می‌گردیم. به سادگی بگوئیم ما خطر «زرد پوستان» را باور نداریم یعنی ویرانی پایانی غرب بدست ارتش چین را باور نداریم.

در عصر نسترادراموس، هیچ کس نمی‌توانسته ایجاد و عروج کشور آمریکا را پیش‌بینی کند. و معهذا به نظر می‌آید پیشگو تحت تاثیر نقش این مملکتی قرار گرفته است که انگلیسی زبان است، و به مراتب قوی‌تر از انگلستان شده است. او اصطلاح زیر را در این مورد می‌گوید:

خواهر ارشد جزایر بریتانیا (۴ / ۹۶).

امّا بازگردیم باز هم به موضوع سلطان بزرگ. رباعیات بی‌شماری به این شخصیت اشاره دارد:

با ثروت خود بیشتر بسوی راست ترقی خواهد کرد،
بر روی سنگ مربع شکل ساکن خواهد شد،
به طرف جنوب تکیه به پنچره می‌دهد،

---

۱. Tao - armifère

با عصای سرکج در دست و دهان مهر شده (۵ / ۷۵).

سالی که عطارد، زهره، به قهقرا بازگشته‌اند،
خط مشی سلطان بزرگ شکست ناپذیر است:
در نزدیکی گاگدول منتخب مردمی به روال عادی حکومت می‌کند،
که از شدّت سکون حکومت فرسوده خواهد شد (۴ / ۹۷).

خونش سبب‌ساز حیات مجدد آراء باستانی خواهد شد،
در عصر فلزات قرن طلائی را احیاء می‌کند (۵ / ۴۱).

پس در مورد حمایت آمریکا قرار می‌گیرد «از اقصی نقاط غرب کشور انگلستان»، (۵ / ۳۴) گل سر سبد نه کشور اروپایی می‌شود[۱]، نه تنها فرمانروای مطلق سراسر فرانسه می‌گردد بلکه حکمران و فرمانروای قدرتمندترین حکومت دنیا می‌شود:

چیرن بزرگ رهبر جهان خواهد شد،
از آن پس دیگر از ارتش ترس و تردید نخواهند داشت:
آوازه‌اش از فراز آسمان‌ها گذر خواهد کرد
و از اینکه به تنهایی کامیاب جهان است به شدّت لذت می‌برد (۶ / ۷۰).

سلطان بزرگ از رفتن به پاریس صرفنظر می‌کند وقتی ویرانی ناگهانی این پایتخت را درمی‌یابد:

در آوینیون تمام روسای امپراطوری،
به سبب ویرانی پاریس توقیف می‌شوند:

---

۱. نمودار پیشگوئی ۴۱ (ژوئیه): «پادشاهان نه کشور مشرق مبهوت می‌شوند».

تری کاست خشم آنیبال را برمی‌انگیزد،
لیون به سبب دگرگونی بدشواری تسلی خواهد یافت (۳ / ۹۳).

نستراداموس به ما این سلطان بزرگ را معرفی می‌کند، که پس از ویرانی پاریس به نظر می‌آید آوینیون را به عنوان پایتخت بر می‌گزیند به عنوان فاتح کشورگشای مسلمان بر تخت می‌نشیند:

با خشمی بسیار پادشاه رُمی‌الاصل بلژیک
به دردسر افتاده از سربازان بربر روی می‌گرداند:
رُم در خشمی فشرده مردم لیبی را خواهد راند
از راه پانون تا جبل‌الطارق [پانون نام رُمی مجارستان است] (۵ / ۱۳).

برای توصیف کردن سلطان بزرگ، که شهر اوینیون را به عنوان پایتخت انتخاب می‌کند، نستراداموس دوبار ضمن اشعار در سدهٔ (۸ / ۳۸) و (۸ / ۵۲) چنین توجیه می‌کند:

پادشاه بلوا در آوینیون حکومت می‌کند،

به دلخواه چنین می‌اندیشیم ـ و با این اندیشه که اگر او را از بازماندگان والوا بدانیم نوعی کلید رمزگشا به دست می‌آوریم؟ بلوا، واقع در دره لوار است، و یکی از مکانهایی است که مورد علاقه سلاطین سلسله والوا بوده است. بهر صورت در **سده‌ها** به طور قطعی: موضوع مربوط به یک پادشاه فرانسوی است که به دفعات نستراداموس او را بعنوان یک رهبر جنگی بما معرفی می‌کند که شکست‌دهنده تهاجم است و موقعیت فاجعه‌آمیز امور نظامی را کاملاً دگرگون می‌سازد:

پادشاهی که مخالفانش را مورد عفو قرار می‌دهد (۵ / ۵۲).

امّا چنانچه هجوم آنقدر سریع انجام می‌پذیرد ـ چطور ارتش روسیه یک هفته کامل صرف می‌کنند تا به مرزهای فرانسه برسد:

به مدّت هفت‌روز دشمنان‌در موعدمعینی پشت دروازه‌اند (۸۱/۵).

تسخیر مجدد طولانی سخت و خونین خواهد بود. نستراداموس بار دیگر به همین موضوع اشاره دارد. و این بار موضوع منحصراً به شهر لیون مربوط می‌شود ـ که بر دو شط واقع شده است:

دو شط از جریان خون به رنگ سرخ در می‌آید (۶ / ۹۸).

سلطان بزرگ موفق می‌شود متجاسرین را از سرزمین ملّی بیرون راند:

سرباز بربر به پادشاه بزرگ ضربه خواهد زد (۸ / ۷۳).

امّا موفقیت وی به شرکت عظیم ارتش‌های خارجی نیازمند است:

در پیرامون کوه‌های پیرنه توده عظیم،
از مردمان خارجی پادشاه جدید را یاری می‌کنند
در نزدیکی گارون در معبد بزرگ ماس
یک رهبر رُمی در آب از او به وحشت در خواهد آمد (۶ / ۱).

ما تذکر دادیم که پیروزی نهائی پادشاه بزرگ به همکاری چینی‌ها نیازمند است. در این همکاری چین را ابداً به حالت «تهاجمی»

نمی‌بینیم، بلکه کاملاً برعکس ـ در دو رباعی ذیل که بنظر می‌رسد مربوط به این موضوع باشد:

لیبرا [علامت نجومی میزان است] سلطنت هسپریا را خواهد دید
از آسمان و زمین سلطنت را تصرف می‌کند،
در آسیا به هیچ وجه نابودی قدرتها دیده نخواهد شد،
به‌طوریکه هفت به‌ترتیب سلسله‌مراتب جای نخواهدگرفت (۴/ ۵۰).

در مدتی کوتاه معابد رنگین شده
رنگ سفید و سیاه با هم درآمیخته است:
سرخ‌ها و زردها آنان را با رنگ خود تزئین خواهند کرد،
خون، خاک، طاعون و آتش از آب به وحشت در می‌آید (۶/ ۱۰).

تا آنجاکه مربوط به ماست، تصور می‌کنیم که دخالت چینی‌ها کاملاً می‌تواند قابل فهم باشد ـ این اندیشه در راستای وسوسه‌های قدیمی دوران اعتلای چین قرارگرفته است که همه امور بر محور «خطر زرد» می‌چرخید ـ مثل اندیشه تهاجم غرب. بعلاوه آیا نمی‌توانیم به نوعی گسترش اقتصادی جهانی بیندیشیم که مربوط به امور نظامی نیست؟ آیا نمی‌توانیم تصور کنیم که وقتی چین قسمت اعظم نیروهایش را در سومین جنگ جهانی حفظ کند ـ آیا در آن زمان از لحاظ نیروی نفرات و اقتصادی دارای قدرت عظیمی نخواهد بود؟

ابتدا شکست در اسپانیا و فرانسه است، مرد قدرتمند عرب رهبر لیبیایی (آیا همان قذافی است؟) سرانجام در مجارستان شکست می‌خورد. که قبلاً با نیرنگ روس‌ها مورد خیانت واقع شده است:

فرد والامقامی از تبار عرب به زودی به پیش خواهد تاخت،
از سوی اهالی بیزانس به او خیانت خواهد شد:

از شهر قدیمی رودس به پیشواز او خواهند آمد،
از جانب مجارستانی‌ها متحمّل آزار بسیار می‌شود (۵ / ۴۷).

علاوه بر شکست مرگبار مجارستان، نبرد طولانی دریایی خواهد شد که بر اثر آن نیروهای غربی، حتی در خاور میانه هم برتری خواهد داشت. تلفات مسلمانها بیش از یک میلیون نفر می‌باشد:

شاهزاده عرب نمودار مریخ، خورشید، ناهید، شیر،
حکومت کلیسا از طریق دریا از پا در خواهد آمد:
از جانب ایران کاملاً بیش از یک میلیون
پرهیزکار به بیزانس، مصر به سوی شمال هجوم خواهند آورد (۲۵/۵).

از طرفی در دریای سیاه نبرد بزرگ دریایی صورت خواهد پذیرفت.

بواسطه آتش، اسلحه، نه چندان دور از دریای سیاه
نیروهای ایران برای اشغال ترابوزان حرکت می‌کنند:
فاتو متلن سرزمین الگرو را به لرزه درمی‌آورد،
خون نژاد عرب آدری اب را خواهد پوشاند (۵ / ۲۷).

رباعی دیگری که به نظر می‌رسد، در ناحیه مدیترانه خاوری، از نبرد دریایی دیگری خبر می‌دهد:

در بالاترین درجه اسارتش غیر از اندوه آتش‌پرست،
گوشت بشریت با مرگ در خاکستر گذاشته می‌شود،
در جزیره فاروس با [در پهنه اسکندریه] جنگ‌های صلیبی به اغتشاش می‌افتد
حال آن‌که در رود با نشانه‌های هولناکی ظاهر خواهد شد (۵ / ۱۶).

عرب‌ها زمانی متوجه می‌شوند، که بیش از حد دیر است، در می‌یابند که فقط نقش مهره‌ای در بازی (شطرنج) را دارند. و توسط یکی از دو بلوک قدرتمند به بازی گرفته شده‌اند. حادثه‌ای که باعث می‌شود پس از پیروزهای جالب فرجام غم‌انگیزی پیامدش باشد، که با قتل رهبر، ارتش‌های مسلمان به انزوا کشیده می‌شوند:

در بندر سلین شخصیت ستمگری به‌مرگ سپرده می‌شود (۱ / ۹۴).

جنگ جهانی سوّم به مدّت سه سال و هفت ماه طول خواهد کشید، نبرد نهائی در ارمنستان صورت می‌پذیرد:

حکومت به دو نفر واگذار می‌شود که کوتاه زمانی حفظاش خواهند کرد
پس از سه سال و هفت ماه جنگ را آغاز خواهند کرد.
دو کشور بکر بر ضد آنها سر به شورش برمی‌دارند
سپس پیروزی در سرزمین ارمنستان پیاده می‌شود (۴ / ۹۵).

بالاخره بایستی آرزو کنیم که پیشگوئی نستراداموس خطا باشد ـ آیا حقیقتاً این حوادث را دیده است. این امور تاریخی اجتناب ناپذیری که بر اثر اشتباهات بشریت که پیوسته بر هم انباشته می‌شود ـ چنانچه بشریت با هوشیاری عمل کند آیا می‌تواند از بروز آنها ممانعت کند؟ بهتر است امیدوار باشیم. زیرا طبق پیش‌بینی فقط یک ربع میلیون افراد بشر از فاجعه پایانی جان بدر می‌برند.

عده کثیری از دریا گذر خواهند کرد
بی هیچ شکی یک چهارم یک میلیون است (۲ / ۹۴).

در نقش این تابلو هیچ مصیبتی را فروگزار نکرده است. جنگ‌ها، زلزله‌ها ـ طوفان‌های وحشتناک مانند زمان نوح، خشک‌سالی که حداقل از نوع مرموزی نیست، انواع قحطی:

گل‌ها پژمرده می‌شود، گیتی کاستی می‌یابد
سپس، بار دیگر جنگ‌ها از سر گرفته خواهد شد (۱ / ۶۳).

چنین می‌پنداریم که قحطی عظیم نزدیک است،
به دفعات به چرخش در می‌آید سپس جهانی خواهد شد،
آنچنان وسیع و طولانی که همه چیز از جا کنده شد
ریشه درختان از جنگل و بچه از پستان مادر (۱ / ۶۷).

به صورتی که نستراداموس اعلام کرده است واقعاً وقوع جنگ جهانی سوّم وحشتناک است! با مرگ‌های بی‌شمار:

با آذرخش و جنگ است که بسیاری از مؤمنین خواهند مرد (۴/۴۳).

استفاده از سلاح‌های اتمی همیشه «ویژهٔ» (استفاده ناسزا مانند در زبان زرگری مردم عوام نیست) بلکه مشتمل بر بمب‌هایی است که زمین را غیر مسکون خواهد کرد.

اماکن مسکونی خالی از سکنه خواهد یافت (۲ / ۹۵).

بیماری‌های وحشتناکی شیوع خواهد یافت

جلگه حاصلخیز، و پهناور آنسونیا،
خرمگس و ملخ بی‌شمار تولید خواهد کرد،

روشنی خورشید کاستی خواهد رفت،
همه چیز را از بین برده، طاعون مهلکی ببار خواهد آورد (۴ / ۴۸).

در نواحی مختلف، قحطی وحشتناک خواهد بود:

تینوشه‌ای از مواد تخمیر شده از بلندی فرود خواهد آمد،
که آدمیان همدیگر را خواهند بلعید (۲ / ۷۵)

چهل سال خشک‌سالی، سپس چهل سال بارندگی مداوم خواهد آمد:

به مدّت چهل سال رنگین کمان ظاهر نخواهد شد
به مدّت چهل سال هر روز دیده خواهد شد:
زمین‌های بایر رو به افزایش خواهد رفت
در آن هنگام که سیل‌های عظیم مشاهده شود (۱ / ۱۷).

در مورد رنگین کمان و سایر صور فلکی ذکر شده در اثر نستراداموس، بررسی کاملی بایستی انجام شود. در آن مورد کاملاً نظیر فردی متعلق به دوره رنسانس عمل می‌کند که در پهنه آسمان به راحتی نبردهای سمبولیک، علامت‌ها، و شگفتی‌ها را کشف می‌کند:

در سومین ماه به هنگام بر آمدن خورشید،
گراز و پلنگ در میدان مارس به مبارزه می‌پردازند
پلنگ خسته، چشم به آسمان بر می‌دارد،
عقابی را در اطراف خورشید در حال جنگیدن می‌بیند (۱ / ۲۳).

صدا، آوای نبردی که در آسمان انجام می‌گیرد (۱ / ۶۴).

به نظر می‌رسد که پدید آمدن ستاره‌ای دنباله‌دار درست در پایان قرن بیستم که عادت داریم آن را ستاره دنباله دار «هالی» بنامیم نقش مهمّی ایفا می‌کند:

در امتداد شمال ظهور خواهد کرد
نه چندان دور از سرطان ستاره دنباله‌دار (۶ / ۶).

نستراداموس بنظر نمی‌آید که به یکی از دو بلوک نقشی برنده داده باشد یعنی اینکه یک ابرقدرت بطور کامل پیروز شود و دیگری را نابود کند: احتمالاً لازم است تصور کنیم نوعی سرنوشت «تقدیر» بین دو ابرقدرت مقّدر شده است، که هر دو تضعیف شده، و با اندکی اختلاف «فاتح» و «مغلوب» خواهند بود. و از آن پس فرانسه در لوای سلطان بزرگ اسرارآمیز، بازسازی و احیاء غرب را راهبر خواهد شد. و پس از آن یک دوران طولانی صلح در جهان ایجاد می‌شود.

اما درباره ضد مسیح چطور بیاندیشیم، این شخصیت مشکوک که درکتاب مکاشفه یوحنا هم ضمن پیشگوئی‌ها اعلام شده است؟ تعداد بی‌شماری از رباعیات نستراداموس در این مورد بحث دارد، ضد مسیح با دو دندان متولد می‌شود:

بسیاری به جزایر تبعیدیان وارد می‌شوند
موجودی با دو دندان درگلو زاده می‌شود (۲ / ۷).

در رباعی دیگر در این مورد گفته است:

کودکی با دو دندان درگلو زاده خواهد شد
در توسی سنگ‌ها مثل باران خواهد بارید (۳ / ۴۲).

از پدر و مادری «ناسپاس و مجهول» زاده می‌شود از یک پدر کشیش:

از والدین ناسپاس و مجهول زاده شده است (۵ / ۸۴).

بیت دیگری از سده‌ها گویای آن است که ضد مسیح در آلمان شرقی متولد شده است:

در ساکس هیولائی از خروس و ماده خوک زاده خواهد شد (۶/۴۴).

امّا آغاز کارش در خاور میانه است در زمان آغاز انفجارآمیز جنگ جهانی سوّم:

با خبث طینت وقاحت پستی وارد عرصه سیاست خواهد شد

بر بین‌النهرین حکومت مستبدانه‌ای خواهد داشت (۸ / ۷۰).

معهذا در رباعی دیگری به عنوان رهبر یک دولت آفریقائی ذکر شده است:

... مرد بزرگ آفریقائی از ترس به لرزه در می‌آید
دوموبرا توسط ارتش از هم پاشیده می‌شود (۵ / ۲۳).

با وجود این بایستی از این وسوسه خودداری کنیم که ضد مسیح را در وجود قذافی و یا شخصیت درجه اوّل دیگری جستجو کنیم[۱]، شخصاً فکر نمی‌کنیم لازم باشد که ضد مسیح به عنوان فردی عمل

---

۱. علیرغم سده ۱۰ از رباعی شماره ۵۶ که ظاهراً ضد مسیح را یک رهبر حکومت عرب معرفی کرده است.

کند که در صحنه جهانی نقش اوّل را ایفا می‌کند: بلکه ما بیشتر در وجود او کسی را می‌بینیم که بی‌تردید در افکار عمومی شناخته شده نیست، آیا نمی‌تواند خود شخصی «ناشناس، مجهول» باشد، شخصی که متعلق است به آن حکومت نامرئی اسرارآمیز اضطراب‌انگیزی که نخ‌های آدمک‌های بین‌المللی را در دست دارد؟

عملیات پنهانی ضد مسیح در واقع بیش از سه سال از جنگ جهانی سوّم را در بر می‌گیرد:

بزودی ضد مسیح سوّم هم نابود خواهد شد
جنگ او بیست و هفت سال به طول خواهد انجامید (۸ / ۷۷).

در تحقق برنامه ترسیم شده مرموز، دوره نبرد جهانی مثل توده یخ فقط در قسمت آشکار آن دیده خواهد شد، که حاصل سال‌های متمادی دسیسه‌چینی و توطئه است.

به نظر می‌رسد رباعی بما خبر می‌دهد زمانی که ضد مسیح از آسمان فرود آید (با هواپیما یا موشک؟) در رأس عملیات قرار خواهد گرفت تا قدرت را در دست گیرد:

سال هزار و نهصد و نود و نه پس از هفت ماه،
پادشاه بزرگ وحشت از آسمان فرود خواهد آمد:
بار دیگر پادشاه بزرگ انگول‌موا[1] را زندگی خواهد بخشید،
درست پس از این زمان مارس با نیکبختی حکومت خواهد راند.

معهذا به تفسیر "پل دوسن هیلر"[2] اشاره می‌کنیم، طبق نظر وی آمدن ضد مسیح مطرح نیست، بلکه، دومین شبه حضرت مسیح

---

۱. Angolmois

۲. Paul de saint Hilaire

می‌باشد ـ به این دلیل که کلمه «وحشت» می‌تواند ـ طبق نظر سن هیلر ـ در زبان فرانسه متداول در قرن شانزدهم، به مفهوم «خاموش کردن» و «آرام کردن» باشد.

امّا ما به سهم خود و با رد کامل عقیده ژان شارل فون برون که رباعی را بدین سان تفسیر کرده که فردی که نازل می‌شود، از شوم‌ترین رهبران حکومت خواهد بود، ما پیشنهاد دیگری داریم، و ترجمه کاملاً متفاوتی از این شعر ارائه می‌دهیم: پادشاه بزرگ وحشت «طبق نظر ما» ضد مسیح نمی‌باشد بلکه نوعی از پدیده‌های نجومی است، که عامل دوران پایانی فعلی تاریخ بشریت می‌باشد.

کاملاً می‌توان چنین تفسیر کرد فرود پادشاه بزرگ وحشت بر زمین یا سقوط جسمی آسمانی مثلاً ـ ستاره دنباله‌دار خواهد بود؟ ستاره‌ای که جاذبه زمین آن را جذب کرده است و از فضای دوردست آمده است؟

بااین ترتیب نوعی فاجعه مربوط به کره زمین بروز می‌کند که منجر به جابجائی ناگهانی محور زمین در قطب‌ها می‌شود و در نتیجه طوفانی شبیه زمان نوح اتفاق می‌افتد که بر اثر آن تعداد قلیلی از افراد حاضر بعنوان نماینده بشریت باقی می‌مانند.

پس می‌توان گفت که نستراداموس تاریخ دقیق (ژوئیه ۱۹۹۹) را برای پایان دوره‌ای از تاریخ فعلی جهان در اختیار گذاشته است. البته عده‌ای بازمانده بر جا خواهد ماند، که به عنوان هسته آغاز تشکیل عصر جدید بشریت می‌باشد. چه نقاط نادری از این فاجعه برکنار می‌ماند؟ البته می‌توان به طور اتفاقی فرضیه‌های مختلفی را در نظر گرفت (بطور مثال) نواحی که از نظر زمین‌شناسی قدیمی‌ترین نقاط آمریکای شمالی یا مثل کِبِک و نواحی دریاچه بزرگ، که هیچگاه در دوران عمر فعلی زمین دچار تخریب عظیم دریایی نشده است، امّا نستراداموس، به سهم خویش از افشای نقاط امن برای ما خودداری کرده و این که افراد در عصر دورهٔ فاجعه بزرگ به کجا می‌توانند پناه ببرند.

بهر حال، رباعی که در آن نسترادامـوس به وضوح نوع فاجعه را شرح داده مصیبتی است که در پایان قرن در انتظار ماست:

در جائی که هیرون کشتی خود را می‌سازد
سیل عظیمی به طور ناگهانی جاری خواهد شد
که هیچ زمینی بدون آسیب باقی نمی‌ماند
آب‌ها المپیک فوزولان را احاطه خواهد کرد (۸ / ۱۶).

فاجعه بسیار ناگهانی رخ می‌دهد، همانطور که قاره اتلانتیس را بلعید، و بر طبق نوشته افلاطون ناپدید شده است. و پیشگو هم‌چنین به بیان کردن وضع قرار گرفتن اخترها می‌پردازد و این که در پایان دوران فعلی زمین چگونه با هم تقارن می‌یابند:

گیتی به آخرین دوره خود نزدیک می‌شود،
زحل بار دیگر با تاخیر باز خواهد گشت (۳ / ۹۲).

چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟ آیا نسترادامـوس حقیقتاً تمام حرکت‌ها را دیده است. مانند طرز کار (مکانیسم) واقعی یک ساعت، به نحوی تسکین‌ناپذیر از زمان‌هایی خبر می‌دهد که فرا می‌رسد؟ ظاهراً به نظر چنین می‌آید. و اگر اینطور باشد باعث سرگیجه‌مان می‌شود. همه حوادث چنان اتفاق می‌افتد که گوئی، با کوچکترین جزئیات، قبلاً توصیف و ثبت شده است (امّا شاید طبق تقدیر، قادر باشیم پیش از بروز قطعی و کامل آن حوادث را بشناسیم).

بر حسب مثال حوادث مربوط به جمهوری پنجم را در نظر بگیریم، که به نظر می‌رسد حتی پیش بینی اقداماتی از قبیل O.A.S را هم کرده است... و دستورات ویژه‌ای که به نحوی بی‌رحمانه اقدام آنها را سرکوب می‌کند:

دشمنان مخفی مسموم خواهند شد:
پادشاه و هیئت قضات مطمئناً از آن مراقبت خواهند کرد. (نمودار پیشگوئی، ۱، ۲، ۱۳۸).

از طرفی می‌توان از خود پرسید آیا نستراداموس بعضی قطعات را مبهم و دو پهلو ارائه نداده است؟ که بتوان آنها را به حوادث شبیه بهم مربوط کرد: بطور مثال، دو شعری که قبلاً ذکر کرده‌ایم، به سرنگونی حکومتی دیگر مربوط باشد، یعنی موضوع کاگول، پیش از جنگ جهانی دوّم.

آیا حقیقتاً، همه امور را مثل یک فیلم سینمایی به همان صورت که اتفاق می‌افتد می‌بینیم که روالی ملامت‌ناپذیر دارد؟

و چه از نظر رسوم سنتی (قانون دوره‌های چرخه‌های فلکی) چه از نقطه نظر جنبه‌های علوم (برای چه بشریت از جبریه‌های جهانی می‌گریزد؟)، در امکان دیدن آینده نه تنها هیچ نوع اشکالی ایجاد نمی‌کند، بلکه کاملاً برعکس است. امّا، از نقطه نظر شخصی ما، حقیقتاً آرزو داریم که علیرغم همه چیز، به اختیار بشری بیندیشیم، (از جنبه فردی یا اجتماعی) بطور اعم نیروئی که می‌تواند بر این یا آن گزینش اثر بگذارد. آنگاه که گره‌های قطعی مسبب بروز حوادث است.

چه نتیجه‌ای از اثر نستراداموس بگیریم؟ البته می‌توانیم در رد پیشگوئی‌های وی اصرار ورزیم، پیشگوئی‌هایی که با چنین وضع اسفناکی آینده را آشکار می‌سازد.

نه تنها، کلیشه‌های روشن‌بینی وی ما را تحت تاثیر قرار داده (با در نظر گرفتن حاشیه ممکن برای انجام نشدن اختیار بشری) بلکه بخاطر دقت نظر پیشگو تحت تاثیر قرارگرفته‌ایم. در مورد آنچه به عصر حاضر مربوط است، مؤلف سده‌ها به کمک یک بیت شعر در تابلو چنان نقشی می‌آفریند که دگرگونی‌های شناخته شده در فرانسه و دنیا را از آغاز تا انجام ق ن بیستم نشان می‌دهد:

همه چیز جز زبان قدیمی تغییر می‌یابد (۶ / ۴).

او پیشرفت دوارآور علوم را پس از زوال باورهای قدیمی سنتی دیده است:

جسم بی‌وقفه به بخار تبدیل شده با چشم مرئی می‌شود [تلسکوپ و میکروسکوپ باعث می‌شود ذرهٔ بی‌نهایت کوچک قابل مشاهده شود]
درون ابری محو شده، به این دلایل ظاهر خواهد شد:
دارای جسم، جبهه شناخته شده، بی‌رهبر و نامرئی،
سخنان وعظ گونه حاکی از تقدس رو به کاستی گذاشته می‌شود (۴ / ۲۵) [انجام آداب مذهبی]

آیا نستراداموس تنها پیشگو و ستاره‌شناسی است که در قرن شانزدهم، حقیقتاً آینده را دیده است؟ به طور قطع خیر. بدین سان که در شهر لیون (نزد ناشری به نام گیوم) در سال ۱۵۵۰ میلادی پنج سال بیش از چاپ اولین نسخه ***سده‌ها*** - "ریچارد روسار"[۱] کتاب "حکومت و جهش زمان را نگاشت" - که در آن - در صفحات ۱۶۲ و ۱۶۳، برای فرانسه انقلاب بزرگی را پیش‌بینی می‌کند که درست در سال هزار و هفتصد وهشتاد ونه (۱۷۸۹) رخ خواهد داد، چنین براحتی «اتفاق» را وارد ماجرا کردن ابداً ما را قانع نخواهد کرد!

امّا در میان پیشگویان قرن حاضر نستراداموس بعنوان کسی باقی می‌ماند که بال‌های اندیشه‌اش گستردگی زیادی دارد و به دشواری می‌توان به حد او نزدیک شد. آیندگان در این باره شک نخواهند کرد.

سرژ هوتن

---

۱. Richard Roussart

رساله به هانری دوّم پادشاه فرانسه

تقدیم به فرمانروای شکست‌ناپذیر و بسیار قدرتمند

و مسیحی با اعتقاد هانری پادشاه فرانسه از طرف خادم کمترین درگاه نستراداموس خدمتگزاری که خاشعانه آرزو پیروزی و توفیق آن جناب را دارد،

در باب نظراتی که نسبت به آن عالیجاه داشته‌ام. آه، ای پادشاه مسیحی متدین که در اوج ظفرمندی می‌باشید، از زمانی که در پیشگاه آن عالیمقام قرار گرفتم که چون رب‌النوعی در حال درخشش بود، شدیداً مجذوب آن جناب شدم. از همان هنگام مبهوت و شیفته شما گشتم. قطع نظر از احترامات و افتخارات بی‌شائبه‌ای که در آن روز بایستی در پیشگاه شما انجام می‌دادم، به افتخار حضور در آستان مبارک اعلیحضرت فوق‌العاده مهربان و بسیار بشر دوست مباهات می‌کردم. و در جستجوی موقعیت خاصی بودم که به من امکان دهد روح رئوف و صادق و سلیم خود را آشکار سازم. در آن موقع معلوم گردید که توانائیم پس از شناختی که از شما سرور والامقام به دست آورده‌ام فزونی یافته است. با این حال به خوبی متوجه شده‌اید که قادر نیستم مکنونات قلبی خود را بطور شایسته‌ای بیان دارم.

پس بر اثر نیاز شگفت انگیزی که مدت مدیدی است در وجودم پیدا شده است بارقه‌ای در تاریکی تابان گشت و من نائل به شرفیابی به

حضور برترین سلطان جهان شدم.

مدت‌هاست که در شک و تردید بسر می‌برم که این سه سده از باقیمانده پیشگوئی‌های خود را که هزاره‌ای مکّمل آن است به چه کسی تقدیم دارم. بنابراین از روی بلاتکلیفی تصمیم گرفتم جسورانه و با گستاخی به حضور شما شرفیاب شوم و نوشته‌ام را به پیشگاه آن اعلیحضرت اهدا کنم.

پس از این بابت نبایستی متعجب شد، همان‌طور که مؤلف پلوتارک در وصف زندگی لی‌کورگ نقل می‌فرماید: به سان مؤمنی که قربانی به خدایان اهدا می‌کرد و برای انجام قربانی در معابد خدایان اساطیری حضور می‌یافت. علیرغم آنکه می‌بینیم که سلطان پر جلالی چون اعلیحضرت به سبب نیات بشردوستانه بنده را به حضور مبارک پذیرفته‌اند. ایشان همانند پادشاه ایران نیستند که کسی جرأت نزدیک شدن به آستانشان را ندارد. امّا من نقطه نظرات و اطلاعات و پیشگوئی‌هایم را تقدیم آن پادشاه محتاط و عاقل می‌کنم که پیشگوئی‌های فوق بر اساس قریحه خدادادی و غریزی و متشکل از اشعاری منظوم است. و برخی از آنها متشکل و مشتمل بر محاسبات نجومی[1] است که بر طبق تاریخ سال و ماه و هفته می‌باشد و از نظر منطقه‌ای شامل محله‌ها و کشورها و برخی شهرها و ایالت‌های سراسر اروپا می‌باشد. حتی شامل قاره‌های آفریقا و قسمتی از آسیا می‌باشد که نمودار تغییرات عظیم منطقه‌ای است؛ محاسباتی که اکثر این نقاط را بهم نزدیک می‌سازد، و مرکّب از انتظاری طبیعی است: به کسی که جویای معماست پاسخ می‌دهد، وزن سده‌ها با وجود آسانی فهمش را مشکل می‌سازد.

از این بابت، آه، ای پادشاه نوع دوست، بسیاری از پیشگوئی‌های این رباعی‌ها چنان وحشت انگیز است که قادر نخواهیم بود حتی فکرش را بکنیم یا به تفسیر آن بپردازیم. ولی با تمام این احوال من امیدوارم که با نگارش آن این اثر باقی بماند تا نمودار حوادثی باشد که

طی سالهای آینده در شهرها و کشورها و محله‌های گوناگون بیشترشان اتفاق خواهد افتاد، حتی وقایع زمان حاضر که از سال ۱۵۸۵ را تا سال ۱۶۰۶ دربر دارد، شروع این وقایع از زمان حال یعنی ۱۴ مارس سال ۱۵۵۷ میلادی است و نیز وقایعی که بعد از شروع از تاریخ ۷ هزار ساله اتفاق خواهد افتاد و ادامه می‌یابد. همه وقایع دقیقاً محاسبه گردیده تا آنجاکه محاسبات نجومی من مشخص می‌کند و اطلاعات دیگری که به آن مربوط است تا زمانی می‌باشد که دشمنان حضرت مسیح و کلیسا رو به رشد نهاده‌اند. همه حوادث برحسب روز و ساعت تدوین گردیده و دقیقاً مشخص شده است و تا آنجا که مقدورم بود صحیح و همراه با آزاد طبعی و بدون هرگونه تکلف و اجباری بیان شده است،[1] آن مقدار از تقویم کردن‌هاکه مربوط به حوادث آینده می‌باشد شبیه به واگن‌هائی در حال گذرست که زمان حال را نیز دربر دارد و شامل وقایعی است که طی سالها درکشورهای مختلف اتفاق می‌افتد. این نوشته آنطور که می‌گویند: مکتوب است و هیچ گزافه گویی در آن بکار نرفته است. ولی از این نوشته هیچ نکته‌ای از حقیقت دقیقاً مشخص نمی‌شود که تعیین‌کننده رویدادهای آینده باشد.[2] عالیجناب این کاملاً صحیح است با توجه به قریحه خدادادی که به من اعطا شده، با روشن‌بینی این پیشگوئی‌ها را انجام می‌دهم و با افزودن و همراهی کردن استعداد ذاتی، به اضافه محاسبات طولانی مخصوص خودم، به یاری نفس، روح و اراده‌ام، به دور از کلیه اشتغالات در تنهایی بکار می‌پردازم، و فشار عصبی را با استراحت و آرامش روانی جبران می‌کنم. پس تمامی پیشگوئی‌هایم با استفاده از سه پایه برنزی بر من تابنده شده. نیروهای بی‌شماری پیش‌بینی این حوادث را به من القا می‌کند به نحوی که میزان و آخر آنچه به من الهام می‌شود گوئی هیچ نیست.

خدای یکتا تنها ذات ابدی است، اوست آنکه حافظ و نگهبان

---

۱. Minerva libera, et non invita.

۲. Quad de futuris non est determinata omnino veritas.

بشریت است، آنکه عزیز، رحمان، عادل و رحیم است. او حاکم مطلق است و من از درگاهش مسئلت دارم تا مرا یاری نماید، با خواست او مانع افراد شریری شوم که بکمک شرارت غالب می‌شوند. باید دید که اجداد و ذریه پادشاه فرانسه چگونه از تباهی‌ها رسته‌اند و چگونه بعضی ملل دیگر از آسیب دشمنان رهایی یافته‌اند، علتش اینست که این عده دارای قریحه و هنر پیش‌بینی بوده‌اند و طرق دیگری که گفتن آنها در این نوشته جایز نمی‌باشد. با کمک این پیش‌بینی‌ها بوده که در طول زمان دچار شرارت ظالمین نشده‌اند. پس از آن که هستی و جسم من زوال یابد نوشته‌ام همچنان پابرجا خواهد ماند.

با وجود این اگر محاسبات مربوط به تاریخ اشتباه است یا مورد تائید عده‌ای نمی‌باشد، عالیجناب مرا عفو فرمایند و در مقابل سرزنش پروردگار و قدیسین مرا مورد حمایت قرار دهند. شهادت می‌دهم که کلمه‌ای علیه عقاید کاتولیکی ابراز نکرده‌ام و تمامی پیشگوئی‌هایم با محاسبات نجومی پیوند یافته و براساس اطلاعات شخصی است: از آنجا که فاصله زمانی از اولین پیام‌آوران، که بر ما تقدم داشته‌اند بحّدی است که، خود را تسلیم مقدس‌ترین قضاوت می‌کنم تا در صورت لزوم مجازات شوم، همچنان که از نخستین بشر آدم تا زمان نوح حدود هزار و دویست و چهل دو سال سپری شده است. زمان طبق برآورد "ژانتی"[1] محاسبه شده است. همانطور که در نوشته "وارون"[2] برآورد شده است. معهذا میزان من براساس کتاب‌های آسمانی است، و نیز برحسب وضعیت روح ناتوانم و محاسبات نجومی‌ای که انجام داده‌ام. بعد از حضرت نوح، قانون و طوفان جهانگیر آن زمان ـ حضرت ابراهیم به رسالت مبعوث شده است که در حدود هزار و هشتاد سال می‌باشد، حضرت ابراهیم از ستاره‌شناسان معروف است و طبق نظرات دانشمندان او اولین حروف زبان کلدانی را ابداع کرده است: سپس

---

۱. Gentils

۲. Varon

حضرت موسی است که حدوداً در سال پانصد و پانزده و یا پانصد و شانزده، فاصله زمانی بین داوود و موسی پانصد و هفتاد سال است و فاصله زمانی بین داوود و رهایی‌بخش دوباره بشریت حضرت مسیح که از مریم باکره مقدس و بانوی بی‌همتا زاده شده است که هیچ وقایع‌نگاری تائید نکرده، هزار و سیصد و پنجاه سال است. ممکن است برخی افراد برآورد فوق را مورد انتقاد قرار دهند آنرا صحیح ندانند چون مخالف محاسبات "اوزب"[1] است. از زمان نجات بخش بشریت تا سلطه مسلمان‌ها حدوداً ششصد و بیست و یک سال سپری شده است: پس به آسانی می‌توان آن زمان را تا حال محاسبه کرد که چقدر سپری شده است.

اگر برآورد من برای برخی صحیح نیست و مورد تائید پاره‌ای ملل نمی‌باشد از این‌روست که محاسبات من براساس چرخهٔ فلکی انجام شده است. به همراه تأثراتی که در بعضی ساعات بر من غالب شده است. نوعی الهام که از طرف ذریهٔ اجدادم بر من نفوذ و تسلط یافته است:

امّا هماهنگی زمانی: آه، ای پادشاه محبوب موقر، بدست آوردن اسرار وقایع فوق تنها از طریق استفاده از کلمات معماگونه می‌باشد که تنها استوار بر شعور برتر است و هیچگونه محاسبات پیچیده نامفهوم در آن بکار نرفته است: ولی بیشتر متأثر از گفته‌ها و کلمات معماگونه یکی از هزار و دو پیامبر شدم که به طور طبیعی به من القا گردید. عصر این پیام‌آوران از زمان آفرینش جهان تا برآورد وقایع نگاری "لؤئل"[2] است: من روحم را بر تمام موعظه کنندگان، پسران و دختران شما مسلط می‌کنم تا پیشگوئی کنند[3]. و کتاب پیامبران توسط روح‌القدس بر آنها الهام می‌شده است که حافظ قدرتمند ابدی است که واسطه بشر با

---

۱. Eusebe

۲. Loel

۳. Effundam spiritum meum super omnem carnem et prophetabunt filii vestri, et filæ vestræ.

ملکوت اعلی است و آیات بزرگ و شگفت را به پیامبران الهام کرده است.

امّا من در این جا سوگند یاد می‌کنم که من به هیچ وجه در حد مرتبه و مقام آنها نیستم، چون خداوند از ادعای خلاف ناخشنود می‌شود. و شهادت می‌دهم که همه چیز از جانب خداست، اوست آنکه هستی می‌بخشد. قدر و منزلت می‌دهد و ما را از رحمت جاویدان برخوردار می‌سازد. او مالک روز جزاست، با این حال نبایستی بازی‌های سرنوشت[۱] را از نظر دور داشت آنچه از جانب خداوند و طبیعت[۲] است نادیده گرفت و اکثر وقایع بر اثر موقعیت و استقرار اجرام فلکی است. نظیر دید اختری که از طریق خیره شدن بر گوی بلورین توسط روشن‌بینان انجام می‌پذیرد.

وقایع سترگ، غم‌انگیز، عجیب حوادث پر مشقت که به سبب اختلافات پیشوایان دینی نزدیک می‌شوند. وقایعی که اولاً از معابد الهی و ثانیاً توسط قدرتمندان و حکام جهانی انحطاط فوق را نزدیک می‌سازند. به اضافه هزاران واقعه مصیبت بار دیگر که در موسم خود شناخته خواهد شد: زیرا خداوند، به طول نازائی[۳] بانوی بزرگ را زیر نظر دارد که پس از چندی دو اولاد اصلی را باردار خواهد شد، اما خود رو به زوال می‌رود.

فرزندی که مرتبط با قانون است در هیجده سالگی بر اثر بی‌باکی از از زمان از مرگ در معرض زوال قرار می‌گیرد و به سال سی و ششم نمی‌تواند برسد. از این فرزند سه فرزند مذکر و یک اولاد مونث باقی می‌ماند که از فرزند مؤنث هم دو اولاد باقی خواهد ماند که از یک پدر نیستند. سه برادر بسیار با هم متفاوتند. ولی بعداً متحّد و هم آهنگ خواهند شد، به طوری که سه چهارم اروپا را به لرزه در خواهند آورد: - آنکه سن کمتری دارد سلطنت مسیحیت را مورد حمایت قرار می‌دهد

---

۱. a Fato

۲. a Deo, a natura

۳. Stérilité

و باعث رشد آن می‌شود. فرقه‌هایی سربلند کرده و ناگهان سقوط می‌کنند، عرب‌ها به عقب رانده می‌شوند، قلمرو سلاطین با هم متّحد شده قوانین جدیدی را تدوین می‌کنند: از سایر فرزندان ذکور، - بزرگترینشان، تاجگذاری کرده و سرزمین شیرهای خشمگین را اشغال خواهد کرد. ارتشی قوی و جسور در اختیار می‌گیرد - دومین اولاد ذکور با حمایت و همراهی اقوام لاتین پیشروی زیادی کرده و برای دومین بار "مون لوئی"[1] لرزان و خشمگین می‌شود که در آنحال نزول کرده سپس راه صعود پیموده تا کوههای پیرنه پیش می‌روند. ولی نمی‌توانند به مقام و منزلت گذشته خویش برسند. اینان سومین سیل خون بشر را جاری می‌سازند، با وجود این مارس مدّت طولانی در پریشانی باقی نمی‌ماند. - امّا فرزند دختر را برای حفاظت به کلیسای کاتولیک می‌سپارند. ولی دامنهٔ قدرت وی بدلیل فرقه‌های شرک‌آلود عهدشکن جدید تنزل می‌یابد، این دختر دو فرزند خواهد داشت، که یکی از آن دو وفادار و دیگری عهدشکن می‌باشد این بی‌اعتقادی را کلیسا هم تائید می‌کند. - امّا فرزند دیگر بر اثر بی‌قانونی زیاد و دیر توبه‌کردن می‌خواهد نابود نماید، وی در نواحی مختلف سه حکومت تشکیل می‌دهد: در ناحیه رمانی و آلمان و اسپانیا که فرقه‌های گوناگون در دست نظامیان است. ارتفاع ۵۰ و ۵۲ درجه واگذار می‌شود و مذاهب پیشینیان را همگان محترم خواهند شمرد. نواحی مختلف اروپا و ناحیه شمالی که در ارتفاع ۴۸ درجه است که نخستین بار این قسمت بر اثر شرمساری بیهوده‌ای متزلزل خواهد شد. سپس بیشترین بخش از کشورهای غربی و جنوبی و شرقی را به لرزه در می‌آید و توانایی‌اش بی‌نهایت افزایش خواهد یافت و آنچه انجام خواهد داد در سایهٔ هماهنگی و وحدت جدائی‌ناپذیر با فتوحات ارتشی است. همهٔ فرزندان از ماهیت یکسانی برخوردارند امّا از نظر اعتقاد کاملاً متفاوتند.

---

۱. Mont Louis

پس از این بانوی نازا «استریل» از بزرگترین قدرتی که دومین اولاد اناث از دو ملت مطیع و تابع خود دریافت خواهد کرد، توسط اولین ملت قدرتمندترین کشورها را تحت فشار قرار می‌دهد. توسط دومین و سومین ملت سلطه‌اش را در سراسر شرق اروپا تا مجارستان توسعه می‌دهد تمام ممالک را تسلیم و تحت انقیاد در می‌آورد. بوسیله نیروی دریایی تا ناحیه "تری‌ناکری"[۱] دریای آدریاتیک پیش می‌رود، توسط نیروهای "میرمیدون"[۲] و آلمان همه را از پا در می‌آورد، و فرقه بربر مانندی از تمام ممالک لاتین ایجاد می‌کند که همه را ناراحت و متألم می‌سازد. سپس امپراطوری عظیم ضد مسیح را در "آردا"[۳] و "زرسا"[۴] برقرار می‌شود و قدرتش با نیروی زیاد و غیر قابل شمارشی رو به فزونی می رود تا آنکه روح القدس وارد و در ۲۴ درجه به مبارزه می‌پردازد، ضد مسیح را وادار به مهاجرت خواهد کرد، و حکومت ضد مسیح را به طرز وحشتناکی بر می‌اندازد، به مبارزه علیه حکومت سلطنتی می‌پردازد و قویترین حکومت مدافع مسیح را تشکیل خواهد داد، حکومتش "برای یک زمان تا انتهای زمان خواهد بود"[۵]، کسوفی در پیش خواهد بود، که از زمان آفرینش گیتی تا زمان مرگ و مصائب حضرت مسیح، و از آن زمان تا به امروز هرگز رخ نداده است، و جهان چنین ظلمتی بخود ندیده است. در ماه اکتبر برخی از انتقالات بزرگ رخ خواهد داد، به نحوی که قوه ثقل زمین از وضع طبیعی خود خارج می‌شود، و به سبب ظلمت مداوم آسیبی می‌بیند، که در زمان بهاری ایجاد خواهد شد، سپس تغییرات اساسی ایجاد خواهد شد، و حکومت‌ها عوض خواهد گشت زلزله‌های بی‌شماری به وقوع می‌پیوندد بابیلون جدید رو به رشد می‌نهد، دختر تیره‌بخت بخاطر رجاست که از اولین قربانی افزون می‌دارد فقط تا هفتاد و سه سال و

---

۱. Trinacrie
۲. Mirmidons
۳. Arda
۴. Zersas
۵. Per tempus et in occasione temporis.

هفت ماه حکومتش دوام خواهد آورد، سپس آنکه از قدیم الایام مطهر «استریل» بسر می‌برد از ساقه خارج خواهد شد، که در پنجاهمین درجه به مبارزه می‌پردازد، تمامی کلیساهای مسیحی را احیا می‌کند. و برای یکی از فرزندانی که پیشانیش مهر خورده است و به دلیل حکومت‌های مختلف تجزیه گشته صلحی پایدار، اتحاد، هماهنگی ایجاد خواهد کرد: و آن چنان صلحی که به مدت طولانی در تمامی کشورها برقرار شده، که ادیان مختلف به انتظار آن هستند. و حکومت "رابیو"[1] یک پارچه متحد خواهد شد، و افراد عاقل تبعیت خواهند کرد. و کشورها، شهرها، ایالات، حکومت‌ها و شهرستان‌هایی که قبلاً نخستین راه‌های تسلیم راگشوده‌اند، با شدت بیشتری گرفتار شده‌اند، در پنهان از آزادی مفرط و بی‌بندباری در رنج‌اند، دین کاملاً از دست رفته است شروع به ضربه زدن به سمت چپ خواهند کرد، تا به سمت راست گرایش یابند، و آیات مقدس، با آنچه برایشان از قدیم‌الایام مکتوب شده است به شکل اولیه بازگردانند، به طوری که در صبحگاهی پر تلاطم وقتی سگ بزرگ خروج کند، همه چیز را ویران خواهد کرد، و آسیبی شدیدتر از قبل خواهد رساند، از نو معابد را به شکل نخست برپا می‌دارد، و روحانیون بر آنچه مکتوب شده عمل می‌کنند، به سوی بی‌پروائی و تجمل‌گرائی روی می‌آورند و ثروت‌های بیکرانی را در اماکن مقدس می‌اندوزند. و نزدیک است که در اوج قدرت بار دیگر به وضع اسفباری دچار شوند. هنگامی که به حداکثر پیشرفت خود رسیدند، قدرت و نیروی ارتش را بر پا خواهند کرد و از کف شریعت دو شمشیر خارج خواهد شد، از آن جز شعاری باقی نمی‌ماند که با فریبکاری مردم را به سوی خود جذب می‌کند. ولی مردم مایلند به راست و اعمال صالح کشیده شوند و نمی‌خواهند زیر سلطه فریبکاران قرار گیرند و به خاک افتند تا آن مزوران به قدرت برسند. مردم می‌خواهند تا زمانی پایدار

---

۱. Rabieux

بمانند تا ساقه مطهر «استریل»، قدیم‌الایام ببار آید، آن مصلحی که می‌آید تا مردم جهان را از قید اسارت ننگین رها سازد و آنان را هدایت کند، تا تحت حمایت مارس قرار گیرند کسی که ژوپیتر را از بابت شهر آزاد از کلیه شئونات و افتخاراتش محروم خواهد کرد، و در محل دیگر و محدوده دیگری از بین‌النهرین حکومت و سلطنت خود را تشکیل خواهد داد که آنجا مرکز حکومت و فرمانروائیش خواهد بود، و بزرگترین نیروی هوایی را تشکیل خواهد داد، بی‌خبر از توطئه و دسیسه‌گران است، که به همراهی دومین "ترازی‌بولوس"،[1] از مدتها قبل تمامی این عملیات را برنامه‌ریزی کرده است: شهرها آلوده و کثیف گشته، باعث اعتراض و شرمسازی زیاد خواهد بود و تاریکی و جهل فقط با درخشش نور از بین می‌رود، و با تغییراتی حکومت آن پایان خواهد گرفت: و رهبران کلیسا در پست‌ترین مرتبه خداپرستی هستند، و اکثریت آنها عقاید راستین را تکذیب می‌کنند و به سه فرقه متفاوت تقسیم می‌شوند، فرقه میانی، به سبب آئین فوق رو به زوال خواهد رفت، که امتیازی برای اروپا محسوب خواهد شد، قسمت اعظم ممالک افریقائی غیر از یک سوم آن ویران خواهد شد، به سبب تنزل روحی، تمام‌انحطاط‌ها رخ می‌دهد مثل شهوت‌رانی بسیار و زناکاری و بی‌تقوائی و جهل. آنگاه مستضعفین که حافظ و نگهبان آئین‌های مذهبی می‌باشند قیام می‌کنند، و ظاهراً حکومت به دست شرقی‌ها تضعیف می‌شود. که خداوند خالق یکتا، ابلیس را از اسارت در زندان‌های جهنمی مهلت داده است، تا آنکه "دوهام‌و دوگ"[2] بزرگ به وجود آیند. کسانی که به طور وحشتناکی کلیساها را به اختلاف شرم‌آلوده‌ای می‌اندازند، به طوری که نه سرخ‌ها و نه سفیدهای نابینا و فاقد دست قبلاً چنین اعمال شنیعی انجام نداده‌اند، اموری که قابل بررسی و قضاوت نخواهد بود، آنان قدرت را از کلیسا سلب خواهند

---

۱. Trasibulus

۲. Dohanm Dog

کرد، و بالاترین شکنجه‌ها و در کلیسا اعمال می‌شود، ستمی که تا آن زمان بی‌سابقه بوده است. در اثر این کارهای خلاف بیماری‌های واگیر و مسری شیوع پیدا می‌کند، که یک سوم مردم دنیا بر اثر آن خواهند مُرد. صدمه چنان شدید است که دیگر خانه‌ها و مزارع قابل تشخیص نخواهد بود. علف‌های هرز در خیابان‌های شهرها چنان می‌روید که بلندی آن تا بالاتر از زانو می‌رسد. و شهرها متروک می‌گردد و طبقه روحانی کلیسا کاملاً تضعیف خواهند شد. و جنگجویان به زور متوسل می‌شوند. آن چه از شهر "آفتاب ملیت"[۱] و "جزایر استشهاد"[۲] بازگردانده شده غصب می‌کنند. زنجیرهٔ بزرگی از بنادر را بنیان می‌گزارند که به نام گاو نر دریایی معروف خواهد شد. و از طریق دریا با نیروی دریائی حمله گسترده‌ای انجام می‌دهد، و نیروی هوائی با حمله ناگهانی آغازگر نخستین پیروزی محمدیان است که آنان ابداً ضعیف و بی‌هدف نیستند محلی که سابقاً مسکن حضرت ابراهیم بوده است توسط طرفداران "ژوالیست"[۳] محاصره خواهد شد و شهر "اورشلیم"[۴] از هر طرف مورد محاصره و هجوم ابر قدرت‌ها و ارتش بزرگ واقع می‌شود نیروی دریایی آن‌ها توسط غربی‌ها ضعیف می‌شود و این حکومت تأسف بسیار به بار خواهد آورد و بزرگترین شهرها از سکنه خالی می‌شود و کسانیکه به شهر وارد خواهند شد متوجه غضب و انتقام الهی خواهند شد. شهر مقدس که مدّت‌ها مدید جایگاهی چنان قابل تقدیس و زیر نظر ملکوت قدسی، زمین و خورشید و ماه در آرامش به سر می‌برد به ماوای گله‌های کوچک و بزرگ حیوانات بدل خواهد شد و آن محل به امور دنیوی اختصاص خواهد یافت. آوخ، چه عذابی دردناک برای زنان باردار خواهد بود! رهبر اصلی مشرق زمین با شورش‌های زیاد روبرو خواهد شد که اکثراً از طرف شمالی‌ها و غربی‌های مغلوب شده است که عده‌ای کشته و برخی مورد شکنجه و

---

۱. Melite

۲. Stechades

۳. Ioualistes

۴. Achem

ستم قرار گرفته‌اند و بقیه در حال گریزند و فرزندانش که از زنان متعدداند زندانی شده‌اند. از آنجاست که پیشگوئی‌های پادشاه پیشگویان به تحقق خواهد پیوست: "به خاطر آن که ناله‌های زندانی‌ها را بشنوند و به خاطر آن که پسران بازمانده مردگان را آزاد سازد"[۱] آنگاه چه فشاری بر شاهزادگان و فرمانروایان سرزمین‌های سلطنتی که در مجاور دریا و مشرق زمین هستند. زبانشان آمیخته زبان جامعهٔ بزرگ می‌شود: که زبان لاتینی و زبان اعراب است از طریق ارتباط کارتاژی؛ و تمامی شاهان مشرق زمین تبعید یا شکنجه و قتل عام می‌شوند. امّا نه تنها به ید قدرت پادشاهان شمالی، بلکه در نزدیکی قرن حاضر توسط سه متحدی انجام می‌شود که پنهانی بدنبال مرگ هستند، و با نیرنگ بازی کشورها را وادار به جنگ می‌کنند و هفت سال احیاء "حکومت ثلاثه" به طول خواهد انجامید. آوازهٔ چنین فرقه‌ای در سراسر گیتی خواهد پیچید، و با فداکردن قداست و پاکی و کشتار حمایت خواهد شد: از آن پس دو سرکردهٔ شمالی پیروزمندانه بر مشرق زمین سلطه می‌یابند آنچنان اغتشاش و هیاهوئی براه می‌اندازند که سراسر مشرق زمین از وحشت این دو برادر بر خود خواهد لرزید. نه به خاطر برادران سرزمین شمالی.

آه ای عالیجناب، از بابت ابهام این پیشگوئی‌ها، گرفتار این اندیشه شده‌ام که این حوادث در چه زمانی رخ خواهد داد و تاریخ وقایعی که اندکی پذیرفته شده یا بهیچ وجه مورد تائید برتر نیست: خواه مطابق دید نجومی، خواه چیزهای دیگر، حتی از دیدگاه کتاب‌های مقدس، ابداً نمی‌توان خطائی در آن یافت؛ چنانچه می‌خواستم در هر یک از این رباعی‌ها وقوع حوادث را معین کنم شاید امکان داشت؛ ولی این امر مطابق میل همگان نیست. حتی تفسیر رباعی‌ها مورد پسند عامه نیست. از آن جا که اعلیحضرت به من رخصت انجام این امر را دادند

---

۱. Ut audiret gemitus compeditorum,ut solveret filios interemptorum.

فرصت مغتنمی است برای آن که بهانه‌ای به دست افراد بدخواه ندهیم تا مرا مورد آزار قرار دهند.

معهذا، چنانچه فاصله زمانی از آفرینش جهان، تا تولد حضرت نوح زمانی معادل هزار وپانصد و شش سال می‌شود، از تولد نوح تا ساخت کامل کشتی نوح و طوفان جهانی، ششصد سال گذشته (اگر بر حسب محاسبات خورشیدی یا مربوط به ماه یا دههٔ آمیخته شدن) است من توجه دارم که محاسبات طبق کتاب‌های مقدس و برآورد خورشیدی باشد. پس از شش سال، نوح وارد کشتی نجات می‌شود تا از طوفان جهانگیر نجات یابد: طوفانی که به مدّت یک سال و دو ماه ادامه داشته است. از پایان طوفان تا میلاد حضرت ابراهیم، دویست و نود و پنج سال سپری شده است. سپس از میلاد حضرت ابراهیم تا میلاد حضرت اسحاق، صد سال است. از حضرت اسحاق تا حضرت یعقوب، شصت سال است، از زمانی که یعقوب وارد مصر خواهد شد تا خروج از آن، صد و سی سال است. و از زمان ورود یعقوب به مصر تا خروج از آن چهارصد و سی سال است. و از این زمان خلاصی از مصر تا احداث معبد سلیمان در سال چهارم حکومت آن پیغمبر، چهار صد و هشتاد سال و یا هشتاد سال می‌گذرد. از زمان بنا کردن معبد سلیمان تا عصر حضرت مسیح، بر حسب برآورد اشکال قدیم، چهار صد نود سال سپری شده است. و باین ترتیب برآوردی که این جانب انجام داده‌ام بر مبنای محاسبات فوق و کلمات مقدس بایستی تصحیح گردد. جمعاً حدود چهار هزار و صد و هفتاد و سه سال و هشت ماه کم و بیش سپری شده است. که از آن تاریخ دین عیسوی تقسیم به فرقه‌های مختلف شده، با کنار گذاشتن آن، تمام محاسبات و برآوردها و پیشگوئی‌های این جانب دارای نظمی زنجیروارست، که دارای تحولات ویژه خویش می‌باشد. تمامی محاسبات از عقاید نجومی سرچشمه گرفته است و نیز برحسب بینش خدادادی و پس از زمانی که در آنگاه موقعیت منطقه البروج زحل در حال گردش به هفتم ماه آوریل وارد می‌شود، تا ۲۵

اوت، مشتری از ۱۴ ژوئن تا ۷ اکتبر، مریخ از ۱۷ آوریل، تا ۲۲ ژوئن. زهره از ۹ آوریل، تا ۲۲ ماه مه، عطارد از سوم فوریه، تا ۲۴ همان ماه. از آن پس از اوّل ژوئن، تا ۲۴ همان ماه، و از ۲۵ سپتامبر، تا ۱۶ اکتبر. زحل در برج جدی، مشتری در برج دلو، قرار می‌گیرد، مریخ در برج عقرب، زهره درون برج حوت، عطارد طول یک ماه در منطقه برج جدی، برج دلو و برج حوت، ماه در برج دلو، سر اژدها در برج میزان: دمش در جهت عکس به دنبال نقطه برخوردی از مشتری با عطارد است، با چهار صورت از مریخ تا عطارد صورت فلکی، و سر اژدها از منطقه خورشید به مشتری ملحق خواهد شد. سالی توام با صلح بدون کسوف است و هیچ مشکلی نیست و آغاز دورانی است که بدترین ستم‌ها به کلیسای مسیحی وارد خواهد شد که حتی در افریقا چنین ظلم‌هایی اتفاق نیفتاده است.

این ستمگری تا سال هزار و هفتصد و نود و دو ادامه می‌یابد: که از آن مرحله وارد قرن جدید و نوین خواهد شد: ملّت رُم عصر طلائی خود را تشکیل می‌دهد و جهل و تاریکی را کنار می‌گذارد و به عصر علم و دانش دست می‌یابد البته بدون تقسیمات و تغییرات زیاد دائمی نخواهد بود ولی توانائی‌شان افزایش می‌یابد، و نیز در این شکوفائی پر و بال می‌گشاید و به قدرت و عظمت والائی دست می‌یابد که چندان با قدرت رُم باستان فاصله نخواهد داشت.

در این زمان نیروی دریایی ترکیه بوسیله همبستگی با اتحاد سلاطین و با اتکاء بر نیروی دریایی شمالی مانع پیشرفت دو قاره‌ای که با او هم‌عقیده نیستند می‌شود. کمان‌هایی که نظامیان قدیم ساخته‌اند با امواج نپتون ارتباط می‌یابد. در آدریاتیک اختلاف شدید خواهد بود، کشورهایی که با هم متحدند از هم جدا می‌شوند، خانه‌ها بهم نزدیک می‌شوند، آن که پیش از این باریک است شهری بزرگ خواهد شد، در رأس قدرت بین النهرین در اروپا در چهل و پنج، و دیگران در چهل و یک، و چهل و دو و سی و هفت خواهد شد. و در آن زمان و در

آن قاره قدرت عظیمی علیه کلیسای مسیحیت پدید می‌آید که مخالف عقاید مسیح است و دومین ضد مسیح می‌باشد. فردی که هم کلیسا را به درد می‌آورد و هم به خدمتگزار واقعی آن ظلم خواهد کرد. این بدست پرقدرت پادشاهان موقت است، به واسطه کوتاه اندیشی تسلیم وعده‌های پوچ و فریبنده می‌شوند فریبی که از هر شمشیری برنده‌تر است. حکومت ضد مسیح نامبرده تا پدید آمدن شخصی که در حوالی آن سال زاده می‌شود ادامه می‌یابد و از طرفی در شهر "پلانکوس"[۱] همراه عده‌ای برگزیده "مودون"[۲] "فولسی"[۳]، با ابزارهای آهنی محافظت می‌شوند. به وسیله نیروی دریائی آدریاتیک و نزدیک تری‌ناکری بزرگ ادامه می‌یابد. سپس از مون لوئی خواهد گذشت "گالیک اوگمییوم"[۴] باگروهی بسیار دور از سلطنت شریعت بزرگ ظهور می‌یابد و از آنجا اندکی بعد خون بی‌گناهان آرام آرام ریخته می‌شود که باعث آن خوشگذرانی‌های فراوان است: آنگاه طوفانی بزرگ بر تمامی این وسایل می‌تازد و آنها را از بین می‌برد ضررهای غیر قابل جبرانی به بار می‌آورد. حتی مکتوبات را محو می‌کند: فردی که با اراده ملکوت علیه شمال است، ناگهان وارد می‌شود و شیطان را به بند می‌کشد. از آن پس بین افراد بشر صلح جهانی برقرار خواهد شد، و کلیسای حضرت عیسی مسیح یک پارچه و از فرقه‌ها خود آزاد خواهد شد، چندان که وزغ‌های "آزو"[۵] می‌خواستند درون عسل زهر بیامیزند مواد مخدر طاعون‌زا را وارد سازند: و این زمان نزدیک به هفت هزار سالگی است که، قدس القدس حضرت عیسی مسیح مختوم نخواهد شد تا اینکه عهدشکنانی که از شمال می‌آیند افزایش یابند. جهان به انقلابی عظیم نزدیک می‌شود، چندان که محاسبات و پیشگوئی‌هایم، به دورهٔ زمان بسیار دور خواهد رفت، طی نامه‌ای که سال‌ها از تگارشش می‌گذرد

---

۱. Plancus
۲. Modone
۳. Fulcy
۴. Galique Ogmium
۵. Azos

تمامی این محاسبات را در اختیار پسرم سزار ـ نستراداموس قرار داده‌ام و هیچ نقطه ابهامی باقی نگذاشته‌ام.

امّا عالیجناب در آن زمان چنان حوادث غم‌انگیز و غریبی اتفاق خواهد افتاد و نسل‌های بعدی شاهد آن خواهد بود. و برحسب محاسبات نجومی، که با کلمات مقدس آسمانی سنجیده شده، جور و ستم بر افراد هیئت روحانی کلیسا وارد می‌آید که سرمنشاء آن بدست پادشاهان شمالی خواهد بود که با مشرق زمینی‌ها متحد شده‌اند. که این جور و ستم مدّت یازده سال طول خواهد کشید، که اندکی پس از آن تاریخ، پادشاه اصلی شمالی رو به زوال خواهد گذاشت، که آن سالیانی است که اتحاد با جنوب صورت پذیرفته، و باز در فاصله سه سال ظلم بیشتری به افراد روحانی کلیسا وارد می‌شود، با نیرنگ ارتداد، کسی که قدرت مطلقه کلیسای مبارز است اوضاع را به دست می‌گیرد، بندگان مؤمن خدا نظاره‌گر این قانون هستند و در هر فرقه مذهبی پیروانش به شدت مورد آزار و ستم قرار می‌گیرند. به طوری که پیروان واقعی هیئت روحانی کلیساگوئی در خون خود غوطه‌ورند، یکی از پادشاهان موقت نفرت‌انگیز چنان مورد ستایش و حمایت متحدین‌اش است که خون افراد بی‌گناه جامعه روحانی کلیسا را بیش از پیش خواهد ریخت. که هیچ کس امکان شراب خواری نخواهد داشت: این پادشاه دستور جنایت‌های باورنکردنی را علیه کلیسا صادر خواهد کرد، خون ابناء بشر در معابر عمومی و معابد مقدس ریخته می‌شود. گوئی از بارش این باران جانکاه شطی گلگون جاری شده، پس از آن از یک جنگ دریائی، دریا خونین می‌شود که از آن رو پادشاهی به پادشاه دیگر به لاتین می‌گوید: Bellis rubuit navalibus æquor سپس در همان سال و سالیان بعد دهشت بارترین بیماری طاعون‌وار سرایت می‌کند، و عجیب‌ترین نوع قحطی را به دنبال خواهد داشت. و غریب‌ترین مشقتی دیده خواهد شد که تا آن هنگام و از ابتدای تأسیس کلیسای مسیحی در تمامی مناطق لاتین چنین واقعه‌ای دیده نشده است. اثری از بازماندگان

در هیچ نقطه‌ای از اسپانیا دیده نمی‌شود.

آنگاه سومین پادشاه شمال که ناله و شکوه مردم را می‌شنود و از آن ستم با خبر می‌شود. ارتش عظیمی مهیا نموده و با ناوشکن‌های تیزرو و عده‌ای از آخرین سپاهیان و ارابه‌هایش به حرکت در می‌آید و بیشتر نقاط را به حال عادی در می‌آورد و دشمن را سرکوب می‌کند و جانشین پاپ اعظم را در مقام و وضعیت اولیه‌اش قرار می‌دهد: ولی متأسفانه همه این کوشش‌ها را رها کرده از هدف مقدس خود روی‌گردان می‌شود Sancta sanctorum به سوی بت‌پرستی روی می‌آورد، و عهد قدیم و جدید سوخته و منهدم می‌شود و سپس ضد مسیح فرمانروای جهنمی خواهد شد و به توسط این، آخرین ایمان، طی مدّت بیست و پنج سال سلطنت مسیحیت و عهدشکن‌ها دچار تزلزل خواهد شد، و براثر نبردهای طولانی تمام شهرها و شهرک‌ها و قصرها و هر نوع ابنیه با ارزش ویران خواهد شد و پس از این تخریب و ویرانگری که همراه با هتک حرمت و تجاوز به راهبه‌ها و زنان و دختران است، کودکان نوزادی که از آغوش مادرانشان ربوده شده و در کنار دیواره‌های شهر سوزانده و مثله می‌شوند، کارهایی که فقط شیطان قادر به انجام آن است. شاهزاده جهنمی که تقریباً تمامی جهان را با ظلم و جور فتح خواهد کرد. تمامی مردم به آه و واویلا می‌افتند، قبل از بروز این حوادث هیچ پرنده‌ای در آسمان پرواز نمی‌کند و آواز نمی‌خواند. پس از آن مدتی بیهوش و گنگ می‌مانند. مدتی پس از این اوضاع به همین منوال است، از آن حکومت زحل تجدید حیات می‌کند، عصر طلائی فرا می‌رسد. پروردگار خالق آوای نالهٔ بندگانش را می‌شنود و شیطان به بند کشیده میشود: در آن هنگام صلحی ابدی بین پروردگار و بندگان بر قرار می‌شود که مدّت هزار سال به طول می‌انجامد آرامشی که به اوج می‌رسد، قدرت به قدسین حضرت باریتعالی سپرده می‌شود و رحمت الهی فرو می‌بارد. تمامی نوشته‌های فوق‌الذکر دقیقاً منطبق بر گفته‌های آسمانی است و در اجرام سماوی قابل رؤیت می‌باشد یعنی از طریق

تقارن صور فلکی زحل، مشتری، مریخ، و دیگر سیارات. دیگر تقارن هم زمان چهار سیاره دیده نخواهد شد. من با محاسبات عمیقی این وضعیت‌ها را مطالعه و با هم وفق داده‌ام.

امّا ای پادشاه صلح‌گستر با وجود افرادی که بر این نوشته خرده می‌گیرند که عقایدم را در اختیارتان گذاشتم:

Multa etiam ô Rex omnium potentissime præclara et sane in brevi ventura, sed omnia in hac tua epistola innectere non possumus, nec volumus: sed ad intelligenda quædam facta horrida fata pauca libanda sunt, quamvis tanta fit in omnes tua ampitudo et humanitas homines, deosque pietas ut solus a[illegible]ssimo et Christianissimo Regis nomine, et ad quem summa totius religionis auctoritas deferatur dignus esse videare.

و من فقط از شما درخواست می‌کنم ای پادشاه رحیم، شخصیت شما، و نوعدوستی‌تان، در من این شهامت نگاشتن را ایجاد کرد و با بررسی دقیقی که داشته‌ام دریافته‌ام که شما خیلی آرام می‌باشید که چشمان من در پرتو دیدگان آفتاب‌سان و درخشنده شما خیره ماند ولی روشنائی بیشتری یافت، عظمت کارم به پایه درخواست نمی‌رسد. شهر سالن، ۲۷ ژوئن، هزار و پانصد و پنجاه و هشت.

سده اوّل

۱

شبانگاه به مطالعه اسرار می‌نشیند،
در انزوا، در حالی که روی سه پایه برونزی قرارگرفته است:
شعاعی کم سو از اندرونش زبانه می‌کشد،
با موفقیتی که به هیچ وجه آن را نبایستی پوچ دانست.

۲

میله در میان دستش را بین برانش‌ها[1] قرار می‌دهد،
خود در قالب موج قرار می‌گیرد، سرا پا در حالت برزخی:
نوعی ترس و صدایی که دسته میله‌ها را می‌لرزاند:
شکوه ایزدی، ملکوت درکنارش می‌نشیند.

این دو رباعی از سده‌های فوق اشارت دارد به روش اسرار آمیزی که نسترادامو‌س بکار برده است تا پیشگوئی‌ها را به دست آورد و توضیح نحوه کار اوست. یعنی وضعیت خاصی ایجاد می‌کرده همراه با بخورهای مخصوص تا به این وسیله بتواند موجودات ماورائی را احضار کند.

۳

در آن هنگام که حلال و حرام درگردباد انداخته می‌شود،

---

۱. Branches

و چهره‌ها را در رداها مخفی کنند،
جمهوری از سوی مردمان جدید به دردسر می‌افتد،
آن گاه سفیدها و سرخ‌ها به ناروا مورد قضاوت قرار می‌گیرند.

این اشعار در ارتباط با نبرد وحشیانه و آشفته محافظین است. از پس اعلام جمهوری اول سال ۱۷۹۲ میلادی می‌باشد. شاید با دید دیگری هم بتوان نگاه کرد، برخورد بین سفیدها و سرخ‌ها در دوران جنگ داخلی روسیه(۱۹۱۷-۱۹۲۲).

٤

با همراهی جهانیان سطانی به تخت خواهد نشست،
که از نظر صلح و حیات عمر طولانی نخواهد داشت:
در آن هنگام که کشتی‌های پاپ از بین می‌روند،
حکومت با بیشترین زیان اداره خواهد شد.

به قدرت رسیدن سلطان بزرگ. پایان قدرت پاریس ـ و کلیسا ـ بعد از سلطنت آن فرمانروا.

۵

برای انجام دادن نبردی طولانی، رانده خواهد شد،
توسط مملکتی، شدیدترین اعتصابات انجام خواهد شد:
شهر و روستا شدیدترین درگیری‌ها را خواهد داشت.
کارکاس،[1] و ناربون،[2] قلب آزمایش‌ها خواهد بود.

جنگ داخلی در لانگ‌دوک.

۶

چشم راونا[3] منفصل خواهد شد،

---

۱. Carcas　۲. Narbonne　۳. Ravenne

در آن هنگام که در پاهایش، بال‌ها شکسته شود:
دو گروه از برس،[۱] قانونی تصویب می‌کند.
تورن،[۲] ورسای[۳] مکان‌هایی است که فرانسه لگدکوب می‌کند.

این رباعی به جنگ ارتش بناپارت با کشور ایتالیا اشارت دارد، تهاجم شوم به قدرت رسیدن موقت مقام پاپ(«چشم‌زاونا»،بی‌شک‌شخصیت گرامی- پاپ است).

۷

بسیار دیر رسیده‌اند عملیات انجام شده،است،
باد مخالف، نامه‌ها در میان راه گرفته شد:
دسیسه‌چینی Xiiij فرقه‌ای دسته‌بندی شده است
عملیات توسط روسو[۴] رهبری خواهد شد.

دسیسه‌چینی (پایان قرن ۱۸) مُلتهم از برنامه‌های ناحیه باویر، کسی که خواستار یک انقلاب اروپائی با تمایل به تشکیل حکومت فوق جمهوری و رادیکال است. شبیه به برنامه‌های ژان ژاک روسو که در قراردادهای اجتماعی بیان کرده است.

۸

شهر آفتاب چندین بار تسخیر می‌شود.
آئین‌های پوچ وحشیانه دگرگون خواهند شد:
روزگار بدی بدنبال تست. دوران درازی در بردگی نخواهی بود
هادری کبیر به رگهایت جان تازه می‌بخشد.

این «شهر آفتاب که چندین بار تسخیر شده است» کجا می‌تواند باشد؟ آیا شهر رُم نیست؟ در این صورت، هادری کبیر می‌تواند ناپلئون بناپارت معرفی شود.

---

۱. Bresse ۲. Turin ۳. Verseil ۴. Rousseau

۹

از خاور زمین قلب کارتاژی خواهد آمد
هادری خشمگین است و وارثین رومولوس[۱]،
نیروی دریایی لیبیک[۲] همراهی خواهد کرد.
معابد ملیت[۳] و جزایر نزدیک به آن خالی خواهد شد.

این رباعی حقیقتاً نامفهوم است. شاید بتوان به بازگشت ناپلئون بناپارت از خاور زمین ربطش داد. (هادری؟) کسی که، از اهداف هیئت مدیره (دیرکتوار) پیشی گرفت (کسانی که در آرزوی عزل او بسر می‌بردند)، بازگشت به پاریس جهت پیروزی در کودتای برومر؟ نیم بیت چهارم را شاید مربوط به تسخیر مالت توسط فرانسوی‌ها در راه لشکرکشی به مصر دانست. جنگ جهانی سوم: هجوم مسلمان‌ها به اروپا.

۱۰

مار در قفس آهنین گذاشته می‌شود،
همان جایی که فرزندان هفت پادشاه برده شده‌اند،
از قعر جهنم اجداد و پدران خارج خواهند شد،
تا ثمره مرگ و بحران را نبینند نخواهند مرد.

شاید بتوان گفت که این اشعار جزء رباعی‌هایی نیست که اشارت به پیشگوئی‌ها دارد بلکه ازگروه رباعی‌هائی است که اشارت به کیمیاگری دارد: فرزندان هفت پادشاه، هفت فلز مربوط به کیمیاگری خواهد بود.

۱۱

جنبش عقلانی از قلب، و پاها، و دستها.
ناپل،[۴] لیون،[۵] سیسیل،[۶] به توافق خواهند رسید

---

۱. Romulides
۲. Libyque
۳. Melites
۴. Naples
۵. Lyon
۶. Sicille

شمشیرها، آتش و آب سپس رومی‌های نجیب‌زاده،
غوطه‌ور در آب، گشته، از روی سبک مغزی جان می‌سپارند.

تصمیم در باره این اشعار مشکل است که آیا به تسخیر ایتالیا توسط گروه انقلابیون اشارت دارد،و یا پیاده شدن متفقین در مدیترانه به سال ۱۹۴۴ میلادی که موجب شد جنگ سخت و طولانی بوقوع پیوندد و یااینکه به امور آیندهٔ و سوء قصدهایی در ایتالیا مربوط خواهد شد.

۱۲

در اندک زمانی، سخن از مردی وحشی، زودرنج به میان می‌آید،
از پائین‌ترین رده به بالاترین رده سریعاً می‌رسد.
از آن پس به فردی ناسپاس و زبون مبدل خواهد شد.
کسی که بر ورونا[1] حکومت خواهد راند.

منظور شخصی است که پله‌های ترقی را سریعاً در ایتالیا پیموده است. موسلینی؟

۱۳

تبعید شدگان با خشم و نفرتی درونی،
دسیسه بزرگی علیه پادشاه تدارک می‌بینند:
پنهانی در معدن دشمن گذاشته می‌شوند،
و هواداران قدیمی علیه آنان به فتنه‌گری بر خواهند خاست.

شاید توطئه و دسایسی که تبعیدیان علیه هیئت حاکمه تدارک می‌بینند باشد. از طرفی این رباعی بخوبی شیوه کلیه تاکتیک‌های «ستون پنجم» را بیان می‌دارد. (پنهانی در معدن دشمن گذاشته خواهد شد).

---

۱. Veronne

۱۴

از گروه بردگان صدای آوازها، سرودها، درخواستها بلند می‌شود.
شاهزادگان و سران قوم به بند کشیده می‌شوند:
در آتیه اندیشه‌هایی از سوی تهی مغزان،
به عنوان دلایل ملکوتی پذیرفته خواهد شد.

موفقیت (میهن‌پرستان) و چماق‌داران، گروه‌هایی بودند که طبقه اشراف را تحت فشار گذاشتند، تعداد رباعی‌هائی که بی‌شک در ارتباط با انقلاب فرانسه است.

۱۵

مارس با قدرت جنگ طلبانه ما را تهدید می‌کند،
هفتاد بار خون ریخته خواهد شد:
آبشخور و تباهی هیئت روحانی مسیحیت
به اضافه کسانی که نمی‌خواهند هیچ چیز راجع به آنها بشنوند.

جنگ‌های آخر زمان ـ پایان کار کلیسای کاتولیک.

۱۶

در برج قوس یک داس، با یک برکه به یکدیگر می‌پیوندند،
در بلندترین وضعیت، آبشخور به هیجان آمده،
طاعون گرسنگی، مرگ به دستان سربازان،
قرن به زمان دوباره سازی نزدیک می‌شود.

در بیت اول شعر، ظاهراً نستراداموس به تقارن صورت‌های فلکی اشاره دارد که منجر به جنگ‌های زمان آخر می‌شود، آشوب‌های عظیم جهانی که در پایان قرن بیستم بوقوع می‌پیوندد.

۱۷

به مدّت چهل سال رنگین کمان ظاهر نخواهد شد،

به مدّت چهل سال هر روزه دیده خواهد شد:
زمین‌های بایر رو به افزایش خواهد رفت.
در آن هنگام که سیل‌های عظیم مشاهده شود.
تغییرات کامل در وضعیت جوی. چهل سال خشک‌سالی ادامه می‌یابد. چهل سال طوفانی نظیر زمان نوح.

۱۸

به سبب اختلافات و سهل‌انگاری در فرانسه
راه پیروان امّت محمد گشوده خواهد شد:
زمین و دریای ژنواز[۱] آغشته به خون،
بندر فوسن[۲] از کشتیها و بادبانهای پوشیده خواهد شد.
فرانسه، افریقای شمالی را رها کرده و آنها به بندر مارسی می‌آیند، و نیروی دریایی آوارگان الجزایری را به آن جا می‌آورد.

۱۹

آنگاه که مارها برگردند قوس به گردش در آید،
خون تروین[۳] بدست اسپانیایی‌ها ریخته خواهد شد:
تعداد کثیری به وسیله آنان تباه خواهند شد،
رهبر پس از پرواز سلامت در باتلاق‌ها مخفی خواهد شد.
جنگ داخلی اسپانیا؟

۲۰

تور،[۴] اورلئان،[۵] بولوا،[۶] آنژه،[۷] رمس،[۸] نانت[۹]،
از پس تحولات ناگهانی شهرها به دردسر دچار می‌شوند،
توسط زبان‌های بیگانه خیمه‌ها برپا خواهد شده.

---

۱. Genoise ۲. Phocen ۳. Hroyen ۴. Tours ۵. Orleans
۶. Blois ۷. Angers ۸. Reims ۹. Nantes

رودخانه دارس،[۱] رن،[۲] زمین و دریا به لرزه در خواهد آمد.

اشغال آلمان، بیش از نیمی‌از سرزمین شمالی فرانسه در سال ۱۸۷۰ میلادی سپس در تابستان ۱۹۴۰ میلادی.

۲۱

از خاک سفید رنگی صخره تغذیه می‌کنند،
که گاه چون شیری سپید رنگ از مغاکی جاری می‌شود،
به بیهودگی به لرزه در می‌آیند جرأت لمس آنرا نخواهند داشت،
فراموش خواهند کرد که شالوده حیات از گل است.

این اشعار بی‌شک به کیمیاگری مرتبط است.

۲۲

آن که زندگی خواهد کرد و هیچ هدفی در او وجود نداشته باشد،
فکرش تا دم مرگ به او آسیب خواهد رسانید،
اتن،[۳] شالن،[۴] لانگر،[۵] و شهر سانس[۶]،
تگرگ و یخ‌بندان شدیدترین فاجعه را ببار خواهد آورد.

اشاره به اشغال آلمان که کشور فرانسه را در جنگ جهانی دوم به تصرف در آورد.

۲۳

در سومین ماه به هنگام بر آمدن خورشید،
گراز و پلنگ در میدان مارس به مبارزه می‌پردازند
پلنگ خسته، چشم به آسمان بر می‌دارد،
عقابی را در اطراف خورشید در حال جنگیدن می‌بینند.

این اشعار بی‌شک حاوی پنهان‌کاری علم نمادشناسی است و به شرایط

---

۱. Dars
۲. Renes
۳. Autun
۴. Chalons
۵. Langres
۶. Sens

بسیار خاص و مهّم فلکی و نجومی اشارت دارد.

۲٤

در شهر جدید به فکر محکوم کردن است،
پرنده شکاری از آسمان خواهد آمد تا خود را قربانی کند:
از پس موفقیت اسراء را مورد بخشش قرار می‌دهند،
کرمونا،[۱] مانتوا،[۲] از محنتی بزرگ رنج خواهند کشید.

آیا جنگ‌های ۱۹۴۳ میلادی در شمال ایتالیا نیست؟

۲۵

گمشده کشف می‌شود پنهان شده درگذر قرنها،
پاستور همسان نیم خدائی تجلیل خواهد شد:
آنگاه که ماه گردش دورانی بزرگ خود را پر کند،
به سبب شایعات دیگری بی‌اعتبار خواهد شد.

دوران اوج سرگیجه‌آور و سپس سقوطی به همان اندازه ناگهانی در مورد یک شخصیت مهّم. از آنجا که رباعی پیشین اشاره به شمال ایتالیا کرده است آیا مربوط به موسلینی نیست؟

۲۶

مرد بزرگ از آذرخش درگاهِ روزانه ضربه خواهد خورد.
کنش شیطانی با پیشگوئی حاملان داوطلب صورت می‌گیرد:
طبق پیش‌بینی‌ها شب هنگام حوادث بوقوع می‌پیوندد،
جنگ در رمس،[۳] لندن، طاعون در اتروسک[۴]

جنگ جهانی دوم؟

---

۱. Cremone ۲. Mantoue ۳. Reims ۴. Etrusque

۲۷

درگی‌ین[1] زیر درخت بلوط دفن شده از آسمان پرتو می‌گیرد،
نه‌چندان دور گنجینه‌ای مخفی شده است،
که در طی قرن‌های پیاپی گردآوری شده است،
کاشف به مرگ سپرده، با چشمانی خیره به جواهرات.

وجود گنجی افسانه‌ای که زیر درخت بلوطی دفن شده است. و بر اثر صاعقه آشکار می‌شود. کلمهٔ گی‌ین شاید به مکانی اشارت باشد (شهر گی‌یین) یا حضور دبق در درخت را مشخص می‌کند.

۲۸

برج بوک از کشتی‌های بربرها به وحشت درخواهد آمد،
یک زمان و زمان‌ها پس از آن کشتی‌های هسپاریک
چهارپایان، انسانها، اموالشان همه نابود خواهند شد،
در برج ثور و برج میزان چه نبرد مرگ‌آلودی در خواهد گرفت.

یکی از نامفهوم‌ترین رباعی‌های این سده‌ها است. کلید اختر شناسی (به علامت برج‌های، ثور، میزان توجه شود) که بی‌شک بصورت رمزآورده شده است.

۲۹

در آن هنگام که ماهی زمینی و دریایی
با موجی عظیم به ساحل انداخته می‌شود،
با صورت ظاهری عجیب گاهی زیبا و گاهی نفرت‌انگیز،
بزودی بر تمام دشمن‌ها از راه دریا به دیوارها می‌رسند.

این ماهی زمینی و دریائی چیست؟ شاید یک وسیلهٔ جنگی آبی و زمینی دهشت‌آور باشد؟

---

۱. Guien

۳۰

کشتی عجیب بر اثر طوفان دریایی،
به بندری ناشناخته وارد خواهد شد:
هیچ نشانی از درختان نخل یافت نمی‌شود،
از پس آن مرگ، چپاول و مذاکرات صلح‌آمیز دیر انجام می‌گیرد.

ناوگانی که در اثر طوفان راه خود را گم کرده، و حقوق قانونی (پارلمانی) آن را رد کرده‌اند.

۳۱

سال‌ها جنگ در فرانسه به درازا خواهد کشید،
از طرفی دوره حکومت شاهان کاستلون[۱]:
با پیروزی نامطمئن، سه تاجگذاری بزرگ می‌کنند،
عقاب، خروس، ماه، شیر، خورشید منفک می‌شوند.

فرانسه معاصر که با جنگهای سالهای (۱۸۷۰ ـ ۱۸۷۱) سال‌های (۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۸) و دوره (۱۹۳۹ ـ ۱۹۴۵) مشخص شده است.
«سه نیروی عظیم» مطمئناً کشورهای بریتانیای کبیر، اتازونی، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که بوسیله چرچیل، روزولت، استالین معرفی شده است.

۳۲

بسیار سریع به امپراطوری عظیمی تبدیل خواهد شد
در مکانی کوچک که سریعاً توسعه خواهد یافت،
مکانی که بسیار پست است و باریک می‌نماید،
جایی که عصای سلطنتی خود را به زمین خواهد گذاشت.

ناپلئون اوّل مجبور به انداختن «عصای سلطنت خود شد» فضای

---

۱. Castulon

باریک (به جزیره الب، سپس به سنت هلن تبعید شد): فروپاشی سریع امپراطوری بزرگ فرانسه که او تشکیل داده بود.

۳۳

در کنار پل بزرگ و دشتی پهناور،
شیر عظیم بدست نیروهای سزار[1]،
در خارج شهر به شدّت کشت و کشتار خواهد کرد،
به خاطر وحشت دروازه‌ها به روی آن مرد باز خواهد شد.

شاید شورش و محاصره شهر لیون در دوران حکومت وحشت باشد (۱۷۹۳)؟

۳۴

پرنده شکاری از طریق پنجره به پرواز در خواهد آمد،
پیش از حمله عمل خود را برای فرانسوا توضیح می‌دهد،
برای دسته‌ای سودمند است و دسته‌ای دیگر مبهم و شوم؛
گروه ضعیف‌تر است که نشانه‌ای نیکو را بدست خواهد آورد.

توضیح این شعر سخت است. کنایه به دسیسه‌بازی بیسمارک و تلگراف‌های تحریف شده دیپلوماتیک E.M.S است (۱۸۷۰)؟

۳۵

شیر جوان، بر همتای پیر خود غلبه خواهد کرد،
در صحنه مبارزه در دوئل شگفت‌انگیز،
اندرون قفس طلائی چشمانش از حدقه در خواهد آمد،
از آن دو یکی با زخمی جانکاه جان می‌سپارد.

رباعی مشهور که زخم مرگ‌آور هانری دوم را در مبارزهٔ سرنوشت

---

۱. Cesarees

سازش بیان می‌دارد.

۳۶

حکومت به اشتباه خود دیر پی خواهد برد،
که مخالف خود را به مرگ محکوم نکرده است،
ولی بزودی به تمامی تسلیم خواهد شد،
که خونش با مرگش ریخته خواهد شد.

تأسف شاه ایران از اینکه امام خمینی را محکوم به مرگ نکرده است.

۳۷

کمی پیش از این که خورشید غروب کند
جنگ اعلام شده، ملت بزرگی نامطمئن است،
به اسارت می‌کشد، نیروی دریایی قادر به پاسخگویی نیست،
پل و مقبره در دو محل بیگانه.

کمی بیش از یک کسوف جنگ اعلام می‌گردد. بندر دریایی (نگهبان دریا) نقشی که از او انتظار داشتند ایفا نخواهد کرد (ناوگان فرانسه در سال ۱۹۴۲ میلادی به آب انداخته شد؟). پل و مقبره نام نبردهای شدید جهت تصرف یک بندر؟

۳۸

خورشید و عقاب بر فاتح ظاهر خواهد شد،
پاسخی میان تهی شکست خوردگان را مطمئن می‌کند،
نه صدای کرنا نه صدای فریادها، موجب توقف نخواهد شد،
مجازات صلح چنانچه ساعت آن برسد فقط در مرگ است.

خورشید و عقاب منظور ناپلئون اول است.

۳۹

شبی مرد برتر با فشردن گلویش به قتل می‌رسد،
زیرا سوگلی گیسو طلائی بیش از حد معمول سکونت داشت،
بدست سه امپراطوری جانشین بر کنار شده است،
مرگ است که کارتها و بسته‌ها را رو می‌کند و این بازی نیست.

چه کسی می‌تواند این شخصیت والا باشد که گلویش را در تخت فشرده‌اند؟ نباید فراموش کرد که بسیاری از شعرهای سده‌ها بی هیچ شکی معنی علائمی دارد. نیم بیت سوم شاید کنایه‌ای از پیروزی متحدین بر علیه ناپلئون باشد یا این که در ارتباط به تباهی رایش سوم به دست «سه مرد بزرگ».

۴۰

شیپور ناموزون حماقت را ریاکارانه کتمان می‌کند،
بیزانس قوانین خود را تغییر می‌دهد.
بازیگری مصری می‌خواهد اصلاحاتی بکند،
پول را تغییر می‌دهد و قانون جدیدی را تدوین می‌کند.

تغییر حکومتی در ترکیه (انقلاب آتاتورک) نیم بیت سوم و چهارم ممکنست به جنبش معاصر مصر مربوط باشد (محمد علی در قرن نوزدهم و عبدالناصر در قرن بیستم).

۴۱

شبانه مقر فرماندهی شهر مورد محاصره قرار می‌گیرد
گروه کمی خواهند گریخت، نبرد نه چندان دور از دریا،
بانو از بازگشت پسر شکست خورده خرسند می‌گردد،
زهر و نامه‌ها در پاکت مخفی شده است.

دستور حمله صادر می‌شود تا به شهری که در محاصره است و درکناردریا قرار گرفته بتازند، یا اینکه دسیسه چینی و مانورهای مخفیانه است.

٤٢

در دهمین روز آوریل روز شماری به سبک گوتیک،
بدست افراد شیطان صفت بار دیگر زنده خواهد شد،
آتش خاموش می‌شود مجمع شیطانی،
در حال جستجوی استخوان شیطان و پسولن[۱] است.

انجمنی اسرار آمیزی از ساحرین که نسترادموس در آن شرکت داشته که به احضار نیروهای ماورائی می‌پرداخته‌اند.

٤٣

بیش از آنکه تغییر امپراطوری صورت پذیرد،
حادثه‌ای بسیار شگرف رخ خواهد داد:
دشت به حرکت در می‌آید ستونی از سنگ آذرین،
گذاشته شده، بر روی صخره‌ها دگرگون خواهد شد.

نستراداموس با نگارش اعجازآمیزش آگهی از تغییرات عظیم سیاسی می‌دهد. امّا آیا نمی‌توان در این رباعی ارتباطی به یک نوع کیمیاگری یافت.

٤٤

کوتاه سخن بار دیگر قربانی کردن از سر گرفته میشود،
مخالفان به شهادت خواهند رسید:
دیگر از کشیش‌ها و راهب‌ها و راهبه‌ها اثری نخواهد ماند،
ارزش عسل بیشتر از موم خواهد شد.

شاید اقدامات و احکام مخالف روحانیون در زمان انقلاب کبیر فرانسه، پایان کار کلیسای کاتولیک.

---

۱. Pselin

۴۵

بنیان گزار فرقه‌ها از سوی منافقین به دردسر می‌افتد،
بازیگران تئاتر بازی نمایشی را تدوین می‌کنند،
از کیش باستان مبدع مورد تجلیل قرار می‌گیرد،
توسط فرقه های تفرقه اندازگیتی به ناآرامی در خواهد آمد.

جوش و خروش، بی‌نظمی متزاید فرقه‌های مذهبی.

۴۶

کاملاً در نزدیکی اوش،[۱] در لکتور،[۲] و میراند،[۳]
از آسمان آتش عظیمی بمدت سه شبانه روز فرو خواهد آمد:
که سبب بی‌حسی می‌گردد و میراند،
کمی پس از آن زمین به لرزه در خواهد آمد.

سقوط شهاب سنگ‌ها که باعث زمین لرزه شده، در شمال غربی فرانسه (اوش لکتور، میراند،)؟ بمباران اتمی در آن نواحی.

۴۷

موعظه کنندگان دریاچه لمان[۴] به خشم در خواهند آمد،
روزها، سپس به هفته‌ها کشیده خواهد شد،
سپس ماه و بعد به سال، از آن پس همه دچار شکست می‌شوند
مقامات قضائی قانون پوچ و بیهوده آنان را محکوم می‌کنند.

رشد عقاید کالوانیسم. بی‌نظمی شدیدی که علیه آن قوانین بی‌اثر خواهد شد.

۴۸

وقتی بیست سال از حکومت ماه بگذرد

---

۱. Au... ۲. Lestore ۳. Mirand ۴. Leman

سلطنت دیگری به مدّت هفت هزار سال ادامه پیدا می‌کند:
در آن هنگام خورشید دوران ضعف خود را خواهد گذراند.
آنگاه پیش‌گوئی‌های من به واقعیت خواهد پیوست.

بنابراین دوره کامل گردش زمین هفت هزار سال خواهد بود؛ چنانچه نستراداموس را باور داشته باشیم.

۴۹

بسیار پیش از این رویدادها.
آنهائی که از خاور زمین زیر تاثیر فضیلت ماه:
سال هزار وهفتصد بزرگترین مهاجرت را صورت خواهند داد،
تقریباً، مردمان شمال را رام خود می‌سازند.

شاید بتوان به اوج قدرت روسیه در زمان تحت فرماندهی پتر کبیر مربوط دانست، در پایان قرن هفدهم و شروع قرن هجدهم.

۵۰

از سه نشانه آب متولد خواهد شد.
یکی از آنها پنج شنبه را بعنوان روز عید انتخاب می‌کند:
شهرت او، آئین او، و قدرتش رو به رشد خواهد گذاشت،
در خاور میانه در زمین و دریا اغتشاش ایجاد می‌شود.

آیا ترقی و موفقیت مائو تسه‌تونگ نیست؟

۵۱

رهبران برج حمل، مشتری، و زحل،
خداوند ابدی چه جهش‌هائی؟
پس از آن سده طولانی و بازگشت به دوران وخیم
فرانسه و ایتالیا چه هیجانی؟

برای فرانسه و ایتالیا، حوادث وخیم (در زمان انقلاب کبیر یا

امپراطوری) مشخص شده توسط تغییرات اختری و موقعیت مریخ، مشتری، و زحل.

۵۲

دو اثر شیطانی در برج عقرب با هم تقارن پیدا می‌کنند،
اسقف کبیر در تالار کشته خواهد شد:
طاعون در کلیسا بدست هم پیمان پادشاه جدید.
اروپای سُفلی و شمالی.

پادشاه جدید، اروپای مرکزی با اروپای شمالی متحد می‌شود، آیا ناپلئون اول نیست؟

۵۳

وا اسفا! شاهد نابودی ملتی رنج دیده خواهیم بود،
آئین‌های مقدس بطور کامل نابود می‌شوند،
آئین‌های جدید تمامی مسیحیت را در بر می‌گیرد،
آنگاه که کان جدید طلا و نقره کشف شود.

دوران حکومت وحشت را شرح میدهد طی سالهای (۱۷۹۳-۱۷۹۴): آزار و اذیت پیروان کلیسا، تنزل ارزش پول.

۵٤

از صورتهای شیطانی دو انقلاب رخ خواهد داد،
سلطنت و زمان‌ها را تبدیل خواهند کرد:
نشانه‌ی متحرک که در جای خود چنان مخفی است،
در دو نیروی همسان انعطاف ایجاد می‌شود.

دو انقلاب بزرگ کمونیست در قرن بیستم (روسیه و چین)؟

۵۵

در اقلیم مخالف بابل واقع می‌شود،
خون زیادی ریخته خواهد شد،
که زمین، دریا، هوا و آسمان در بی‌عدالتی فرو می‌روند،
گرسنگی، طاعون، آشفتگی بر فرقه‌ها حکومت خواهد کرد.

جنگ در خاور میانه.

۵۶

شما دیر یا زود شاهد تغییرات عظیمی خواهید بود،
وحشت در حد اعلای خود و انتقام‌جوئی:
آنگاه که ماه توسط فرشته نگهبان خود هدایت شود،
آسمان نزدیک به انحراف خود است.

می‌تواند اتفاقات اعلام شده در آخر زمان باشد.

۵۷

از پس اختلافی عظیم شیپور بلرزه در خواهد آمد،
قراردادها فسخ شده سر به سوی آسمان بالا برده می‌شود،
دهان آغشته به خون، در خون شناور خواهد شد،
چهره‌ای که با شیر و عسل تدهین شده به روی خاک می‌افتد.

بیان و برداشت رمزی، شدت وحشتی که در آخر زمان روی می‌دهد.

۵۸

شکم شکافته شده، با دو سر زاده خواهد شد،
چهار دست، چند سال کامل زنده خواهد ماند؟
روزی که الکی‌لوی[1] تولدش را جشن خواهد گرفت،

---

۱. Alquiloye

فوسن،[۱] تورن، رهبر فرآر،[۲] از او پیروی خواهند کرد.
رباعی رمزی است، که مربوط است به ناپلئون ـ آلکی‌لوی («عقاب»)، فاتح ایتالیا می‌باشد.

۵۹

تبعیدشدگان به جزایری برده خواهند شد،
در دوره تغییر و تحول یکی از بی‌رحم‌ترین پادشاهان
کشته خواهند شد، و دو نفر در آتش انداخته می‌شوند،
کسی که اطلاع رسانی کند دیگر در حبس نخواهد ماند.
موفقیت کامل موسلینی، که به جزیره لیپاری «سیبری آتشین حکومت» که تعداد کثیری از مخالفین سیاسی خود را به آن جا تبعید کرد.

۶۰

امپراطوری در حوالی ایتالیا زاده خواهد شد،
کسی که به امپراطوری بسیار گران فروخته خواهد شد،
می‌گویند با چه گروهی هم‌پیمان خواهد شد،
گفته می‌شود که او بیش از آن که شاهزاده باشد قصاب است.
روشن‌ترین رباعی که بدون هیچ شکی مربوط به ناپلئون است.

۶۱

جمهوری رنجور و بدبخت
از سوی فرمانروای جدید پهناور خواهد شد،
گروه‌های عظیم خود از جادوگران مرموز در تبعید
سوئُو[۳] قرارداد بزرگ خود را لغو می‌کند.
رأی توسط مجلس ملّی، در ژوئن ۱۹۴۰، قدرت کامل به مارشال پتن

---

۱. Fossen ۲. Ferrare ۳. Sueve

تفویض می‌کند.

۶۲

خسران عظیم، دانشمندان در غفلت کامل بسر خواهند برد،
بیش از آنکه آسمان لاتونا[۱] در بهترین وضعیت قرار گیرد،
آتش، سیل مهیب از سوی فرمانروایان غافل،
در طول قرن‌ها بازسازی دوباره آن را نخواهیم دید.

طغیان جنگ سال ۱۹۱۴ میلادی، بطوریکه فرماندهان دول بزرگ اروپا قادر نیستند مانع بروز آن شوند.

۶۳

گل‌ها پژمرده می‌شوند، گیتی کاستی می‌یابد،
برای زمانی دراز آرامش زمین‌های را فرا می‌گیرد،
با اطمینان بر ورای آسمان، در زمین، و بر آب راه خواهند سپرد،
سپس، بار دیگر جنگ‌ها از سر گرفته خواهد شد.

تخریب زمین طی دوران و زمان‌های گذشته.

۶۴

در شبی که می‌پندارند خورشید را می‌بینند
در آن هنگام خوک نیمه انسانی دیده خواهد شد.
صدا، آواز، در آسمان نبرد مشاهده خواهد شد،
صدای گفتگوی حیوانات وحشی را می‌شنویم.

نشانه‌های آسمانی، همچنان که عده‌ائی در قرن هفدهم فکر می‌کردند، در سحرگاهان قطب شمال مشاهده کرده‌اند.

---

۱. Latona

۶۵

کودک بدون دست، هیچگاه آذرخشی چنان عظیم ندیده است،
کودکی از سلاله شاهان در بازی مجروح می‌شود،
کوه شکافته شده صاعقه آن را به شکل پودر در می‌آورد،
سه نفر در زیر زنجیرها، در وسط بهم پیچیده شده‌اند.

نیم بیت اول شاید به اثرات هیولائی قرص تالیدومید مربوط باشد (کودکانی که بدون باز و زاده شده‌اند). سه نیم بیت دیگر بدون شک علائمی است.

۶۶

کسی که تا آن زمان آورنده اخبار است،
از پس یک نفر او نفس تازه خواهد کرد،
در ویویه،[۱] مون‌فران،[۲] پرادل،[۳]
تگرگ و طوفان به او آسیب خواهند رسانید.

بازگشائی رمز بسیار مشکل است با وجودی که به زبان ساده سروده شده است.

۶۷

چنین می‌پندارم که قحطی عظیمی نزدیک است،
به دفعات به چرخش در آمده، سپس جهانی خواهد شد،
آنچنان وسیع و طولانی که همه چیز از جا کنده خواهد شد
ریشه درختان از جنگل، و بچه از پستان مادر.

قحطی جهانی.

---

۱. Hournon ۲. Tournon ۳. Pradelles

۶۸

آه چه وحشتناک و بدبختی رنج آوری،
می‌آیند تا سه بیگناه را تحویل دهند،
زهر، اتهام، زندان‌های مخوف، خیانت،
بدست جلادان مست زیر شکنجه قرار می‌گیرند.

این سه موجود بی‌گناه چه کسانی می‌توانند باشند با این سرنوشت غم‌انگیز؟

۶۹

کوهستان بزرگ مدوّر در هفت مرحله،
ازپس صلح، جنگ، گرسنگی، سیل،
به دورتر رآنش کرده، و شهرها را ویران می‌کند،
حتی بقایای بزرگ وکهن را

ظاهراً خبر از یک زمین لرزه شدید می‌دهد که کوه عظیمی را جابجا می‌کند.

۷۰

باران، قحطی، جنگ، در ایران متوقف نخواهد شد،
ایمان حقیقی است. پادشاه فریب خواهد خورد:
از پس اتمام کنش‌ها در فرانسه است که شروع می‌شود،
پیمان پنهانی به نفع کسی که ملزومات جنگی تهیه می‌کند.

شاه ایران به سبب ایمان حقیقی مسلمان‌ها شکست خورد. بیت دیگر در رابطه با فرانسه است ولی مبهم باقی می‌ماند.

۷۱

برج دریائی سه بار تسخیر شده و دو مرتبه آزاد می‌شود،

به دست اسپانیایی‌ها، بربرها، لیگورن‌ها[۱]:
مارسی[۲]، و اکس[۳] آرل[۴] از سوی مردان پیزا[۵]،
اسارت، آتش، شمشیر، چپاول، آوینیون[۶] از سوی تورن[۷].

شاید بتوان مربوط به اشغال توسط ارتش متحد آلمان، و ایتالیا، در دوره جنگ جهانی دوم دانست؛ و که اسپانیا در آن بی‌طرف باقی ماند.

۷۲

اهالی مارسی، به تمام، تغییر خواهند یافت،
در حال گریزند و تا نزدیکی لیون تحت تعقیب قرار می‌گیرند.
ناربن،[۸] تولوز،[۹] بدست بردو[۱۰] مورد توهین قرار می‌گیرند،
نزدیک به یک ملیون نفر کشته و اسیر می‌شوند.

تصرف تمام جنوب فرانسه در جنگ جهانی دوم.

۷۳

به فرانسه از پنج محور به دلیل ضعف و غفلت حمله می‌شود،
تونس[۱۱]، آرگال[۱۲]، بوسیله ایران به حرکت در خواهند آمد:
لئون،[۱۳] سویل،[۱۴] بارسلون[۱۵]، شکست خواهند خورد،
نیروی دریائی به اهالی ونیزی[۱۶] کمک نخواهد کرد.

شاید بتوان به جنگ‌های بین فرماندهان مربوط کرد. با اشاره‌ای از عملیات جنگی اسپانیا. و یا اینکه به سرنوشت شوم ناپلئون (فرانسه از هر طرف تسخیر شده). ولی این سؤال پیش می‌آید، اشاره به ایرانیان چه معنی دارد.

---

۱. Ligurins ۲. Marseille ۳. Aix ۴. Arles ۵. Pise
۶. Avignon ۷. Thurins ۸. Narbon ۹. Toloze ۱۰. Bordeaux
۱۱. Tunys ۱۲. Argal ۱۳. Leon ۱۴. Seville ۱۵. Barcellonne
۱۶. Venitiens

۷۴

از پس استراحت بسوی اپیر،[۱] بر روی آب حرکت می‌کنند،
کمک عظیمی بطرف انتیوش[۲] آورده خواهد شد:
سیاه مو با پرچم سیاه برای امپراطوری گران تمام خواهد شد
با محاسن برنزی خود را در برانش خواهد آزمود.

رباعی مبهمی است، ولی ممکنست نمودار ژنرال بناپارت باشد، آن هنگام که به مصر و به فلسطین لشگرکشی کرده است. و از طرفی می‌توانیم آن را کمک ملل اروپائی به انقلابیون یونان دانست که بر ضد امپراطوری ترک انجام یافته. اما درباره (با محاسن برنزی) بدون شک آیت‌الله خمینی است.

۷۵

ساون[۳] بدست دیکتاتور سی‌نا[۴] تسخیر خواهد شد،
مرد قوی پیروز شده نیروی دریائی را در اختیار می‌گیرد:
دو لشگر زیر پرچم آنگون[۵].
فرمانده آنان‌را با ترس امتحان خواهد کرد.

تسخیر ایتالیا بدست سربازان بناپارت.

۷۶

نامی مضحک برایش جذبه‌ای وافر خواهد داشت،
چون سه خواهر از سرنوشت نام خود را گرفته‌اند:
از آن پس، ملت بزرگ با زبان و کنش خواهد گفت،
قبل از او هیچکس چنان شهرتی نداشته است.

سه خواهر: بدون شک سه استعاره است. به قدرت رسیدن چین کمونیست که در ردیف قدرتمندان جهانی است؟

---

۱. Epire ۲. Antioche ۳. Savonne ۴. Siene ۵. Anconne

۷۷

در میان دو دریا تنگه‌ای کشیده خواهد شد،
که در پس آن مردی توسط لگام اسب خواهد مرد:
تاثیرات نپتون بادبانهای سیاه را خم خواهد کرد،
بدست کاپرو[۱] کشتی‌هائی در روشوال[۲]

محاصره روشل، بطوریکه ریشیلیو نمی‌تواند به آنجا دست یابد مگر پس از ایجاد سدی که مانع حمایت نیروی دریائی انگلستان از آنجا شده.

۷۸

از یک رهبر سالخورده پسری نادان زاده خواهد شد،
با دانش و سلاح، رو به زوال گذاشته خواهد شد:
رهبر فرانسه به دست خواهرش هراس‌آور می‌شود،
میدان‌ها تقسیم شده، و به نیروی نگهبان واگذار می‌شود.

فرانسه تنها یک «رهبر دولتی سالخورده» داشته است. مارشل پتن (۱۹۴۰) که اغواء می‌شود، و عملیات توسط اطرافیانش انجام می‌گیرد. شکست فرانسه، تسخیر آلمان.

۷۹

بازا،[۳] لکتور،[۴] گاندون،[۵] اوش،[۶] آژن[۷]،
توسط قوانین جنگی و خودکامگی به اغتشاش در می‌آید:
زیرا بردو،[۸] تولوز،[۹] بایون،[۱۰] ویران خواهند شد،
می‌خواهند قربانی کردن گاو نر را تجدید کنند.

ممکنست مربوط به نبردی بی‌رحمانه در جنوب غربی فرانسه باشد که بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها (جنگ‌های مذهبی) رخ داده است.

---

۱. Capro ۲. Rocheval ۳. Bazaz ۴. Lectore ۵. Condon
۶. Aush ۷. Agine ۸. Bourd ۹. Tholoze ۱۰. Bay

۸۰

از ششمین نور رخشنده آسمان،
تندری بسیار قوی در بورگونی[۱] به غرش در خواهد آمد،
از آن پس غولی زاده خواهد شد از کریه‌ترین حیوان،
مارس، آوریل، مه، ژوئن آسیب و دلهره‌های بزرگی خواهد بود.

غیرممکن است با اطلاعات فعلی و وضعیت کنونی رمز آن را بگشائیم این رباعی مربوط به حادثه شوم بورگونی است.

۸۱

گروه نه از بشریت کنار گذاشته خواهد شد،
از قضاوت و مشاوره عاری شده،
با عزیمت قدرت آنها تجزیه و تفکیک می‌شود،
کاپاو،[۲] تی‌تا،[۳] لامبدا[۴] لجام‌گسیخته دور و پراکنده می‌شوند.

ممکنست مربوط به حکومت هیئت مدیره یا (دیرکتوار) باشد، دوران توطئه و دسیسه‌چینی‌های سیاسی، که در رأس این دسایس رقبا حد اعلای دسته بندی را داشتند.

۸۲

آن هنگام که ستونهای چوبی عظیم به لرزه در آیند،
باد جنوب هدایت کننده، لبریز از خاک سرخ شده است،
همه چیز بیرون از مجلس بزرگ خالی خواهد شد،
وین و سرزمین اتریش[۵] به لرزه درمی‌آید.

می‌تواند اشارهٔ به ورود لشکر ناپلئون به شهر وین باشد. با ضمیمه شدن اتریش به آلمان توسط هیتلر در سال ۱۹۳۸.

---

۱. Bourgongne ۲. Kappa ۳. Thita ۴. Lambda
۵. Austriche

۸۳

مردمان خارجی غنائم را تقسیم خواهند کرد،
زحل با نگاهی خشم‌آلود در برابر مریخ قرار می‌گیرد،
وحشت شگفت‌انگیز در توسگانی[1] و لاتین،
یونانی‌ها همان کسانی هستند، که آرزوی زدن ضربه را دارند.

جنگ یونان و ایتالیا تحت فرماندهی موسلینی (۱۹۴۰ - ۱۹۴۱).

۸٤

ماه بر اثر ظلمتی عمیق تیره می‌شود،
برادرش به رنگ سرخ در می‌آید،
بزرگ مدّت طولانی در ظلمت پنهان است،
آهن در نمازی خونین گداخته خواهد شد.

بدون شک مفهوم کیمیاگری دارد.

۸۵

از پس پاسخ بانو شاه متزلزل می‌شود،
سفرا جان خود را حقیر خواهند شمرد،
مرد بزرگ برادرهایش تغییر رفتار مضاعفی خواهند داد،
بدست دو نفر کشته خواهد شد، با خشم و نفرت و حسد.

الحاق لهستان (حکومت پادشاهی داشت) به روسیه توسط تزار کاترین روسیه در آخر قرن هیجدهم.

۸۶

ملکه کبیر هنگامی که خود را مغلوب می‌بیند
شجاعت مردانه وافری از خود نشان خواهد داد،

---

۱. Toscans

سوار بر اسب، از شط کاملاً برهنه خواهد گذشت،
با شمشیر دنبال می‌شود، به عقاید بی‌حرمتی خواهد کرد.

محال است متوجه شویم که واقعه فوق چه خواهد بود: علیرغم جزئیات واقعی، ممکنست این رباعی علائمی باشد؟

۸۷

در اقامتگاه ما، آتش در مرکز زمین،
اطراف شهر جدید را به لرزه خواهد آورد،
دو صخره بزرگ زمانی دراز با یکدیگر خواهند جنگید،
سپس آرتوس[۱] شط جدید را سرخ خواهد کرد.

آتش در مرکز زمین، آیا بمب اتمی نیست؟

۸۸

در شب تقدیر شاهزاده بزرگ را غافلگیر خواهد کرد،
کمی پیش از آن با بانو ازدواج خواهد کرد
حامی او و اعتبارش به ناگاه کاهش خواهد یافت،
مشاور از برای سرتراشیدن خواهد مرد.

حقیقتاً از پس ازدواج دوّم ناپلئون با (ارشی دوشس، ماری لوئیز) است که این امپراطور با کج‌مداری سرنوشت روبرو شد. کلمه سرتراشیدن فوراً «تونده‌وکوچولو» را بیاد می‌آورد (نام آشنائی که در افواه سربازهای پیر با آن، امپراطورشان را می‌نامیدند).

۸۹

تمام کسانی که از ایلرد[۲] در موزل[۳] خواهند بود،
تمام اهالی لوار[۴] و سن[۵] را خواهند کشت،

---

۱. Arethus   ۲. Illerde   ۳. Moselle   ۴. Loire   ۵. Seine

نیروی دریائی نزدیک دره علیا خواهد آمد،
آن هنگام که اسپانیا تمام راه‌ها را می‌گشاید.
اشغال سرزمین فرانسه توسط آلمان؟

۹۰

بردو و پواتیه با پسری از دهکده،
درکشتی بزرگ تا نزدیکی آنگون[۱] پیش خواهد رفت،
ستاره قطبی آنها بر ضد فرانسه خواهد بود،
آنگاه که هیولای زشت نزدیک آرگن[۲] زاده خواهد شد.
رباعی مبهمی است که ممکنست این نیز به اشغال آلمان مربوط باشد.

۹۱

خدایان، به بشریت نشان خواهند داد،
آنان که بنیان‌گزار جنگ بزرگی خواهند بود،
پیش از آن آسمان از موشک‌ها و سلاح‌ها خالی دیده شود،
که بزرکترین آسیب چپ را تکان خواهد داد.
جنگ جهانی دوم، با تمام سلاح‌های جدید.

۹۲

در طول حکمرائی یک نفر، صلح در همه جا اعلام می‌شود.
امّا در اندک زمانی غارت و چپاول و سرکشی آغاز خواهد شد،
از پس شورش بهر شهر و زمین و دریا دست‌اندازی خواهد شد
حدود یک سوم از یک میلیون کشته یا اسیر می‌شوند.
سرکوبی بی‌رحمانه کمون پاریس توسط شخصی به نام آدلف تیر؟

---

۱. Angon ۲. Argon

۹۳

زمین نزدیک کوهستان‌های ایتالیا به لرزه در خواهد آمد،
شیر و خروس دیگر با هم متّحد نخواهند بود،
آنان در فضای وحشت به یکدیگر یاری خواهند داد،
تنها کاتولن[۱] و سلت[۲] میانه‌رو خواهند بود.

تسخیر ایتالیا به دست بناپارت.

۹۴

در بندر سلین[۳] شخصیت ستمگری به مرگ سپرده می‌شود
معهذا آزادی دگر بار بدست نخواهد آمد:
بار دیگر مارس سبب کیفر و مرگ مجدد می‌شود،
بانو توسط نیروی وحشت به افتخار می‌رسد.

اعدام روبسپیر کسی که نه‌تنها آرامش عموم را سبب نمی‌شود، بلکه دوران توأم با تلاطمی را برای فرانسه بدنبال خواهد داشت. این رباعی همچنین به سرنوشت غم‌انگیزی ممکن است مربوط شود که برای رهبر متجاسر اعراب در پایان جنگ جهانی سوّم رخ دهد.

۹۵

در برابر صومعه کودک توانایی یافت می‌شود،
شجاع، از دودمان کشیش و از جامعه فرسوده:
شهرت او به خاطر فرقه، زبان و قدرت او است،
که گفته میشود، یک قلوی بازمانده به خوبی برگزیده شده است.

در وضع کنونی و دانستهای تاریخی‌مان شناختن این پسر که مقابل در ورودی یک صومعه پیدا شده غیرممکن است. شایداین رباعی علائمی باشد.

---

۱. Catulon ۲. Celtes ۳. Selin

۹۶

آن کسی که مأموریت تخریب را به عهده خواهد داشت
معابد و فرقه‌ها را به دلخواه تغییر خواهد داد:
به صخره‌ها بیشتر از جانداران آسیب خواهد رسانید،
گوش‌ها از شنیدن سخنان شیوا آکنده خواهد شد.

احکام و تصمیمات برعلیه مذهب در دوران انقلاب کبیر فرانسه؟

۹۷

آن چه راکه اسلحه و آتش نمی‌تواند به انجام برساند،
زبان ملایم شورا به انجام خواهد رساند:
اوه با چه آرامش خیالی پادشاه رؤیا خواهد دید
دیگر دشمنی در جوش وخروش نیست خون نظامی می‌جوشد.

کودتای بناپارت در ۱۸ برومر؟

۹۸

فرمانده‌ای که نیروی عظیم مردمی را رهبری می‌کند
دور از آسمان و آداب خود و زبان بیگانه
پنج هزار درکرت[۱] و تسالی[۲] زوال می‌یابند،
فرمانده گریزان با کشتی‌های ذخیره از راه دریا نجات یافته.

سقوط ناپلئون اول.

۹۹

سلطان بزرگ که شرکت خواهد کرد
و دوستانه با دو پادشاه دیگر متّحد خواهد شد:
خانواده بزرگ چه آه اسفباری برمی‌آورد،

---

۱. Crete
۲. Thessalie

در پیرامون کودکان ناربون[1] چه ترحمی بر پا خواهد شد.

ممکنست مربوط به اتحاد سران «سه ابرقدرت» (روزولت، چرچیل، استالین) باشد. در عین حال شاید به سلطان بزرگی اشاره کند که نستراداموس آمدنش را اعلام می‌دارد.

۱۰۰

زمانی طولانی در آسمان پرنده خاکستری دیده خواهد شد،
نزدیک سرزمین دُل[2] و توسکانی[3]:
شاخه‌های سبزی به منقار خود دارد،
بزرگ به زودی خواهد مرد و جنگ پایان خواهد یافت.

ناپلئون اول، که به پرنده خاکستری معرفی شده به دلیل کت بلند خاکستری که می‌پوشید.

---

۱. Narbon ۲. Dole ۳. Toscane

سده دوّم

۱

بسوی اکی‌تن[۱] از طریق جزیره بریتانیا می تازد،
از دسیسه‌گری آنهاست که بزرگترین یورش پدید می‌آید:
باران، یخ‌بندان زمین‌ها را بی‌حاصل می‌سازد،
بندر سلین[۲] تحت محاصرهٔ شدید در می‌آید.
پیروزی نهائی انگلستان بر ناپلئون؟

۲

کلاه آبی به کلاه سفید بدل خواهد شد
به هر میزان که به فرانسه[۳] زیان‌زده در بهبودش کوشیده است:
مرگ از طریق آنتن، به شاخه حلق‌آویز خواهد شد،
آنگاه که اموالشان را توقیف می‌کنند، پادشاه می‌گوید تا چه حد.
حکومت قبلی (کلاه سفید) توسط جمهوری اوّل (کلاه آبی) سرنگون می‌شود.

۳

بعلت تابش خورشید بر دریا
ماهی‌ها در نگروپون[۴] نیم‌پز خواهند شد،
افراد محلی آنها را دو نیمه خواهند کرد،

---

۱. Aquitaine ۲. Selyn ۳. France ۴. Negrepont

آنگاه که رود،[۱] و جنوو،[۲] از آنها بیسکویت می‌سازد.
خشک‌سالی فاجعه‌انگیز در مناطق مدیترانه‌ای.

٤

از مونیخ[۳] تا نزدیکی سیسیل[۴]،
تمام کناره‌های ساحلی متروکه خواهند شد،
هیچ دهکده و شهری برجا نخواهد ماند،
که بربرها تمام آن جا را چپاول نکرده باشند.
زمین‌لرزه و تهاجم در ناحیه مدیترانه غربی؟

۵

آن کسی که اسناد و سلاح را در شکم ماهی جای داده است،
از آن خارج شده، که پس از آن جنگ را آغاز خواهد کرد،
ناوگان او از طریق دریا به حرکت در می‌آید،
در نزدیکی سواحل ایتالیا است که آشکار می‌گردد.
پیاده شدن نیروی نظامی آمریکا (۱۹۴۳) در ایتالیا.

۶

در نزدیکی بنادر و در میان دو شهر
دو بلا نازل خواهد شد که همانند آن هرگز دیده نشده است،
گرسنگی، طاعون مردم بزور اسلحه بیرون رانده می‌شوند،
به درگاه خدای بزرگ و لایزال فریاد کمک سر خواهند داد.
شاید دو نیم بیت اول به سرنوشت برلن مرتبط باشد، که به وسیله دیوار برلن به دو شهر تقسیم شد؛ دو نیم بیت دیگر به جنگ‌های خشم آگینی در زمان سقوط پایتخت هیتلر رایش سوّم مربوط است (آوریل ۱۹۴۵).

---

۱. Rhod ۲. Gennes ۳. Monech ۴. Sicile

۷

بسیاری به جزیره تبعیدیان وارد می‌شوند،
موجودی با دو دندان در گلو زاده می‌شود:
از فرط گرسنگی درختان را از ریشه بیرون خواهند آورد،
پادشاه جدید، با قانون جدید که آنان را در کوره می‌نهد.

تولد ضد مسیح آینده.

۸

معابد مقدس به سبک رُم تعمیر می‌شوند،
بنیان‌های عامل بدبختی و ویرانی را منهدم خواهند ساخت
قوانین نخستین‌شان و انسانی را به اجرا در خواهند آورد،
قوانین مقدس کنار گذاشته می‌شود، البته نه تمام قوانین.

واتیکان ۲ و اصلاحات در کلیسای رُم.

۹

حکومت مرد نحیف نه سال توام با صلح پایدار خواهد ماند،
سپس میل مفرط به خونریزی در او پیدا می‌شود،
به سبب او ملتی بزرگ با بی‌ایمانی و بدون قانون خواهد مرد،
مرگش بدست مردی بسیار بردبار است.

هیتلر؟

۱۰

دیر زمانی طول نمی‌کشد که همه امور منظم خواهد شد،
ما در انتظار قرن بسیار شومی خواهیم نشست:
وضعیت نقاب‌داران و انزوا جویان به شدّت تغییر می‌یابد،
عده کمی متوجه می‌شوند که می‌باید طبقه خود را حفظ کنند.

پیروزی کامل انقلاب کبیر فرانسه بر جامعه و حکومت پیشین.

۱۱

فرزند آینده پسر ارشد به مقام والائی خواهد رسید،
به چنان پیشرفتی که اختیارات تام حکومتی را به دست میگیرد:
عزت او همگان را به وحشت تلخی دچار میسازد،
سرانجام فرزندن او از حکومت بر کنار خواهند شد.

لوئی فیلیپ، که هیچ کدام از فرزندانش حکومت نکردند.

۱۲

چشمان فروبسته به تجمل کهن باز خواهد شد،
آنها که در سلک انزواطلبان در میآیند به پوچی کشیده میشوند:
سلطان بزرگ آن زیادهرویها را توبیخ خواهد کرد.
مفتون جواهراتی میشوند که درون معابد است.

در این رباعی شاید به مائوتسهتونگ فرمانروای چین کمونیست اشارت داشته باشد. زیرا او شدیداً لباس سنتی و پوشش کارگری را تشویق میکرده. لباسهای متحدالشکل برای تمام افراد چینی.

۱۳

جسم خالی از نفس، بیش از این در قربانگاه باقی نخواهد ماند،
روزی که میمیرد هم زمان میلاد دوباره خواهد داشت:
روح ملکوتی به نفس تهنیت خواهد گفت،
در حالی که نظارهگر کلمه در جاودانگیاش میباشد.

رباعی که گوئی شرح نقطه اوج الهامات کیمیاگری است.

۱٤

باچشمان نافذ از تور[۱]، و ژیان[۲]، محافظت خواهد شد،

---

۱. Tours
۲. Gien

از فاصله دور بزرگترین آرامش را کشف خواهند کرد:
بانو و همراهانش به بندر وارد خواهند شد،
نبرد قدرت سلطان را بستوه می‌آورد.

شاید بیت آخر می‌تواند از پیاده شدن متفقین در نرماندی خبر بدهد (ژوئن ۱۹۴۴).

۱۵

کمی قبل از آنکه پادشاهی ترسید[۱]:
کاستور[۲] و پولوکس[۳] در یک کشتی هوائی، ستاره خوشه‌ای:
سرزمینهای ملّی از طریق زمین و دریا خالی شده،
پیزا،[۴] آست،[۵] فرار،[۶] تورن[۷] سرزمینهای ممنوعه‌اند.

پایان غم‌انگیز موسلینی؟ شاید هم بتوان مربوط به جنگ‌هایی مناطق نامبرده باشد، در دوران جنگ جهانی سوّم.

۱۶

ناپل،[۸] پالرم،[۹] سیسیل، سیراکوز[۱۰]،
مستبدان جدید، با تندر و آتش‌های آسمانی:
نیرو از لندن، گاند،[۱۱] بروکسل و سوز[۱۲]،
کشتار دسته‌جمعی، پیروزی موجب جشن و سرور می‌شود.

جنگ جهانی دوّم و بمباران‌های هوائی (آتش آسمانی).

۱۷

حوزه معبد باکرهٔ پاک دامن،
از آتن و کوه‌های پیرنه دور نیست:

---

۱. Trucide　۲. Castor　۳. Pollux　۴. Pise　۵. Ast
۶. Ferrare　۷. Turin　۸. Naples　۹. Palerme　۱۰. Syracuses
۱۱. Gand　۱۲. Suses

رهبر بزرگ در یک چمدان بزرگ مخفی شده است،
شمال، شط‌ها یخ بسته و سحرگاه تاکستانها.
وجود یک گذرگاه بزرگ زیرزمینی که ازکوه‌های پیرنه زیاد دور نیست؟

۱۸

خبرهای تازه و بارانی غیر قابل پیش‌بینی،
به یک باره میان دو سپاه سدی ایجاد می‌کند:
سنگ، آتش از آسمان فرو می‌بارد و دریایی از سنگ می‌سازند،
مرگ ناگهانی هفت زمین و دریا.
شرح نبرد دریایی وحشتناک.

۱۹

تازه‌واردین محل بدون دفاع را خواهند گشود،
اماکنی را که قبلاً مسکونی نبوده به اشغال درمی‌آورند:
چمنزارها، مزارع، و شهرها جهت تفریح به‌تصرف درمی‌آیند
گرسنگی، طاعون، جنگ، بر زمین‌های بارور حاکم می‌باشد.
نبرد برق آسا در ماه‌های مه و ژوئن سال ۱۹۴۰: فوج‌های قوای نظامی آلمانی که صدای ساز و برگشان در سرزمین فرانسه به صدا درمی‌آید.

۲۰

برادران و خواهران که در مکان‌های گوناگون اسیر شده‌اند،
در حال گذر خود را نزدیک سلطانی می‌یابند:
سلطان فرزندان هشیارش را خواهد نگریست،
از دیدن نشانه‌هایی بر پیشانی، چانه، بینی ناخوشنود می‌شود:
اسارت، در تامپل، ولیعهد و خواهرش؟

۲۱

سفیری که از برمه[۱] فرستاده شده است،
در میانه راه از سوی مردان ناشناس به عقب رانده خواهد شد:
چهار کشتی با بار نمک به عنوان نیروی امداد خواهند آمد،
در نگروبون،[۲] با طناب و زنجیر بسته شده.

نبرد دریائی لپانت (قرن ۱۶) که به گسترش حکومت ترک‌ها در مدیترانه خاتمه میدهد.

۲۲

قشون آسکوپ[۳] از اروپا حرکت خواهد کرد.
در نزدیکی جزیره فرو رفته در آب به آن‌ها می‌پیوندد:
در ناحیه آرتن[۴] نیروی فالانژ سر فرو خواهد آورد،
ناف دنیا از صدای بزرگتری کنترل خواهد شد.

کشورگشائی‌های ناپلئون اوّل؟

۲۳

پرندگان قصر توسط پرندگان شکار می‌شوند،
پس از آن به زودی شاهزاده به قدرت می‌رسد:
تا آن جا که دشمن تا شط عقب رانده می‌شود،
در خارج رد پرنده پشتیبانی شده را پیدا کرده.

موفقیت هانری دو ناوآر بر متحدین.

۲٤

حیوانات وحشی از شدّت گرسنگی شطها را پشت سر می‌نهند،
بخش بزرگ میدان جنگ علیه هیستر[۵] به پا خواهد خاست،

---

۱. Birmes　۲. Negrepont　۳. Ascop　۴. Arton
۵. Hister

مرد بزرگ به قفس آهنین کشیده خواهد شد،
در آن هنگام مراعات هیچ یک از فرزندان آلمان نخواهد شد.
به قدرت رسیدن هیتلر (هیستر) در آلمان،

۲۵

نگهبان بیگانه دژ را مورد خیانت قرار خواهد داد،
امید و تیرگی به نحو والائی بهم می‌آمیزد:
نگهبان ناامید، بشدّت در فشار و مورد توبیخ قرار میگیرد،
لوار،[۱] سااون،[۲] روزن[۳] وگار،[۴] تا سرحد مرگ زیان می‌بینند.
آلمان سرزمین فرانسه را کاملاً اشغال می‌کند (جنگ جهانی دوّم).

۲۶

به سبب مساعدتی که شهر نشان خواهد داد،
به مرد بزرگی که بزودی در میدان جنگ شکست خواهد خورد
فرار می‌کند، رده‌های پو،[۵] تسن،[۶] منهدم می‌شود،
خون، آتش، مرگ و جنگ غرقه می‌شود.
به قدرت رسیدن مارشال پتن، پس از شکست برق‌آسای فرانسه در سال ۱۹۴۰.

۲۷

کلمه ملکوتی از فراسوی آسمان برمی‌خیزد،
که پیش از آن نمی‌توانسته دست به کاری بزند:
با کاهش طول این راز سر به مُهر،
نوع بشر بر ورای آن گام نهاده و به پیشرفت نائل خواهد شد.
سقوط ناپلئون اوّل.

---

۱. Loire ۲. Saone ۳. Rosne ۴. Gar ۵. Pou
۶. Thesin

۲۸

کسی که نام پیامبر ما قبل آخر را داراست،
دیان[۱] را به عنوان روز تعطیل بر خواهد گزید:
در شور خویش تا دوردست با سربلندی پیش خواهد راند،
ملّت بزرگی را از یوغ بندگی نجات خواهد داد.

هانری دوّم و دیان دو پواتیه.

۲۹

مرد شرقی از محل استقرار خویش خارج خواهد شد،
برای دیدار فرانسه ارکوه اپونین،[۲] خواهد گذشت:
از فراز آسمان، از برف‌ها، دریاها و کوه‌ها گذر خواهد کرد،
و همگان را با عصایش مضروب خواهد کرد.

برسمیت شناختن چین کمونیست توسط ژنرال دوگل، که می‌توان همچنین دیدار رسمی جانشین رئیس جمهور مائو در فرانسه باشد.

۳۰

فردی که همانند رب‌النوع‌های جهنمی هانیبال[۳]،
وحشت بشری را زنده خواهد ساخت:
چنان وحشتی که روزنامه‌ها هم قادر به افشای آن نخواهند بود
مصیبتی که از بابل[۴] متوجه رُمی‌ها خواهد شد.

ناپلئون اوّل، که نستراداموس او را مسئول نبردهای مخرب می‌شناسد که اروپا را به خاک و خون کشاند.

۳۱

رودخانه کاسیلن[۵] درکامپانی[۶] در چنان وضعیتی خواهد افتاد،

---

۱. Diane
۲. Apennins
۳. Annibal
۴. Babel
۵. Cassilin
۶. Campanie

که جز آب در کشتزارها دیده نخواهد شد:
سپس پس از آن و باران به مدّت طولانی،
به جز درختان هیچ سبزینه‌ای در آن حوالی دیده نخواهد شد.
نبرد طولانی طی سالهای (۱۹۴۳ - ۱۹۴۴) در منطقه ناپل.

۳۲

در دالماسی افراد بی‌مذهب، بدون وزغ ها مشایعت میشوند،
جنگ اعلام می‌شود، طاعون در حوالی بالِن[۱]:
در تمام اسلاونیا[۲] تضرع و فریادهای بسیاری بلند خواهد شد،
از آن پس هیولائی در اطراف و در میان راونا[۳] زاده خواهد شد.
پیروزی ناپلئون اوّل در مدیترانه (ایتالیا ـ دالماسی).

۳۳

به سبب سیلی که در ورونا[۴] جاری شده،
باین وسیله ورودش را به پو[۵] راهنمایی خواهد کرد:
ویرانی عظیم که همانندش درگارون[۶] دیده نشده است،
آنگاه مردم جنوا[۷] به قراردادهای خود عمل خواهند کرد.
ایتالیای شمالی توسط فرانسوی‌ها اشغال شد (در حکومت‌های دیرکتوار و کنسولی).

۳۴

گیج و مدهوش از مبارزه‌ای شدید،
برسر میز مذاکره توسط برادران سلاح‌ها بدرخشش در می‌آیند:
آنها را مجروح، شگفت‌زده، پراکنده می‌کنند،

---

۱. Balennes ۲. Esclovonie ۳. Ravenne ۴. Veronne
۵. Pau ۶. Caronne ۷. Gennes

دوئل مغرورانه‌ای که برای فرانسه آسیب به بار می‌آورد.
جنگ‌های مذهبی.

۳۵

شبانه دو خانه به آتش کشیده خواهد شد،
تعداد کثیری در آن دچار خفگی شده و یا خواهند سوخت:
در نزدیکی دو شط برای یک نفر این واقعه اتفاق خواهد افتاد:
خورشید، کمان، و جدی رو به نابودی خواهند گذارد.
تهاجم و آتش‌سوزی در کاخ تویلری (۱۰ اوت ۱۷۹۲).

۳۶

اسنادی از پیام‌آور بزرگ ربوده خواهد شد،
به دست دیکتاتوری خواهد افتاد،
پادشاه را فریب داده و اداره امور را به دست خواهد گرفت،
امّا بزودی اختلاس او را تباه خواهد کرد.
از چه خائنی نسبت به فرمانروایش صحبت می‌باشد؟ (پادشاه را فریب داده).

۳۷

از گروه کثیری که فرستاده خواهد شد،
جهت تقویت به دژی محاصره شده،
طاعون و قحطی همه را از پا در خواهد آورد،
به جز هفتاد نفر که شاید به اسارت درآیند.
دنیای جهنمی دژ وردن (۱۹۱۷).

۳۸

محکومین تعداد بی‌شماری را گرد خواهند آورد،

در آن هنگام که پادشاهان با یکدیگر به توافق رسند.
امّا یکی از طرفین به وضعیت بدی دچار خواهد شد،
که به جنگ هم پرداخته، ابداً نمی‌توانند بایکدیگر متّحد بمانند.

این رباعی به از هم پاشیدگی اتحادی اشاره دارد، شاید مربوط به جنگ‌های هفت ساله باشد تحت فرمانروائی لوئی پانزدهم - یا نیز ممکنست از هم پاشیدگی «اتحاد سه گانه» در پایان قرن نوزدهم باشد.

۳۹

یک سال پس از جنگ ایتالیا،
اهالی آلمان، فرانسه، اسپانیا با جبهه قوی و همداستان هستند،
پله‌های مکتب جمهوری را گرامی می‌دارند،
همانگونه که انتظار می‌رود، شماری از اختناق جان می‌سپارند.

سقوط جمهوری ناپلئون اوّل "کودتای ۱۸ برومر".

٤٠

زمانی کوتاه، پس از یک توقف نه بسی طولانی،
از زمین و دریا بزرگترین غوغا و بلوا بر پا خواهد شد.
نبرد دریایی از همیشه سنگین‌تر خواهد بود،
براثر آتش‌سوزی، حیوانات آسیب زیادی را متحمّل می‌شوند.

جنگ جهانی اوّل.

٤۱

ستاره عظیمی به مدّت هفت روز شعله‌ور خواهد شد،
ابرهای غلیظ گرد آمده و دور خورشید نمایان می‌شود،
سگ نگهبان در طول شب زوزه خواهد کشید،
در آن هنگام که پاپ اعظم قلمروش را تغییر خواهد داد.

می‌تواند به پاپ پی ششم یا پی هفتم مربوط باشد (این دو اسقف بزرگ

بدست فرانسوی‌ها به تبعید فرستاده شده‌اند): یا کسی کـه در آیـنده تبعید خواهد شد، مقام اسقفی که مجبور است رُم را ترک کند، در آن هنگام حوادث مرموزی که نستراداموس اعلام‌می‌داردبوقوع‌می‌پیوندد.

۴۲

خروس‌ها، سگ‌ها، گربه‌ها، همه در خون غوطه‌ور می‌شوند،
و در سرزمینی که دیکتاتور دارد مرگ می‌بارد،
در بستر دیگری خود را می‌یابد پاها و بازوان شکسته شده،
مردی که ترس را نمی‌شناخت از مرگ سهمناکی جان می‌سپارد.

شاید به‌گورهای دسته جمعی بعد از جنگ‌های خونین دوران ناپلئون مربوط باشد.

۴۳

در طول مدتی که ستاره زلف دار آشکار می‌گردد،
سه شاهزاده والامقام به دشمنی با یکدیگر بر خواهند خاست:
از فراز آسمان آرام زمین لرزان،
پو، تمبر به خروش آمده، مار به ساحل انداخته می‌شود.

ظهور یک ستاره دنباله‌دار (ستاره زلف‌دار) نشانه شروع جنگی بـزرگ خواهد بود.

۴۴

عقابی پیرامون جایگاه هدایت می‌شود،
از سوی پرندگان که اطراف خیمه می‌باشند شکار خواهد شد:
آنگاه که صدای بوق شیپورهای ناهماهنگ شنیده شود،
به بانوی دیوانه عقل بخشوده خواهد شد.

برکناری و سقوط ناپلئون. نیم بیت آخر می‌تواند به بیوفائی ملکه ماری لوئیز مربوط باشد.

۴۵

آسمان از خلقت آندروکس بیش از حد خواهد گریست،
خون بشری در نزدیکی آسمان پاشیده میشود:
با مرگی بیش از حد دیر ملتی بزرگ از نو جان مییابد،
دیر یا زود کمک مورد انتظار میرسد.

بیت اوّل بدون شک به علم کیمیاگری مربوط است (اندروکس کیمیاگری)، ولی این رباعی به یک جنگ خونین مربوط است، (جنگ جهانی اوّل که با تشکیل مجدد کشور لهستان بپایان رسید).

۴۶

پس از آنکه نژادهای بشریت از وضعیت طبیعیخود خارج شد،
گرداننده بزرگ قرنها را احیا میکند:
باران، خون، کفر، قحطی، شمشیر، و طاعون،
در آسمان آتشی شهابوار، با جرقه طویل دیده خواهد شد.

«تقسیمات طایفهای عظیم» که با ظهور نشانههای مرموز اعلام شده است.

۴۷

توسط دشمن مرد سالخورده بزرگ با زهر با درد جان میسپارد،
پادشاهان بزرگ با نیروهای بیکران بر اوضاع مسلط میشوند:
سنگها باران وار میبارند، در زیر آن گنج نفیس پنهان میشود.
با مرگ است که مقالات پوچ ارائه میشود.

آیا مسمومیت یک رهبر بزرگ حکومتی نیست؟

۴۸

ارتش بزرگ که از کوهها گذر خواهد کرد،
زحل در قوس در حال چرخش، حوت بسمت مریخ میرود:

زهرها در زیر سر ماهی‌ها مخفی می‌شوند،
فرمانده آنها توسط یک ریسمان حلق آویز می‌شود.

نیم بیت آخر موسلینی که جسدش، به دست شورش‌های ایتالیایی به دار آویخته و که از پیش توسط آنها تیر باران شده بود.

۴۹

مشاوران در اولین مرحله انحصار طلبی،
وکشورگشایان مجذوب ملیت[۱] می‌شوند:
به خاطر وضعیت خاص ردز،[۲] ترکیه[۳]،
تعاقب‌کنندگان گریزان به زمین نیاز خواهند یافت.

امپراطوری ترک در سال ۱۹۱۸ میلادی به دو قسمت قسطنطنیه (بیزانس) و رودز تجزیه می‌شود. خط سوّم شعر اشغال بدست متفقین.

۵۰

در آن هنگام که ساکنان هنولت،[۴] گاند، بروکسل،
در لانگر[5] با محاصره روبرو خواهند شد،
در پشت جناح‌هایشان جنگ وحشیانه‌ای در خواهد گرفت،
سرزمین باستانی توسط دشمن تصخیر خواهد شد.

حمله نیروهای آلمان به بلژیک، سپس به فرانسه (ماه مه ۱۹۴۰).

۵۱

در لندن در مورد خون عدالت قصور کرده خواهد شد،
با آذرخش بیست و سه آن شش تا می‌سوزند،
بانوی باستانی مقام والای را گرامی خواهد داشت،
از هم فرقه‌ها بسیاری کشته خواهند شد.

---

۱. Melite ۲. Rodes ۳. Bisance ۴. Hainault ۵. Langres

ابتدای قرن ۱۷: در پی «توطئه مواد محترقه» (علیه ژاک اوّل پادشاه انگلستان)، اقدامات شدید کلیسای کاتولیک (بانوی باستان، یعنی رُم) در بریتانیای کبیر.

۵۲

شب‌های پیاپی زمین لرزه پدید خواهد آمد،
در طول بهار دو اقدام پی‌درپی انجام خواهد گرفت،
کُرنت،[1] افز[2] در دو دریا شناور خواهند شد،
جنگ بین دو ژوئیت[3] شجاع جریان خواهد یافت.

تصرف یونان توسط نیروی ارتش آلمان (در جنگ جهانی دوّم).

۵۳

طاعونی هولناک در شهر دریایی،
خاتمه نخواهد یافت تا وقتی که انتقام کشته‌اش را نگیرد
قصاص خونی که ملعون را بی‌جنایت گرفتار می‌سازد،
با تظاهر به رعایت ادب برای آنکه به بانوی بزرگ توهین نشود.

نیم بیت اوّل شاید به شیوع طاعون هولناکی مربوط باشد که در قرن ۱۸ در شهر مارسی شیوع پیدا کرد.

۵۴

از سوی مردمان خارجی توسط رُمی‌های دوردست،
شهر بزرگشان بر اثر آب به شدّت آسیب خواهد دید
دختری که حوزه اقتدارش ابداً متفاوت نخواهد بود،
فرمانروای در بند، نعلبند هنوز آزاد نشده است.

اشغال رُم توسط نیروی نظامی فرانسه در زمان بناپارت.

---

۱. Corinthe ۲. Ephese ۳. Iuite

۵۵

در یک نبرد، بزرگ مردی که شخصیت ارزنده‌ای ندارد،
در آخر کار سبب کنش شگفت‌آوری خواهد شد،
در زمانی که هادری آن چه را بایستی بداند درخواهد یافت،
ضمن ضیافتی غرور آفرین ضربه‌ای وارد خواهد ساخت.

جنگ‌های سال‌های ۱۸۷۰ الی ۱۸۷۱: شکست ناپلئون سوم (به قول هوگو «ناپلئون کوچک»)، احیای امپراطوری آلمان؟

۵۶

طاعون و تیغ بزّان نخواهد توانست او را از میدان بدر کنند،
بر فرازکوه از ضربه آسمان جان خواهد سپرد:
آبه[1] با آگاه شدن از ورشکستگی خواهد مرد،
مغروقین می‌خواهند از مهلکه بهره گیرند.

این آبه چه کسی است؟ شناسائی شخصیت مورد نظر غیر ممکن است.

۵۷

دیوار بزرگ پیش از درگیری فرو خواهد ریخت:
بزرگی که به مرگ سپرده شد، مرگی بیش از حد سریع و اسفبار،
آنکه ناکامل زاده شده، در اداره بخش بزرگ غوطه‌ور خواهد شد،
نزدیک شط از خون خاک رنگین خواهد شد.

قتل یک شخصیت مهّم است که نشانهٔ بروز جنگ مرموز آینده است. امّا شاید بتوان آن را به قتل آرشی دوک فرانسوا فردینان اطریش در سارایوو (ژوئن ۱۹۱۴) مربوط دانست؟

---

۱. Abbe

۵۸

بدون پا و دست و دندانِ محکم و بران،
در حباب در یک دژ بندری پسر بزرگتر زاده می‌شود،
بطور غیرقانونی به نزدیک دروازه حمل خواهد شد،
در سکوت می‌درخشد، کوچک و بزرگ را با خود می‌برد.

هنگام فرار، لوئی شانزدهم در وارن توقیف می‌شود و به رسوائی به پاریس برده می‌شود.

۵۹

کشتی‌های فرانسوی تحت حمایت نگهبانان توانا،
نپتون بزرگ بر ناربون و سه گردان از سربازانش،
جهت حفاظت گروه عظیم در شهر پروانس فراهم می‌شود،
مارس دیگر بر ناربون با نیزه و زوربین حاکم نیست.

پیاده شدن متفقین در پروانس (اوت ۱۹۴۴).

۶۰

پیمان کارتاژ در خاور زمین گسسته می‌شود،
ژود[۱] بزرگ و روزن و لوار[۲] و تارکوس[۳] تغییر خواهند یافت
در آن هنگام که گرسنگی را با نوعی ماهی رفع می‌کنند،
کشتی خرد شده، اجساد در خون شناور خواهند شد.

مسأله‌ای مربوط به خاور زمین، تجزیه امپراطوری عثمان به نفع ابرقدرت‌های غربی.

۶۱

اوژ،[۴] تامن،[۵] ژیرند،[۶] و روشل[۷]،

---

۱. Jud ۲. Loyre ۳. Tag ۴. Euge ۵. Tamins
۶. Girande ۷. Rochelle

اوه کسی که خون تروائی[۱] دارد با پیکانی در بندر کشته می‌شود،
پشت شط نردبانی برای مرد قوی گذاشته می‌شود،
با به آتش بستن تمام نقاط کشتار بزرگی صورت می‌گیرد:

جنگ به فرماندهی ریشیلیو علیه پروتستانها در جنوب غربی فرانسه (محاصره ناحیه روشل).

۶۲

بزودی خواهد مرد آنگاه مابوس[۲] خواهد آمد،
که مردمان و حیوانات به نحو وحشتناکی مسخ خواهند شد،
سپس بطور ناگهانی انتقام دیده خواهد شد،
آنگاه که ستاره دنباله‌دار گذر کند صدها نفر، تشنه، گرسنه.

اشغال و سپس آزادی سرزمین فرانسه طی دوران جنگ جهانی دوّم.

۶۳

فرانسه بسیار کم آزون[۳] را مطیع خواهد ساخت،
پان،[۴] مارن،[۵] سن،[۶] پیرم،[۷] را متحد خود خواهد ساخت،
کسی که دیوار بزرگی را در برابرشان بر پا خواهد ساخت،
بسبب دیوار کوچکتر است که بزرگ مرد زندگانی از کف می‌دهد.

فرانسه با امید پوچی به حمایت از خط ماژینو پرداخت.

۶۴

گرسنگی، تشنگی مردم جنوا بسیار شدید است،
امید به آینده مورد نظر با شکست مواجه می‌شد،
در اوج سرشکستگی قانون ژبنواز[۸] حاکم خواهد شد،
کشتی‌ها نخواهند توانست به بندر بزرگ برسند.

---

۱. Troyen ۲. Mabus ۳. Asone ۴. Pan ۵. Marne
۶. Sein ۷. Perme ۸. Gebenoise

فسخ پیمان نانت، تصمیماتِ سیستماتیک ضد اصلاحات است (مردم ژنواز)، که بسیاری را از کشور تبعید خواهند کرد.

۶۵

در شکارگاهی فاجعه ای بزرگ روی می‌دهد،
به سبب هسپری[۱] و اینسوبر[۲] کنش انجام خواهد گرفت،
آتش سوزی در کشتی با طاعون و اسارت،
ستاره جدی در قوس ستاره زحل آشکار خواهد شد.

جنگ داخلی در اسپانیا در سالهای ۱۹۳۶ الی ۱۹۳۹ میلادی (هسپری بدون شک اسپانیاست).

۶۶

اسراء از خطرات بزرگی جان سالم بدر می‌برند،
در زمانی کوتاه مرد بزرگ سرنوشتش عوض خواهد شد:
مردم در داخل قصر به دام می‌افتند،
از خوش اقبالی شهر به محاصره درمی‌آید.

فرار موسلینی فقط به معنای موفقیتی گذرا بوده است.

۶۷

یک موطلائی با دماغی عقابی شکل، برای مبارزه خواهد آمد.
او را در دوئل از میدان بیرون خواهد کرد،
از تبعیدیان در آنجا حمایت خواهد شد،
در مناطق دریایی به شدیدترین عملیات دست می‌زنند.

استقرار مجدد انگلستان در سال ۱۶۶۰، با بازگشت تبعید شدگان؟

---

۱. Hesperie ۲. Insubre

۶۸

از جانب شمال کوشش‌های عظیمی صورت خواهد گرفت،
به اقیانوس راه گشوده خواهد شد:
مخارج سالانه اداره جزایر سنگین خواهد بود،
لندن بلرزه در آمده، بدست نیروی دریائی انجام شده.

وضع لندن در بمبارانهایی که توسط آلمان (۱۹۴۰) صورت گرفت، هجوم بریتانیای کبیر در طول جنگ جهانی سوّم.

۶۹

پادشاه فرانسه به دلیل تردستی سلتیک[۱]،
شاهد زیر و زبر شدن امپراطوری عظیم است،
عصای نشان سلطنتی‌اش را از سه طرف شکوفا خواهد کرد،
علیه بزرگترین فرمانروای سلسله سلطنتی.

لوئی ۱۶ مجبور به پذیرش پرچم سه رنگ شد.

۷۰

زوبینی در پهنه آسمان می‌گذرد،
گفت وگو کنان در قتل عامی فجیع جان می‌سپارند،
از شدّت ملامت مردم مغرور به ستوه می‌آیند،
ضجه‌های بشری هیولائی که با توبه رستگار خواهد شد.

سلاح هوائی وحشت‌آوری، که شاید استفاده از اشعه لیزر باشد (زوبینی در آسمان).

۷۱

اسیران از سیسیل خواهند آمد،

۱. Celtique

تا مردم گرسنه را از چنگال گرسنگی برهانند،
در طلیعه صبحگاهی سلت‌ها آنان را شکست خواهند داد،
زندگانی به‌روال خود باز می‌گردد پادشاه برقدرت خود می‌ماند.

لشکرکشی دریائی آمریکا در سیسیل. پیروزی ویکتور ـ امانوئل سوّم پیمان متارکه جنگ (۱۹۴۳).

۷۲

ارتش سلتیک ایتالیا را به خشم می‌آورد،
در کلیه جبهه ها نبرد در می‌گیرد با تلفات عظیم،
رُمی‌ها می‌گریزند، وای بر فرانسه که آنگونه لگدکوب می‌شود،
حمله به روبیگون[۱]، در حوالی تیسن[۲] قطعی نیست.

نیروی فرانسه مجبور می‌شود در سال ۱۸۱۴ از ایتالیا خارج شود.

۷۳

در سواحل دریاچه فوسن[۳] و دریاچه بناک[۴]،
دریاچه لمان در بندر اوزگوئین[۵] پس گرفته می‌شود،
زاده شده با سه بازو، تصویر نبرد را پیشگوئی خواهد کرد،
با سه تاج سلطنت در اندیمیون[۶] بزرگ را می‌یابد.

اتحاد نظامی سه «ابر قدرت».

۷٤

از سانسن، اوتون، تا نزدیکی رزن پیشروی خواهند کرد،
بر آن سوی کوه‌های پیرنه گذر می‌کنند:
مردم از علامت انکن[۷] بیرون آمده،
از زمین و دریا با دنباله‌های بسیار راه خود را ادامه می‌دهند.

---

۱. Rubicon ۲. Thesin ۳. Fucin ۴. Benac ۵. Orguion
۶. Endymion ۷. Anconne

۱۹۴۲: نظامیان آلمان از حد مجاز تجاوز کرده و سراسر جنوب فرانسه را آشغال می‌کنند.

۷۵

صدای پرنده‌ای ناخواسته شنیده می‌شود،
از لوله‌ای که از آن در یک طبقه هوا داخل و خارج می‌شود
تنبوشه‌ای پر از مواد تخمیر شده از بلندی فرود خواهد آمد،
که آدمیان همدیگر را خواهند بلعید.

بمباران‌هائی که به ویرانی منتهی می‌شوند، بازماندگان دستخوش قحطی می‌شوند.

۷۶

صاعقه در بورگونی رویدادی جالب و شنیدنی ایجاد می‌کند.
کاری که حتی سلاح قادر به انجامش نیست،
از سوی شورای کلیساها کشیش لَنگی خواهد داشت
اسرار را به دشمنان اطلاع خواهند داد.

ناحیه بورگونی (شبکه راه‌آهن در شهر دیژن) توسط آمریکائی‌ها بمباران شده است.

۷۷

با قوسهای آتشین و قیرآندود، با آتش گلوله رانده خواهند شد،
در نیمه شب صدای فریاد و ناله‌ها شنیده می‌شود:
در داخل آن وسیله‌های دفاعی شکسته گذاشته می‌شود،
با گرمای زیاد خائنین دنبال خواهند شد.

کشتار جمعی حاصل، دو جنگ جهانی، با استفاده از سلاح های سنگین و آتشین جدید.

۷۸

نپتون بزرگ از اعماق دریا سر بیرون خواهد آورد،
مردمانی که خونی آمیخته از کارتاژها و فرانسوی دارند:
جزیره‌ها به دلیل کندی حرکت کشتی‌ها در خون غوطه‌ور است،
آسیب بیشتری وارد که آفات مجهولات مخفی نگاه داشته شود.

فرانسه بیهوده در اختلاط نژادی کامل می‌کوشد (از نقطه نظر نژادی) با الجزایر که فتح شده. نقطه پایان امیدی بزرگ پس از جنگی طولانی و خونین است.

۷۹

مرد سیاه و ریش اطلسی توسط سلاح،
مردمان وحشی و خود خواه را مطیع می‌کند:
چیرن بزرگ از لانژن[1] حذف خواهد شد،
تمامی اسیران زیر پرچم سلین در خواهند آمد.

متصرفات عظیمی که بدست هیتلر انجام شد تا آنجا که تقدیر با تجهیزات زرهی آلمان روی موافق داشت. (سلاح بی‌شک اشاره به تانک است).

۸۰

به سخنگو از پس نبرد سوء قصد می‌شود،
در اندک زمانی دسیسه چینی متوقف می‌شود:
آزادی بزرگان را به هیچ وجه و عنوان نمی‌پذیرند،
در این باب با دشمنان از در مذاکره وارد می‌شوند.

بخوبی می‌توان به پایان جنگ جهانی اوّل یا به جنگ جهانی دوّم مربوط دانست: مدّت زمان بسیار کوتاه دوران آرامش واقعی.

---

۱. Lungin

۸۱

با آتش آسمانی شهر تقریباً خواهد سوخت،
خاکستر مردگان دوکالیون[۱] را تهدید خواهد کرد،
توپهای کارتاژی ساردنی[۲] را به دردسر خواهد انداخت،
پس از آن که برج میزان قانون را از شکل اصلی خود خارج کرد.

فتح و تسخیر سخت و آنچنان شدید کشورهای متحد (۱۹۴۳ - ۱۹۴۴).

۸۲

از فرط گرسنگی گرگ زندانی شکار خواهد شد،
سپس مهاجمین به بدبختی بزرگی دچار می‌آیند،
مرد آخر در پیشاپیش زاده خواهد شد،
مرد عالیمقام نمی‌تواند از میانه مطبوعات گذر کند.

هیتلر در مقر خود تحت محاصره ارتش سرخ قرار گرفت. نیم بیت آخر شعر ظاهراً اشاره به فرار فوهرر است.

۸۳

از مراوده سنگین لیون بزرگ تغییر یافته،
اکثریت به ورشگستکی زودرسی دچار می‌شوند،
سربازها در فصل و موسم انگور چینی به غارت می‌پردازند:
کوه‌های ژورا[۳] و سواو[۴] از بارانی ریز آکنده می‌شود.

شهر لیون به دلیل شورش بیرحمانه مجازات می‌شود، با گستاخی و تبعید: فرمان صادر شده، ولی خوشبختانه قسمتی از آن اجرا خواهد شد، تخریب کامل (محله‌های اعیان نشین).

---

۱. Deucalion ۲. Sardaigne ۳. Iura ۴. Sueve

۸٤

در نواحی کامپانیا[۱]، سی‌نیا،[۲] فلورا،[۳] توستی[۴]،
شش ماه و نه روز حتی یک قطره باران نخواهد بارید.
نیروی بیگانه در سرزمین دالماسی،
خواهد تاخت، سراسر سرزمین را به خاک خواهد نشاند.

خشک‌سالی طولانی در ایتالیا. شاید دالماسی از تلاطم دریا ویران شود؟

۸۵

ناگهان مرد مسن، ریش هموار قوانین سختی وضع می‌کند،
عقاب سلتیک بر فراز لیون قرار می‌گیرد،
کوچک کبیر از طرف دیگر فراتر از حد ثبات پیدا می‌کند،
صدای اسلحه در آسمان لیگوستیک[۵] دریا را می‌شکافد.

ناپلئون سوّم (کوچک کبیر) مجذوب سیاست نظامی خطرناک و پرهزینه‌ای می‌شود.

۸۶

در حوالی دریای آدریاتیک بر اثر طوفان کشتی غرق می‌شود،
زمین بلرزه در آمده، بسوی آسمان پرتاب ودو باره فرو می‌ریزد،
در مصر جنبش پیروان محمد افزایش می‌یابد،
پیکی فرستاده می‌شود تا خبر را اعلان کند.

طوفان دریائی، زمین لرزه در مصر برپایه قدرت اسلام صورت می‌گیرد.

۸۷

پس از آن از دورترین ممالک خواهد آمد،

---

۱. Campaigne ۲. Sienne ۳. Flora ۴. Tustie
۵. Lygustique

شاهزاده آلمانی، با تکیه بر تخت طلائی:
خدمتگزار و آب‌ها را ملاقات خواهد کرد،
زن خادم عصر او، دیگر مورد پرستش نیست.

به دنبال شکست‌های فرانسه در (۱۸۷۰ - ۱۸۷۱)، پادشاه پروس به نام امپراطور آلمان مراسم تاجگذاری خود را در قصر آئینه ورسای برگزار می‌کند.

۸۸

در جریان حرکت بزرگ و ویرانگر،
نام هفتم به نام پنجم تبدیل خواهد شد:
بیش از یک سوّم از جنگجویان خارجی،
به موتن،[1] لوتس،[2] اکس[3] تضمینی داده نخواهد شد.

ناپلئون اوّل (جنگجوی خارجی، یا «خارجی جنگجو» - در دوران نستراداموس جزیره کرس به فرانسه تعلق نداشت) علیرغم جنگهای پیاپی قادر نبود متصرفاتش را حفظ کند.

۸۹

آن روزی که قدرت دو رهبر بزرگ نصف دیده خواهد شد،
قدرتشان رو به افزایش دیده خواهد شد:
سرزمین نو در اوج قدرت خود خواهد بود،
برای مرد خون‌آشام شماره تکرار خواهد شد.

اتحاد یالتا (۱۹۴۵) که بوسیله آن‌ها ایالات متّحد امریکا و اتّحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را برسمیت شناختند.

---

۱. Mouton ۲. Lutece ۳. Aix

۹۰

با مرگ و زندگی است که حکومت هنگری عوض خواهد شد
قانونی دشوارتر از قانون بردگی خواهد داشت:
از دل شهرهای بزرگ ضجه و شیون بپا می‌خیزد،
کاستور[۱] و پولوکس[۲] در میدان به دشمنی بر خواهند خاست.

پیروزی رژیم کمونیستی در مجارستان. شورش سال ۱۹۵۶.

۹۱

سحرگاهان در آسمان آتش شدیدی دیده خواهد شد،
صدا و روشنائی در امتداد شمال ادامه خواهد داشت.
در اندرون حلقه مرگ، فریادهایی است که شنیده می‌شود،
با سلاح آتشین، گرسنگی و مرگ در انتظارشان است.

اثرات دهشتناک بمب اتمی که در هیروشیما (۱۹۴۵) انداخته شده.
استفاده از اسلحه‌های اتمی در دوران جنگ جهانی سوّم؟

۹۲

ریسمانی از آتش طلائی از آسمان تا زمین دیده خواهد شد،
از بلندا سقوط کرده، کنش‌های شگفت‌انگیزی انجام می‌دهد:
کشتار بزرگ انسانی: برادرزاده بزرگ گرفته می‌شود،
مردگان نمایشی مغرورانه راه‌گریز پیدا می‌کنند.

رباعی دیگری که اولین بمب اتمی را شرح می‌دهد.

۹۳

کاملاً در نزدیکی تمبر،[۳] لی‌بیتن[۴] در فشار گذاشته می‌شود،
اندکی قبل از طغیان بزرگ:

---

۱. Castor ۲. Pollux ۳. Tymbre ۴. Lybitine

رهبر کشتی گرفتار شده، به سیاه‌چال کشتی انداخته می‌شود،
قصر وکاخ در آتش فرو می‌رود.

کودتا در یک مملکت مسلمان افریقائی: برکناری ملک فاروق به دست افسران جوان ملی‌گرا.

۹۴

پوی کبیر، برای فرانسه بدبختی بزرگی به ارمغان می‌آورد.
وحشتی واهی برای نیروی دریایی لیون پدید می‌آید:
عده کثیری از دریا گذر خواهند کرد،
که بی هیچ شکی یک چهارم یک میلیون است.

پیاده شدن نیروی متفقین در ۶ ژوئن ۱۹۴۴.

۹۵

اماکن مسکونی خالی از سکنه خواهد شد،
از بابت مزارع بزرگترین تجربه انجام می‌پذیرد:
حکومت به افراد نالایق محتاط واگذار می‌شود،
آنگاه که برادران بزرگ به مرگ سپرده می‌شود و مغرقه.

در این اشعار رباعی‌های رمزی از این نوع فراوان است.

۹۶

شب هنگام مشعلی فروزان در آسمان دیده خواهد شد،
نزدیک به انتها اصل و اساس روزن،
قحطی، جنگ، کمک مورد انتظار دیر می‌رسد،
ایران تغییر موضع داده و مقدونیه را به محاصره در می‌آورد.

ظاهراً رباعی بسیار نامفهوم است. امّا بدون تردید مربوط به جنگ جهانی دوّم است: حملهٔ هوائی شدید؛ نقش مناطق سوق‌الجیشی متقابل در درهٔ رون، ایران، و ترکیه.

۹۷

کشیش والامقام زُمی خود داری می‌کند که به تو نزدیک شود.
در یک شهر که دو شط آن را آبیاری می‌کند،
در نزدیکی آنجا خونت فوران می‌کند،
تو و بستگانت در آن هنگام که گل رز خواهد شکفت.

قتل پاپ اگر او بی احتیاطی کرد و از «یک شهر که دو شط آن را آبیاری می‌کند» بازدید به عمل آورد (در فرانسه می‌تواند شهر لیون باشد، امّا دو یا سه شهر احتمالاً در دنیا وجود دارد که می‌توانید حالت فوق را دارا باشند).

۹۸

آن مرد که صورتش از خون علامت دار گشته،
قربانی‌ای است که در آینده فدا می‌شود،
در لئو[1] گرفته می‌شود، سرنوشت او پیشگوئی شده است،
امّا به مرگ محکوم می‌شود به خاطر یک پیمان.

قتل پاپ؟

۹۹

سرزمین رومان که غیب‌گویان تفسیر کرده‌اند،
از سوی فرانسوی‌ها بشدّت دچار رنجش و تأسف خواهد شد:
امّا ملّت سلت در آن زمان به وحشت دچار خواهد شد،
باد شمالی، نیروی دریایی را آنچنان به دوردست خواهد راند.

اشغال سراسر خاک ایتالیا توسط کشور فرانسه در زمان انقلاب فرانسه، باد شمالی: آیا کنایه‌ای به کشور انگلستان نیست، که در آخر ناپلئون را شکست خواهد داد؟

---

۱. Leo

۱۰۰

در داخل جزایر هیاهوی وحشتناکی وجود دارد،
به زودی جز صدای توطئه جنگ را نخواهند شنید،
آن چنان سخنوران مورد توهین قرار خواهند گرفت،
که برای تنظیم کردن اتحادی بزرگ خواهند آمد.

شورش بزرگ ایرلندی‌ها بر ضد انگلیسی‌ها؟ شاید بتوان شعر را به شورش‌های خونین انگلیسی در تابستان سال ۱۹۸۰ مربوط دانست.

سده سوّم

۱

از پس ستیز و نبرد دریایی،
نپتون بزرگ در بلندترین برج خود جای می‌گیرد:
رقیب سرخ از وحشت رنگ پریده خواهد شد،
در حالی که اقیانوس پهناور را متوحش می‌سازد.

ظاهراً تفسیر این رباعی مشکل است: آیا عقب‌نشینی شوروی در سال ۱۹۶۱ (رقیب سرخ) نیست، زمانی‌که موضوع (خاک ریزهای) پرتاب موشکی به کوبا مطرح شد؟

۲

کلمه[۱] ملکوتی به جوهر ذات اساسی خواهد داد،
در برگیرنده آسمان و زمین، برای کافرین مرموز و در نهان است
جسم، نفس، روح دارای کمال توانائی است،
همه چیز زیر گام‌هایش همانند قلمرو سلیک[۲] است.

این رباعی معنای کنایه آمیز عرفانی دارد؛ یا اینکه به احیای مذهبی در فرانسه مربوط است.

۳

مریخ، عطارد، و نقره با یکدیگر قرین می‌شوند،

---

۱. Verbe ۲. Celique

در راستای جنوب خشکسالی به حد اعلی است:
در ژرفای آسیا خبر رخداد زمین لرزه‌ای عظیم خواهد آمد
آنگاه کورنت، افز[1] در تشویش‌اند.

خشکسالی شدید در سرزمینهای جنوبی. زلزله در آسیای مرکزی و در یونان.

٤

در آن هنگام که انحرافات ماههای قمری نزدیک شود،
از یکی تا آن دیگری فاصله زیادی نخواهد بود،
سرما، قحطی و خطر فراسوی مرزها،
تا اینکه هاتف غیبی آغاز به کار کند.

آیا راه‌اندازی دو جنگ جهانی (۱۹۱۴ و ۱۹۳۹) نیست؟

۵

تقارن طول خطای دو ستاره بزرگ،
که بین ماهای آوریل و مارس رخ خواهد داد:
وای چه گرانی: امّا از دو گروه نیکوکار والا
از زمین و دریا کمک‌ها از هر طرف آورده خواهد شد.

جنگ جهانی دوّم: که در ابتدا فرانسه و انگلستان شکست خوردند، امّا بعد از آن، از طرف آمریکا و سپس روسیه کمک‌هائی دریافت کردند.

۶

آذرخشی به یک معبد بسته وارد خواهد شد،
سکنه درون دژ سخت‌ترین اعتصابات را انجام می‌دهند:
اسب‌ها، گاوها، انسانها و امواج بدیوار آسیب می‌رساند

---

۱. Ephese

گرسنگی، تشنگی سبب ایجاد ضعیف‌ترین ارتش می‌شود.
بمباران‌های سنگین آمریکا در جنگ جهانی دوّم.

۷

فراریان، آتش از آسمان بر سر پیاده نظام.
جنگ آینده از سوی لاشخورهاست که در زد و خوردند،
از زمین فریادها بلند است، کمک بانجاتهای آسمانی فرا می‌رسد،
در آن هنگام که مبارزین نزدیک دیوارها خواهند بود.

فرانسه در ماه مه ۱۹۴۰: مورد تهاجم آلمان قرار گرفت، «هجرت اجتماعی آلمان».

۸

اهالی سیمبر[۱] با برخی از همسایگان خویش متّحد می‌شوند،
اسپانیا تقریباً خالی از سکنه خواهد شد:
توده مردم در نواحی گی‌ین[۲] و لیموزن[۳] گرد آمده،
هم پیمان شده، و به یارانشان می‌پیوندند.

طی جنگ داخلی اسپانیا، پشتیبانی شدید فرانکو توسط کشورهای ایتالیا و آلمان؛ حمایت فرانسه از جمهوری‌خواهان.

۹

بردو، روئن،[۴] و لاروشل[۵] بهم ملحق شده،
و گرداگرد دریای بزرگ و اقیانوس را در اختیار می‌گیرند،
انگلیسی‌ها، اهالی بِرتون و فلامان بهم ملحق شده‌اند،
آنان را تا ناحیه روئن عقب خواهند راند.

تسخیر مجدد غرب کشور فرانسه توسط ارتش متحدین (۱۹۴۴).

---

۱. Cimbres ۲. Guienne ۳. Limosins ۴. Rouan ۵. la Rochelle

۱۰

بر اثر خون و گرسنگی بزرگترین فاجعه،
هفت بار در ساحل دریا بروز می‌کند:
مونیخ بر اثر گرسنگی، تسخیر شده، به اسارت در می‌آید،
مرد بزرگ با چنگک در قفس آهنین برده شده.

موسلینی بدست مبارزین ایتالیائی دستگیر شد و که جسدش با چنگکی به دار آویخته می‌شود.

۱۱

طی فصلی طولانی سلاح‌ها در آسمان به نبرد با هم می‌پردازند،
آن درخت در میانه شهر فرود می‌آید،
شاخه مقدسی، قطع شده، اعلان جنگ به حکومت ظالم،
آنگاه سلطان بدست هادری از پا در می‌آید.

شدیدترین بمباران‌های هوائی شهر برلن، جائی که هیتلر درون زیر زمین دژ خودکشی می‌کند (بهار ۱۹۴۵).

۱۲

به سبب غده سرطانی در هب،[۱] پو، تاک،[۲] تمبر[۳] و رُم،
از راه دریاچه لمان و آرتن[۴] خواهد آمد:
دو رهبر بزرگ و شهرهای گارون[۵]،
اسیر گشته، غرق شده. انسان‌ها به بردگی در می‌آیند.

می‌توان به کشورگشائی‌های ناپلئون اوّل مربوط باشد، که ارتش او کشورهای ایتالیا، سویس و اسپانیا را تسخیر کرد.

---

۱. Heb ۲. Tag ۳. Timbre ۴. Aretin ۵. Garonne

۱۳

از آذرخشی که به‌معبد اصابت می‌کند طلاو نقره ذوب می‌شوند،
از دو اسیر یکی آن دیگری را خواهد خورد:
از شهری که دارای نهایت وسعت است،
در آن هنگام که کشتی در زیر آب حرکت خواهد کرد.

مبارزه اعراب ـ اسرائیل در اورشلیم شدت می‌یابد که در ژوئن ۱۹۶۷ توسط اسرائیل این شهر اشغال خواهد شد.

۱۴

به سبب شاخه از یک شخصیت ارزشمند،
فرانسه به ناتوانی کشیده می‌شود، به سبب یک پدر بی‌وفا:
افتخارات، ثروت‌ها، فعالیتش در دوران پیری است،
به خاطر این که با فرد مفید مشورت کرده است.

نقش سیاسی مهّم ژنرال دوگل، علیرغم اینکه مسن بوده است (جمهوری پنجم).

۱۵

محبت، قدرت، افتخار، حکومت تغییر خواهد کرد،
کلیه امتیازات رقیبش مخالف و متضاد با اوست:
به سبب مرگ است که فرانسه مطیع کودک خواهد شد،
نایب‌السلطنه بزرگ در این دوران مخالفش خواهد بود.

پس از حکومت لوئی چهاردهم، بطوریکه طی سالیان پایانی حکومتش فرانسه به تنهایی در برابر متحدین مخالف خود قرار گرفت، سپس دوران نایب‌السلطنه‌ای آغاز شد.

۱۶

یک شاهزاده انگلیسی که، مارس در قلب آسمانیش می‌طپد،

آرزومند است که در ایمنی سرنوشت را دنبال کند:
در یکی از دو دوئل رنجی بر او وارد خواهد شد،
امّا او سوگلی محبوب مادرش است.

تلاش بی‌ثمر مدعی استوارت برای به دست آوردن مجدد تاج وتخت بریتانیای کبیر علیه سلسله سلطنتی هانور (در قرن ۱۸).

۱۷

شب هنگام مون اوینیون[۱] در حال سوختن دیده خواهد شد،
ناگهان آسمان فلاتور تیره و تار می‌شود،
در آن هنگام که پادشاه برادرزاده‌اش را از خود براند،
مردان کلیسا رسوائی به بار خواهند آورد.

آتش‌سوزی در رُم؟ اختلافات در قلب کلیسای کاتولیک؟

۱۸

از پس باران شیری که بدرازا می‌کشد،
نقاط رمس[۲] از بلای آسمانی آسیب دیده است:
نزدیک آنان وای چه جنگ خونینی آماده می‌شود،
پدر و پسر پادشاهانی که یارای نزدیکی را نخواهند داشت.

در تابستان ۱۷۰۲: تهاجم به غرب فرانسه که مصادف با احتضار حکومت سلطنتی شد.

۱۹

در لوکا[۳] خون و شیر فرو خواهد بارید،
اندکی قبل از اینکه استاندار تغییر کند:
طاعون شدید، جنگ، گرسنگی و عطش را نظاره خواهند کرد،

---

۱. Mont aventine ۲. Rheims ۳. Lusques

در دوردست جایی که حکمرانشان جان خواهد سپرد.

تهاجم فرانسه به ایتالیا در دوران انقلاب کبیر و امپراطوری. آخرین قسمت بیت شاید به مرگ ناپلئون در جزیره دوردست اشاره داشته باشد.

۲۰

سرزمین کنارهٔ شط بزرگ به‌تیک[۱]،
دورتر از ژی‌بر[۲] در قلمرو گروناد:
توسط پیروان محمد صلیب کنار گذاشته خواهد شد،
مردی از کوردوبوا[۳] به قرار داد خیانت خواهد کرد.

نستراداموس استقلال ممالک مسلمان افریقای شمالی را پیش‌بینی می‌کند (بخصوص کشور الجزایر) مثل نوعی تلافی نوین «تسخیر مجدد» اسپانیا می‌باشد.

۲۱

درکروستافن[۴] از سوی دریای آدریاتیک،
ماهی وحشتناکی آشکار خواهد شد،
با چهره انسانی، و در پایان به صورت موجود دریایی،
که از قلاب رها خواهد شد.

آیا این ماهی وحشتناک، نوعی زیردریائی نیست؟

۲۲

مدّت شش روز دروازه‌های شهر مورد حمله واقع خواهد شد:
سقوط شدید پس از نبردی تلخ:
سهِ نفر تسلیم خواهند شد، و آنان مورد عفو قرار می‌گیرند،

---

۱. Bethique   ۲. Ibere   ۳. Cardube   ۴. Crustamin

بقیه در آتش و خون مثله خواهند شد.
محاصره و تسخیر خونین نهائی شهر برلن (آوریل و مه ۱۹۴۵) توسط ارتش سرخ.

۲۳

اگر فرانسه از دریای لیگوریا عبور کند،
تو خود را در محاصرهٔ جزایر و دریاها خواهی دید:
بر عکس پیروان محمد که به دریای آدریاتیک راه می‌یابند،
تو استخوان اسبان و خران را خواهی جوید.

نسترادا‌موس به فرانسه علیه اقدامات حادثه‌جویانهٔ مستعمراتش هشدار می‌دهد و بالاخص نواحی مسلمان‌نشین را در نظر دارد.

۲۴

پس از مبادرت به آشوبی عظیم.
نیروی انسانی و گنجینهٔ وافری به هدر خواهد رفت:
دیگر تو نباید در این برنامه اصرار ورزی،
به عقیده، من، فرانسه بکوش تا قابل تطبیق شوی.

نتایج اسفناک و فاجعه‌انگیزی که جنگ‌های ناپلئون برای کشور فرانسه در پی دارد.

۲۵

آنکه درکشور پادشاهی ناواروآ[۱] تازه به مقام خواهد رسید،
در آن هنگام که سیسیل و ناپل به هم ملحق خواهند شد:
بی‌گور، و لند از آن پس از طرف فواکس تسخیر خواهد شد،
با کسی که بیش از حد قدرتمند است اسپانیا پیمان می‌بندد.

---

۱. Navarrois

ناپلئون بعد از تسخیر ایتالیا، در جنگ بی‌پایان و ویرانگر اسپانیا درگیر شـد.

۲۶

پادشاهان و امیران رب‌النوع‌های خیالی را علم خواهند کرد،
رمال‌ها، و تهی‌مغزان به طور غیر واقعی به مقام والا می‌رسند:
و شاخ طلائی، و لاجوردی بصورت زننده‌ای قربانی می‌شود،
شارعین تفسیر خواهند کرد.

این رباعی شاید به اولین امپراطوری اشارت داشته باشد، که مایل بود در تمامی اروپا سلسله‌های فرمانروایی مختلف از خانواده ناپلئون نظیر (ژوزف بناپارت و مورا و غیره) را برپا کند.

۲۷

شاهزاده لیبیایی در غرب به قدرت خواهد رسید،
یک فرانسوی از عرب بشدت بر افروخته خواهد شد،
دانشمند ادیب مراعات خواهد کرد،
زبان عرب به فرانسه منتقل خواهد شد.

کودتا، در تری‌پولی، سرهنگ قذافی (۱۹۷۰). روابط نظامی و فرهنگی بین فرانسه و لیبی برقرار شد.

۲۸

بدون زمین و از تباری تهی دست،
آلوده به لجن و صلح از هر سو در امپراطوری نائل خواهد شد،
بانوی جوان زمانی دراز حکومت می‌کند،
هیچ کس هرگز چنین دوران حکومت بدی ندیده است.

کاترین دوّم امپراطریس روسیه.

۲۹

دو برادر در مکان‌های متفاوتی تغذیه می‌شوند:
ناوگان‌های منهدم شده، سرزمین اجدادشان سقوط می‌کند:
آنچنان بوسیله جنگ‌ها به مقام بالایی می‌رسند،
با انتقامی توهین آمیز، دشمن را شکست خواهند داد.

جنگ جهانی اوّل: جنگ‌های دریایی، نبردهای زمینی کین‌توزانه.

۳۰

کسی که در نبرد و اسلحه در عملیات جنگی
حامل امر مهم‌تری است که برایش در نظر گرفته شده است:
در شبی شش نفر از بستر او را می‌ربایند،
برهنه بدون زره ناگهان غافلگیر خواهد شد.

شکست نهائی ناپلئون اوّل، که دوبار (۱۸۱۴ سپس ۱۸۱۵) مجبور به استعفا شد.

۳۱

در میدان‌های ماد،[۱] عرب، و ارمنی[۲]
دو لشگر بزرگ سه بار بهم ملحق خواهند شد،
در نزدیکی سواحل رود ارس[۳] مسجد
سلیمان بزرگ به زمین خواهد افتاد.

سقوط امپراطوری عثمانی (۱۹۱۸).

۳۲

سوداگری بزرگ ملت آکی‌تن[۴]
به حوالی توسکانی نزدیک خواهد شد:

---

۱. Mede ۲. Armenie ۳. Araxes ۴. Aquitanique

در آن هنگام که مارس در نزدیکی کناره آلمان باشد،
در سرزمینی که اداره‌اش به دست مانتوان[۱] است.

استیلا بر ایتالیای شمالی به وسیله نیروهای فرانسوی در دوران انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری.

۳۳

در شهری که گرگ وارد خواهد شد،
در نزدیکی آنجا دشمنان تماماً خواهند بود:
لشگر خارجی کشور بزرگی را نابود خواهد کرد،
از دیوارها و از کوه آلپ متحدین عبور خواهند کرد.

عبور از سن برنارد بزرگ توسط ارتش ایتالیا، تحت فرماندهی بناپارت.

۳٤

در آن هنگام که نقصی در خورشید دیده شود،
در کاملیت روز هیولا دیده خواهد شد،
که به گونه‌ای خلاف واقع آن را تفسیر می‌کنند،
گرانی قابل کنترل نیست، هیچ چیز دیگر قابل پیش‌بینی نیست.

انفجار نخستین بمب اتمی؟[۲]

۳۵

در عمیق‌ترین بخش اروپای باختری،
از یک خانواده فقیر اصیل کودکی زاده خواهد شد،
که با سخنرانیش مردم بسیاری را مجذوب خواهد کرد،
اگر چه در شرق محبوبیت بیشتری کسب خواهد نمود.

خانواده ناپلئون بناپارت، با وجود عنوان اشرافی، درآمد نسبتاً

---

۱. Mantuane ۲. و یا مسأله لایۀ اوزون است که هم‌چنان در حال نازک شدن است

متوسطی داشتند.

۳۶

شخص دفن شده نمرده، سکته ناقص کرده است،
هنگامی که او را می‌یابند دست‌هایش خورده شده است،
در آن هنگام که شهر کفر محکوم به عذاب جهنمی خواهد شد،
که دارای آئین‌های خود بود، به پندار آنان را دگرگون کرده است

الغای پیمان نانت: پروتستان‌ها از صحنه کنار گذاشته شده‌اند.

۳۷

پیش از یورش مجالس وعظ بر پا می‌شود،
به سبب دام‌های ریاکارانه میلان از عقاب پس گرفته می‌شود،
دیوار قدیمی توسط توپ سوراخ می‌شود،
به سبب آتش و خون است که رحم و عاطفه کم می‌شود.

فتح شهر میلان بدست ارتش بناپارت.

۳۸

ملّت فرانسه و یک ملّت خارجی،
در آن سوی کوهها، اسیرشده، زندانی و به مرگ سپرده می‌شوند
امّا در دیگر ماه‌ها و نزدیک فصل انگورچینی،
با همکاری ارباب‌ها و توافق‌نامه امضاء می‌شود.

کشورگشائی‌های فرانسویان در زمان انقلاب کبیر و امپراطوری.

۳۹

هفت نفر به مدّت سه ماه در اتحاد بسر می‌برند،
برای مطیع کردن مردمان الپ و اپنین،
امّادر اثر طوفان و افراد ترسوی لیگور،

به سبب ویرانی ناگهانی اسیر خواهند شد.
فتح ایتالیای جنوبی و مرکزی توسط سپاهیان فرانسوی.

۴۰

نمایش بزرگ بر پا خواهد شد،
طاس‌ها انداخته شده و دام‌ها پهن می‌شوند،
نخستین نفر با صدای ناقوس مرگ به سختی خسته می‌شود،
بسبب درماندگی در زمانی طولانی است که قوس شکافته می‌شود.
سقوط جمهوری چهارم (۱۹۵۸).

۴۱

از سوی شورا مرد گوژپشت انتخاب خواهد شد،
کریه‌ترین موجود عجیب‌الخلقه که در زمین دیده شده است.
ضربه عمدی چشم را از حدقه در خواهد آورد،
پیش از این خائن خدمتگزار شاه محسوب می‌شده است.
این شخص گوژپشتی که به پادشاهش خیانت می‌کند کیست؟

۴۲

کودکی با دو دندان در گلو زاده خواهد شد،
در توسی[1] سنگ‌ها مثل باران خواهد بارید،
زمان کوتاهی از پس آن قحطی گندم و جو خواهد شد،
برای نجات کسانی که از گرسنگی در مانده شده‌اند.
آیا منظور از کلمه کودک انقلاب روسیه نیست؟ نیم بیت آخر شعر شاید قحطی وحشتناکی را توصیف می‌کند که در سال ۱۹۲۲ میلادی، پس از جنگ داخلی اتفاق افتاد، وکشور روسیه را به تباهی کشاند. و نیز از تولد

---

۱ Tuscie

ضد مسیح آینده خبر می‌دهد.

٤٣

مردمان پیرامون تارن،[۱] لوت،[۲] و گارون،
مواظب رانش کوه اپنین[۳] باشید،
مزارت در نزدیکی رُم و انگون[۴]،
مرد سیاه مو با پرچم سیاه پیروزی را به دست خواهد آورد.

فتح سراسر قسمت مرکزی ایتالیا توسط بناپارت.

٤٤

در آن هنگامی که انسان حیوان را رام کند،
از پس رنج و جهش‌های بسیار آغاز به سخن می‌کند:
صاعقه بر فلزات خالص تاثیر زیان بار خواهد گذاشت،
که باید از زمین گرفته شده و در هوا پخش شود.

بایستی اعتراف کنیم که از عهده تفسیر این رباعی بر نمی‌آئیم.

٤٥

پنج خارجی وارد معبد می‌شوند،
خون آن‌ها زمین را نجس خواهد کرد:
برای اهالی تولوزن[5] نمونه بسیار سختی خواهد بود،
از سوی کسی که قوانین او قتل عام کردن است.

شاید مربوط به اقدام افراد متعصبی باشد که درصدد برآمدند مسجد بزرگ مکه معظمه را اشغال کنند (۱۹۷۹).

---

۱. Tarn   ۲. Loth   ۳. Apennines   ۴. Anconne
۵. Tholousians

٤۶

آسمان شهر (پلانکوس) [۱] از پیش خبر می‌دهد،
با ستاره‌های نمایان و ستاره‌های ثابت،
که با دگرگونی ناگهانی‌اش به قرن بزرگ نزدیک می‌شویم،
نه در جهت نیک آن، و نه در جهت شیطانی آن،

صور نجومی که نزدیکی قرن نوینی را برای بشریت مشخص خواهد کرد.

٤۷

پادشاه سرزمین کهن از حکومت رانده می‌شود،
به خاور زمین خواهد رفت برای گرفتن کمک‌هائی در جنگ:
به سبب وحشت از صلیب‌ها پرچمش را جمع خواهد کرد،
از راه بندر و زمین، به میتیلن [۲] خواهد رفت.

تبعید شاه ایران، که بر اثر انقلاب اسلامی آیت‌الله خمینی رانده شد.

٤۸

هفتصد اسیر بیرحمانه زنجیر شده‌اند،
بر نیمی شدیدترین ضربات را وارد می‌کنند:
امیدی ناگهانی خیلی زود فرا خواهد رسید،
نه پیش از آنکه پانزده نفر جان خود را از دست می‌دهند.

ظهور هفتصد اسیر، که همگی را به زنجیر کشیده‌اند؛ در حال حاضر تشخیص آن دوران غیرممکن است.

٤۹

ای حکومت فرانسه تو کاملاً دگرگون خواهی شد،

---

۱. Plancus
۲. Mitylene

در مکان خارجی است که امپراطوری انتقال می‌یابد:
با آداب و قوانین دیگری برقرار خواهی شد،
ژآن،[۱] شارتر،[۲] مسائل بسیاری برایت ایجاد خواهند کرد.

انقلاب کبیر فرانسه: ازهم‌پاشی کامل قوانین و آداب حکومت قبلی. تولد جامعه‌ای نوین.

۵۰

جمهوری این کشور پهناور،
با دلی سخت ابداً مایل به توافق نخواهد بود،
پادشاه با شخص افشاگر از شهر خارج می‌شود،
نردبان بر دیوار است که شهر راه توبه را در پیش می‌گیرد.

شاید به اقدام بیهوده لوئی شانزدهم مربوط باشد، که با ملازمانی که تا شهر وارن همراهیش می‌کردند از پاریس گریخت.

۵۱

پاریس با دسیسه چینی قتل فجیعی را مرتکب می‌شود،
بلوا با کوشش تمام او را از این وضعیت خارج خواهد کرد:
مردمان اورلئان می‌خواهند رهبرشان را عوض کنند،
آنگر، تروی، لانگر، به آنان زیان می‌رسانند.

قتل عام سنت بارتلمی، بروز جنگ‌های مذهبی.

۵۲

در شهرستانی طی مدّت طولانی باران خواهد بارید،
و در پوئیل[۳] خشکسالی عظیمی رخ می‌دهد،
خروس عقاب را خواهد دید، بالی که خوب نشده،

---

۱. Roan ۲. Chartes ۳. Pquille

شیر قتل عام را صورت می‌دهد.
تسلط بناپارت بر کشور فرانسه: خروس عقاب را خواهد دید.

۵۳

در آن هنگام که بزرگترین جایزه را خواهند برد،
از نورنبرگ،[۱] اوسبورگ،[۲] و آنچه که به بال[۳] تعلق دارد.
به وسیله اگری‌پین[۴] رهبر فرانکفورت مجدداً گرفتار می‌شود،
از خلال فلامان عبور کرده تا به گال[۵] برسند.
ماه مه ۱۹۴۰: ارتش آلمان حین گذر از بلژیک (با عبور از ناحیه فلامان) به داخل فرانسه نفوذ می‌کند.

۵٤

یکی از بزرگ مردان به اسپانیا فرار خواهد کرد
پس از گذر از تمامی مملکت خونش خواهد ریخت،
لشکریان از کوه‌های بلند گذر خواهند کرد،
همه جا را ویران ساخته و سپس صلح حاکم خواهد شد.
ژنرال فرانکو، فاتح جنگ وحشتناک داخلی، براسپانیا تسط یافت (۱۹۳۶-۱۹۳۹)

۵۵

در سالی که یک چشم در فرانسه حکومت راند،
دربار دستخوش اغتشاش ناگواری خواهد شد،
مرد بزرگی از بلوا دوستش را بقتل می‌رساند،
حکومت به دردسر افتاده و در ناآرامی و شک فرو خواهد افتاد.
جنگ‌های مذهبی. قتل دوک دوگیز، در قصر بلوا.

---

۱. Nuremberg ۲. Ausbourg ۳. Basle ۴. Agrippine
۵. Gale

۵۶

مونتابان،[۱] نیم،[۲] آوینیون،[۳] و بزیه[۴]،
در آخر مارس طاعون، تگرگ، رعد فرا می‌رسد،
از پاریس پل‌هایی و از لیون دیواری و شهر مون‌پلیه،
از ششصد سال قبل و هفت تا بیست و سه سهم.

این رباعی که ظاهراً «مربوط به هوا شناسی»، می‌تواند معنای علائمی داشته باشد: قلاب سنگ؟

۵۷

هفت بار شاهد دگرگونی بریتانیا خواهید شد،
در خون رنگین شده طی دویست و نود سال،
فرانسه به حمایت آلمان متکی نخواهد بود،
آریائی‌ها از تضاد مخربش در هراس هستند.

طی دوران دویست و نود سال انگلستان متحدین و دشمنانش را نوبت به نوبت عوض خواهد کرد.

۵۸

نزدیک راین از کوه‌های نوریک[۵]
بزرگ مردی از افرادی که بسیار دیر می‌رسند زاده خواهد شد،
که او از سورم[۶] و مجارستان دفاع خواهد کرد،
هیچ کس درنمی‌یابد چه بر سر آن مرد خواهد آمد.

ما نتوانستیم این شخصیت مرموزی که ناپدید شده است را بشناسیم. آیا می‌توانیم به آدلف هیتلر بیندیشیم، در حالی که او را چون فردی در نظر بگیریم که بیش از حد دیر رسیده است تا رؤیای قدیمی برتر بودن آلمان را در اروپای مرکزی و خاوری تحقق بخشد؟

---

۱. Montauban ۲. Nismes ۳. Avignon ۴. Besier
۵. Noriques ۶. Saurome

۵۹

امپراطوری بربرها بدست نفر سوّم به زور تصاحب شده است،
بیشترین افراد هم خونش را به مرگ محکوم خواهد کرد:
مرگ بر اثر کهولت مرد چهارم را از پا در می‌آورد،
وحشت خون در برابر خون است که به مرگ سپرده نشده است.

استالین زمانی که قدرت را در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بدست می‌گیرد و قسمت اعظم یاران قدیمی لنین را از بین می‌برد.

۶۰

در تمامی مناطق آسیا اقدامات سختی صورت می‌گیرد،
این وضعیت در میسیا،[۱] لیسیا،[۲] پامفیلیا،[۳] نیز حاکم است:
به سبب توبه خون ریخته خواهد شد،
بدست مرد سیاه پوست جوانی که سرشار از ناسپاسی است.

در بیت اوّل: صحبت از انقلاب، جنگ‌های داخلی، اغتشاشات خونین، در سراسر قاره آسیا است... نیم بیت آخر پاتریس‌لومومبا (سیاه پوست جوان) دستگیر و به عنوان خیانت اعدام شد.

۶۱

گروهی عظیم و فرقهٔ صلیبی‌ها،
در بین النهرین به پا خواهند خاست:
سپاهی اندک شمار درکرانه شط مستقر می‌شوند،
تا آن جاکه قانون حاکم را دشمنانه تلقی خواهند کرد.

مبارزه بین صهیونیسم و اعراب، نوعی آتش دائمی در تمامی خاور میانه بر پا داشت: که باکمترین مواجهه کشتی‌های دشمن قادر بود که چون باروت آنها را منفجر سازد.

---

۱. Mysie ۲. Lysic ۳. Pamphylic

۶۲

آن مرد همراهان خود را به کاراکاس خواهد رساند،
قدرت رُمی‌ها کاملاً از بین خواهد رفت،
نزدیکی دل دوارو[۱] که توسط دریای سیرون[۲] بسته شده است،
او خواهد آمد تا در کوه‌های عظیم پیرنه نفوذ کند.

اقدام فاجعه‌آمیز ناپلئون که به فتح اسپانیا مبادرت کرد؟

۶۳

با دستان بسیار کوتاه و صدای ناقوس مرگ دل اورا به‌درد میاورد،
همسایه بزرگش اثر و رد پاها را دنبال می‌کنند:
سفرهای پنهانی داخلی و مذاکرات،
مقلدین دیوانگی‌های خودشان را دچار تاخیر خواهند کرد.

جنگ‌های مذهبی: نبردهای خونین و پوچ بین گروه‌های کاتولیک و پروتستان.

۶۴

فرمانده ایرانی الکاده[۳] بزرگ را اشغال خواهد کرد،
نیروهای جنگی دریائی برای مقابله با مردان محمدی،
مردانی ار پارت[۴] و ماد و سیکلاد[۵] با غارت مواجه می‌گردد
در بندر ژونیک[۶] آرامشی طولانی حکمفرما می‌شود.

حمایت ارتش فرانسه و انگلستان از یونانی‌ها شورشی علیه اسارت مسلمانها در نبرد ناوآران.

۶۵

در آن هنگام که آرامگاه رُمی بزرگ کشف شود.

---

۱. Del duero ۲. Cyrrene ۳. Olchade ۴. Parthe
۵. Cyclades ۶. Ionique

صبح بعد پاپ برگزیده خواهد شد،
او که هرگز از سوی مجلس سنا تائید نشده بود،
مسموم شده، خونش سیف[1] مقدس را رنگین خواهد ساخت.

کشف مقبره سن ـ پیر که یک روز قبل از عالیجناب پاپ جدید بود، که مسموم شد. حداقّل این معنای ادبی این رباعی است،که ما با محافظه کاری ناچاریم رعایت کنیم. شعر را اینطور توصیف می‌کنیم! آیا اشاره به ژان پل اوّل، در حکومتی آنچنان بی‌دوام نیست؟

۶۶

بایلیف[2] بزرگ اورلئان کشته شد،
به دست کسی که به کینه‌خواهی خون برخاسته بود:
آن که مرگش لازم است، فقط بدست تقدیر جان می‌سپارد،
با دستان و پاهای بسته بدرون قفسی به اسارت در می‌آورند.

دوک دواورلئان ملقب به (فیلیپ اِگالیته)که دسیسه‌چینی های انقلابیش مانع زیر گیوتین رفتنش نشد.

۶۷

یک فرقه جدید از فلاسفه،
که مرگ، طلا، افتخار و ثروت را بی‌ارزش می‌شمارند،
وارد کوه‌های آلمان نخواهند شد،
هوادارانشان از حمایت و مساعدت آنها برخوردار خواهند شد

موفقیت چشمگیر حکومت کمونیسم در تمام سرزمین‌های‌غربی آلمان.

۶۸

مردمانی بدون رهبر از اسپانیا و ایتالیا،

---

۱. Scyphe
۲. Baillif

در شیرونز[۱] جان می‌سپارند یا به اسیری گرفته می‌شوند،
مرد نادان و سبک سری به هدفشان خیانت می‌کند،
همه جا غرقه به خون می‌شود.

بین دو جنگ جهانی شرایط بغرنج سیاسی ایتالیا، سپس اسپانیا، در این دو مملکت باعث پیروزی حکومتی دیکتاتوری شد و عملیات تروریستی در اسپانیا و ایتالیا.

۶۹

ارتشی بزرگ به دست مرد جوان رهبری می شود.
که خود را تسلیم دستان دشمنان خواهد کرد،
امّا مرد سالمند که در نیمه خوک زاده شده است،
شلون[۲] و مکون[۳] را در شمار دوستان در خواهد آورد.

برای ما غیرممکن است که مفهوم روشن این رباعی را بیان کنیم، یا اینکه نیم بیت اوّل «ارتشی بزرگ به دست مرد جوان رهبری می‌شود» را بیان می‌کند، که کلمه بناپارت جوان می‌تواند مشخصات نظامی زودرس ناپلئون را نشان بدهد. امّا با پی‌جوئی متوجه اشاره به زوال امپراطوری می‌شویم.

۷۰

بریتانیای کبیر که مشتمل بر انگلستان است،
از بالا آمدن شدید آب پوشیده خواهد شد،
اتحاد سلاطین نوین از اوزن[۴] جنگ را برپا خواهد کرد،
که علیه آنان است که متحدین با یکدیگر هم‌پیمان می‌شوند.

انگلستان در قرن هفدهم بزرگترین قدرت دریایی جهان می‌شود.

---

۱. Cheronese ۲. Chalon ۳. Mascon ۴. Ausonne

۷۱

آن کسانیکه برای زمانی دراز در جزایر محاصره شده‌اند،
قدرت زیادی علیه دشمن‌ها به دست می‌آورند:
کسانیکه در بیرون هستند از فرط گرسنگی از پای در می‌آیند،
چنان گرسنگی که هرگز پیش از آن چشیده نشده بود.

انگلستان، کاملاً «درون جزایر خونش محاصره شده»، طی تابستان ۱۹۴۰، به تجدید قوا می‌پردازد تا بر دشمن توفیق کامل یابد.

۷۲

پیرمرد مهربان با وجود حیات در کفن پیچیده می‌شود،
در نزدیکی شط بزرگ به سبب سوءظن ناروا:
سالخورده‌ائی که به تازگی در زمرهٔ اشراف درآمده است
در راه تمامی طلای گروگان‌گیری را می‌گیرد.

برای مارشال پتن عبارت «زنده کفن می‌شود» به کار آمده ـ در ماه ژوئن ۱۹۴۰ ـ به کسی قلمداد شده که در محاسبات نادرستی کرده و به دسیسه‌های سیاسی پرداخته است.

۷۳

در آن هنگام که مرد لَنگی با جاه‌طلبی به حکومت رسد،
رقیب نامشروع او نزدیک خواهد شد،
او و حکومت بشدّت تباه خواهند شد،
آنگاه که او اعمال خود را اصلاح کند دیگر خیلی دیر است.

این شخص لنگ غیر از تالیران، سیاستمدار چه کسی می‌تواند باشد که پیاپی در خدمت حکومت‌های متعددی قرار گرفته است؟

۷٤

ناپل، فاوانس[۱] و فلورانس و ایمول[۲]،
در شرایطی بشدّت خشمگین خواهند شد،
که برای جلب رضایت بینوایان نول[۳]،
از این که رهبرشان را به مسخره گرفته‌اند به شکایت در می‌آیند.

اختلاف سیاسی و اجتماعی بین ایتالیا جنوبی و مرکزی از یک طرف، و از سوی دیگر در قسمت جنوبی آن.

۷۵

پو، ورونا، ونس، ساراکوس،
از شمشیرهای بلند، سرزمین مرطوب از خون:
طاعون بزرگی در اندرون کپسول خاص و بزرگ خواهد آمد،
کمک نزدیک است، و طریقه درمان دور است.

این رباعی ظاهراً اشاره به حمام خون وحشتناکی در اروپای جنوبی (ایتالیا، اسپانیا) است طی دوران انقلاب کبیر و امپراطوری.

۷۶

فرقه های گوناگون در آلمان ظهور خواهند کرد،
که بسوی زمان جاهلیت بُت‌پرستی نزدیک می‌شوند،
روح اسیر، و استعدادها کم می‌شود،
به دوران پرداخت عشریه واقعی باز خواهند گشت.

حکومت نازی ، از جنبه آن، بیانگر آداب و رسوم باستانی آلمان در تجلیل از مسیحیت است.

---

۱. Favence ۲. Imole ۳. Nolle

۷۷

سومین اقلیم تحت اختیار آریائی‌ها قرار می‌گیرد،
در اکتبر سال هزار و هفتصد و بیست و هفت
پادشاه ایران در دست مردمان مصر قرار می‌گیرد:
جنگ، مرگ، خسارت: برای صلیب بزرگترین بی‌آبرویی.

این رباعی را چگونه تفسیر کنیم؟ در سال ۱۷۲۷ هیچ جنگی بین ایران و مصر رخ نداده است. آیا لازم است تاریخ را جابجا کنیم، به جنگ اعراب و اسرائیل مربوط بدانیم؟

۷۸

فرمانده‌ای از اسکاتلند با همراهی شش نفر آلمانی،
به دست مردانی از تبار شرق اسیر می‌شوند:
آنها از جبل‌الطارق و اسپانیا خواهند گذشت،
به حضور پادشاه جدید وحشت‌آور ایران خواهند رسید.

ممکن است مربوط به نحوهٔ سیاستی باشد، که باعث حذف نفوذ آلمان در ایران شد، انگلیسی‌ها محمد رضا سرسلسلهٔ خاندان پهلوی پادشاه ایران را (۱۹۴۲) خلع کردند.

۷۹

نظم تقدیر ابدی به صورت زنجیره‌ای،
با نظم و منطقی دیگر به چرخش در خواهد آمد:
این چرخش زنجیره‌ای از بندر فوسن درهم شکسته خواهد شد،
شهر به تصرف در می‌آید، دشمن دچار سرگردانی می‌شود.

پیاده شدن متفقین در ایالت پروانس (تابستان ۱۹۴۴).

۸۰

از سلطنت انگلستان شخص شریف کنار گذارده می‌شود،

مشاور در اثر خشم آتش بر پا می‌کند:
هواداران او در پایین‌ترین درجه توفیق قرار خواهند گرفت،
به نحوی غیرمشروع مورد تائید نیمی خواهد شد.

پایان استیلای بریتانیا.

۸۱

شخص بی‌شرم و گستاخ پرهیاهو،
به سمت فرمانده ارتش انتخاب خواهد شد:
دلیری او مورد بحث و اعتراض است،
پل شکسته، شهر از وحشت بی‌حال می‌شود.

فریادکننده بزرگ، بی‌شک هیتلر است، که با مهارتش در سخنوری است، تمام کسانی را که به صحبت‌هایش گوش می‌دادند دستخوش ترس و هیجان می‌ساخت.

۸۲

فرن، انتی‌بور،[1] و شهرهای پیرامون نیس،
از زمین و از دریا بشدت مورد تهاجم قرار خواهند گرفت:
ملخ‌های دریائی و زمینی و باد همراهی خواهد کرد،
اسارت، مرگ، چپاول، غارت و بدون رعایت قوانین جنگی.

می‌توان یا به دوران انقلاب مرتبط کرد، یا به خسارت‌هایی مربوط کرد که پس از اشغال متفقین (اوت ۱۹۴۴) ایجاد شد. همچنین ممکنست مربوط به ویرانی‌های پس از جنگ جهانی سوم باشد.

۸۳

فردی با موهای بلند از نژاد مختلط قوم‌های سلت و گل،

---

۱. Antibor

ملّت‌های بیگانه را همراهی می‌کند:
مردم اکی‌تن را به اسارت درمی‌آورد،
تا آنها را از زیر یوغ مقاصدشان درآورند.

تفسیر و مفهوم این رباعی مشکل است، مگر این که در آن رشد اقتصادی متزاید شمال فرانسه را دید، در شهرستان اکی‌تن.

۸٤

شهر بزرگ بشدت، مصیبت‌زده شده است،
حتی یک نفر از ساکنان هم جان سالم بدر نخواهد برد:
به حریم، ناموس، معبد، و باکره‌ها هتک حرمت می‌شود،
مردم با اسلحه، آتش، طاعون، گلوله توپ خواهند مرد.

شهر بزرگی که نسترادا‌موس از آن نام می‌برد کدام است؟ شهری که پایان خونین دارد. رُم یا پاریس و یا یک شهر دیگر است؟

۸۵

در شهری که بوسیله دسیسه و نیرنگ تسخیر شده است،
توسط مرد جوان و زیبائی به دام می‌افتد،
حمله از سوی روبین[۱] در نزدیکی لود[۲] صورت می‌گیرد،
او و همه آنان بمرگ سپرده شدند چون کاملاً فریب خورده‌اند.

تسخیر پنوم‌په به دست خمرهای سرخ؟

۸۶

فرماندهی از اهالی اوزن[۳] به اسپانیا خواهد رفت،
از راه دریا در بندر مارسی توقیف خواهد شد،
پیش از مرگش مدّت طولانی به حال احتضار می‌افتد.

---

۱. Raubine   ۲. Laude   ۳. Ausonne

پس از مرگش شگفتی عظیمی را نظاره‌گر خواهد بود.
آیا دستگیری یک رهبر قدیم نازی در مارسی که از طریق دریا به اسپانیا می‌رفته است؟

۸۷

ناوگان فرانسه به کورسینی[۱] نزدیک نشو.
که همانند ساردنی[۲] پشیمان خواهی شد:
بسرعت همه جان خواهید سپرد محروم ازکمک‌ها می‌غرید،
در خون شناور شده و اسیر، حرفم را باور ندارید.

تفسیرکردن این رباعی بسیار دشـوار است: چـنانچه کـرس بـه خـوبی صحنه شورشی علیه فرانسویها بود طغیان (پاسکال پائولی)، شورشی که برای فرانسویان دارای فرجام شوم نظامی نیست.

۸۸

از راه دریا سپاه عظیمی به بارسلون گسیل می‌شود،
تمامی مارسی از شدّت وحشت به لرزه در خواهد آمد:
جزایر محاصره شده، راه کمک دریایی بسته می‌شود،
تسلیم‌کننده تو در زمین شنا خواهد کرد.

این رباعی بسختی قابل درک است: یعنی از این جهت قابل درک نیست که اسپانیا در حال حاضر قادر به لشگرکشی به مارسی و فتح آن باشد! ولی نباید فراموش کـرد کـه در دوران نسـترادامـوس، اسـپانیا یکـی از بزرگترین قدرت‌های تهدیدکننده بر ضد پادشاهی فرانسه بوده است، که کاملاً با فتوحات فیلیپ دوّم احاطه شده بود.

---

۱. Corseqne   ۲. Sardaigne

۸۹

در آن هنگام قبرس از حقّش محروم خواهد شد،
که دریافت کمک افراد از طریق دریای اژه باشد،
پیرمرد سفته‌باز است، امّا با پارتی‌بازی و طبع شعری
پادشاه و ملکه را مفتون کرده، دیگر بی‌حرمتی نخواهد بود.

استقلال قبرس، پس از یک دوره اغتشاش.

۹۰

ساتیر[۱] بزرگ و پلنکی از هیرکانیا[۲]،
هدیه‌ای که به ساکنین اقیانوس اعطاء می‌شود:
یک فرمانده نیروی دریایی از کارمانی خواهد آمد:
کسی که سرزمین و حکومت فوسان[۳] ظالم را خواهد گرفت.

آیا آدلف هیتلر است؟

۹۱

درختی که مدّت درازی بی‌جان و خشکیده بود،
در دل شبانگاهی از نو جوانه خواهد زد:
جسم پادشاه مریض می‌شود، شاهزاده پایش در بند است
در حال فریاد برآوردن از دشمنان، پرچم را خواهند افراشت.

رباعی علائمی: «درخت خشکی که مجدداً جوانه میزند» آیا اعاده سلطنت بوربون‌ها نیست (۱۸۱۴ - ۱۸۱۵).

۹۲

گیتی به آخرین دوره خود نزدیک می‌شود،
زحل بار دیگر با تأخیر باز خواهد گشت:

---

۱. Sature ۲. Hircanie ۳. Phocean

امپراطوری به ملت‌های برود[۱] منتقل می‌شود،
در ناربون باز شکاری چشم را از حدقه درمی‌آورد.

دوران پایانی چرخه کره زمین که مشخص شده با بازگشت نوعی وضعیت نجومی که در آن حال زحل نقش مشخصی بازی می‌کند باشد. قسمت آخر شعر اعلان جنگ داخلی در ناحیه ناربون است.

۹۳

در آوینیون تمام روسای امپراطوری،
به سبب ویرانی پاریس توقیف می‌شوند:
تری‌کاست[۲] خشم انیبالیک[۳] را برمی‌انگیزد،
لیون به سبب دگرگونی به دشواری تسلّی خواهد یافت.

الحاق ناحیه کنت‌اوندسن، که تا پایان قرن هجده در قلمرو پاپ مانده بود. فرمانروای بزرگ آینده ازگام نهادن به پاریس صرفنظر می‌کند. چون درمی‌یابد پایتخت ویران شده است.

۹۴

بیش از پانصد سال حساب او را خواهند داشت،
آن کسی که زیور زمانه خود بوده است،
سپس به یکباره مکاشفهٔ بزرگی انجام خواهد گرفت،
که این قرن باعث رضایت فراوانشان خواهد شد.

انهدام حکومت پیشین طی انقلاب کبیر فرانسه.

۹۵

آئین‌های مراکش را خواهیم دید که رو به ضعف می‌رود،
سپس از آئین دیگری که فریبنده‌تر است پیروی خواهد شد:

---

۱. Bradde ۲. Tricast ۳. Annibalique

بوریس‌تن[1] نخستین بخشی است که ضعیف خواهد شد،
با بخشش‌ها و سخنوری است که جاذبه بیشتری می‌یابد.

در دریای سیاه، عدم رشد روزافزون اقتصادی (قرون ۱۸ و ۱۹) دوران تفوق و برتری ترک‌ها که بنفع روسیه بود.

۹۶

گلوی فرمانده فوسان[2] بریده خواهد شد،
بدست دامپزشک سگ‌های شکاری و سگ‌های تازی:
واکنش بدست شبان ساکن کوه‌های تارپ[3] انجام می‌گیرد،
در سیزده فوریه زحل در برابر برج اسد قرار می‌گیرد.

فرمانروائی مرگ غم‌انگیزی خواهد داشت، رهبر فوسان شاید لوئی شانزدهم باشد. امّا تاریخ (ماه فوریه) با آن مطابقت نمی‌کند.

۹۷

طبق قطعنامه جدید سرزمین‌های تازه‌ای اشغال خواهد شد
در اطراف سوریه،[4] اردن[5] و فلسطین:
امپراطوری بزرگ بربرها رو به تباهی خواهد رفت
پیش از آنکه سده ماه معین شود.

نفوذ متزاید شوروی در خاور میانه.

۹۸

دو برادر از خانواده سلطنتی به شدّت جنگ خواهند کرد،
بین آنها جنگ کشنده‌ای در خواهد گرفت:
که هر دوی آنها دژهای محکمی را متصرف می‌شوند،
مقام و حیات بزرگترین اختلاف آنها خواهد بود.

---

۱. Boristhennes　۲. Fossan　۳. Tarpee　۴. Syric
۵. Iudee

آیا جمله دو برادر به خانواده سلطنتی مربوط است؟ یا اینکه اصطلاحی نمادین است که شاید به دو بلوک رقیب مرتبط باشد؟

۹۹

در کشتزارهای سرسبز آلن[۱] و سوی وارنژ،
در کوهستان لوبرون[۲] در نزدیکی دورانس،
طرفین در عرصه مبارزه میدان جنگ بسیار تأسف‌آور است،
فرانسه از بین‌النهرین کنار خواهد رفت.

حقیقتاً بسختی معنی دقیق این رباعی را می‌توان دریافت: برخورد نبردی در دو طرف میدان که از بین‌النهرین می‌گذرند تا به ناحیه اوت ـ پروانس برسند! از خود می‌پرسیم آیا نستراداموس در صدد برنیامده تا (امّا کلمه بین‌النهرین در این جهنم چه نقشی را بازی می‌کند) نبردهای وحشتناکی که در این منطقه رخ داده است را تشریح نماید، که طی آن افراد ضد حکومت و چریک‌ها و نیروی آلمانی به مبارزه پرداخته‌اند.

۱۰۰

آخرین مایه افتخار به فرانسه وارد می‌شود،
دشمن انسان نما پیروز خواهد شد؛
در یک لحظه کشور قدرت را به دست می‌آورد
در آنگاه که مرد جسور با شلیک تیری از پای در خواهد آمد.

مرگ ژنرال دوگل در (ماه نوامبر ۱۹۷۰ میلادی).

---

۱. Alein　۲. Lebron

سده چهارم

۱

موضوع به آثار خونی مربوط است که ریخته نشده بود،
ونیز[۱] در آرامش است به خاطر کمکی که به او داده شده است،
پس از آنکه زمان درازی را در انتظار گذرانده است،
با اولین بوق شیپور شهر تسلیم شد.

تسخیر ونیز توسط ارتش فرانسه (پایان قرن ۱۸).

۲

با مرگ است که فرانسه سفری را پذیرا می شود:
نیرو از طریق دریا، از قلل کوههای پیرنه می‌گذرد،
اسپانیا به دردسر خواهد افتاد قوای نظامی بسیج می‌شود:
گروه زیادی از بانوان به فرانسه آورده خواهند شد.

ناپلئون اسپانیا را با قهر غلبه و اشغال می‌کند، برادرش ژوزف را به عنوان سلطان به تخت می‌نشاند، و سلسله سلطنتی قانونی اسپانیا را در فرانسه تحت نظر خواهد داشت. و نیز نیم بیت سوّم شاید به جنگ داخلی اسپانیا مربوط باشد، که پی‌آمد کودتای ژنرال فرانکو است (قوای نظامی بسیج می‌شود).

---

۱. Venise

۳

آراس،[۱] بورگ،[۲] از برود[۳] پرچمهای بسیاری افراشته می‌شود،
شمار بسیاری از اهالی گاسکنی[۴] پیاده عازم جنگ می‌شوند،
آنانی که کناره روزن هستند خون اسپانیاییها را خواهند ریخت:
نزدیک کوهی که ساگونت[۵] نشسته است.

خسارت زیادی که ارتش ناپلئون به اسپانیا وارد کرده است.

٤

شاهزاده ناتوان خشمگین، شکوه‌آمیز در صدد جنگ است
فریب و غارت بدست خروسها و افراد لیبیاییها:
نیروی زمینی عظیم با کشتیهای بی‌شمار در دریا،
فقط کشور ایتالیاست که قوم سلت را بیرون خواهد راند.

موسلینی اقدام به اتحاد امپراطوری عظیم مستعمراتی در ایتالیا می‌کند. و بر این باور است که با جنگ علیه فرانسه حکومتش مستحکم خواهد شد (۱۹۴۰). امّا تمام امیالش پس از شکست نظامی در لیبی از بین رفت. نیم بیت اوّل می‌تواند اشاره‌ای به رفتار شورشی پادشاهی به نام ویکتور امانوئل سوّم باشد، که دوک از تمام قدرتهای حقّه‌اش محروم شده بود، و که علیه موسیلنی متارکه جنگ با متفقین را امضاء می‌کند.

۵

صلیب صلح، تحت فرمان کلمه ملکوتی به انجام می‌رسد،
اسپانیا و فرانسه با هم متّحد می‌شوند:
ترس عظیمی نزدیک است، و نبردی سهمگین،
حتّی پر دل ترین افراد به لرزه می‌افتند.

اقدام ناپلئون جهت اتحّاد اسپانیا و فرانسه. که سرانجام با شکست

---

۱. Arras ۲. Bourges ۳. Brods ۴. Gascons ۵. Sagonte

مواجه شد.

۶

جامه های جدید از پس متارکه جنگ،
توطئه‌های شیطانی و دسیسه‌گری:
اولین فردی که آن را به اثبات رساند خواهد مرد،
رنگ خیانت بر ونیز پاشیده می‌شود.

این خیانت چه میتواند باشد؟

۷

پسر کهتر آن بزرگ، و پرنس رنگ پریده،
در بیست سالگی لکه‌های بزرگی از بیماری خوره خواهد داشت،
از فرط اندوه مادرش غم‌زده و نحیف جان می‌سپارد،
و در جایی جان خواهد سپرد که ارزش‌ها سست می‌شود.

هانری سوّم با مرگی درخور یک نجیب‌زاده نخواهد مرد (توسط کشیشی از فرقه ژاک کلمان با خنجر از پا درمی‌آید، در حالی که در جلسه محاکمه بر روی صندلی مخصوص نشسته است).

۸

شهر بزرگ از یک حمله سریع متأسف است،
شبیخون زده، نگهبانی منقطع می‌شود:
با انابه و کوانتین[1] مقدس پاسداری می‌دهد،
نگهبانان خودکشی کرده و دروازه‌ها درهم شکسته شده است.

شبانه در فرانسه دستور حمله به یک شهر بزرگ داده می‌شود؛ آیا اشغال (۱۹۱۴) شهر لیل بدست نیروهای آلمانی نمی‌باشد؟

---

۱. Quintin

۹

فرمانده لشکر در میان ازدحام،
با تیری که به پاهایش اصابت می‌کند زخمی می‌شود،
در آن هنگام ژنو در ماتم و زاری است،
از سوی لوزان[۱] و سویس[۲] مورد خیانت واقع می‌شود.

هانری چهارم در نبردی علیه هم‌پیمان‌هایش زخمی می‌شود، در زمانی که پروتستان‌ها را تکفیر کرده است (ژنو در ماتم و زاری است).

۱۰

شاهزاده جوان به ناروا مورد اتهام واقع می‌گردد،
لشگر را به ناآرامی و نزاع می‌گشاند:
به پشتیبانی او رهبر شورشی را می‌کشند،
عصای سلطنت مستحکم شد: سپس اسکروئل‌ها[۳] بهبود مییابد.

به کدام حکمرانی می‌تواند مربوط باشد؟ ما اعتراف می‌کنیم که خود نیز در تردید هستیم.

۱۱

کسی که سراپا با شنل بلندی پوشیده شده است.
آیا بار دیگر وادار خواهد شد شبانی کند:
دوازده عضو انقلابی جهت آلوده کردن سفره خواهند آمد
جنایت انجام شده، جنایت در زیر جنایت انجام خواهد شد.

لوئی شانزدهم (شنل بلند لقب «لوئی کاپه») است به مرگ محکوم شد و بدست جمهوری خواهان با گیوتین اعدام شد.

---

۱. Lozan ۲. Souysses ۳. Escroüelles

۱۲

اکثر افراد قشون در راه پا به فرار خواهند گذاشت،
جنگجویان بیش از این مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد:
مجدداً دلیرانه اردو می‌زنند و لشکر کاستی می‌گیرد،
سپس همه آنان از فرانسه بیرون رانده خواهند شد.

تابستان سال ۱۹۴۴: ارتش اشغالگر آلمان از تمامی سرزمین فرانسه بیرون رانده شده‌اند.

۱۳

خبرهای بیشترین خسارت گزارش شده است،
گزارش باعث تعجب قشون خواهد شد:
گروه‌هایی بر ضد آشوبگران متحد می‌شوند،
از دو گروه نظامی، گروه بزرگتر انصراف خواهد یافت.

در ادامه اعلان شکست فرانسوی‌ها در مقابل متحدین خارجی (تابستان ۱۷۹۲)، جمهوریخواهان پایتخت خشمگین شده‌اند: جای تشکیلات قانونی حکومت کمون جایگزین می‌شود. حمله به کاخ تویلری.

۱٤

مرگ ناگهانی شخصیت اوّل
تحولی ایجاد کرده و یک نفر دیگر را به حکومت می‌نشاند:
اگر چه، مرد کم سال بمقام عالی خیلی دیر دست خواهد یافت،
از زمین و دریا بایستی از او در هراس افتند.

قتل هانری چهارم بدست راویاک. یا خطر به قتل رسیدن یک رئیس جمهور؟

۱۵

از جایی که داراندیشه قحطی آن هستند،
از آن جا نعمت فراوانی خواهد رسید:
چشم دریا بدست سگی گوشت‌خوار
به یکی از آنان روغن و به دیگری مُخمر خواهد داد.

پایان محدودیت مواد غذائی فرانسه در زمان اشغال آلمانی‌ها.

۱۶

شهری که در آزادی زیاد بسر می‌برد به‌اسارت کشیده می‌شود،
تبعیدیان و محافظه کاران را درخانه‌های مخصوص نگه میدارند:
پادشاه برای‌آنان وضعیتی ایجاد نموده دیکر پشتیبانی نمی‌شود،
شمار صد نفر به پیش از هزار نفر خواهند رسید.

بازگشت موفقیت‌آمیز ناپلئون اوّل (حکومت صد روزه سال ۱۸۱۵).

۱۷

تحولاتی برای بن[۱] نوئیی،[۲] شالون، و دیژون،
دوک خواهان آن است که باری[۳] را اصلاح کند
کنار شط در حال راه رفتن، ماهی و یک پرنده دریایی
دم دیده خواهد شد: در بسته خواهد شد.

کاملاً اعتراف می‌کنیم که ابداً نفهمیدیم که این اتفاقاتی که در بورگونی واقع شده است چه می‌تواند باشد.

۱۸

اکثر ادیبانی که تحقیقاتشان بر ورای آسمان‌هاست
توسط شاهزاده نادان محکوم به لعنت ابدی می‌شوند:

---

۱. Beaune ۲. Nuy ۳. Barre

ادیک[۱] تنبیه شده، همانند جنایتکاری رانده می‌شود،
و در هر کجا که یافت شود به قتل سپرده خواهد شد.
تصمیمات شدید و سخت علیه ستاره‌شناسان گرفته شده است. امّا هیچ مملکتی تا بحال تصویب قانون اعدام‌شان را مجاز ندانسته است.

۱۹

اهالی اینسوبری روئن را از جلو محاصره می‌کنند،
در گذرگاه‌های زمینی و دریائی محبوس شد:
از هانیات،[۲] فلاندر، گاندر و آنهائی که وابسته به لی‌یژ[۳] هستند
توسط هدایای پنهانی، سواحل را به تصرف در می‌آورند.
استیلای فرانسه که بلژیک بر آن مقدم بود (۱۹۴۰).

۲۰

برای زمانی دراز صلح بر مکان حاصلخیزی گسترده خواهد شد،
در تمام مدّت حکومتش سرزمین بایر بدون گل سوسن:
اجساد غرق شده را، به زمین خواهد آورد،
تجزیه طلبی پوچ، گوئی زمان و هستی در آنجا دفن شده است.
حکومت ناپلئون اوّل را، نستراداموس به عنوان بدترین دشمن حکومت سلطنتی در نظر گرفته است (در تمام مدّت حکومتش سرزمین خالی از سکنه بدون گل سوسن).

۲۱

دگرگونی بسیار سخت خواهد بود،
شهر و ایالات در اثر تغییرات متحول خواهند شد:
با شهامت، و با احتیاط، با مهارت او را بیرون می‌رانند،

---

۱. Edict ۲. Haynaut ۳. Liege

زمین، دریا، مردم کشورش تغییر خواهد کرد.
برقراری جمهوری اوّل.

۲۲

قشون بزرگی بار دیگر بسیج خواهد شد،
در زمانی که پادشاه به آن احتیاج خواهد داشت،
وعده وفاداری از راه دور، دروغی بیش نیست،
خود را اسیر و دستخوش سرشکستگی ترحم‌انگیزی می‌بینند.
ناپلئون اوّل سلطنت فرانسه را به ناروا غصب می‌کند.

۲۳

گردان مستقر در نیروی دریایی،
سنگ‌هائی از آهن، سولفور دو منگنز، و قیر خواهد سوخت:
استراحتی طولانی در مکانی مطمئن،
بندر سلین، و هرکل[1] در سه آتش نابود خواهد شد.
بمباران‌های هوایی و نبردهای دریایی (جنگ جهانی دوّم).

۲٤

آوای بانوی مقدس از زیر زمین مقدسی شنیده می‌شود،
عشق انسانی برای دیدن ملکوت خواهد درخشید:
سبب می‌گردد تا زمین از خون رهبانان گلگون شود،
و معابد مقدس به سبب نجاست ویران گردد.
انقلاب بلشویکی روسیه در اکتبر ۱۹۱۷: نوعی آئین مسیحی ماده‌پرستی جایگزین امیدهای روحانی معنوی شده؛ جور و ستم به کلیسای روسیه.

---

۱. Hercle

۲۵

جسم بی‌وقفه به بخار تبدیل شده با چشم مرئی می‌شود،
درون ابری محو شده، به این دلایل آشکار خواهد شد:
دارای جسم، جبهه شناخته شده، بی رهبر و نامرئی.
سخنان وعظ گونه حاکی از تقدّس رو به کاستی گذاشته میشود.

بر اثر دانش علمی نتایج شگفت‌آوری بدست می‌آید (شگفتی‌هائی را در ذرهٔ کوچکی آشکار می‌سازد که از حرارت و شور مذهبی می‌کاهد).

۲۶

دسته بزرگی از زنبور عسل و غیره به پرواز در خواهند آمد،
که کسی نخواهد دانست فرماندهشان از کجا آمده است؛
گمین‌گاه در شب، نگهبانان در زیر درخت مو می‌باشند
شهری با پنج زبان که کامل است مورد خیانت واقع می‌شود.

از خود می‌پرسیم چرا نستراداموس این رباعی را به زبان محلّی پرونسال نگاشته است. «دسته بزرگ از زنبور عسل»، به تخت نشستن افتخارآمیز ناپلئون بناپارت است.

۲۷

سالن، مانسون، تاراسکون،[1] سکس و قوس،
جایی که هرم هنوز برجا ایستاده است:
برای تسلیم شاهزادهٔ دانمارک خواهند آمد،
فدیه شرم‌آور به معبد آرته‌مید.

اعتراف می‌کنیم که حقیقتاً نمی‌دانیم این پرنس دانمارکی چه کسی می‌تواند باشد. کسی که در جنوب فرانسه توقیف شده است.

---

۱. Tarascon

۲۸

آنگاه که خورشید زهره را خواهد پوشاند،
روشن‌بینی شگفت‌انگیز و به نحو اسرارآمیزی خواهد بود:
عطارد در آتش، هاله‌ها آشگار خواهد شد،
با آوازهٔ جنگ هتک حرمت رواج می‌یابد.

تقارن نجومی که جنگ را اعلان می‌کند، امّا شاید این رباعی نیز هنر بزرگ کیمیاگری را شرح بدهد.

۲۹

خورشید توسط عطارد پنهان شده است،
فقط در آسمان دوّم پدیدار خواهد شد:
هرمس از الکان است که خادم انجیل خواهد شد،
خورشید بصورت ناب دیده خواهد شد، سرخ آتشین و زرین.

رباعی مربوط به کیمیاگری است: تبدیل به طلا.

۳۰

بیش از یازده بار ماه تابع خورشید نخواهد بود،
فزونی یافته و از لحاظ درجه کاستی می‌یابد:
و چنان کاستی یافته که تنها نماد طلایی کمی آشکار خواهد شد،
که از پس گرسنگی و طاعون راز آن کشف خواهد شد.

این رباعی نیز حاکی از کیمیاگری است.

۳۱

شبانگاه قرص کامل ماه بر بلندای کوهستان،
فقط یک نفر ناظر این جسم کیهانی جدید است:
به سبب پیروانش موجودیتی جاودان خواهد یافت،

دیدگانش به سوی جنوب، دست‌ها، جسم در آتش است.
آخرین رباعی از این نوع اشعار کیمیاگری است.

۳۲

در مکان‌ها و زمان‌هایی که گوشت جای ماهی را بگیرد،
قانون مشترک در جهت مخالف عمل خواهد کرد:
کهن سال در قدرت خواهد ماند سپس از عرصه رانده شده،
توسط دوستان به شدت در پشت سر گذاشته خواهد شد.
سرنگونی جمهوری سوّم توسط مارشال پتن (کهن‌سال پانتا).

۳۳

مشتری بیشتر با زهره تقارن می‌یابد تا با ماه،
در سپیدی کامل آشکار شده:
زهره در سپیدی نپتون پنهان شده
از طریق مریخ با شعاع خطرناک ضربه وارد می‌سازد.
یک بار دیگر رباعی کیمیاگری است.

۳٤

مرد بزرگ به اسارت به سرزمین خارجی برده شده،
با زنجیری طلائی بسته شده، به پادشاه چیرن تقدیم می‌شود:
کسی که در اوسونیا،[1] میلان جنگ را خواهد باخت،
و تمام استخوان‌هایش در آتش و درون آهن ذوب می‌شوند.
سرنوشت غم‌انگیز آدلف هیتلر، که در اوج قدرتش درون محل پنهانی دژی در شهر برلن در جهنمی از آتش خواهد سوخت.

---

۱. Ausone

۳۵

آتش خاموش شده، باکره‌ها خیانت خواهند ورزید
بزرگترین بخش گروه نوین:
درخشش شمشیر، نیزه، انزواطلبان از پادشاه حفاظت می‌کنند
گردنه اتروسک و کرس شبانه جزغاله می‌شود.

موقعیت پارچه‌بافان و عوام (نامی که اشراف فرانسه به انقلابیون دادند)؛ افراد تجزیه‌طلب با زور و سرنیزه حاکم می‌شوند. جمهوری در طی عملیات ناحیه کرس از پا درمی‌آید.

۳۶

بازی‌های سیاسی جدیدی در فرانسه تدوین می‌شود،
پس از پیروزی اینسوبری‌ها ناحیه شامپانی:
در کوه‌های هسپریا، طومار بزرگان متفق در هم پیچیده می‌شود،
رومانی و اسپانیا از وحشت به لرزه درمی‌آیند.

پیروزی نظامی فرانسه زمان انقلاب کبیر و دوران امپراطوری.

۳۷

فرانسوی‌ها با خیزش به قلل نفوذ خواهند کرد،
قلمرو وسیع اینسوبری‌ها تسخیر خواهد شد،
در عمیق‌ترین استخوانش داخل خواهد شد،
جنوا و مونیخ نیروی سرخ را عقب خواهد راند.

فتح کشور ایتالیا توسط کشور فرانسه.

۳۸

در مدتی که دوک، پادشاه و ملکه را مشغول می‌سازد،

رهبر بیزانس به اسارت سوماترا[۱] درمی‌آید،
پیش از حمله یکی از آن دو دیگری را خواهد خورد،
سرکش تحت فشار قرار گرفته خطی از خون را دنبال خواهد کرد.

اختلافات، نبردهای داخلی، شورش‌ها، تجزیه در قلب امپراطوری عثمانی.

۳۹

ساکنین رودین[۲] درخواست کمک خواهند کرد،
به سبب سهل انگاری جانشینان، به خود واگذار می‌شوند،
امپراطوری عرب‌ها راه خود را مشخص می‌کند،
به سبب اهالی هیسپری[۳] موضوع از نو مطرح می‌شود.

اهالی یونان درخواست می‌کنند و شورش آنها توسط قدرت‌های غربی حمایت خواهد شد. از هم پاشی امپراطوری عثمانی.

٤٠

دژها تحت فشار محاصره قرار می‌گیرد،
با آتش باروت است که همه جا تخریب می‌شود،
تولیدکنندگان زنده به گور می‌شوند،
برای یوزپلنگ‌های گورکن زلزلهٔ چنین ترحم‌آور رخ نداده است

جهنم دژهای وردان، که با خمپاره‌ها و طوفانی از آتش بر پا شده و حمله‌هایی که به خندق صورت گرفت.

٤١

زاده در برج جوزا به سبب دشمنی گروگان گرفته می‌شود،
شب هنگام تأسف شدید خواهد شد،

---

۱. Sumothrace ۲. Rhodiens ۳. Hesperies

رهبر اردوگاه به خاطر مذاکره ناامید می‌شود،
بسوی مردم رفته، دیدن آن منظره رقت‌آور خواهد بود.

یقیناً به یک تسلیم مربوط است. امّا کدام تسلیم؟ آیا آتش‌بس آلمان در سال ۱۹۱۸ نیست و در عین حال می‌تواند مربوط به آتش بس سال ۱۹۴۵ هم باشد، یا اینکه مربوط به آتش‌بس ارتش فرانسه است که در ژوئن ۱۹۴۰ شبانگاه امضاء شده است.

٤۲

ژنو ـ لانکرس[۱] بدست اهالی نواحی شارتر و دُل
و توسط ناحیه گرنوبل[۲] در مونت‌لیمار[۳] اسیر می‌شود،
سیسیت[۴] و لوزان با جعل و سندسازی،
بخاطر شصت مارک طلا به آنها خیانت خواهند کرد.

سوداگری پولی توسط فرانسوهایی که دارایی‌های خود را در بانک‌های سویس انباشته‌اند؟

٤۳

غریو سلاح‌هایی که در آسمان می‌جنگند شنیده خواهد شد:
در آن سنه حتی ملکوت را دشمن می‌پندارند،
خواستارند که قوانین مقدّس با بی‌عدالتی به جدل کشیده شود،
با آذرخش و جنگ است که بسیاری از مؤمنین خواهند مرد.

نبردهای هوائی که شیوهٔ نظامی را کاملاً دگرگون خواهد کرد. کشتارهای دست جمعی.

٤٤

دو بخش بزرگ از منده،[۵] و روده،[۶] و میل‌هو[۷]،

---

۱. Langres
۲. Montlimad
۳. Montlimard
۴. Srysset
۵. Mende
۶. Roudes
۷. Milhau

کاهور،[۱] لیموکس،[۲] وکاستر[۳] هفته سختی را خواهند داشت
شب هنگام از جانب بردو موانع سختی خواهد رسید
از پری‌گورد[۴] آوای ناقوس به گوش خواهد رسید.

یک رباعی دیگر که به زبان پرونسال نوشته شده است. یقیناً مربوط به شمال غربی فرانسه است نواحی (لانگ دوک، اکی تن، پریکور)؛ امّا به چه حوادثی می‌تواند مربوط باشد؟

٤٥

پادشاهی، به سبب جنگ سرزمین را رها خواهد کرد،
بخاطر احتیاج یکی از بزرگترین رهبرها شکست خواهد خورد،
لجام را کم می‌کشد و از خطر رهایی خواهد یافت،
همگی از پا در می‌آیند، تنها یک نفر شاهد ماجرا خواهد بود.

سقوط ناپلئون (بزرگترین رهبر)، که او را شکست‌ناپذیر می‌پنداشتند.

٤۶

بسیار خوب دفاع کرده با عملیات بسیار مدبرانه،
ای شهر تور بر حذر باش از ویرانی بسیار نزدیکت،
رمس از لندن و نانت دفاع خواهد کرد،
به هنگام باران ریز شلاق‌وار، از آن محل فراتر نرو.

جنگ دوّم جهانی با اشاره به ویرانی وحشتناکی که در ماه ژوئن ۱۹۴۰ به تور وارد آمد.

٤٧

سیاه مضحک هنگامی که مورد آزمون قرار می‌گیرد
دستش با آتش و آهن زه کشیده کمان خونین می‌شود،

---

۱. Cahours   ۲. Limoge   ۳. Castrres   ۴. Perigort

بزودی مردم شدیداً متوحش خواهند شد،
با دیدن بالا دستی‌ها که از گردن و پاهایشان آویزان هستند.

شارل نهم که بسوی پروتستان‌ها تیراندازی کرد، از بالای بالکنی بر فراز ستون‌های کاخ لوور (قتل عام سن بارتلمی).

٤٨

جلگه حاصلخیز، و پهناور آنسونیا[۱]
خرمگس و ملخ بی شمار تولید خواهد کرد،
روشنی خورشید رو به باروری خواهد گذاشت،
کم‌کم همه چیز را از بین برده، طاعون مهلکی به‌بار خواهد آورد.

کاهش روشنی خورشید، بیماری مسری شیوع می‌یابد (دوران تاریک و مرموز).

٤٩

خون در حضور مردم ریخته خواهد شد،
که از فراز آسمان فراتر نخواهد رفت،
اگر چه زمانی دراز شنیده نخواهد شد،
تنها روح یک نفر است که شهادت خواهد داد.

قتل عامی که مسبب آن بمباران‌های هوایی جنگ جهانی دوّم بوده است.

۵۰

برج میزان سلطنت هسپریا را خواهد دید،
از آسمان و از زمین سلطنت را حفظ می‌کند،
در آسیا به هیچ وجه نابودی قدرت‌ها دیده نخواهد شد

---

۱. Ansonne

به طوریکه هفت به ترتیب سلسله مراتب جای نخواهد گرفت.
پیشرفت روزافزون، که در ابتدا قابل تشخیص نیست، استیلای آسیایی بخصوص چین کمونیست.

۵۱

دشمنِ دوک حریص او را دنبال می‌کند،
مانع شده تا پیاده نظام به درون داخل شوند،
با گام‌های پرشتاب چنان از نزدیک دنبال خواهند کرد،
که جنگ در نزدیکی گنگ[1] در عرض یک روز صورت می‌گیرد.
اعلام استقلال هندوستان: بر خورد خونین هندوها و مسلمان‌ها.

۵۲

در شهری که مردان و زنان به دیوارها خیره مانده‌اند،
دشمنان در خارج شهر و رهبر آماده است تا خود را تسلیم کند:
باد علیه ژاندارم‌ها شدیداً خواهد وزید،
آهک، گرد و غبار و خاکستر فرو خواهد ریخت.
آیا راجع به دیوار برلن است. که با بنای آن خواستند مانع فرار افراد به آلمان شرقی بشوند؟

۵۳

تبعیدیان و فراریان معزول می‌شوند،
پدران و پسران مهتر چاه‌های عمیق را ایجاد می‌نمایند،
پدر سفاک و کسانش خفه خواهند شد،
پسرش در سخت‌ترین شرایط در چاه جان خواهد سپرد.
عدم هماهنگی، کینه در میان رهبران انقلابی برقرار می‌شود.

---

۱. Gange

۵٤

از نامی که شایسته پادشاه فرانسه نمی‌باشد،
هرگز آذرخشی چنان ترس‌آور دیده نشده است،
ایتالیا، اسپانیا، انگلستان، را به لرزه در می‌آورد،
به بانوان خارجی توجه شایانی نشان داده می‌شود.

در مقابل ناپلئون اوّل، کشورهای ایتالیا، اسپانیا، و انگلستان به لرزه درخواهد آمد. (نیم بیت آخر) پس ار جدائی از ژوزفین، در صدد تجدید فراش با شاهزاده خانمی خارجی برآمد.

۵۵

در آن هنگام که کلاغ بر روی دیوار آجری می‌نشیند،
به مدّت هفت ساعت فقط جیغ خواهد زد:
با مرگی پیش‌بینی شده خونش مجسمه را رنگین می‌کند،
دیکتاتور مرده، ملت دست به دعا به درگاه خداوند برمی‌دارد.

مرگ خونین یک دیکتاتور است: موسلینی؟

۵۶

از پس پیروزی گروهی با زبان و آئین خاخام‌ها،
روح در آرامش و استراحت غوطه می‌خورد،
پیروزی خونبار به وسیله نطق انجام می‌شود،
زبان، گوشت، و استخوان در آتش کباب می‌شود.

بیت دوّم به قدرت رسیدن ژنرال دوگل (ماه مه ۱۹۵۸)؟

۵۷

پادشاه بزرگ دشمن بی‌سواد را تحمل خواهد کرد،
از دانشمندان حمایت خواهد کرد:
همسر او که قانونی نیست از جانب دیگری اغوا می‌شود،

علاوه بر این زوج، جفتی که قوی نیست، شکوه هم نمی‌کند.

بیت اوّل شاید به قوانین ناشیانه شارل دهم مرتبط باشد که باعث ایجاد انقلاب در سال ۱۸۳۰ شده. نیم بیت آخر مبهم است.

۵۸

خورشید سوزان گویی به حنجره می‌چسبد،
از خون انسان سرزمین اتروسک گلگون می‌شود:
رهبر آب‌های شور پسرش را پس می‌راند،
بانوی به اسارت در آمده به سرزمین ترکیه فرستاده می‌شود.

دو بیت اوّل کاملاً نمودار جنگ های شدید است که به سال ۱۸۴۴ در ایتالیای مرکزی صورت گرفته.

۵۹

در گرمای سوزان دو محاصره صورت می‌گیرد،
با دو فنجان لبالب تشنگی رفع می‌شود،
خنجر قوی و پیرمرد خیالباف،
هیولای نیرا[1] اثرات خود را در ژنو برجای می‌گذارد.

«پیرمرد خیالباف» آیا مارشال بازن در جزیره سن مارگریت نیست؟

۶۰

هفت کودک در گروگان را رها کنید،
سومین فرزند پسرش را خواهد کشت،
دو نفر بدست پسرش با شمشیر سوراخ خواهند شد،
قانون فلورانس، بر ضد جنوا خواهد بود.

هفت کودکی که گروگان‌گیری شده‌اند چه کسانی هستند؟

---

۱. Nira

۶۱

مرد پیر به استهزاء گرفته شده و از مقام خود معزول می‌شود،
توسط یک خارجی اغوا خواهد شد،
دستان پسرش در مقابل صورتش بلعیده می‌شود،
برادری در شارتر، اورلئان به روئن خیانت خواهد کرد.

سقوط پادشاه کهنسال شارل دهم. دوک دو اورلئان (لوئی فیلیپ آینده) که پاداش دسیسه‌بازی‌هایش را می‌گیرد.

۶۲

یک سرهنگ که با جاه‌طلبی دسیسه‌بازی می‌کند،
اختیار قسمت اعظم ارتش را به دست خواهد گرفت،
علیه شاهزاده‌اش به نیرنگ بازی متوسل می‌شود،
که کشف آن دغل بازی‌ها توسط تبار خودش خواهد بود.

کودتای نظامی علیه یک حکومت سلطنتی. آیا مربوط به ناصر نیست (انقلاب کشور مصر) یا قذافی (انقلاب لیبی در سال ۱۹۷۰)؟

۶۳

ارتش سلت‌ها علیه کوه نشینان،
کسانی که پیشاهنگ شده‌اند به دام خواهند افتاد:
دهقان‌ها و کوه‌نشینان در اجاق پخته می‌شوند،
تمامی آنان در زیر تیغه شمشیر انداخته می‌شوند.

مبارزه فرانسویان با کوه‌نشینان و دهقانان شورشی اسپانیایی.

۶۴

یک مرد مغلوب در جامه شهریاران،
پادشاه از توهین او وسوسه خواهد شد:

پانزده سرباز که اکثرشان دارای استاگوا[۱] هستند،
زندگی کرده و آخرین رهبر سوارکارانش است.

این فرد مغلوب در لباس بورژواها چه کسی می‌تواند باشد؟ شاید مربوط به «فیلیپ ـ اگالیته» باشد.

۶۵

یک سرباز فراری از یک دژ بزرگ،
پس از اینکه جایگاهش را ترک گفت،
رقیب‌اش شجاعت زیادی نشان خواهد داد،
امپراطور بزودی به مرگ محکوم خواهد شد.

نبرد واترلو باعث مرگ زودرسی خواهد شد که ناپلئون اوّل در جزیره سن هلن دستخوش آن می‌شود.

۶۶

زیر رنگ ظاهری هفت سر تراشیده،
کاشفین بذرهای مختلف خواهند پاشید،
چاه و چشمه با زهر آلوده خواهد شد،
با نیروی ژن‌ها[۲] بشریت را درنده‌خو خواهند کرد.

به سختی می‌توان تفسیر کرد، علیرغم وضوح جملات (غلط‌اندازی ارادی نستراداموس را متذکر می‌شویم).

۶۷

آنگاه که زحل و مریخ هم زمان بسوزند،
هوا به شدت خشک شده و ستاره دنباله‌دار،
با آتش مرموز مکان بزرگ ذوب می‌شود،

---

۱. Ustagois   ۲. Gennes

با باران اندک، هوای گرم، جنگ‌ها و چپاول‌ها.
بمباران هوائی، نبردهای کین‌توزانه.

۶۸

در مکانی بس عظیم که فاصله زیادی از زهره ندارد
دو نفر از بزرگترین رهبران آسیایی و افریقایی
که گفته خواهد شد از راین و هیستر آمده‌اند،
صدای ضجه و زاری در مالت و ساحل لیگوریا.
اتحاد بین هیتلر و ژاپنی‌ها.

۶۹

تبعیدیان اختیار شهر بزرگ را به دست خواهند گرفت
شهروندان مرده، کشته شده و بیرون رانده خواهند شد،
ساکنین اگوالیا[۱] به اهالی پارم[۲] وعده خواهند داد،
راه ورودی را نشان دهند از جایی که شناخته شده نیست.
اختلافات و نیروهای ایتالیای شمالی، طی دوران احتضار «جمهوری سوسیالیستی کشور ایتالیا» که موسلینی آن را تأسیس کرده بود پس از برانداختن سلطنت.

۷۰

کاملاً در جوار کوه‌های پیرنه[۳] است،
یک نفر علیه عقاب لشکر بزرگی را مهّیا می‌کند،
راه‌ها باز شده، قدرتها نابود خواهند شد،
تا آنجا که فرمانده تا نزدیکی پو رانده خواهد شد.
جنگ اسپانیا، قدرت نظامی «عقاب» را متزلزل خواهد کرد.

---

۱. Aquilee　۲. Parme　۳. Pyrenees

۷۱

به جای همسر، دخترها به خودکشی وادار می‌شوند،
قتل غیر عمد، بهیچ وجه موهوم پرستی نیست،
اندرون چاه‌ها آنها را غرق می‌سازند،
همسر با زهری خالص و قوی کشته شد.

خانواده سلطنتی روسیه در شهر ایکاترینبور قتل عام شدند (۱۹۱۸)؟

۷۲

آرتومیک‌ها[۱] توسط نماینده استور[۲]،
مجلس آنان در سن فلیکس[۳] برگزار خواهد شد:
مردمان بازا[۴] به بدبختی گرفتار خواهند شد،
کوندون[۵] و مارسان[۶] را فوراً خواهند گرفت.

این رابطه بین اکی‌تن و کلمه اتومیک آیا مربوط به سلاح‌های هسته‌ای است. و آیا ساختن یک نیروگاه بزرگ اتمی و یک کنگره جهانی آینده می‌باشد؟

۷۳

برادر زاده مرد بزرگ اجباراً تائید خواهد شد،
حاکم بزرگ دارای قلب سستی خواهد شد،
نواحی فرار و آست، دوک را خواهند آزمود،
شب هنگام با لباس مبدّل خارج خواهد شد.

مربوط به ناپلئون سوّم (برادرزاده ناپلئون اوّل).

۷۴

از دریاچه لمان و اهالی برانونیس[۷] تماماً

---

۱. Artomiques ۲. Estore ۳. Saint felix ۴. Bases
۵. Condon ۶. Marsan ۷. Brannonices

بر ضد اهالی اکی‌تن مجتمع خواهند شد،
به همراهی مجمع بشردوست واکنش‌هایی خواهند داشت.

نمی‌توانیم ناگهان سویس را جنگ‌جو و متجاوز به اگی‌تن مجسم کنیم! نستراداموس در دوره‌ای زندگی می‌کرده که از سربازان مزدور سویسی در بهترین ارتش‌ها استفاده می‌شده ـ آیا او سویسی‌ها را با آلمان اشتباه نگرفته است (ژوئن ۱۹۴۰)؟

۷۵

آماده جنگ است که تصفیه انجام می‌پذیرد،
رهبر مخالف قدرت را به دست می‌گیرد:
نیروی پشتیبان دفاع خواهد کرد،
افراد مغلوب در سرزمین سفید جان می‌سپارند.

برنادت بر ضد ناپلئون قد علم می‌کند، و ارتش سوئد را در خدمت متحدین قرار می‌دهد.

۷۶

افراد نیکتوبریژ[۱] توسط اهالی پریگور[۲]
به دردسر خواهند افتاد، به تقریب رزن را خواهند گرفت،
متحد گاسکونی[۳] و به گورن[۴]،
به معبد خیانت می‌کند، کشیش سرگرم تشریفات خویش است.

می‌توان به جنگ‌های مذهبی مرتبط دانست (پایان قرن شانزدهم) که در جنوب غربی کشور انجام گرفته است.

۷۷

سلین فرمانروای صلح‌طلب ایتالیا،

---

۱. Nictobriges ۲. Perigort ۳. Gascons ۴. Begorne

با اتحاد حکومت‌ها و با تشکیل سلطنت جهانی مسیحیت،
در بستر مرگ مایل است که در سرزمین جنگجویان بخواب رود
از آن پس گازهای سمی از آب زدوده خواهد شد.

شاید بتوان موضوع را به ناپلئون و یا به سلطان بزرگ آینده مربوط کرد.

۷۸

ارتش عظیمی از نیروهای کم سن و سال مردمی،
ویژه شبانه در میان خارجی‌ها پیدا می‌شود،
هفتاد و نه نفر در شهر کشته خواهند شد،
خارجی‌ها همه به ضرب شمشیر از پای در می‌آیند.

جنگ داخلی اسپانیا. حکومت مادرید.

۷۹

خون سلطنتی مونهورت،[۱] ماس،[۲] اِگوییون[۳] را فرا می‌گیرد،
اهالی بردو و لند را لبریز خواهد کرد،
در منطقه ناوار و بیگور[۴] انگیزه حرکت انجام می‌گیرد،
قحطی شدید پیاز بلوط لیژ[۵] را با اشتیاق می‌خورند.

اشغال آلمان در ژوئن ۱۹۴۰، که مردمان بردو و لند از آن در امان نماندند.

۸۰

نزدیک شط بزرگ، کودال عمیق، زمین کهنسال
آب به پانزده بخش تقسیم می‌شود:
شهر تسخیر شده، آتش، خون، فریاد جنگ از راه می‌رسد،
برخوردی در بخش بزرگتر صورت می‌گیرد.

---

۱. Monhurt ۲. Mas ۳. Eguillon ۴. Bygorre ۵. Liege

این رباعی ظاهراً پیش‌بینی مربوط به تصرف خونین، و آتش‌سوزی رُم می‌باشد.

۸۱

شتابان پلی از زورق‌ها ساخته می‌شود،
تا ارتش شاهزاده والامقام بلژیکی عبور کند:
در عمق ونه چندان دورتر از بروکسل [۱]،
بر ورای آن می‌گذرید و هفت نفر را با نیزه زخمی می‌کنید.

استیلای بلژیک توسط ارتش آلمان (مربوط به ۱۹۱۴ و یا ۱۹۴۰).

۸۲

توده‌ای از مردم اهل اسلاونیا [۲] نزدیک می‌شوند،
اُلستان [۳] کهن سال شهر را خراب خواهد کرد:
با تأسف رومانی خود را خواهد دید،
سپس نخواهد فهمید که آتش بزرگ خاموش شده است.

اسلاونیا، سرزمین اسلاوها. تفوق روسیه در ناحیه بالکان. منظور از اُلستان کهنسال آیا استالین نیست، با هدف‌های کشورگشایی - تسلط کامل یافته بود.

۸۳

ناخدای شجاع شبانه به جنگ می‌پردازد،
مغلوب شده فرار نموده قلیلی از افراد به کیش باقی می‌مانند
ملتش به حرکت در آمده، با شورشی که پوچ نیست
پسرش او را به محاصره در می‌آورد.

اعتراف می‌کنیم که نتوانستیم پسری که پدرش رامحاصره کرده‌بشناسیم.

---

۱. Brucelles   ۲. Esclavonie   ۳. Olestant

۸٤

مرد بزرگی از اوکسر[1] در فقر بسیار جان می‌سپارد،
از سوی کسانی که زیردستان او بودند رانده می‌شود:
با زنجیر سپس با ریسمانی محکم بسته می‌شود،
در سالی که مریخ، زهره و خورشید در شرق در اقتران هستند.

پایان غم‌انگیز یک شخصیت والا. متولد شهر اوکسر.

۸۵

کربن سفید با گرم شدن سیاه خواهد شد،
زندانی را با ارابه حمل خواهند کرد:
شتر روی پاهای در هم پیچیده می‌میرد،
آنگاه که فرزند کهتر هنگام پگاه آب را می‌شکافد.

آشکارا این رباعی مربوط به کیمیاگری است.

۸۶

در سالی که زحل با آب مقارن خواهد شد،
با آن کسی که چون خورشید، پادشاه قوی و نیرومندی است،
در رمس و اکس پذیرفته خواهد شد و تدهین شده،
پس از پیروزی بی‌گناه به قتل خواهد رسید.

پادشاه قوی و نیرومند آیا سلطان بزرگ نیست؟

۸۷

یکی از پسران پادشاه که علوم مختلفی را آموخته است،
برخلاف پسر ارشدش حکومت می‌راند:
پدرش بیهوده به بزرگترین پسر وابسته است،

---

۱. Auxerre

متّحد اصلی را نابود خواهد کرد.

افراد پارتیزان خواهانِ بقای لوئی هفدهم، این رباعی را چنین تفسیر نموده‌اند، و به عنوان دسیسه چینی های لوئی هجدهم قلمداد کرده‌اند، که به آن وسیله توانست بطور غیر قانونی بر تخت سلطنت بنشیند.

۸۸

آنتوان بزرگ از نامی که نفرت ایجاد می‌کند،
از فه‌تی‌یاز[۱] در آخرین بحران ذلتش:
آن که مثل سرب و خواستار حرص و آز است،
در هنگام گذر از دروازه انتخابی غرق شده بود.

۸۹

از لندن سی نفر مخفیانه دسیسه‌چینی خواهند کرد،
علیه پادشاهشان، در روی پل نقشه را اجرا می‌نمایند:
سرنوشت مرگ وحشتناکی برایش در نظر گرفته است،
شاه مو طلائی متولد فریز[۲] انتخاب می‌شود.

انقلاب ۱۶۸۹ انگلستان: جانشینی ژاک دوّم، استوارت به وسیله گیوم دو رانژ.

۹۰

دو لشگر در پای دیوارها نخواهند توانست به هم ملحق شوند
در آن لحظه میلان و تیسن[۳] به لرزه در خواهند آمد:
گرسنگی، عطش، شک و تردید شدید بر آنها فشار خواهد آورد
گوشت، نان، نه وسیله معاش حتی مهمات هم نخواهند داشت.

کمبود وحشتناک مواد غذائی در ایتالیای شمالی، در هنگام نبردهای

---

۱. Phthyriaise
۲. Frize
۳. Ticin

سال‌های (۱۹۴۴ - ۱۹۴۵).

۹۱

دوک فرانسوی ناگزیر می‌شود در دوئلی به مبارزه برخیزد،
کشتی ملل[۱] مونیخ نزدیک نخواهد شد،
به ناروا متهم شده، به حبس ابد محکوم می‌شود،
پسرش تلاش می‌کند تا پیش از مرگش به حکومت برسد.

پسر دوک دو اورلئان است، «فیلیپ اِگالیته» که در سال (۱۸۳۰) در رویای رسیدن به تاج و تخت بود.

۹۲

سر بریده شده کاپیتان شجاع،
در پیش پای رقیبش انداخته خواهد شد:
و جسد او بر دکل کشتی آویخته خواهد شد،
با آشفتگی فرار می‌کند و در جهت مخالف باد پارو خواهد زد.

سرنوشت غم‌انگیز یک ژنرال بزرگ؟

۹۳

درکنار تخت پادشاهی، ماری دیده می‌شود،
دست زنی درکار است، شب سگ پارس نخواهد کرد:
آنگاه در فرانسه شاهزاده‌ای فوق‌العاده شاه‌وار زاده خواهد شد،
از آسمان فرود آمده تمام شاهزادگان ناظر خواهند بود.

آیا قتل عام سلطان بزرگ آینده نیست؟

---

۱. Mellele

۹٤

دو برادر بزرگ از اسپانیا رانده خواهند شد،
پسر ارشد در دامنهٔ کوه‌های پیرنه شکست خورده:
دریا، و رزن از آلمان تا لمان از خون سرخ می‌شود،
شهرهای ناربون، بلی‌تر[1] و آگات[2] آلوده شده است.

از هم پاشی جمهوری اسپانیا که به عنوان مقدمهٔ تهاجم به فرانسه در نظر گرفته می‌شود.

۹۵

حکومت به دو نفر واگذار می‌شود کوتاه زمانی حفظ کرده
پس از سه سال و هفت ماه جنگ آغاز خواهد شد
دو کشور باکره بر ضد آنها سر به شورش بر می‌دارند،
سپس پیروزی در سرزمین ارمنستان پیاده می‌شود.

سومین جنگ جهانی به مدّت سه سال و هفت ماه طول خواهد کشید، آخرین نبرد بزرگ آن در کشور ارمنستان خواهد بود.

۹۶

خواهر ارشد جزایر بریتانیا،
پانزده سال پیش از برادر متولد شده است:
با شرط آنکه تعهداتش بررسی شود،
جانشین حکومت میزان خواهد شد.

خواهر ارشد جزایر بریتانیا: آیا نستراداموس خواسته کشور آمریکا را مشخص کند (با وارونه کردن کلمه رابطه فامیلی).

---

۱. Blyterre ۲. Agath

۹۷

در سالی که عطارد، مریخ، زهره به قهقرا بازگشته‌اند،
خط مشی سلطان بزرگ شکست‌ناپذیر است:
درنزدیکی گاگدول[1] منتخب مردم به روال عادی حکومت می‌کند،
که از شدّت سکون حکومت فرسوده خواهد شد.

چه کسی میتواند باشد؟ آیا ژنرال دو گل (گاگدول است)؟ یا سالازار (بازی با کلمه «لوزیتان»،[2] اهل پرتقال)؟ یا سلطان بزرگ آینده می‌باشد؟

۹۸

مردم آلبانی درون رُم گذر خواهند کرد،
بواسطه سستی آنها نیمی از مردم لانگرس آلوده می‌شوند،
مارکی و دوک هیچ کس را نخواهند بخشید،
آتش، خون، آب‌ها آلوده شده، نابودی گندم‌ها.

مردم آلبانی با وجود شجاعت‌شان توانایی تسخیر رُم و فرانسه را نخواهند داشت! شاید لازم باشد چنین بیندیشیم که شاید نستراداموس می‌خواسته اهالی آلمان را در سال ۱۹۴۰ ترسیم کند ـ یا مردم انگلستان که فاتح بر ناپلئون بوده‌اند (۱۸۱۴ ـ ۱۸۱۵).

۹۹

پسر بزرگ و شجاع دختر پادشاه،
سلت‌ها را به شدت به دوردست خواهد راند،
گویی صاعقه‌ها فرو می‌آید، و بسی خشم برمی‌انگیزد،
اندک و دور، آنگاه عمیق است جزایر هسپریک.

ارتش فرانسه از اسپانیا بیرون رانده شدند.

---

۱. Gagdole   ۲. Lusitain

۱۰۰

آتش از آسمان بر فراز کاخ سلطنتی،
در آن هنگام که روشنائی مریخ رو به کاستی خواهد گذارد،
جنگ عظیم هفت ماهه، مردم از بلایای شیطان جان می‌سپارند،
روآن[۱] اوزوکس[۲] پادشاه شکست نخواهد خورد.

تسخیر کاخ تویلری و به آتش کشیدن آن. نرماندی در سال ۱۷۹۳ بر ضد ژاکوبن‌ها سر به شورش برداشت (شورش سران ملوک‌الطوایفی).

---

۱. Rouan ۲. Evreux

سده پنجم

۱

بیش از اینکه فنای قوم سلت فرا رسد،
دو نفر درون معبد به مذاکرات صلح خواهند پرداخت،
یکی از آنها حین اسب سواری، خنجری به قلبش فرو می‌رود،
بی سر و صدا، مرد بزرگ را به خاک خواهند سپرد.

سقوط جمهوری سوّم (شکست ماه ژوئن ۱۹۴۰).

۲

هفت توطئه‌گر در ضیافتی برق سلاح‌شان به چشم می‌خورد،
علیه سه نفر شمشیر می‌کشند که آسیب نمی‌رساند:
یکی از دو ارتش به فرمان مرد بزرگ رهبری خواهد شد،
آنگاه در ماه مه، آخرین نفر به پیشانی او تیر شلیک می‌کند.

در تاریخ ۱۳ ماه مه سال ۱۹۵۸ میلادی در الجزایر: ژنرال دو گل (مرد بزرگ) از یک توطئه میرهد. و نیز شاید مربوط به قتل یک رئیس جمهور آینده باشد، که با شلیک یک گلوله در وسط پیشانی‌اش کشته می‌شود.

۳

جانشین به دوک نشین خواهد آمد
جایی که بسیار دورتر بر ورای دریای توسکانی است:
فرانسویهای سفید فلورانس را حفظ خواهند کرد،

در دامنه‌اش، پیمان کشتی‌رانی ران[۱] انجام می‌پذیرد.
تسخیر سراسر ایتالیا توسط بناپارت.

٤

سگ بزرگ از شهر رانده می‌شود،
از اتّحاد خارجی خشمگین خواهد شد،
پس از آن که گوزن از مزارع رانده شد،
گرگ و خروس نسبت به یگدیگر بی اعتماد خواهند شد.

اتحادی که مورد قبول عامه نیست (اتحاد خارجی) در دوران جنگ جهانی دوّم، بین کشور آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رابطه صلح‌جویانه بر قرار شد، که خیلی زود پس از پیروزی در سال ۱۹۴۵ میانه‌شان شکرآب شد.

۵

زیر حجاب دروغین از بین بردن بردگی،
مردم راه افتاده، شهر را خود غاصبانه تصاحب می‌کنند:
بدترین خطا را روسپی جوان مرتکب خواهد شد،
به میدان رفته و به غلط رجز می‌خواند.

به دست گرفتن قدرت توسط انقلابیون (۱۷۹۲).

۶

شاه پیشگویان دستش را بر روی پادشاه می‌گذارد،
برای صلح در ایتالیا دست به دعا بر خواهد داشت:
عصای سلطنتی به ید قدرت چپ تغییر مکان خواهد داد،

---

۱. Rane

پس از مقام پادشاهی به امپراطور صلح طلب مبدّل خواهد شد.
ناپلئون سوّم مدافع یکپارچگی ایتالیا بود.

۷

در تریمویر[۱] استخوانهایی را پیدا خواهند کرد،
در ژرفا به جستجوی گنج معمایی هستند،
دیگر ساکنین محلی اطراف روی آسایش نخواهند دید،
این حفره مرمری که سرب اندود می‌باشد.

این تریمویر چه می‌تواند باشد؟ یکی از «سه اَبرقدرت» در جنگ جهانی دوّم.

۸

آتشبارهای سوزان، مرگ پنهان پیش می‌آید،
درون اجسام کروی وحشت طاقت فرسا حاکم است،
شبی از کشتی مواد منفجره پرتاب شده،
شهر را به آتش کشیده، و اوضاع به نفع دشمن خواهد بود.

بمباران‌های هوائی وحشتناک جنگ جهانی دوّم.

۹

قوس بزرگ تا ژرفای ویران می‌شود،
به وسیله رهبر اسیر دوست مساعدت شده:
از بانویی فرزندی با پیشانی و صورت پشم آلود متولد می‌شود،
آنگاه دوک با حیله‌گری به چنگال مرگ می‌افتد.

فاجعه سدان (۱۸۷۰)، اسارت ناپلئون سوّم.

---

۱. Triumvir

۱۰

یک رهبر سلتیک در نبردی زخمی شده،
در کنار سرداب با ناتوانی ناظر مرگ خود می‌باشد:
خون، جراحت، و دشمنی که فشار وارد می‌آورد،
و بدست چهار ناشناس کمک‌هایی صورت می‌گیرد.

آیا ناپلئون اوّل است ؟

۱۱

یقیناً خورشیدی‌ها از دریا گذر نخواهند کرد،
آنانیکه از زهره هستند تمام افریقا را در دست می‌گیرند:
زحل دیگر حکومت آنان را به تصرف در نخواهد آورد،
و بخش آدریاتیک را تغییر خواهد داد.

افراد زهره ممکنست مسلمان‌ها باشند (که روز جمعه را تقدّس می شمارند، «روز زهره»)؟ این رباعی شاید مربوط به اتحّاد اعراب معاصر باشد.

۱۲

در کنار دریاچه لمان هدایت خواهد شد،
از سر لطف، شهر خارجی خواستار خیانت است:
پیش از مرگش به اوسبورگ[1] با همراهان بزرگ،
و کسانی که اهل راین هستند آنجا را به تصرف در می‌آورند.

تفسیر کلمه به کلمه این رباعی ظاهراً پوچ به نظر می‌آید (اشغال کشور سویس توسط نیروهای آلمانی): آیا نسترادادموس امکانی را دیده بود که تحقق نمی‌یافت؟ در سال ۱۹۴۱، هیتلر در فکر تسخیر کنفدراسیون سویس بوده. امّا می‌تواند مربوط به تهاجم آینده به سویس باشد، طی جنگ جهانی سوّم.

---

۱. Ausbourg

۱۳

با خشمی بسیار پادشاه رومی‌الاصل بلژیک
به دردسر افتاده از سربازان بربر روی می‌گرداند:
زُم در خشمی فشرده مردم لیبی را خواهد راند
از راه پانون تا جبل‌الطارق.

در پایان جنگ جهانی سوّم، شکست در هنگری، بعد از فتح اروپا بدست مسلمانان.

۱٤

زحل و مریخ در برج اسد، اسپانیا به بند کشیده شده
توسط فرمانروای لیبی که به دام جنگ افتاده،
در نزدیکی مالت[1] هردد[2] زنده دستگیر می‌شود،
و عصای سلطنتی زُم توسط خروس ضربه خواهد خورد.

کشورگشائی بناپارت. تهاجم فرانسویان به متعلقات قلمرو پاپ، به قدرت موقت پاپ خاتمه می‌دهد.

۱۵

پاپ اعظم به هنگام سفر دریائی به اسارت درآمد،
روحانیون پرهیاهو بر اثر خشونت زیاد درمانده می‌شوند:
منتخب دوّم غایب است و اموال او کاستی می‌یابد،
سوگلی نامشروعش به دست مرگ سپرده شده.

کاملاً اعتراف داریم که قادر نیستیم بدانیم، این اشعار به کدام حوادث می‌تواند مربوط باشد، با وجودی که بیت اوّل شاید به پاپ پی چهارم مربوط باشد که توسط نیروهای بناپارت به اسارت برده شد.

---

۱. Malthe   ۲. Heredde

۱۶

در بالاترین درجه اسارتش غیر از اندوه آتش‌پرست،
گوشت بشریت با مرگ در خاکستر گذاشته می‌شود
در جزیره فاروس[۱] با جنگ‌های صلیبی به اغتشاش می‌افتد،
حال آنکه در رود[۲] با تشانه‌های هولناکی ظاهر خواهد شد.

عملیات نظامی در مدیترانه، در طول مدّت جنگ جهانی سوّم.

۱۷

شبی پادشاهی نزدیکی اندرون[۳] گذر خواهد کرد،
مردمانی از قبرس و در کمین‌گاه اصلی:
پادشاه ورشکسته شده، سراسر کنارهٔ رزن را در اختیار داشت،
خائنین او را به مرگ خواهند سپرد.

اعدام لوئی شانزدهم ؟

۱۸

مرد سوگوار از شدّت اندوه جان خواهد سپرد،
قتل عام شفاف خود را جشن خواهد گرفت:
قوانین گذشته، احکام آزاد نگاشته می‌شود.
در هفتمین روز دیوار فرو ریخته و شاهزاده سقوط خواهد کرد.

سقوط حکومت پادشاهی (تابستان ۱۷۹۲).

۱۹

سلطان بزرگ طلایی، که سنگدلی‌اش فزونی یافته،
پاشا در هم می‌شکند، بدست مرد جوانی که آغازگر جنگ است:
ملّت از دست رهبر مرثیه ساز به پریشانی دچار می‌شوند،

---

۱. Pharos ۲. Rhodes ۳. Andronne

خون بربرها زمین را خواهد پوشاند.
ناپلئون اوّل و حکومت جنگ افروزش.

۲۰

از آنجا ارتش بزرگ از کوه‌های الپ گذر خواهد کرد،
کمی پیش از آن هیولای بدکنشی زاده خواهد شد:
به نحوی معجزه‌آسا و ناگهانی اوضاع تغییر پیدا می‌کند
توسکانی بزرگ در محل خود، پیش از این پایدار نخواهد ماند.
استیلای بناپارت به ایتالیا (معبر سن برنارد کبیر).

۲۱

با مرگ فرمانروای سرزمین لاتین،
آنانی که در زمان حکومت وی یاری شده‌اند:
آتش برافروخته شده، غنائم تقسیم می‌شود،
کشتار جمعی برای تمام تاراج‌گران گستاخ.
این فرمانروای کشور لاتین که به مرگ سپرده می‌شود بنظر ماموسلینی است.

۲۲

پیش از آن که ابرمرد در رم جان بسپارد،
ارتش خارجی دچار وحشت شدیدی می‌شود:
به دست گردان‌های مزدور در نزدیکی پارم[1] به دام می‌افتد،
سپس دو گروه سرخ با یکدیگر روابط نزدیک برقرار خواهند کرد
تهاجم نظامی به کشور ایتالیا پس از مرگ یک پاپ؟ آیا منظور از دو گروه سرخ کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و چین کمونیست نمی‌باشند؟

---

۱. Parme

۲۳

دو قاره با یگدیکر متّحد خواهند شد،
آنگاه اکثریت مقارن با مارس خواهند شد:
مرد بزرگ افریقایی از ترس به لرزه در می‌آید،
دوم‌ویرا[۱] توسط ارتش ملحق از هم پاشیده می‌شود.

مصالحه کشورهای آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که توافق در تقسیم برتریت جهانی بود؟ بیت آخر شعر شاید به اتحاد سرهنگ قذافی با جماهیر شوروی سوسیالیستی مربوط باشد.

۲۴

ستاره زهره حکومت قانون را بر پا می‌کند،
زحل بر مشتری حاکم خواهد شد:
قانون با بر آمدن خورشید حکم‌فرما می‌شود،
زحل متحمّل شدیدترین سختی‌ها خواهد شد.

توصیف نوعی اقتران نجومی است که در آن زحل نقش اساسی را بازی می‌کند.

۲۵

شاهزاده عرب، مریخ، خورشید، ناهید، شیر،
حکومت کلیسا از طریق دریا از پا در خواهد آمد:
از جانب ایران کاملاً بیش از یک میلیون،
پرهیزکار به بیزانس و مصر به سوی شمال هجوم خواهند آورد.

سقوط امپراطوری عثمانی طی نبرد دریائی، رهبر فاتحین مسلمان جان می‌سپارد (سومین جنگ جهانی).

---

۱. Duumvirat

۲۶

گروه بردگان طی زمانی جنگ‌افروزی می‌نمایند،
به درجه و مقام بسیار والا خواهند رسید:
شاهزاده را عوض نموده، یک شهرستانی زاده خواهد شد،
نیرویی از دریا گذر نموده تا کوهستان بالا می‌رود.

جلوس بناپارت.

۲۷

بواسطه آتش و اسلحه نه چندان دور از دریای سیاه،
نیروهای ایران برای اشغال ترابوزان[۱] حرکت می‌کنند:
فاروس،[۲] متلن،[۳] سرزمین الگرو[۴] را به لرزه در می‌آورد،
خون نژاد عرب آدری[۵] آب را خواهد پوشاند.

جنگ مرگ‌آفرین در سراسر خاور میانه.

۲۸

بازوان آویزان به پاها بسته شده،
چهره رنگ پریده، خنجری در سینه نهان شده است:
سه نفر هم پیمان، سوگند یاد کرده‌اند،
با اسلحه بسوی بزرگ جنوا[۶] حمله خواهد شد.

اعدام موسلینی بر دار کشیدن جسدش.

۲۹

آزادی دو باره بدست نخواهد آمد،
با تباهی، غرور و بیدادگری اشغال خواهد کرد،
در آن هنگام که انگیزه اسقف آشکار خواهد شد،

---

۱. Trebisonde ۲. Phato ۳. Methelin ۴. Alegro
۵. Adrie ۶. Gennes

هیستر، از جمهوری ونیز به دردسر خواهد افتاد.
برقراری قدرت نازی (هیستر = هیتلر است).

۳۰

برج در شهر بزرگ،
سربازان در نزدیکی مزارع و شهر اسکان می‌یابند:
دستور حمله به پاریس داده شده، رُم بسیج می‌شود،
در قلمرو پاپ چپاول بسیاری انجام می‌گیرد.

محاصره پاریس (۱۸۷۰). تسخیر رُم (در همان تاریخ) توسط نیروهای پادشاه ویکتور امانوئل دوم.

۳۱

در سرزمین آتیک[1] رهبری فرزانه،
که در حال گل رُز تمام جهان می‌باشد:
مقر پاپ و جاه و جلالش از بین رفته
بطور ناگهانی همه چیز در آب غرق خواهد شد.

تخریب پاریس طی جنگ جهانی سوّم.

۳۲

جائی که همه چیز نیکو است، همه جا در نور خورشید و ماه،
رها کرده شده، ویرانیش نزدیک است:
از آسمان است که سرنوشت تو ناگهان رقم زده می‌شود،
در همان وضعیت که صخره هفتم می‌باشد:

برای برخی از تحلیل‌گران، این رباعی به عنوان پیش‌بینی تخریب آینده پاریس است یا ویرانی شهر رُم، توسط بمباران‌های هوایی. امیدواریم

---

۱. Attique

که اشتباه کرده باشند.

۳۳

سرکردگان گردنکش شهر شورشی،
که به شدّت جهت کسب آزادی قیام خواهند کرد:
سرشان را از بدن جدا خواهند کرد آمیخته با جنجال،
در شهر نانت دیدن فریاد، و ضجه‌ها ترحم‌انگیز است.

اختلاف و جنگ داخلی کشور فرانسه در دوران حکومت وحشت یا ترور (۱۷۹۳ - ۱۷۹۴) مغرقین مردمان نانت.

۳۴

از اقصی نقاط غرب کشور انگلستان،
جایی که رهبر جزیره بریتانیا مستقر است:
کشتی از طریق بلوا به ژیروند[۱] وارد خواهد شد،
که چلیک‌های پر از شراب و نمک، مواد آتش‌زا در آن پنهان شده

آزادی فرانسه بدست آمریکایی‌ها، که از دورترین نقطه غرب انگلیس آمده‌اند.

۳۵

توسط شهر آزاد در دریای بزرگ سلین،
که بار دیگر درونش سنگ حمل می‌کند،
کشتی در زیر باران شلاق‌وار با نگرانی خواهد رسید
شاخه‌ای بدست می‌گیرد، یکی از سران جنگ را آغاز می‌کند.

کشور آلمان شهر آزاد را تصرف می‌کند (شهر آزاد) شهر دانتزیک است: سرآغاز جنگ جهانی دوّم.

---

۱. Gyronde

۳۶

خواهری که نسبت به برادر متعصب است،
شبنم را با مواد معدنی مخلوط خواهد کرد:
در جفت جنین یک سالخورده عقب مانده حمل می‌شود،
اسب قوی و ساده و روستائیش جان می‌سپارد.

این رباعی دارای مفهوم کیمیاگری است.

۳۷

پیمان و موافقت به سیصد خواهد رسید،
که جهت رسیدن به اهدافشان لازم است.
بیست ماه از پس تمامی توافق‌ها،
پادشاهشان با تظاهر به تنفر راه خیانت را در پیش می‌گیرد.

لوئی شانزدهم محکوم به مرگ توسط حکومت انقلابی.

۳۸

پس از مرگ سلطان بزرگ جانشین او خواهد شد،
زندگی توأم با بی‌عفتی و شهوت‌رانی را رواج می‌دهد،
به سبب اهمال‌کاری به همه چیز تن در می‌دهد،
که در پایان قانون سالیک لازم الاجرا خواهد بود.

لوئی پانزدهم، که دو نقطه ضعیف داشت، یکی اهمال‌کاری، دیگری ضعف در برابر محبوبه‌هایش.

۳۹

از شاخه اصلی گل سوسن خواهد روئید
به عنوان وارث اترویی[1] جای خواهد گرفت:

---

۱. Hetrorie

خون او سلالهٔ، دراز دست از خانواده کهن می‌باشد،
از شجره‌نامه‌اش فلورانس را شکوفا خواهد کرد.
ایجاد سلطنت در اتروری توسط ناپلئون اوّل.

٤٠

خون سلطنتی فزون از اندازه مخلوط می‌شود،
هسپری فرانسوی‌ها را زیر فشار خواهد گذاشت:
در انتظار سپری شدن دوران خدمت خواهد ماند،
و حتی یادوارهٔ صدایش نیز خاموش می‌گردد.
سلطنت ماه ژوئیه.

٤١

در ظلمات و روزی شب‌واره زاده شده،
به سلطنت خواهد رسید و سلطانی مهربان است:
خونش سبب ساز حیات مجدد آراء باستانی خواهد شد،
در عصر فلزات قرن طلائی را احیاء می‌کنند.
سلطان بزرگ آینده، که سلسه اجدادیش را احیاء می‌کند.

٤٢

مارس در بالاترین برج خود صعود کرده،
الوبروکس[1] فرانسه را وادار به عقب‌نشینی می‌کند:
و ساکنین لومباردی[2] را دچار وحشت عظیمی خواهد کرد،
آنان که متعلق به عقاب‌اند تحت اختیار میزان قرار می‌گیرند.
شکست فرانسه در ماه‌های مه و ژوئن سال ۱۹۴۰ میلادی.

---

۱. Allobrox   ۲. Lombarde

٤٣

نابودی شدید نهان‌کاری‌ها زیاد دور نیست
نواحی پروانس، ناپل، سیسیل، سیز،[۱] و پونس[۲]،
درکشور آلمان، در خاک راین و کولونی،
توسط اهالی ماگونس[۳] تا سرحد مرگ به دردسر می‌افتند.

استیلا بر ایتالیا و سپس آلمان توسط متفقین (۱۹۴۴ - ۱۹۴۵).

٤٤

به دست دزدان دریایی سرخ در دریا اسیر می‌شود،
توسط او صلح به خطر می‌افتد:
به وسیله ارتکاب تقدس‌نمایی خشم و آزش آشکار خواهد شد،
در قلمرو پاپ ارتش مضاعف خواهد شد.

انقلاب کمونیستی اکتبر سال ۱۹۱۷ و گسترش جهانی آن.

٤٥

بزودی امپراطوری بزرگ به دردسر خواهد افتاد،
به نزدیکی جنگل ارذن[۴] منتقل خواهد شد،
بزرگتر سر دو فرزند نامشروعش را از بدن جدا خواهد کرده،
و انوبارب[۵] بر بینی عقابی حکمرانی خواهد کرد.

سرنگونی شاه ایران بدست آیت‌الله خمینی.

٤٦

کلاه قرمزها جدال کرده و آئین تازه‌ای تشکیل می‌دهند،
در آن هنگام که فردی از سابین[۶] برگزیده می‌شود:
علیه او سفسطه‌های بی‌پایان خواهد شد،

---

۱. Seez ۲. Ponce ۳. Magonce ۴. Arduenne ۵. Aenobarb
۶. Sabinois

رُم بدست فردی از آلبانی مورد اهانت قرار می‌گیرد.
انتخاب ژان پل دوّم، به عنوان اولین پاپی انتخاب شده است که در طول قرنها ایتالیایی نیست.

٤٧

مرد والامقامی از تبار عرب بزودی به پیش خواهد تاخت،
از سوی اهالی بیزانس به او خیانت خواهد شد:
از شهر قدیمی رودس[۱] به پیشواز او خواهند آمد،
از جانب مجارستانی‌ها متحمل آزار بسیار می‌شوند.
رهبر فاتحین مسلمان (جنگ جهانی سوّم) که موفقیت زیادی کسب میکند، اما توسط روس‌ها به او خیانت می‌شود، عاقبت به وسیله کشور مجارستان مغلوب می‌شود (پانونی).

٤٨

پس از اندوه عظیم به عصای سلطنت،
دو دشمن به دست یکدیگر از بین خواهند رفت:
نیروی دریائی افریقا در مجارستان تشکیل خواهد آمد،
در زمین و دریا عملیات وحشتناکی به انجام می‌رسد.
عملیات نظامی در آفریقای شمالی (جنگ جهانی دوّم).

٤٩

هیچ کس از اسپانیا، حتی از فرانسه کهن،
برگزیده نخواهد شد چون نیروی دریایی شکننده است،
به دشمن اعتماد خواهد شد،
که در مدّت حکومتش طاعون وحشتناکی رخ خواهد داد.

---

۱. Rodes

شاهزاده فرانسوی ـ اولین فرد از خانواده بوربون‌های اسپانیائی است ـ که انتخاب شده تا بر تخت سلطنت مادرید جلوس کند. می‌تواند همچنین مربوط به سلطان بزرگ آینده باشد.

۵۰

در سالی که برادران با نشان گل سوسن به سن رشد می‌رسند،
یکی از آنها سرزمین پهناور را به تصرف خود در می‌آورد:
کوه‌ها به لرزه در می‌آیند، گذرگاه لاتین کشوده می‌شود،
پاشا علیه ارمنستان پرقدرت به حرکت در می‌آید.

جنگ بین روسیه و ترکیه در سال ۱۸۷۸ میلادی، نیز نیم بیت آخر می‌تواند مربوط به اشغال بی‌رحمانه و مرگ‌آور ارمنستان در سال ۱۹۱۷ توسط ارتشی به فرماندهی مصطفی کمال پاشا باشد.

۵۱

ساکنین داس،[۱] انگلستان و لهستان،
و بلغار اتحّاد نوینی را شکل خواهند داد:
گذر از مستعمره‌های دیگر نیمکره شمالی،
بارسین[۲] تیررن[۳] دسایس وحشتناکی طرح‌ریزی می‌نمایند.

جنگ جهانی دوّم.

۵۲

پادشاهی که مخالفانش را مورد عفو قرار می‌دهد،
تبعیدیان در دورهٔ این حکومت رشد می‌کنند:
افراد پاک اندیش در خون شناور می‌شوند،
و زمان‌های درازی تحت چنین شعارهایی شکوفا خواهد شد.

---

۱. Dace ۲. Barcins ۳. Tyrrens

ناپلئون اوّل؟ و نیز مربوط به پیروزی پادشاه بزرگ آینده است.

۵۳

قانون خورشید رقیب زهره می‌شود
نیروی فکری پیشگوئی را به خود تخصیص می‌دهد،
نه این و نه آن هیچ یک با هم موافقت و سازش نخواهند داشت،
توسط خورشید آئین مسیحای بزرگ حفظ خواهد شد.

اهمیت یک اقتران خورشید و زهره.

۵۴

از پل اوکسیم[۱] و سرزمین وسیع تاتار،
پادشاهی بر خواهد خواست که به دیدار فرانسه خواهد آمد،
در آلن[۲] و ارمنستان نفوذ خواهد کرد،.
و در ترکیه وضع فرانسه دچار خونریزی را مطالعه خواهد کرد.

دیدار خروشچف از پاریس (۱۹۵۹).

۵۵

در منطقه غنی و ثروتمند عرب،
شخص قدرتمند و مسلّط بر شریعت محمدزاده خواهد شد،
اسپانیا را به دردسر انداخته، و برگراناد مستولی می‌شود،
توسط دریا بر مردم لیکوزیا[۳] ظفر می‌یابد.

بیداری قدرت مسلمان در مدیترانه باختری.

۵۶

با مرگ پاپ بسیار کهن‌سال

---

۱. Euxime ۲. Alane ۳. Lygustique

یک پاپ رُمی با سن مناسب برگزیده می‌شود،
که گفته خواهد شد جایگاه مقدس را ناتوان ساخته است،
زمانی دراز باقی خواهد ماند و کوششی سوزان بخرج میدهد.

ژان بیست و سوّم، که به علت سن زیاد و سهل‌انگاری‌هایش به عنوان پاپی قلمداد شده که تحول ایجاد می‌کند که در عین حال یک دوره اصلاحات را در کلیسا آغاز خواهد کرد (واتیکان دوّم).

۵۷

یک نفر از قله کوه گلزیه[۱] و آونتن[۲]،
از میان حفره‌ای به ارتش خبر خواهد داد،
در میان دو صخره غنیمت گرفته خواهد شد،
با سکست[۳] مانسول حسن شهرت از بین خواهد رفت.

نبرد ایتالیا (۱۹۴۴).

۵۸

افراد گارد، از قنات‌های اوتی‌سانس[۴].
از جنگل‌ها و کوه‌های صعب‌العبور گذر نموده،
امی[۵] تمام نقاط پل را سوراخ سوراخ می‌نماید
رهبر نیمان[۶] بسیار هراس‌انگیز خواهد بود.

نبردهای خونین جهت تسخیر قله کاسن (۱۹۴۴).

۵۹

رهبر انگلیسی در نیم[۷] بوحشت خواهد افتاد،
از جانب اسپانیا به یاری آنوبارب[۸]،
در مراسم افتتاح مارس بسیاری خواهند مرد،

---

۱. Gaulsier ۲. Aventin ۳. Sext ۴. Uticense ۵. Emmy
۶. Nemans ۷. Nymes ۸. Aenobarbe

آنگاه که ستاره ریش‌دار در آرتوس[۱] شکست می‌خورد.
تهاجم فرانسه در پایان حکومت ناپلئون.

۶۰

با سر تراشیده خواهد آمد و به ناروا انتخاب خواهد شد،
فراتر از ظرفیتی که دارد پیش روی خواهد کرد:
خشم و نفرت زیادی اعلان می‌کنند،
انسان‌ها از هر نوع با آتش و خون پاره پاره خواهند شد.
ناپلئون اوّل، از دید نسترادامـوس، همانند فردی مستبد و جنگجو بـه شمار می‌آید.

۶۱

فرزند بزرگ مردی که از تبار او نیست،
قلل مرتفع کوه‌های آپنین را به تصرف در خواهد آورد:
تمام ساکنین میزان را به لرزه در خواهد آورد،
از کوه‌ها تا مون سنیس[۲] همه در آتش فرود می‌روند.
تسخیر ایتالیا توسط ناپلئون.

۶۲

خون در حال بارش در صخره‌ها دیده خواهد شد،
خورشید در خاور، زحل در باختر:
جنگ در نزدیکی ارگون،[۳] رُم نظاره‌گر بدبختی بسیار است،
کشتی‌ها ذوب شده، و عصای شاخدار به تصرف در می‌آید.
جنگ جهانی دوّم.

---

۱. Artois　۲. Mont - senis　۳. Orgon

۶۳

افتخاری ملالت‌آلوده، که با پوچی به دست آمده،
توسط لاتین‌ها مردم گالیو[1] دچار سرما، گرسنگی، آوارگی
نه چندان دور از تمبر[2] خون زمین را گلگون می‌سازد،
لوحه‌های مختلفی برای بشریت بر جای خواهد ماند.

جنگ جهانی دوّم. بیت دوّم، شاید به ناوگان دریایی مربوط باشد، در نبردی که به زیر دریایی‌های آلمان حمله کرده‌اند.

۶٤

شمار زیادی در خلال تعطیلات گرد هم می‌آیند،
از زمین و دریا خواستار لغو رأی هستند:
سایه نیس نزدیک اوتون و جنوا
رهبر از سوی مزارع و شهرها مبادرت به قاچاق می‌کنند.

آزادسازی جنوب فرانسه (۱۹۴۴).

۶۵

به یک باره انجام می‌گردد وحشت عظیمی بر پا خواهد شد،
اساس عملیات در نهان خواهد بود:
بانوی آشوب طلب بیش از آن دیده نخواهد شد
اندک اندک خشم عظیمی برانگیخته خواهد شد.

جنگ جهانی سوّم که پس از توطئه‌ای به یکباره منفجر خواهد شد.

۶۶

در زیر بناهای باستانی مربوط به راهبه‌ها،
نه چندان دور از ویرانه‌های قنات:

---

۱. Galliots ۲. Tymbre

فلزاتی از خورشید و ماه به درخشش در می‌آیند،
چراغ‌های منّور طلایی تریان[۱] را به غنیمت می‌برند.
رباعی با معنای کیمیاگری.

۶۷

در آن هنگام که رهبر پروس جامه‌اش را اهداء نمی‌کند
بدون آن پوشش سراپا عریان می‌شود،
هفت نفر کارگزاران اشراف دستگیر خواهند شد،
پدر و پسر از زخمی که در گردن دارند جان خواهند سپرد.
اعدام موسلینی و بسیاری از نزدیکانش (۱۹۴۵).

۶۸

از راین برای نوشیدن آب دانوب خواهد آمد،
شتر بزرگ، از عمل خود پشیمان نخواهد شد:
روفن[۲] به لرزه در می‌آید، و بسی شدیدتر مردمان لوار،
و در نزدیکی کوه‌های آلپ خروس وی را نابود می‌کنند.
منظور از شتر بزرگ، هیتلر است.

۶۹

مرد بزرگ بیش از این در خواب دروغین بسر نخواهد برد،
پریشانی آرامشش را بر هم خواهد زد:
با گروهی مجهز به ملزومات مالی، و هوایی زمینی به پا می‌خیزد
افریقا رابه استیلا در آورده، تا عمق استخوانش فرسوده میکنند.
استقرار رو به رشد کمونیستی در آفریقا.

---

۱. Trian   ۲. Rofne

۷۰

سرزمین‌هایی که در برج میزان بسر می‌برند
با جنگی عظیم کوه‌ها را به لرزه در خواهند آورد،
مرد و زن در ماتم بسر برده، سراسر بیزانس را به اسارت می‌گیرد،
سحرگاهان فریاد زمین به زمین بلند خواهد شد.

جنگ جهانی اوّل که ناظر اشغال قسطنطنیه (بیزانس) توسط نیروهای متفقین بودیم.

۷۱

از خشم یک نفر که در انتظار آب بسر خواهد برد،
از فرط خشم و هاری تمام قشون را به لرزه در می‌آورد:
هفده کشتی که مامور حمل نجباء شده بود،
در امتداد روزن پیام‌آور دیر رسیده بود.

در هم شکستن ناوگان دریایی فرانسه در ناحیه تولون (۱۹۴۲): که می‌توانست از این آسیب برحذر ماند اگر فرمان عزیمت به الجزایر را به موقع فرستاده بود.

۷۲

برای لذّت بردن قوانین مربوط به شهوت‌رانی تنظیم می‌کند،
زهر را درون ایمان جای خواهند داد:
زهره در سیر خود بسیار با تقوی عمل خواهد کرد،
که تمامی آئین خورشید را تار و نامفهوم خواهد کرد.

لوئی چهاردهم و محبوبه‌هایش؛ پرونده مربوط به زهر.

۷۳

کلیسای خدا مورد ستم قرار خواهد گرفت،
و معابد مقدس مورد بازرسی و تجسس قرار می‌گیرد،

مادر، کودک برهنه‌اش را در پیراهنش جای خواهد داد،
عرب‌ها با پولس پیوند دوستی می‌بندند.

مبارزه ضد مذهبی کمونیستی: مصادره مستغلات کلیسا، پشتیبانی که توسط بلوک کمونیست از اعراب شده است (کلمه پولون معادل مردم لهستان پولونیه است.

۷۴

در مرکز آلمان فردی با خون تروین زاده خواهد شد،
که به اوج توانائی خواهد رسید:
سپس مردم خارجی عرب نژاد را بیرون خواهد راند،
کلیسا را به مقام بلند اولیه‌اش باز می‌گرداند.

سلطان بزرگ آینده، وارث سلسله سلطنتی فرانسه است.

۷۵

با ثروت خود بیشتر بسوی راست ترقی خواهد کرد،
بر روی سنگ مربع شکل ساکن خواهد شد،
به طرف جنوب تکیه به پنجره می‌دهد
با عصای سرکج در دست و دهان مهر شده.

به سلطان بزرگ آینده مربوط است.

۷۶

در منطقه آزاد مأوی خواهد گرفت،
خواستار اسکان گرفتن در شهر نیست:
اکس کارپن،[۱] جزیره ولوس،[۲] کوهستان کاوایون،

---

۱. Carpen
۲. Isle voice

رد پایش از تمامی آن مناطق پاک خواهد شد.
آزاد سازی جنوب فرانسه (۱۹۴۴).

۷۷

تمام درجات پرافتخار جامعه روحانیت کلیسا
به مقام روحانی کاردینالی تغییر خواهد یافت:
کاردینالی که گویی خادم اساطیر جنگی است،
سپس یک امپراطور فرانسه او را به ولکان برمیگرداند.

اصلاحات جامعه روحانیون مسیحی، پرتاب کردن واتیکان دو، گزینش یک پاپ فرانسوی ؟

۷۸

دو متّحد زمان درازی در اتحاد باقی نمیمانند،
و پس از سیزده سال به گونه بربرها حمله مینمایند،
در دو طرف خسارات جبرانناپذیری وارد خواهد آمد،
که هرکس برای قایق و بادبان دست به دعا برمیدارد.

کدورت بین کشورهای آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. بربرها حمله میکند آیا منظور استالین نیست؟ به قهقهرا رفتن شوکت فرانسه.

۷۹

به خاطر رازی سر به مُهر بالهایش را فرو خواهد آورد،
به خاطر آمدن قانونگزار بزرگ:
با فروتنی ترقی خواهد کرد، شورشیان را مأیوس خواهد کرد،
هیچ دعانویسی همسان او بر روی زمین زاده نخواهد شد.

ژنرال دوگل ؟

۸۰

فنای قسطنطنیه کبیر نزدیک خواهد شد،
اقوام بربر رانده شده:
از دو قانون آنکه توأم با بی‌عدالتی است کنار گذاشته می‌شود،
قوم بربر و آزادمردان در کشمکش همیشگی بسر می‌برند.

از هم پاشی قدرت‌های دسته‌های سه گانه (اقوام بربر).

۸۱

پرنده سلطنتی بر فراز شهر آفتاب،
هفت ماه شبانه هشدارهای گمراه‌کننده را پخش خواهد نمود:
دیوار شرقی رعد، آذرخش را عزیز می‌دارد،
به مدّت هفت روز دشمنان در موعد معینی پشت دروازه‌اند.

ارتش ناپلئون اروپا را تسخیر می‌کند. نبرد با روسیه، که نقطه اوج تسخیر موقتی شهر مسکو (طی چند روز).

۸۲

خارج از قلعه به حاکم رأی داده می‌شود،
کسی که در ناامیدی بسر می‌برد بیرون از دژ نخواهد رفت:
در آن زمان که مردمان آربوا،[1] لانگرس[2] در برابر برس[3] اند
با عقب راندن دشمنان، کوهستان دل[4] را خواهند گرفت.

تابستان ۱۹۴۰: اشغال فرانسه.

۸۳

آنان که اجرای سرنگون کردن را عهده‌دار خواهند بود،
نامی همپای حکومت قوی و شکست ناپذیر را پذیرا می‌شوند.

---

۱. Arbois ۲. Langres ۳. Bresse ۴. Dolle

شبانه به طور قاچاق، سه بزرگ را مطلع خواهند کرد،
در آن زمان که شخصیت بزرگ پشت میز تورات خواهد خواند.

«سه شخصیت بزرگ» بطوریکه یکی از مشخصه‌های، روزولت را در برمی‌گیرد که به سبب پرهیزکاری از دیگران متمایز است.

۸٤

در شهر بی‌کران و درگردابی زاده خواهد شد،
از والدینی ناسپاس و مجهول زاده شده:
کسی که در رویای داشتن قدرت پادشاه مقتدر است،
خواهان ویران ساختن رؤان[۱] و اورکس[۲] است.

از هم پاشی قدرت پادشاهی به دست «میهن پرستان» پاریسی.

۸۵

از طریق سوئز و مکان‌های مجاور آن،
به سبب ابر سنگین به نبرد بر خواهند خاست:
اردوگاه دریایی استیجاری و حدود مرزی،
اشتباهات لمان[۳] به خوبی آشکار خواهد شد.

عملیات نظامی بر روی سواحل غیر سویسی دریاچه لمان.

۸۶

با دو سر و سه بازوی مجزی،
شهر بزرگ به وسیله آب آسیب خواهد دید:
به سبب تبعید است که بزرگان بین خودشان سرگردان شده‌اند،
از طرف رهبر ایرانی ترکیه بشدّت تحت فشار قرار می‌گیرد.

اشغال قسطنطنیه به دست نیروهای متفقین.

---

۱. Rouan   ۲. Evreux   ۳. Leman

۸۷

سالی که زحل از بندگی خارج می‌شود،
سرزمین آزاد گرفتار طغیان آب خواهد شد:
با نژاد تروا ین[1] پیوند ازدواج می‌بندد،
و به مقام خواهری اسپانیا خواهد رسید.

مشکلات جانشینی کشور اسپانیا، تحت حکومت لوئی چهاردهم.

۸۸

بر روی ماسه بر اثر سیلی هولناک،
از دیگر دریاها یک هیولای دریایی پیدا خواهد شد:
در نزدیکی آن منطقه پناهگاهی ساخته خواهد شد،
ساون[2] بصورت برده تورن نگاه داشته خواهد داشت.

این هیولای دریایی آیا یک زیر دریایی نیست؟

۸۹

در مجارستان به وسیله بوهم[3] و ناوار،
زیر لوای مقدسین به شورش در می‌آید:
ممالکی که شمش حمل می‌کنند با گل سوسن،
علیه اورلئان آشوب بپا می‌کنند.

این رباعی بسختی قابل تفسیر است، زیرا شورشی در اروپای مرکزی را با ناوار می‌آمیزد، باضافه نقشی که خانواده اورلئان ایفا می‌کند.

۹۰

در جاده‌های قابل ارابه‌رانی با ریتم ملایم صدای حرکت،
در سراسر پولونس[4] درون اسپارت[5].

---

۱. Troyen ۲. Savonne ۳. Boheme ۴. Peloponnesse
۵. Sparte

به سبب ارتباطات غلط سخت‌ترین قحطی، طاعون،
نه ماه ادامه می‌یابد و همه چیز دچار تورم خواهد شد.
جنگ استقلال یونان (۱۸۳۰).

۹۱

در بازار بزرگ است که به دروغ‌پردازی می‌پردازند،
در سراسر توران و حوزه آتن:
از بابت اسب‌های جنگی شگفت‌زده خواهند شد،
توسط فرد آلبانی[۱] تبار مریخ، دلو، زحل، روایتی است.
این شعر نیز به قتل عام همان جنگ مربوط می‌شود.

۹۲

پس از هفده سال حکمفرمایی کردن،
پنج به عنوان تحول دگرگون خواهد شد:
سپس در همان زمان برگزیده خواهد شد،
فردی که با رُمی‌ها ابداً سازگاری نخواهد داشت.
آیا هفده سال حکومت کردن نمایانگر فرمانروایی ناپلئون سوّم نیست، که حکومتش درست همین مدت بوده است؟

۹۳

تحت قلمرو قرص کرهٔ ماه،
آنگاه که عطارد به اوج قدرت خود می‌رسد:
در جزیره اسکاتلند روشنائی ایجاد خواهد شد،
که انگلیسی‌ها را به آشوب می‌کشانند.
شاید بتوان این شعر را به شورش اسکاتلندی‌ها مرتبط کرد، این شورش

---

۱. Albanois

در قرن هجدهم علیه سلسله سلطنتی هانور بود.

۹٤

به آلمان بزرگ منتقل خواهد شد،
برآبان[۱] و فلاندر، گنگ،[۲] بروکس،[۳] و بولونی،
در آتش‌بس مقدس، دوک بزرگ ارمنستان،
به وین و کولونی یورش خواهد برد.

فتوحات نظامی دوران حکومت نازی.

۹۵

کشتی‌های پارویی سایه‌ها را بخود فرا می‌خواند،
آنگاه فردی ازجانب امپراطوری بزرگ جهت آشتی خواهد آمد:
دریای اژه[۴] با خطوطی مسدود خواهد شد،
از آن پس مانع می‌شود در امواج دریای تیرانیا[۵] حرکت کنید.

پایان رویاهای موسیلنی‌که تسلط ایتالیابرمدیترانه‌شرقی‌ودریای اژه بود.

۹۶

در میان دنیای بزرگ، گل رز به قدرت می‌رسد،
به خاطر کنش های نوین خون مردم ریخته خواهد شد:
به سخن راستین می‌توان گفت که دهان را خواهند بست،
بهنگام نیاز آن که منتظرش هستند گر چه دیر ولی خواهد آمد.

رباعی‌فوق‌بی‌شک مربوط به‌یکی‌ازآیه‌های‌کتاب‌مکاشفه‌ای‌یوحنااست.

۹۷

آنکه ناقص زاده شده از وحشت نفسش بند می‌آید،

---

۱. Brabant ۲. Gang ۳. Bruges ۴. Aegee ۵. Tirrene

درون شهری که پادشاه کبیر سکونت می‌نماید:
حکم بی‌رحمانه در بارهٔ اسراء لغو می‌شود
تگرگ و رعد بندرکوندون[1] غیر قابل محاسبه است.

سقوط برلن در زیر تگرگی آتشین غرق شده (بهار ۱۹۴۵).

۹۸

درچهل و هشت درجه عرض جغرافیایی،
در انتهای مدار رأس‌السرطان خشک سالی شدید:
ماهی در دریا، و دریاچه بی‌شمار پخته خواهد شد،
به‌آرن[2] و بیگور[3] با آتش هوایی به وضع وخیمی خواهند افتاد.

۹۹

میلان، فرار، تورن و اگی‌لی[4]،
گاپن[5] برندی[6] به سبب اهالی سلتیک به دردسر خواهند افتاد:
به سبب لیون نیروی پیاده نظام عقاب
در زمانی که رُم رهبر پیر بریتانی خواهد داشت.

ایتالیا توسط نیروی فرانسوی ارتش بناپارت اشغال می‌شود.

۱۰۰

آتش‌افروز در آتشی که خود برافروخته به دام می‌افتد،
آتش از آسمان در شهرهای کارکاس و کمینگ[7]،
پیرمرد ارزشمند، از فوکس،[8] اکس،[9] مازر،[10] فرار کرد،
توسط اهالی هاس[11] و ساکسون[12] و تورنژ[13].

اشغال جنوب غربی کشور فرانسه (۱۹۴۲).

---

۱. Condon ۲. Bearn ۳. Bigorre ۴. Aquilleye ۵. Capne
۶. Brundis ۷. Cominge ۸. Foix ۹. Aux ۱۰. Mazere
۱۱. Hasse ۱۲. Saxons ۱۳. Turinge

سده ششم

۱

در پیرامون کوه‌های پیرنه تودهٔ عظیمی
از مردمان خارجی پادشاه جدید را یاری می‌کنند
در نزدیکی گارون در معبد بزرگ ماس[۱]،
یک رهبر رُمی در آب از او به وحشت در خواهد آمد.

منطقه پیرنه به هواداری لوئی هجدهم متحّد شد (۱۸۱۴ سپس ۱۸۱۵). ارتش بزرگ خارجی به کمک سلطان بزرگ آینده فرانسه خواهد آمد.

۲

در سال پانصد و هشتاد کمابیش،
در انتظار سده شگفت آوری خواهیم شد:
در سال هفتصد و سه آسمان‌ها شاهد خواهند بود،
که حکومت‌های چندی از یک تا پنج دگرگون خواهد شد.

قسمت آخر شعر دگرگونی وسیع سیاسی را در پایان قرن هجدهم اعلام می‌دارد.

۳

شطی که کشتی رانی جدید سلتیک را به نمایش می‌گذارد،

---

۱. Mas

برای امپراطوری ناسازگاری شدیدی تولید می‌کند:
شاهزاده جوان به دست افراد هیئت روحانی کلیسا
اتّحاد بین عصای کلیسا و تاج سلطنتی را برهم خواهد زد.

شاهزاده جوان، ناپلئون اوّل است.

٤

رودخانه سلتیک مسیرش را تغییر خواهد داد،
دیگر شهر اگری‌پین[1] را در بر نخواهد گرفت،
همه چیز جز زبان قدیمی تغییر می‌یابد،
برج زحل در اسد، مریخ، سرطان مورد غارت قرار می‌گیرند.

فرانسوی‌ها شهر اگری‌پین را تسخیر می‌کند (یعنی مستعمره اگری‌پینا، کولنی) در ابتدای سال ۱۹۴۵ پس از جنگ جهانی دوّم؛ «همه چیز در فرانسه تغییر کرده جز زبان آن».

۵

به سبب امواج طاعون‌زا قحطی بسیار وسیعی،
بوسیله باران طولانی سراسر قطب شمال،
در ساماتوبرین[2] صد مکان از نیم کره،
بدون قانون و به دور از سیاست خواهد زیست.

قحطی، طوفان، بیماری‌های واگیردار در مناطق شمالی.

۶

در امتداد شمال ظهور خواهد کرد،
نه‌چندان دور از سرطان ستاره دنباله‌دار،
سوز،[3] سی‌نیا،[4] بوئیتا،[5] ارتریا[6]،

---

۱. Agripine
۲. Samatobryne
۳. Suye
۴. Sienne
۵. Boëce
۶. Eretrion

مرد بزرگ در رُم جان خواهد سپرد، شب ناپدید می‌شود.
(ستاره دنباله دار) آیا این ستاره دنباله‌داری بوده که سرنوشت شگفت‌آور ناپلئون را اطلاع داده است؟

۷

نورنگر،[۱] داس،[۲] و جزیره بریتانیا،
به دست برادران متّحد به دردسر خواهد افتاد،
رهبر رُم که از نژاد گال[۳] است
و نیروهای ارتش است که به جنگل‌ها عقب رانده می‌شوند.
با وجود اینکه این اشعار بسیار مبهم است، می‌توان به جنگ جهانی دوّم مرتبط کرد.

۸

کسانی‌که به سبب دانش خود در رأس حکومت هستند،
پس از تعویض فرمانروا به ناتوانی دچار خواهند شد:
بدون پشتیبان، و بدون ثروت تبعید می‌شوند،
آدمیان و ادبیات دیگر هیچ ارزشی نخواهند داشت.
مهاجرین، که به میزان زیاد جا به جا می‌شوند دچار شرایط بسیار وخیم مادی و فرهنگی می‌شوند.

۹

رسوائی در معابد مقدس انجام خواهد شد،
از سوی افراد شریف و ستودنی تصفیه صورت خواهد گرفت،
کسی که ثروت، طلا و افتخارات زیادی دارد

---

۱. Norneigre   ۲. Dace   ۳. Gallique

پایانی همراه با شکنجهٔ بسیار شگفت‌آور خواهد داشت.
اختلاف، نفاق، آشوب در دوران پایانی کلیسا.

۱۰

در زمانی کوتاه معابد رنگین شده
رنگ سفید و سیاه با هم در آمیخته است:
سرخ‌ها و زردها آنان را با رنگ خود تزئین خواهند کرد،
خون، خاک، طاعون، آتش از آب وحشت در می‌گیرد.

سرخ ها و زردها آیا منظور دو قدرت کمونیست نمی‌باشند: اتّحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و چین؟

۱۱

هفت شاخه به سه شاخه تنزل خواهد یافت،
مرگ بزرگترین فرزندان ارشد را غافلگیر خواهد کرد،
دو نفر فریب خورده و برادرکشی راه خواهند انداخت،
توطئه‌گران در خواب جان خواهند سپرد.

این اشعار بسیار مبهم است. شاید مربوط به دوران انقلاب کبیر فرانسه باشد.

۱۲

نیروهایی برای جلوس به تخت امپراطوری بسیج شده،
از واتیکان خون سلطنتی گرفته می‌شود:
اهالی فلامان، انگلستان، و اسپانیا همراه آسپیر[1]،
علیه کشورهای ایتالیا و فرانسه به رقابت بر خواهند خاست.

احتمالاً مربوط به فتوحات و جنگ‌های ناپلئون اوّل است.

---

۱. Aspire

۱۳

فرد شکاک از حکومت زیاد به دور نخواهد رفت،
بخش بسیار بزرگی خواهان جانبداری از او خواهد بود،
مجمع رهبان‌ها به هیچ وجه خواستار حکومت او نیست،
مسئولیت سنگین‌اش حافظ او نخواهد بود.

حکومت ناپلئون سوم: دوره این حکومت طولانی خواهد بود امّا با ناکامی اسفناک به پایان خواهد رسید.

۱٤

پادشاهی دور از سرزمین خود شکست خواهد خورد،
شتابان گریخته اما تعقیب شده و به اسیری برده می‌شود،
یک جاهل ملبس در زرهی با زنجیره طلائی،
با لباس مبدل و دشمن را غافلگیر می‌کند.

شاید بتوان به اقدام پوچ مدّعی سلطنت به نام استوارت اشاره کرده که جهت به دست آوردن تاج سلطنتی بریتانیای کبیر کوشید.

۱۵

شاهزاده‌ای در زیر مزاری پیدا خواهد شد،
که خود را به بلندای نورنبرگ خواهد رساند،
در برج جدی است که پادشاه اسپانیا ضعیف می‌شود،
توسط ویتبرک [۱] بزرگ فریب خورده و به لاابالی‌گری می‌افتد.

فتوحات ناپلئون؟

۱۶

آن که توسط میلو [۲] جوان ربوده خواهد شد،

---

۱. Vuitemberg

۲. Milve

توسط اهالی نرماندی از فرانسه و پیکاردی[۱]
وگروه سیاهان معبد در محل جنگل سیاه،
مهمانسرایی بر پا نموده و آتشی در لومباردی[۲].
ایتالیا بدست سپاهیان بناپارت فتح شده است.

۱۷

بعد از اینکه سوهان‌ها الاغ‌داران را می‌سوزانند،
مجبورند که ملبس به لباس‌های دیگری شوند،
به دست آسیابان‌ها زحلی‌ها سوزانده خواهند شد،
به جز بخش بزرگتری که در برگیرنده نمی‌شود.

۱۸

پادشاه بزرگ به سبب ساختمان جسمانی واگذاشته می‌شود،
بدست سرنوشت نه بدست کاردانی عبری که جاودانی است،
شیوهٔ حکومتش او را به مقام بالا رانده است،
لطف خداوندی به مردمانی اعطاء می‌شود که مسیح بخواهد.
لوئی چهاردهم.

۱۹

آتش واقعی است که بانو را نابود خواهد کرد،
که خواهان انداختن بی‌گناهان درون آتش است،
نزدیک حمله است که تجهیزات سپاه آتش خواهد گرفت،
آن هنگام که در شهر سویل[۳] هیولایی شبیه گاو نر دیده شود.
جنگ داخلی اسپانیا.

---

۱. Picardre　۲. Lombardie　۳. Sceville

۲۰

اتّحاد ظاهری مدت طولانی دوام نخواهد آورد،
بخش بزرگتر تعداد زیادی از اصلاحات را تغییر می‌دهد،
افراد درون ناوگان‌ها مقاومت خواهند کرد،
آنگاه که رُم یوزپلنگی تازه خواهد داشت.

اصطلاحات درکلیسا، تلاش بی‌فایده برای ایجاد یگانگی بین مسیحیان انجام می‌پذیرد.

۲۱

در باب ساکنین قطب شمال که با هم متّحد شده‌اند،
در شرق وحشتی بزرگ و ترس عظیم حکمفرماست،
برگزیده جدید، با تزلزلی عظیم حمایت شده.
سرزمین‌های رود، و بیزانس از خون بربرها رنگین شده است.

شاید به اتّحاد مردمان نژاد اسلاو مربوط باشد، تحت حمایت روسیه شوروی، و استقرار روسیه در خاور میانه.

۲۲

در میان معبد بزرگ سلتیک،
در لندن با صلحی دروغین برادرزاده بمرگ محکوم می‌شود،
از آن پس کشتی جدا شونده از هیئت جامعه کلیسا خواهد شد،
آزادی دروغین با بوق و کرنا اعلام خواهد شد.

احتمالاً برادرزاده به ناپلئون سوم اطلاق می‌شود.

۲۳

روح سرزمین خاموشان از هم گسیخته می‌شود،
و ملت علیه پادشاهشان سر به شورش بر می‌دارند،
صلح جدید با نفوذ در قوانین مقدس به دست می‌آید،

راپی[1] هرگز چنین آشوب سهمناکی را به خود ندیده است.
انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ و پرتوافکنی آن به قارهٔ اروپا.

۲۴

مریخ و نشان سلطنت با یکدیگر قرین خواهد شد،
در زیر برج سرطان جنگی پر مصیبت در می‌گیرد.
کمی پس از آن پادشاه جدید با روغن مقدس تدهین شده،
و ارمغان صلح را برای زمان درازی بر زمین خواهد گسترد.
جلوس و برقراری هانری چهارم؛ پایان جنگ‌های مذهبی.

۲۵

به سبب ستاره مریخ سلطنت واژگون خواهد شد،
گناهکار کبیر در پریشانی نابود کننده‌ای است،
پادشاه جوان سرخ سلطنت را به دست خواهد گرفت،
عاملین در یک روز مه‌آلوده خواهند رفت.
سال ۱۷۹۳: موفقیت کوه‌نشین‌ها؛ (روبسپیر مستبد ـ پادشاه جوان سرخ). نسترادامِوس، هر رهبر حکومتی ـ حتی رئیس جمهور را با عنوان شاه آورده است.

۲۶

چهار سال، فرماندهی چندان دوام چشمگیری نخواهد داشت،
کسی که زندگی توأم با شهوت‌رانی دارد جلوس خواهد کرد،
راون، پیزا[2]، ورونا،[3] از او جانب‌داری خواهند کرد،
خواستار بالا بردن صلیب پاپ است.
ناپلئون سوم، که حقیقتاً زندگی توأم‌با خوشگذرانی داشته (ارتباطات

---

۱. Rapis   ۲. Pyse   ۳. Veronne

بی‌شمار). مداخله فرانسه درایتالیا،هواداری‌ازپاپ(سپاه‌مربوط‌به‌پاپ).

۲۷

درون جزایری از پنج شط تا به یک،
با نشانه هلال ماه چیرن[1] بزرگ و سلین[2]،
بر اثر سر و صدای بلند در حالت خشم‌آلود یک نفر،
شش نفر می‌گریزند، و در عدل کنف مخفی می‌شوند.

حمایت موافقت شده با کشورهای مسلمان (پیشرفت) توسط مائوتسه تونگ (چیرن بزرگ).

۲۸

سلتیک بزرگ به کشور رُم وارد خواهد شد،
توده‌ای از تبعیدیان و اخراجیان به همراه دارد،
چوپان بزرگ تمام مردم را به مرگ خواهد سپرد
کسی که در آلپ با خروس دست یگانگی داده است.

فتح نظامی ایتالیا توسط ارتش بناپارت، که موجب ورود موفقیت‌آمیز وی به رُم شد.

۲۹

بیوه پاک دامن با شنیدن اخبار،
از تبار خود به تشویش و نگرانی دچار شده است:
آن که دستورات را دیکته می‌کند دشمنی‌ها را آرام خواهد کرد
برای راندنش تهاجم به غایت خود خواهد رسید.

اختلافات داخلی، جنگ‌های نژادی (سرخ‌پوستان) در ایالات متّحده آمریکا.

---

۱. Chyren   ۲. Selin

۳۰

با ظهور صورت مطهر مقامی مقدس،
به دشمن ضمن محاصره خیانت خواهد شد:
شبی که لازمه‌اش خوابیدن بدون دغدغه بود،
مردمان لیژ[1] را در نزدیکی "برابان"[2] به حرکت در خواهد آورد.

غلبه بر بلژیک ماه مه سال ۱۹۴۰ میلادی.

۳۱

پادشاه آنچه را شدیداً نیازمند است بدست خواهد آورد،
آنگاه که اسقف به اشتباه گرفتار خواهد شد:
پاسخ به دوک او را ناراضی خواهد کرد،
کسی که در میلان چندین نفر را به مرگ خواهد سپرد.

شاید به مبارزه لوئی چهاردهم علیه اسپانیا مربوط باشد که در میلان متوقف شد.

۳۲

به سبب خیانت با ضربات چوب و فلک به مرگ سپرده می‌شود،
بی‌نظمی‌اش مانع تسلط وی خواهد شد،
به اسیر بزرگ پندهای بیهوده‌ای داده می‌شود،
آنگاه که برش[3] آید از شدت خشم لبانش را خواهد گزید.

رباعی مبهمی است ولی می‌توان آن را به لوئی چهاردهم سبک سر مربوط کرد.

۳۳

دست آخر توسط آلوس[4] خونین می‌شود،

---

۱. Liege
۲. Braban
۳. Berich
۴. Alus

دریا نخواهد توانست او را حفاظت کند:
دست نظامی در میان دو شط وحشت می‌آفریند،
سپاه خشمگین او را به توبه وا می‌دارد.

قدرت نظامی نازی در میان رودخانه‌های راین و دانوب آخرین روزهای واپسین را می‌گذراند (پائیز زمستان ۱۹۴۵).

۳٤

توطئه‌چینی چون آتشی جهنده،
رهبر بزرگ محاصره شده را متزلزل خواهد کرد:
در درون اغتشاشی شدید پدیدار خواهد شد،
که بر اثر آن تبعیدی‌ها نومید خواهند شد.

هیتلر در مخفیگاه درون قلعهٔ برلن به محاصره در می‌آید.

۳۵

در نزدیک ریون،[1] و مجاور پشم سفید،
حمل، ثور، سرطان، اسد، باکره مقدس،
مریخ، مشتری، خورشید دشت بزرگ را خواهند سوزاند،
جنگل و نامهٔ ذکر شده با موم مُهر شده.

رباعی مبهمی است، امّا نمودار تقارن اختر شناسی و نجومی است.

۳۶

از نبردهای زمینی سود و زیانی حاصل نمی‌گردد،
در خطوط مرزی پروز[2] موفقیتی حاصل نمی‌گردد:
پیزا[3] در یاغیگری، فلورانس دوران بدی را می‌گذراند،
پادشاه شبی که سوار قاطری با زین است زخمی می‌شود.

---

۱. Rion ۲. Perouse ۳. Pise

شاید به هجوم ایتالیا توسط سپاه فرانسوی مربوط باشد (حکومت هیئت مدیره سپس کنسولی).

۳۷

شاهکار قدیمی خاتمه خواهد یافت،
خسارتی عظیم بر بام ارزشمندی وارد خواهد آمد:
بی‌گناهی را متهم کرده و محکوم به مرگ می‌کنند،
گناهکار خود را در بیشه مه‌آلود پنهان کرده است.

سقوط جمهوری سوم (ژوئن ـ ۱۹۴۰).

۳۸

دشمنان تبعیدیان زمان صلح را،
پس از اینکه ایتالیا مسدود می‌شود،
سیاه خونخوار، و سرخ همدست خواهند شد،
آتش، و خون می‌بارد، آب از خون رنگین می‌شود.

برقراری حکومت فاشیستی در ایتالیا.

۳۹

فرزند حکومت از جانب پدری اسیر می‌شود،
برای رها ساختن خواهد کوشید:
در نزدیکی دریاچه‌ای ترآزیمن[1] اسیر می‌شود،
دسته گروگانگیر سرمست بادهٔ قدرت خواهند شد.

غلبه بر ایتالیای شمالی توسط سپاهیان فرانسه تحت فرمان (حکومت هیئت مدیره).

---

۱. Trasimen

٤٠

مرد بزرگ ماگنس[۱] برای فرو نشاندن عطش فراوانش،
از مقام والایی که دارد برکنار خواهد شد:
اهالی بسیار زورمند کولنی[۲] به شکوه در خواهند آمد،
تا آنجا که قشون بزرگ راین[۳] به کنار زده خواهد شد.

غلبه بر رنانی بدست سپاه متفقین (زمستان ۱۹۴۴ - ۱۹۴۵).

٤١

دومین رهبر آنومارک[۴]،
توسط مردمان فریز[۵] و جزیره بریتانیا،
بیش از صد هزار مارک هزینه خواهند کرد،
سفر اکتشافی به ایتالیا بی‌حاصل است.

می‌توان به جاه‌طلبی مربوط کرد، که بعضی تحقق یافته (غلبه بر دانمارک)، و برخی جاه‌طلبی‌ها که در آلمان دوران هیتلری مواجه با شکست شده است.

٤٢

حکومت در لوکمیون[۶] به حال خود رها شده،
از سلین بزرگ، که دست به کارهای بزرگتری خواهد زد:
پرچم خود را توسط مردم ایتالیا به اهتزاز در خواهد آورد،
با احتیاط کارهای حکومت را از طریق تقلید انجام خواهد داد.

تسخیر قدرت توسط موسلینی.

٤٣

برای زمان دراز نامسکون خواهد شد،

---

۱. Magonce   ۲. Cologne   ۳. Rhin   ۴. Annemarc

۵. Frize   ۶. Logmyon

جائی‌که سین،[۱] و مارن،[۲] دور و برش را آبیاری خواهد کرد.
از رود تایمز مبارزان بر خواهند خاست،
نگهبانان ناامید شده و به سبب گرما عقب خواهند نشست.

فروپاشی امید نابجای حکومت هیتلری دربارهٔ تسخیر انگلستان (پائیز ۱۹۴۰).

٤٤

شب هنگام رنگین کمانی در نانت آشکار خواهد شد،
هنرهای دریایی موجب بارش باران خواهد گردید:
نیروی دریایی در خلیج فارس درگیر خواهد شد،
در ساکس هیولایی از خرس و ماده خوک زاده خواهد شد.

نیم بیت سوم رباعی مربوط می‌شود به بسته شدن کانال سوئز به دنبال عملیات «جنگ‌های شش روزه» سال (۱۹۶۷). نیم بیت آخر: تولد ضد مسیح است.

٤٥

سرپرست حکومت بسیار عالم است،
خواستار تائید برنامه‌های حکومت شاه نیست:
نیروی دریایی ملیل[۳] توسط شایعات خلاف،
وی را به عنوان ارتکاب بدترین بی‌قانونی تحویل خواهد داد.

نیابت سلطنت (صغیر بودن لوئی پانزدهم)؟

٤٦

دادگری به تبعید فرستاده خواهد شد،
به سبب طاعونی که در سرحدهای نون‌گِل[۴] شایع است،

---

۱. Signe ۲. Marne ۳. Mellole ۴. Nonseggle

پاسخ سرخ او را غافلگیر خواهد کرد،
پادشاه رَان[1] از عقاب دوری خواهد گزید.
دادگری می‌تواند کارنو باشد. پیروزی و احیای حکومت سلطنتی بر عقاب.

٤٧

در بین دو کوهستان دو شخص بزرگ هم پیمان شده‌اند
اسرار متقابلی در اختیار یکدیگر خواهند گذاشت،
بروکسل[2] و دُل توسط لانگرس از پا درمی‌آیند،
مطابق شیطنت‌هایی که طاعون‌وار اجراشان می‌کنند.
غلبه بر کشور بلژیک و غرب فرانسه (ماه مه ۱۹۴۰).

٤٨

تقدس فراتر از حد ریایی و فریبنده،
با زبانی مزورانه ـ همراهی شده است:
شهر باستانی پارم[3] بیش از حد فرسوده خواهد شد،
فلورانس و سی‌نیا[4] از آن هم متروک‌تر می‌شوند.
فتح ایتالیا بدست سپاهیان فرانسوی.

٤٩

از میهن مامر[5] پاپ اعظم،
تا مرزهای دانوب را تحت تسلط خود در می‌آورد:
صلیب کنار گذارده می‌شود، با آهن قوی و سوهان نخورده
اسراء، طلا، انگشتری‌ها به ارزش بیش از صد هزار روبل.
الحاق اطریش و چکسلواکی به آلمان نازی.

---

۱. Rane   ۲. Brucelle   ۳. Parme   ۴. Sienne   ۵. Mammer

۵۰

استخوان‌هایی درون چاهی کشف خواهد شد،
زن پدر مرتکب زنا با محارم خواهد شد:
حکومت قانونی عوض می‌شود، ستیزه‌جویی، اختلاف،
و مریخ در انتظار ستاره خود خواهد ماند.

سقوط حکومت سلطنتی سال (۱۷۹۲).

۵۱

مردم برای تماشای نمایش جدید اجتماع کرده‌اند،
شاهزادگان، و پادشاهان، ملازمان بی‌شمار حضور دارند،
ستون‌ها و دیوارها فرو می‌ریزد، اما گویی معجزه‌ای رخ می‌دهد
پادشاه و سی نفر در دم نجات می‌یابند.

لوئی فیلیپ از یک سوء قصد بطور معجزآسایی جان به در می‌برد.

۵۲

در ازاء مرد بزرگی که محکوم شده است،
از زندان خارج شده، دوستش جای او را می‌گیرد:
امید مردم تروا شش ماهه متصل مرده زاده می‌شود،
خورشید در دلو شط را به یخ زدن خواهد کشاند.

اشغال آلمان (۱۹۴۰)؟

۵۳

اسقف بزرگ سلتیک به پادشاه ظنین می‌شود،
شبانه از طریق دریا از قلمرو خود خواهد گریخت:
بسبب دوک است که از پادشاه بزرگ‌اش بریتانیا متبرک می‌شود

از ترکیه تا قبرس،[۱] و تونس،[۲] دیگر سوءظنی در کار نیست.
اعتراف می‌کنیم که مفهوم این رباعی را نتوانستیم درک کنیم.

۵۴

هنگام پگاه در دومین بانگ خروس،
مردمان تونس، اهالی فز،[۳] و بژی[۴]،
اعراب پادشاه مراکش[۵] را به اسارت در می‌آورند،
در سال هزار و سیصد و هفت سنهٔ دینی.
فتح آفریقای شمالی توسط کشور فرانسه (تاریخ اشتباه است در نیم بیت چهارم نوعی خطا، یا نوعی دام است).

۵۵

دوک با آرامش پاسخ را پاره می‌کند،
کشتی‌های عربی دیده شده، ناگهان کشف خواهد شد:
تریپولی، شیو[۶] و مردمان ترابوزان[۷]،
دوک اسیر شده، شهر متروک و دریای سیاه خالی می‌شود.
دومین ثلث قرن نوزدهم: پایان قدرت مسلمانها در دریای مدیترانه.

۵۶

ارتش از دشمن ناربون به وحشت در می‌آید،
افراد هسپریک را به شدت خواهند ترساند:
توسط زغال کورکننده پارپی‌نیان[۸] تخلیه می‌شود،
آنگاه که بارسلون از طریق دریا نیزه‌ها را به پرتاب درآورد.
غلبه بر اسپانیا توسط ناپلئون.

---

۱. Cypres　۲. Tunes　۳. Fez　۴. Begie　۵. Marog
۶. Chio　۷. Trapesonce　۸. Parpignan

۵۷

آن که پیش از این در دستگاه حکومت نقشی داشته است،
با وجود رهبر سرخ به سلسله مراتب نزدیک می‌شود،
خشن، سخت دل و وحشت عظیمی ایجاد خواهد کرد،
جانشین سلطنت مقدس خواهد شد.

رهبر سرخ احتمالاً استالین است.

۵۸

از میان دو سلطان دور شده،
آنگاه که خورشید بدست سلین روشنایی‌اش را از دست داده،
تقارن بزرگی بین دو فرد بی‌کفایت،
آزادی به جزایر سین[1] بازگردانده شده.

جنگ جهانی دوم: توافق «دو بلوک» انگلوساکسون و شوروی.

۵۹

به سبب افراط در زناکاری بانو در خشم جنون‌آمیز است،
نی برای سخن‌گویی، بل برای توطئه بسوی شاهزاده خواهد آمد:
امّا آن هنگام فاسق خجلت‌زده خواهد شد،
که هفده نفر به سبب او قربانی شده‌اند.

رباعی مبهم، امّا شاید بتوان این شعر را به انقلاب فرانسه مربوط کرد.

۶۰

شاهزاده در خارج از قلمروش که به قوم سلت شهرت داشت،
مورد خیانت واقع شده، از مفسر خود مأیوس است:
روئن[2] و روشل[3] توسط مردمان آرموریک[4].

---

۱. Sienne ۲. Roüin ۳. Rochelle ۴. Armorique

در بندر بلوی[1] حتی با کمک یک کشیش کامیاب نخواهد شد.
سقوط و تبعید ناپلئون اوّل.

۶۱

فرش بزرگ تا شده به نمایش گذاشته نمی‌شود،
به جز نیمی از آن اکثریت در تاریخ وجود دارد:
از سلطنت برکنار شده در دور دست سختی پدیدار می‌شود،
در عملیات جنگی است که هرکسی او را باور خواهد داشت.
فتوحات و سقوط ناپلئون.

۶۲

بسیار دیر شده است هر دوی گل‌ها نابود شده‌اند،
بر علیه قانون نمی‌خواهد پیمانی ببندد:
نیروهای هم‌پیمان توسط کشتی مخصوص گمراه شده‌اند،
بدست مونیخ، ساونا،[2] و آلبینگ،[3] قربانی بسیار خواهند داد.
پایان رؤیاهای موسلینی در مورد تسلط بر ایتالیا و مدیترانه خاوری و دریای اژه.

۶۳

بانو به تنهایی در رأس حکومت باقی می‌ماند،
بی‌همتا، نخستین فردی که در بستر افتخار خاموش می‌شود،
هفت سال توأم با رنج تعمق خواهد کرد،
سپس مدت طولانی همراه بخت خوش حکومت می‌کنند.
ملکه بیوه، کاترین دو مدیسی.

---

۱. Blaue ۲. Savone ۳. Albinque

۶٤

حاکم بر هیچ حکمی پایدار نخواهد ماند،
تمام دریافت کنندگان به نیرنگ‌بازی خواهند پرداخت،
در صلح و ترک موقت مخاصمه، زمین و دریا معترضند،
توسط بارسلون است که صنعت کشتی سازی ربوده شده.

پایان جنگ داخلی کشور اسپانیا.

۶۵

بحران، هیئت رئیسه زمان جنگ نیمه فعال است،
شبی حمله انجام می‌پذیرد و تاراج صورت می‌گیرد،
دفتر به تصرف درآمده قفل‌ها گشوده می‌شوند،
معبدش گشوده شده، دو نفر درون گچ محبوس شده‌اند.

حمله و تاراج تویلری (۱۰ اوت ۱۷۹۲).

۶۶

با بنیاد فرقه‌های نوین،
استخوانهای رُمی کبیر پیدا خواهد شد،
آرامگاه مرمرین و پنهانی آشکار می‌شود،
بر اثر لرزش زمین در آوریل،[۱] چون به خوبی دفن نشده است.

کشف مزار سن پیر که نمودار ایجاد کلیسایی نوین است.

۶۷

فردی کاملاً متفاوت بر امپراطوری بزرگ جلوس خواهد کرد
انسانیت رخت بربسته و نیک‌بختی دیگر در دسترس نیست:
اداره حکومت بدست کسی است که از سلاله پطر دور نیست،

---

۱. Auril

حکومت از هم گسسته می‌شود و بدبختی عظیم سر می‌رسد.
امپراطوری ناپلئون اول.

۶۸

آنگاه که سربازان از شدت خشم سر به شورش بردارند،
شبانگاه بر ضد فرمانده خود شمشیر را به درخشش درمی‌آورند:
دشمن از الِب[1] به شدت خشمگین است،
در آن هنگام که رُم از آئین‌های گمراه‌کننده به دردسر می‌افتد.
حرکت بر سرزمین رُم: به قدرت رسیدن موسلینی (۱۹۲۲).

۶۹

بخشش عظیم بدون تأخیر انجام می‌پذیرد،
آنانی که مورد بخشش قرار می‌گیرند مجبور به اطاعت هستند:
برهنگی، گرسنگی، سرما، و عطش به یکدیگر سازش می‌کنند،
درگذر از کوهستان رسوایی عظیمی به بار می‌آورند،
قتل عام، قحطی و مهاجرت.

۷۰

چیرن بزرگ رهبر جهان خواهد شد،
از آن پس دیگر از ارتش ترس و تردید نخواهند داشت:
آوازه‌اش از فراز آسمان‌ها گذر خواهد کرد،
و از اینکه به تنهایی کامیاب جهان است به شدّت لذت می‌برد.
چیرن بزرگ مائوتسه تونگ است.

---

۱. Alebe

۷۱

در آن هنگام که پادشاه بزرگ برای تشریفات می‌آید
پیش از آنکه روحش را به تمامی تسلیم کند:
کسی است که کمتر ضجه و زاری خواهد کرد،
توسط شیرها، عقاب‌ها و صلیب تاج را فروخته است.

ناپلئون مُزین به تاج.

۷۲

بسبب خشمی که از احساسات ملکوتی سرچشمه گرفته است،
بانوی مرد بزرگ بشدت مورد هتک حرمت قرار می‌گیرد:
قضات خواستار محکوم کردن چنین عقیده‌ای هستند:
متّهم در برابر مردم نادان قربانی می‌شود.

انقلاب بلشویکی، اعدام خاندان امپراطوری روسیه.

۷۳

در شهر بزرگ افراد قشر متوسط و صنعتگر،
نزدیکی دروازه و دیوارها اسکان داده می‌شود،
با مخالف خوانی راز نوین، سرداب،
در زیر پوشش عروسی خیانت انجام می‌گیرد.

به قدرت رسیدن موسلینی.

۷۴

دسیسه علیه حکومت فاش خواهد شد،
دشمنان توطئه‌گرش را پیدا خواهد کرد:
دوران او بیش از هر دوران دیگری با پیروزی قرین خواهد شد،
سه و هفتاد مرگ بیش از حد باعث آرامش خیال است.

سقوط حکومت پادشاهی.

۷۵

از سوی پادشاه ناخدای بزرگ مأموریت خواهد یافت،
برای رسیدن به درجه بالاتری کشتی به حال خود رها شود:
پس از هفت سال درکارهای قاچاقی درگیر می‌شود،
ارتش بربرها شهر ونیز را به وحشت می‌اندازند.

ناخدای بزرگ بعقیده ما موسلینی (که معنای اسمش «ناخدا = راهنما» است.

۷۶

شهر باستانی با دو مسلک متناقض رو در رو قرار می‌گیرد،
بیش از این توان دیکتاتور را نخواهد داشت:
دست افزار بیهوده در معبد گردن می‌زند،
هواخواهان را ملّت با مرگ پیوند خواهد داد.

انقلاب کبیر فرانسه.

۷۷

به سبب پیروزی، شکست خوردهٔ خائن،
از دو قشون آن که آلمانی است شورش می‌کنند،
رهبر به قتل می‌رسد و پسرش در فغان است،
فلورانس، ایمل[1] به رومانی رانده شده‌اند.

شکست خورده خائن، موسلینی است (کلمهٔ راهنما).

۷۸

فریاد پیروزی، سلین بزرگ رو به افزایش است،
بدست رُمی‌ها عقاب آرام می‌گیرد،

---

۱. Imole

تیسن،[۱] میلان،[۲] ژن،[۳] تن به رضا می‌سپارند،
سپس توسط همان‌ها بازیل[۴] بزرگ مطالبه می‌شود.
تسخیر ایتالیا توسط بناپارت.

۷۹

درحوالی تسن[۵] ساکنان لوار[۶]،
گارون و سآاون،[۷] سن،[۸] تین،[۹] و ژیروند[۱۰]،
بر فراز کوهستان‌ها قیام خواهند کرد،
دستور حمله صادر می‌شود پو بزرگ و غرقه در آب می‌شود.
تسخیر نظامی فرانسه در دوران انقلاب کبیر امپراطوری ناپلئون.

۸۰

حکومت فز بر قاره اروپا چیره خواهد شد،
در شهرهایشان با آتش و شمشیرها به مثله کردن می‌پردازند:
ابر مرد آسیا از زمین و دریا با سپاهی گران،
که آبی‌پوش‌ها، کشیش‌ها، و صلیب را بیرون خواهند راند.
مائو تسه تونگ «ابرمرد آسیا» مدافع ملل مسلمان بود.

۸۱

اشک‌ها، فریادها، شیون‌ها، ضجه‌های ترس‌آور
از روحی غیر انسانی، سفاک، سیاه‌دل ایجاد می‌شود:
دریاچه لمان، و جزایر اطراف آن به دست وحشی‌ها،
خون، قحطی، برای هیچ کس رحمی در کار نیست.
استیلا به ایتالیای جنوبی توسط سپاهیان بناپارت؟

---

۱. Ticcin ۲. Milan ۳. Gennes ۴. Basil ۵. Tesin
۶. Loyre ۷. Saonne ۸. Seine ۹. Tain ۱۰. Girond

۸۲

در صحراهای منطقه آزاد و وحشی،
برادرزاده پاپ اعظم را سرگردان می‌کنند:
با گرزی سنگین بدست هفت نفر گشته می‌شود،
همان‌هایی که بالاخره سیف[۱] را به تصرف در خواهند آورد.

ناپلئون سوم، برادرزاده امپراطور ناپلئون سوم.

۸۳

آن کسی که مورد احترام و محبت زیادی است
پس از ورودش از سرزمین فرانسه به بلژیک،
مدّت زمانی بعد به خشونت وافری خواهد پرداخت،
در مخالفت با فرانسه به ستیز بر خواهد خاست.

ایلئون در ابتدا صلح‌جو است، با فتوحاتش روش خود را تغییر خواهد داد.

۸٤

کسی که در اسپارت،[۲] کلود،[۳] توان حکمروایی را ندارد،
شیوه اغواگرانه‌ای به کار خواهد برد:
چون عنکبوتی با تارهای کوتاه و بلند دامی خواهد تنید،
تا برنامه خود را علیه پادشاه به اجرا در آورد.

موسلینی؟

۸۵

به دست فرانسه شهر بزرگ تاراس[۴]
ویران خواهد شد، همگان در تورین به اسارت در می‌آیند:

---

۱. Cyphe ۲. Sparth ۳. Claude ۴. Tharse

از طرف سرکردهٔ پرتغالی از طریق دریا کمک می‌رسد،
اولین روز تابستان روز اوربان[۱] مقدس است.

هجوم اسپانیا توسط سپاهیان ناپلئون. که در پرتغال از انگلستان شکست خورد. تعداد بی‌شماری زندانی فرانسوی که (همه به اسارت در آمدند).

۸۶

اسقف اعظم یک روز پس از رؤیایش
مطابق فهم خودش آن را به عکس تعبیر خواهد کرد،
یک مغ از گاسکونی[۲] جهت دیدار سر خواهد رسید
که اسقف اعظم را از سانس انتخاب خواهد کرد.

می‌توان این رباعی را به انتخاب پاپ آینده مربوط کرد.

۸۷

انتخاب انجام شده در فرانکفورت،
اعتبار نخواهد داشت، میلان مخالفت خواهد کرد:
نزدیکترین هواداران ظاهراً بسیار قوی بنظر خواهند آمد،
که فرد دیگر غیر از راین[۳] سبب‌ساز نابودی مارشال می‌شود.

غلبه بر کشور آلمان توسط متفقین (۱۹۴۴ الی ۱۹۴۵) ـ گذرگاه راین.

۸۸

حکومت بزرگی که غیر فعال بر جای می‌ماند،
درکنار ناحیه عبرو[۴] به گرد هم جمع خواهند شد:
کوه‌های پیرنه آنان را تسکین خواهد داد

---

۱. Urban　۲. Gascongne　۳. Rhin　۴. Hebro

آنگاه در ماه مه زمین به لرزه در خواهد آمد.
جنگ فاجعه‌آمیز اسپانیا توسط (ناپلئون اول).

۸۹

با دستبند دست‌ها بسته شده و پاها را با بند بسته‌اند،
صورت با عسل تدهین گردیده، وجودش با شیر آمیخته:
لانه زنبور عسل و مگس بر پایهٔ عشقی تأسف‌بار،
وسوسه شده توسط سیف. فاشیست غاصب.
جسد موسلینی از پاها به دار آویخته شده بود.

۹۰

شرمنده متعفن و نفرت‌آور
از پس کنش مورد تقدیر قرار می‌گیرد:
پوزش وافر، به خاطر این که نتوانسته مساعدتی بکند،
که در جهت صلح نپتون فریب نخواهد خورد.
اعدام دوک «دان‌گیین»، از نقطه نظر عموم محکوم شده بود (شرمنده، متعفن و نفرت‌آور)...

۹۱

فرمانده جنگ دریایی،
سرخ، لجام‌گسیخته، خشن، و با بیماری وحشت‌آور،
اسیر از چنگ پسر ارشد با حالت تنفر گریخته؛
وقتی که از نژاد مرد بزرگ پسری زاده خواهد شد، آگریپا[1].
جنگ داخلی روسیه. به قدرت رسیدن لنین.

---

۱. Agrippe

۹۲

شاهزاده زیبا و بسیار خوش اندام،
به ریاست خوانده شده، دومین نفر باعث خیانت می‌شود:
در شهر با تیغه شمشیر و پودر سوزان نابود می‌شود،
با مرگ هولناک شاه، مشاور رهبر مورد نفرت قرار می‌گیرد.

قتل کندی رئیس جمهور آمریکا در دالاس؟

۹۳

اسقف خسیس فریب بلند پروازی‌های خود را می‌خورد
هیچ چیز نخواهد توانست او را به پختگی وادارد:
پیام آورانش، و خود او بخوبی به دام می‌افتند،
همه چیز را وارونه می‌بیند کسی که چوب‌ها را شکاف می‌دهد.

اسقف سییس و دوستانش، فکر می‌کردند که بناپارت مجری را دستوراتشان است، حال آنکه خود را با فرمانروایی قدرتمند روبرو دیدند.

۹٤

پادشاهی از تجزیه‌طلبان به خشم در خواهد آمد،
در آن هنگام که تجهیزات جنگی ممنوع اعلام می‌شود:
با نیرنگ زهر را به رنگ شکر در می‌آورند
از طریق آب کشنده که در حال مرگ همه می‌گویند فشار فشار.

هانری چهارم؛ پایان جنگ‌های مذهبی.

۹۵

با تقبیح و افترا بستن به مولود آخر،
در آن هنگام که عملیات عظیم و جنگجویانه‌ای خواهد شد:
با جزئی‌ترین شک نسبت به ارشد خویش،

و بزودی در کشور اقدامات چریکی انجام خواهد داد.
لوئی پانزدهم پادشاه فرانسه؟

۹۶

شهر بزرگ اردوگاه برای سربازان متروک می‌شود،
یوزپلنگ هرگز چنین مرکبار نبوده انقلاب خیلی نزدیک است:
وای چه فاجعه‌ی مرگباری از راه فرا خواهد رسید،
از آن پس بی حرمتی بخشیده نخواهد شد.
برلن در حال احتضار (بهار ۱۹۴۵).

۹۷

در پنج و چهل درجه آسمان مشتعل خواهد شد،
آتش به شهر بزرگ جدید نزدیک می‌شود،
در لمحه‌ای شعله بزرگ پراکنده و پخش خواهد شد،
در آن هنگام که خواستار آزمایش نورمن‌ها[۱] می‌شوند.
علائم، انفجار بمب اتمی در شهر بزرگی است (هیروشیما).

۹۸

ویرانی عظیم نواحی ولسک[۲] باعث وحشت شدیدی شد،
شهر بزرگ‌شان رنگین شده و طاعون‌زا می‌شود:
خورشید و ماه و معابد مورد تجاوز و غارت قرار می‌گیرد:
دو شط از جریان خون به رنگ در سرخ می‌آید.
نبردهای خونین در لیون، شهری که «دو شط آبیاری می‌شود».

---

۱. Normans
۲. Volsque

۹۹

دشمن دانشمندان، شرمنده روی خواهد گرداند.
اردوگاه بزرگ بیمار شده و مورد حمله قرار می‌گیرد.
درکوه‌های پیرنه و پولوس[۱] از پذیرفتنش خودداری می‌کنند.
نزدیک شط آثار باستانی کشف خواهد شد.

منظور از دشمن آیا، ناپلئون است، که نستراداموس نسبت به او هیچ نوع محبت خاص ندارد.

100

Legis cantio contrà ineptos criticos.
Quid legent hoce versu, maturè censunto
Profanum vulgus et inscium ne attrectato:
Omnesque Astrologi Blenni, Barbari proculsunto
Qui aliter facit, is rite sacer esto.

این اشعار بزبان لاتین نگاشته شده است می‌تواند فقط یک نوع «رمزنگاری» یا رمزنویسی باشد.

---

۱. Poenus

سده هفتم

۱

قوس خزانه توسط آشیل[۱] جعل می‌شود،
با ایجاد مُهری چهارگوش:
و استفاده از مُهر سلطنتی چگونه خواهد بود،
بدن آویزان در برابر خواست ملّت به تماشا گذاشته می‌شود.

بدار آویختن جسد موسلینی.

۲

توسط مارس آرل[۲] گشوده شده و جنگ اعلام می‌شود
شبانگاه سربازان شگفت‌زده می‌شوند:
سیاه، سفید در هندوستان در مورد زمین تلبیس می‌کنند،
در سایه دروغین خائنین نگریسته و به صدا در خواهند آمد.

علیرغم اشاره به شهر آرل، این رباعی ممکنست مربوط به جنگ خشم آلوده داخلی باشد، که بین هندوها و مسلمان‌ها جدایی انداخت، در مورد طلب استقلال کشور هندوستان.

۳

فرانسه پس از پیروزی دریایی،
در مناطق بارشینون،[۳] سیلی‌نون،[۴] و نواحی فوسن[۵]،

---

۱. Achilles ۲. Arles ۳. barchinons ۴. Saillinons
۵. Phocens

پیچک طلائی، و سندان که درون گوی با فشار جای گرفته،
مردمان پتلون[۱] ازکارهای خلاف هواداری خواهند کرد.

رباعی که ما موفق به بازگشایی آن نشدیم، حتی با شیوه‌ای بسیار احتمالی و فرضی.

٤

دوک لانگر[۲] *در ناحیه دُل محاصره شده،*
با همراهی اهالی اوتون و لیونوا[۳]:
اهالی ژنو، آسبورگ،[۴] به مردمان میراندل[۵] *پیوسته‌اند،*
علیه آنگونواها[۶] ازکوه‌ها گذر کرده‌اند.

فتح نظامی فرانسویها بر ورای کوه‌های آلپ (دوران انقلاب کبیر و امپراطوری).

۵

توسط فردی شراب روی میز پخش خواهد شد،
نفر سوم آن چه راکه ادعا می‌کند نخواهد داشت:
دو بار نشان سیاه پارم[۷] پائین آورده می‌شود،
از پروز[۸] تا پیزا تدابیر جنگی را به عمل می‌آورند.

جنگ‌هایی که جهت یک پارچکی کشور ایتالیا است.

۶

ناپل، پالمرو،[۹] و سراسر سیسیل[۱۰]،
به دست بربرها نامسکون شده است،
در نواحی کورسیکا،[۱۱] سالرنوو،[۱۲] و جزیره ساردنی[۱۳]،

---

۱. Ptolon ۲. Langres ۳. Lyonois ۴. Ausbourg ۵. Mirandole
۶. Anconnois ۷. Parme ۸. Perouse ۹. Palerme
۱۰. Cecile ۱۱. Corsicque ۱۲. Salerne ۱۳. Sardeigne

گرسنگی طاعون و جنگ غایت مصیبت‌های ناخواسته است،
نبرد ایتالیا (۱۹۴۴)؛ آزادسازی جزیره کرس.

۷

در عرصه جنگ اسب‌های بی‌شمار بادپا،
فریاد بلند خواهند کرد هلال ماه بزرگ مشوش شده است:
در کوهستان شبانه در لباس شبانی به قتل می‌رسد،
در خندق عمیق گودال‌های سرخ محو می‌شود.
جنگ الجزایر طی سال‌های (۱۹۵۴ ـ ۱۹۶۱): جنگ چریکی، سوء قصدی که توسط پارتیزان‌های الجزایری علیه فرانسه انجام شده...

۸

فلورا تا نزدیکی منطقه رُمی فرار می‌کند، فرار،
در فسولان[1] فرمان نبرد داده خواهد شد:
خون ریخته شده، دست بزرکترین سرکرده کوتاه می‌شود،
هیچ معبد و جنسیتی مورد بخشش قرار نمی‌گیرد.
نبرد تاریک و مرموز.

۹

بانو در غیاب فرمانده بزرگش،
نایب‌السلطنه خواستار عشق او می‌شود،
وعده‌های بی‌اساس و معاشرت‌های شوم،
در دست‌های شاهزاده بزرگ باروا[2].
بانو: در غیاب فرمانده بزرگ خود، آیا منظور کشور فرانسه است پس از سقوط ناپلئون؟

---

۱. Fesulan
۲. Barois

۱۰

توسط شاهزاده بزرگ هم جوار شهرمان[۱]
فرمانده شجاع و دلیر سپاهی بزرگ:
توسط زمین و دریا نواحی گالو[۲] و نرمان،
کاسپر،[۳] حین گذر از بارسلون جزیره را چپاول می‌کنند.

ناپلئون اوّل.

۱۱

فرزند درباری بر ضد مادر است،
از چشم و پاها زخمی شده، رفتارش توهین‌آمیز و سرکش است،
خبر به ذائقه خانم خارجی بسیار تلخ می‌آید،
بیش از پانصد نفر از افرادش کشته خواهند شد.

سرنگونی جمهوری سوم توسط «دولت فرانسه».

۱۲

آخرین زادهٔ بزرگ خاندان به جنگ پایان خواهد داد.
انجمن از خدایان تقاضای عفو می‌کند:
کاهور،[۴] مواساک،[۵] از قشار دور خواهند شد،
لستور[۶] امتناع نموده، انژنوا[۷] در خفا می‌ماند.

اشغال جنوب غربی فرانسه توسط سپاهیان آلمان.

۱۳

از شهری که خراج گذار دریایی است،
یک سر تراشیده مزدورانه حکومت را بدست خواهد گرفت:
کسیکه اعمال شنیع را ترک کرده باز برعکس عمل خواهد کرد

---

۱. Mans ۲. Gallots ۳. Caspre ۴. Cahors ۵. Moissac
۶. Lestore ۷. Angenois

بمدّت چهارده سال حکومت مستبدانه را ادامه خواهد داد.
فتوحات و حکومت ناپلئون اوّل.

۱٤

نقشه‌برداری غلط عرضه خواهد شد،
در بناهای تاریخی مکشوفه خمره‌هایی خواهند یافت:
فرقه و فلسفه مقدس، دچار آلودگی است،
برای سفیدها و سیاه‌ها و برای باستانیان سبز.
افراد انقلابی به فرقه‌هایی تقسیم شده‌اند، آنها به مقبرهٔ شاهانهٔ سن دنی بی‌احترامی می‌کنند.

۱۵

در مقابل شهری از کشور اینسوبری[۱]،
در مقابل هفت پایگاه گذاشته خواهد شد:
پادشاه بسیار توانا به آنجا وارد خواهد شد،
آزادترین شهر از چنگ دشمنانش خواهد رست.
ممکنست به ناپلئون مربوط باشد و یا به سلطان بزرگ آینده.

۱۶

توسط ملکه بزرگ استقبال شایانی به عمل آمد
که جایگاه را قوی و غیر قابل دسترس خواهد کرد:
لشگری که نشانه‌اش سه شیر است شکست خواهد خورد
در آنجا اعمال شنیع و حشتناکی انجام داده می‌شود.
بار دیگر مفهوم رباعی کشف نشدنی است.

---

۱. Insubrie

۱۷

شاهزاده فاقد رحم و بخشش است
از پس مرگ است که روابطش تغییر خواهد کرد
حکومتی که در نهایت آرامش فعالیت می‌کند،
پس از مرد بزرگ سریعاً بد رفتار خواهد شد.

قتل هانری چهارم.

۱۸

محاصره شدگان فرمانروایشان را رنگ خواهند کرد،
هفت روز بعد عملیات وحشیانه‌ای انجام خواهند داد
هنگام عقب نشینی آتش، خون، هفت نفر به تبر سپرده می‌شوند
در انتها بانوی اسیر است که صلح را بدست می‌گیرد.

محاصره پاریس، توسط سپاه پروسی (۱۸۷۰) دوران حکومت کمون ۱۸۷۱.

۱۹

مرد قوی نیسن به نبرد نخواهد پرداخت،
با فلز سرخ آتشین مغلوب شده،
زمانی درازکارش به مجادله خواهد کشید؛
برای شهروندان خارجی هولناک خواهد بود.

رباعی مبهم، با وجود اینکه ـ بطور حتم مربوط به ـ کاربرد سلاحی فلزی بر ضد یک شهر است...

۲۰

سفیر کبیری که به زبان توسکانی حرف می‌زند،
در ماه‌های آوریل و مه ازکوه‌های آلپ گذر می‌کند،
آن که با علامت گوساله است با بدخوئی مواجه خواهد کرد،

در حالی که روند شیوهٔ زندگی فرانسوی را از بین نمی‌برد.
این رباعی هم بسیار مبهم است.

۲۱

توسط دشمنی فاسد کننده ولسیک[۱]،
ریاکارانه فرد ظالم را خواهد راند،
در پل سورگ[۲] به واسطه او معامله انجام خواهد گرفت
او و هم‌پیمانش را اعدام خواهند کرد.

۲۲

شهروندان بین‌النهرین
برخلاف دوستی به تاراکونا[۳] بروید،
تفریح، خنده و ضیافت‌ها برپاست و حتی تمام افراد در خوابند
خلیفه روزن[۴] شهر با تمام اهالی اوزون[۵] را تسخیر می‌کند.
دسایس اعراب در اسپانیا شاید سرآغاز جنگ داخلی در فرانسه جنوبی باشد؟

۲۳

عصای سلطنت با اجبار گرفته خواهد شد
نشانی است که پیشینیانشان نگاهداری کرده بودند،
از آن پس در مورد انگشتری به توافق نخواهند رسید،
آنگاه که برای چپاول به کاخ خواهند آمد.
تابستان ۱۷۹۲: وقتی کاخ تویلری توسط ملّت تسخیر شد.

---

۱. Volsicque ۲. Sorques ۳. Tarraconne ۴. Rosne
۵. Ausone

۲۴

کفن‌پوش از قبر خارج خواهد شد،
با زنجیرها به پل محکمی بسته خواهد شد،
با دانه‌های باربو[۱] مسموم می‌شود،
مرد بزرگ لورن[۲] توسط مارکی دو پن.

این رباعی مانند رباعی‌های بی‌شمار دیگر با وجود صراحت توضیح روشنی ندارد.

۲۵

در اثر جنگ طولانی کلیه تجهیزات فرسوده شده است،
پشیزی برای دستمزد سربازان دریافت نخواهد داشت،
انبارهای طلا، نقره و چرم به یغما خواهد رفت،
مرد فرانسوی سنگدل، در هلال ماه امضاء می‌کند.

ورشکستکی کامل خزانهٔ ملی بر اثر یک جنگ طولانی: آیا کشور فرانسه در دو جنگ جهانی است؟

۲۶

موشک‌ها و کشتی‌های جنگی اطراف کشتی گرد آمده‌اند،
جنگ مرگ باری را براه خواهند انداخت،
رهبر مادریک فرمان: بازگشت کشتی‌ها را دریافت می‌کند،
دو نفر فرار کرده و پنج نفر به ساحل برگردانده می‌شوند.

عملیات دریایی طی جنگ داخلی اسپانیا.

۲۷

در دره واست[۳] گروه سوار نظام عظیم،

---

۱. Barbeau   ۲. Lorraine   ۳. Vast

در نزدیکی فراژ[۱] برای بارها موانع ایجاد می‌کند،
سریعاً در تورن سرقتی غریب انجام می‌دهد،
که از دژگروگان‌هاشان را خواهند ربود.
غلبه بر ایتالیا توسط سپاهیان بناپارت.

۲۸

ناخدا فدیه بزرگ را هدایت خواهد کرد
به کوهستانی که مقر دشمنان نزدیک شده بود.
در احاطهٔ آتش چنان منظره‌ای به وجود خواهد آورد
که از افراد گریخته، حدود سی نفر به شکنجه سپرده می‌شود.
نبرد واترلو: مقاومت نومیدانهٔ پاسداران ناپلئون، تحت فرمان کامبرون.

۲۹

دوک بزرگ الب[۲] یاغی خواهد شد،
به نیاکان خود خیانت خواهد ورزید:
مرد بزرگ گیز[۳] از یاغیگری دست خواهد کشید،
اسیر برده شده و بنای تاریخی مجدداً بر پا شده است.
باز هم یک رباعی نامفهوم (که با مراجعه به حوادث معروف قابل درک می‌شود) علیرغم وضوح جزئیات!

۳۰

قتل و غارت از راه می‌رسد، آتش و خون زیادی می‌بارد،
پو، شط‌های بزرگ راگاو چران‌ها در دست گرفته‌اند
پس از انتظاری طولانی از جانب نیس و جنوا،

---

۱. Ferrage   ۲. Albe   ۳. Guise

فوسن و توزن در سوی آن[۱] به تصرف در می‌آیند.
تهاجم ایتالیای شمالی بدست ارتش بناپارت.

۳۱

از لانگ دوک و گی‌ین متجاوز از ده
هزار نفر خواهان گذر از کوه‌های آلپ می‌باشند:
آلوبروژ[۲] کبیر علیه برندیس[۳] است،
اکی‌ین و برس آنها را مجدداً شکست خواهند داد.
تابستان ۱۹۴۴: کشور فرانسه از اشغال آلمان و ایتالیا آزاد می‌شود.

۳۲

از قلهٔ پادشاهی انزواطلب زاده می‌شود،
کسی که در زیر زمین در قالب یک خودکامه قرار می‌گیرد،
ارتشی را بسوی ایالت سرحدی میلان بر پا می‌دارد،
فونس[۴] و فلورانس طلایی مردمان درمانده شده‌اند.
فتح ایتالیا توسط فرانسه (دوران حکومت دیراکتوار و سپس کنسولی ناپلئون).

۳۳

به خاطر کارهای خلاف حکومت از نیروهای خود بهره می‌برد
کشتی محاصره شده گذرگاه‌ها مملو از جاسوس‌ها می‌شود،
دو دوست مقدّس بار دیگر با هم متّحد خواهند شد،
نفرتی که زمانی دراز خفته بوده بیدار شده است.
به قدرت رسیدن بناپارت در فرانسه؛ ائتلاف مخالف.

---

۱. Sauillan ۲. Allobroges ۳. Brundis ۴. Fauence

۳۴

ملت فرانسه دچار تأسف بسیاری خواهد شد،
با روح پوچ و سبک سری خود را جسور خواهد کرد:
نان و نمک حتی شراب و زهرآبهٔ بدخواهی به کار نمی‌آید،
عدهٔ زیادی اسیر، گرسنگی، سرما و مایحتاج‌اند.

شکست ماه‌های مه ـ ژوئن ۱۹۴۰؛ اشغال توسط سپاهیان آلمانی.

۳۵

بر اثر گناهی بزرگ به شِکوه و افسوس خواهد افتاد،
وقتی انتخاب شده در مورد سنش اشتباه خواهند کرد:
به هیچ وجه خواستار ماندن با آنان نخواهد بود،
از کسانی که هم زبانش هستند مأیوس شده است.

منظور ژنرال دوگل است (عبارت گناه بزرگ احتمالاً معادل یکی از نامهای مستعار اوست) وی در سال ۱۹۴۶ از قدرت کناره می‌گیرد.

۳۶

خدا، عرش، هر کلمهٔ ملکوتی را بر آب قرار داده،
سرخ‌ها هفت سر تراشیده را به بیزانس حمل کرده‌اند،
سی صد نفر از آب‌های ترو بیز[1] بر علیه تدهین با روغن مقدس
دو قانون را بدعت خواهند گذاشت وحشت سپس برکت.

موفقیت انقلابیون، اکتبر ۱۹۱۷: احکام خشونت‌آمیز بر ضد مذهب.

۳۷

ده نفر در صدد قتل در صحن کلیسا هستند
یک نفر با خبر شده در کشتی جنگ آغاز می‌شود،

---

۱. Trebisconde

بی‌نظمی رهبری، یکی از آن‌ها را به رنجش و تاثر وامیدارد،
Leryn, stecades nefs, cap dedan la nerte
سوء قصد جهت کشتن ژان پل دوّم در رُم در بهار ۱۹۸۱ ـ توطئه شومی که نزدیک بود موفقیت آمیز باشد.

۳۸

پسر ارشد خاندان سلطنتی سوار بر اسب به هر سو می‌تازد،
حین تاختن شدیداً با خنجر زخمی خواهد شد،
از ناحیه چانه و دهان و پا در بند گیر افتاده، نالان است،
به هر طرف کشیده شده، بطور وحشتناکی خواهد مرد.
بسیار جالب است که هیچ مفسّری این رباعی را به رباعی معروفتر دیگری نزدیک نکرده باشد ـ بسی مشهورتر ـ از سده اوّل: که در آن شعر هم، سرنوشت غم‌انگیز هانری دوّم پادشاه فرانسه توصیف می‌شود.

۳۹

فرمانده ارتش مردم فرانسه،
پیاده نظام اصلی را از دست می‌دهد،
به سبب سنگفرش‌های عنکبوتی و سفالین،
بدست مردمان خارجی ژن‌ها[1] شکل داده می‌شود.
بار دیگر رباعی که مربوط به غلبه بر ایتالیا است توسط سپاهیان فرانسوی.

۴۰

درون بشکه‌ها با پیه گداخته و روغن آغشته می‌شود
بیست و یک نفر مقابل دروازهٔ بسته خواهند ماند،

---

۱. Gennes

در دومین کمین، شجاعت خود را با شهادت نشان خواهند داد،
دروازه‌ها را می‌گشایند و با یک یورش پاسداران را می‌کشند.
دروازهٔ بسته شاید لاروشل باشد، که توسط سد ریشیلیو بسته شده بود.

٤١

استخوان‌های پاها و دست‌ها را در فشار قرار دهید،
برای زمانی دراز خانه به سبب سر و صدا نامسکون شده است،
در رویای کاوش به حفر زمین خواهند پرداخت،
خانه سازگار و بی سر و صدا و قابل سکونت شده است.
رباعی نامفهوم، احتمالاً دارای معنایی علائمی است.

٤٢

دو تازه وارد زهر را بر داشته،
تا در آشپزخانهٔ شاهزاده بزرگ بکار برند،
در حین این عمل ننگین هر دو شناسایی شده،
دستگیر شده با سپردن به مرگ نفر ارشد متأسف می‌شود.
بار دیگر رباعی که اعتراف می‌کنیم که معنایش برای ما غیر قابل فهم است.

به این سده ناقص در تست اصلی سال ۱۵۵۸، چهار رباعی در نسخه سال ۱۶۰۵ و دو رباعی در نسخه سال ۱۶۵۰ اضافه گشته است.

سده هشتم

۱

رودهای پو، نی[۱] لوزان بیش از آتش در خون فرو می‌روند،
مرد بزرگ از لود[۲] شناکرده، با فرار در امنیت قرار می‌گیرد.
مزاحمین مانع ورودش خواهند شد،
پامپون، دورانس، آنها را در خود محبوس نگاه خواهند داشت.

در ناحیه پیرنه حوادث وحشتناک جنگی. می‌توان از خود پرسید که آیا نستراداموس حقیقتاً با دید اختری صحنه‌های بمباران و قتل عام جنگ داخلی اسپانیا را شخصاً ندیده است، جنگی که طی سال‌های ۱۹۳۶ - ۱۹۳۹ رخ داده است (کلمه پامپون معادل پامپولون). پیشگو در مشاهدهٔ محل پیشگوئی دچار اشتباه شده چون از دو منطقه پو و اولورن نیز نام آورده. در مورد جنگ جهانی سوم: پرتاب یک بمب اتمی به مناطق پو و اولورن است.

۲

کوندون[۳] و اوش[۴] و اطراف میراند[۵]
از آسمان آتشی می‌بینیم که همه جا را احاطه می‌کند:
خورشید و مریخ در برج شیر قرین شده‌اند سپس در مارماند[۶]
آذرخش، تگرگ شدید، درگارون دیوار فرو می‌ریزد.

این مصیبت بزرگ آسمانی چیست که در ناحیه جنوب غربی اتفاق

---

۱. Nay
۲. Laud
۳. Condon
۴. Aux
۵. Mirande
۶. Marmande

می‌افتد؟ ممکن است چنین فکر کنیم که با نوعی نشانه‌های رمزگونه نبردی را شرح می‌دهد ـ که در ناحیه جنوب غربی حکومت پادشاهی به طور اخص توام با خونریزی است ـ نبردی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها، امّا رباعی در عین حال پیشگوئی از دوران جنگ جهانی سوم است، پرتاب نوعی موشک اتمی در ناحیه میراند.

۳

در دژ مستحکم کاخ ویژی‌لان[۱] و رویر[۲]
فرزند آخر در نانسی تحت فشار قرار خواهد گرفت:
در ناحیه تورن پر حرارت‌ها رتبه اول را خواهند داشت،
در آنگاه که شهر لیون به خاطر ماتم متأثر خواهد شد.

سال ۱۸۱۴: ارتش بزرگ مغلوب شده، متّحدین ابتدا ایتالیا سپس فرانسه را تسخیر می‌کنند.

٤

خروس در مونیخ پذیرفته خواهد شد،
کاردینالی از فرانسه ظاهر خواهد شد
از شرعی بودن آن مرد رُمی مأیوس خواهد شد،
ضعف عقاب و قدرت خروس زاده خواهد شد.

این رباعی یکی از نامفهوم‌ترین اشعار سده‌ها می‌باشد؛ آیا اشاره به انتخاب یک کاردینال فرانسوی در واتیکان دارد؟

۵

معبد طلائی مزّین آشکار خواهد شد،
چراغ و شمع بزرگ قوی در برن[۳] و برتوی[۴]،

---

۱. Vigilanne   ۲. Resviers   ۳. Borne   ۴. Bretueil

بخاطر چهار بخش تقسیماتشان دگرگون خواهد شد
هنگامی که خروس بزرگ روی تابوت دیده خواهد شد.

رباعی مبهم، ولی ممکنست مربوط به شکست نهائی ارتش بزرگ ناپلئون باشد که فرانسه را از پا در آورده است. (خروس بزرگ روی تابوت).

۶

صاعقه نورانی در شهر لیون ظاهر خواهد شد
روشنایی مالت بطور ناگهانی در بهار خاموش می‌شود:
ساردن رفتار خیانت‌آمیزی با موریس در پیش خواهد گرفت،
ژنو به اتّفاق لندن به خروس خیانت دروغینی می‌کنند.

می‌توان به ناپلئون مربوط کرد: تسخیر مالت در مسیر مصر، تسخیر اروپا. کشور انگلستان (لندن) مسبب شکست او بود.

۷

ورسای، میلان، فرزانگی خود را نشان خواهند داد
نمایش در تیسن[1] انجام خواهد شد،
آب، خون از طریق سن جاری می‌شود، آتش از طریق فلورانس
در ماه مه یگانه انتخاب از مافوق تا مادون انجام می‌شود.

هرج و مرج در فرانسه و در ایتالیا، در سراسر دوران انقلاب.

۸

در نزدیکی لینتون[2] در چلیک‌های در بسته،
چیواس[3] برای عقاب دسیسه‌ای فراهم می‌سازد،
فرد منتخب بیرون رانده می‌شود، او و یارانش زندانی می‌شوند،
همسر در تورن ربوده شده همراه برده می‌شود.

---

۱. Tycin ۲. Linterne ۳. Chiuaz

تسخیر ایتالیا بدست ناپلئون.

۹

در مدتی که عقاب و خروس در ساونا
متّحد خواهند شد، با نیروی دریایی باختر و کشور مجارستان،
مارک آنکن[۱] به ناپل و پالرم لشکر می‌کشد
رُم، ونیز با فریاد وحشتناکی تحت اختیار ریش در می‌آیند.

سپاهیان ناپلئون در سراسر ایتالیا و حتی نواحی غربی تسلط می‌یابند (تا مجارستان و باختری).

۱۰

از لوزان بوی تعفن بر خواهد خاست،
که به سرچشمهٔ آن پی نخواهند برد:
تمامی مردم را به جاهای دور روانه خواهند کرد،
در آسمان آتش دیده می‌شود، ملّت خارجی شکست می‌خورد.

اگر بطور کامل لازم است که این رباعی تفسیر شود، بیماری مسری وحشتناکی را در کشور سویس اعلام می‌دارد، که موجب تصمیمات اساسی چهل ساله می‌شود.

۱۱

در ویسانس[۲] مردم بی‌شماری پدیدار می‌شوند
بی‌هیچ خشونتی کلیسای عمده به آتش کشیده می‌شود:
در نزدیکی لوناژ[۳] خرابی عظیم در والانس،
آنگاه که ونیز در اثر مرگ در تب و تاب خواهد بود.

پایان استقلال ونیز.

---

۱. Marque d´Ancone　۲. Vicence　۳. Lunage

۱۲

درکناره بوفالو پدیدار خواهد شد
در مقام مرد برتر و عادل به میلان وارد می‌شود،
اسقف فواکس[۱] باتفاق مردمان سن مور[۲]،
جامه‌های بسیار نامتداولی دربرکرده‌اند.

ناپلئون اول، مرد برتر و عادل ایتالیا در میلان.

۱۳

برادر شرکت‌کننده در جنگهای صلیبی از پس عشق هوس‌آلود،
سبب می‌شود تا بلروفون[۳] بدست پریتوس[۴] کشته شود،
کشتی‌های هزار ساله، زن خشمگین
شربت را می‌نوشند سپس هر دوی آنها نابود خواهند شد.

قسمت اعظم این رباعی نشانه‌ای است، امّا احتمالاً مربوط به سرنوشت ناپلئون است (با توجه به عملیات کشتی بلروفون[۵]، دقیقاً با یک حرف کم و بیش قید شده است).

۱٤

اعتبار زیادی که از طلا و نقره فراوان حاصل شده است
شرافت را به نابینایی خواهد کشاند،
به یک نفر تهمت زناکاری زده خواهد شد،
که وی بر بی‌حرمتی شدیدش فائق خواهد شد.

می‌توان به دومین امپراطوری مربوط کرد: فراوانی طلا و نقره، اسراف و جار و جنجال.

---

۱. Foix
۲. Sainct Morre
۳. Bellorophon
۴. Praytus
۵. Bellerophon

۱۵

تلاش عظیمی که به دست مرد زن آسا در مسیر شمال
به تقریب سراسر اروپا و تمام جهان به دردسر می‌افتد،
دو خسوف این وضعیت راندن را ایجاد خواهند کرد،
و در مجارستان زندگی و مرگ تقویت می‌شود.

تجزیه اروپا در سال ۱۹۴۵، بین قدرت‌های آمریکا و شوروی.

۱۶

در جایی که هیرون[۱] کشتی خود را می‌سازد
بطور ناگهانی سیل عظیمی جاری خواهد شد،
که هیچ زمینی بدون آسیب باقی نمی‌ماند،
آب‌ها المپیک[۲] فوزلان[۳] را احاطه خواهد کرد.

خبر از یک طوفان جدید می‌دهد، یا حداقل درباره جزر و مد عجیبی است.

۱۷

آنان که در آسایش بسر می‌برند ناگهان دگرگون خواهند شد:
به دست سه برادر دنیا به آشوب کشانده می‌شود:
شهر دریایی به دست دشمن گرفتار می‌شود،
قحطی، آتش، خون، طاعون و همه مصیبت‌ها دو برابر می‌شود.

منظور از سه برادر ممکنست «سه قدرتمند» چرچیل ـ روزولت ـ استالین درجنگ جهانی دوّم باشند.

۱۸

سلسله گل از پس مرگش سبب‌ساز خواهد شد،

---

۱. Hieron ۲. Olympique ۳. Fesulan

اندکی قبل از آن توسط جوان و پیر و میخوار
توسط سه زنبق سفید، استراحت طولانی می‌کند،
توسط میوه وحشی‌اش مثل گوشت خامی مرطوب شده.

سه زنبق سفید آیا نمودار سه پادشاه (لوئی هجدهم، شارل دهم، لوئی فلیپ) است. که جانشین اولین امپراطوری شده‌اند؟

۱۹

برای حمایت از کاپه بزرگ به اغتشاش در می‌آید،
برای اصلاح اوضاع سرخ‌ها به حرکت در می‌آیند،
به تقریب تمامی خانواده با مرگ از پای در می‌آیند،
سرخ‌ها با سرخ‌ها ـ سرخ را به ستوه خواهند آورد.

به محاصره در آوردن کاخ تویلری (در روز ۱۰ اوت ۱۷۹۲). سقوط پادشاهی. انقلابیون به گروه‌های رقیب تقسیم خواهند شد (بیت چهارم).

۲۰

پیام دروغین به سبب انتخاب مسخره
مردم را بسیج می‌کند پیام دروغین را باطل می‌کند،
رأی‌ها خریداری شده محراب از خون رنگین می‌شود،
و با امپراطوری دیگری مخالفت می‌شود.

تلگراف E.M.S؛ تلگراف‌های دیپلوماتیک تحریف شده در جنگ سال ۱۸۷۰ و سقوط امپراطوری دوّم.

۲۱

سه انسان زرنگ به بندر اگده[۱] قدم خواهند گذاشت
حامل عفونت، بی‌ایمانی و بیماری هستند،

---

۱. Agde

هزاران هزار به یکباره از پل عبور خواهند کرد،
و پل شکسته شده و یک سوم پایداری خواهند کرد.

این رباعی مبهم امّا بی‌شک نشانه‌ای است (اگده صحنه هیچ پیاده شدنی نیست).

۲۲

گورسان،[۱] ناربون از طریق نمک اخطار می‌کند
توشام[۲] به محبت پرپینیان خیانت می‌ورزد،
شهر سرخ دیگر خواستار توافق نیست،
در اوج پرواز پرچم خاکستری ضربه خواهد خورد.

در ۱۸۱۴، پرپنیان و تولوز تسخیر شده است. جنگ آینده داخلی در ناحیه پرپینیان.

۲۳

در قفسه‌ی ملکه نامه‌هایی پیدا خواهد شد،
نه مُهری بر آن است نه نامی از نویسنده:
توسط نیروی حفاظت هدایا مخفی نگه داشته می‌شود،
هیچ کس نخواهد فهمید چه کسی عاشق ملکه بوده است.

در کاخ تویلری، قفسه آهنینی متعلق به ملکه ماری آنتوانت کشف شد که نامه‌های خصوصی‌اش را در آن نگهداری می‌کرده است.

۲٤

قائم مقام در هنگام ورود به جلسه،
مرد بزرگ پارپینیان را از پا در خواهد آورد،
در اندیشه نجات خود به مون‌پرتیوس[۳] می‌رود،

---

۱. Gorsan ۲. Tucham ۳. Montpertuis

فرد نامشروع لوسی‌نیان[1] اغفال خواهد کرد.
شاید بتوان به جنگ‌های مذهبی مربوط کرد. و نیز، در آینده ممکنست پایان غم‌انگیز یک رهبر شورش چپی‌های افراطی در پرپینیان باشد.

۲۵

قلب عاشق با عشقی سرشار شکوفا خواهد شد
در جویبار بانو را مسحور می‌کند:
از فرط شهوت‌رانی نیمه بیمار است،
پدر هر دو جسم را از روح جدا می‌سازد.
رباعی مبهم، آشکارا شعری علائمی است.

۲۶

در بارسلون انسان‌های ریاضت‌کش یافت خواهند شد،
نیمه برهنه در مکان های خالی و ویران بسر می‌برند،
مرد بزرگ مقام‌دار که نگاهدارنده نیست خواستار پامپلونا است
شامگاهان در مهراب مونفران در باران ریز.
جنگ داخلی اسپانیا.

۲۷

جاده‌ای که یکی بر روی دیگری پیموده می‌شود
از این پس دیواره غیر مسکون در تحسین و تکوین قرار می‌گیرد،
دست خط امپراطور سیمرغ
هورا برای کسی که فرد دیگری مثل او نیست.
ناپلئون دوباره نیروی خود را باز می‌یابد (صفت سیمرغ به این دلیل است). امپراطوری شارلمانی.

---

۱. Lusignan

۲۸

به جای طلا و نقره که جای زیادی می‌گیرد به کار می‌رود،
که پس از مصرف در آتش انداخته می‌شود؛
در پی کشف جدید از بین رفته و متزلزل می‌شود،
در لوح مرمری نوشته شده و قبلی‌ها از دور خارج می‌شود.

تورم پولی، بی‌ارزش شدن روزافزون، بخوبی می‌توان به دوران یک انقلاب مربوط ساخت و یا نیز به قرن بیستم فرانسه (بی‌ارزش بودن اسکناس).

۲۹

آن را در چهار ستون برای زحل قربانی می‌کنیم،
در اثر زمین لرزه و سیل شکاف بر می‌دارد
ظرف خاکستری مردگان در زیر بنای زحل یافت می‌شود،
طلای کاپیون[۱] ربوده شده سپس بازگردانده می‌شود.

زمین لرزه و سیل مهیب. کشف گنجینه‌ای که فکر میکردند گم شده است.

۳۰

در تولوز در فاصله کمی از بلوزر[۲]،
در قصر مخصوص نمایش با حفر چاهی طویل
گنجی یافت شده هر کدام از آنها دچار دردسر خواهند شد،
و در دولژ درست در نزدیکی نمایش.

کشف گنجی (مربوط به کارتاژها؟) در تولوز.

---

۱. Capion ۲. Beluzer

۳۱

اولین ثمره شاهزاده بزرگ پرس‌کی‌یر[۱]،
که سپس کاملاً بی‌رحم ومزوّر خواهد شد،
در ونیز موفقیت غرورآمیز خود را از دست می‌دهد،
توسط سلین[۲] شادتر به سوی شرارت بیشتری رانده می‌شود.

شکست اولین اقدام (در دوران شارل ـ آلبرپیه‌مون) برای تسخیر اتریش و وحدت ملّی ایتالیاست.

۳۲

تو ای پادشاه فرانسه از برادرزاده‌ات بر حذر باش،
که با تمهید بسیار خواهد کوشید یگانه پسرت را
در حال ادای نذر به ونوس به قتل رساند،
شبانگاه از سوی سه و شش همراهی شده است.

ناپلئون سوم، برادرزاده امپراطور بزرگ.

۳۳

مرد بزرگ در ورونا و ونس زاده خواهد شد،
که نام بسیار بی‌ارزشی خواهد داشت:
کسی که در ونیز خواستار آن است که انتقام بستاند،
شخصاً کمین کرده مرد را گرفته و علامت می‌گذارد.

موسلینی؟

۳٤

از پس پیروزی شیر بر شیر
در کوهستان ایورا[۳] کشتار بزرگ،

---

۱. Persquiere　　۲. Celin　　۳. Ivra

در حدود هفت میلیون قشنگ،
شیر، اولم[۱] در مقبره مجلل می‌میرد و به خاک سپرده می‌شود.
فتوحات ناپلئون.

۳۵

در ورودی گارون و بایز[۲]،
و جنگل که از دامازون[۳] فاصله چندانی ندارد،
در مارساو[۴] یخ‌زده، سپس تگرگ و باد سرد می‌آید
به سبب اشتباه مزان[۵] که یخ‌بندان تجویز شده است.
یخ‌بندان و تگرگ، طوفان شدید در جنوب غربی.

۳۶

بر علیه چاپلوسی شخص تدهین شده‌ای مرتکب خواهد شد
آن عمل از ناحیه شلن،[۶] سن آلبن،[۷] و بل،[۸] است
برج‌های دوردست ریخته شده را با مرمر سنگ کاری می‌کنند
بل‌تران[۹] در برابر شاهکار بی‌طاقت می‌شود.
ساختمان قصر ورسای بدست لوئی چهاردهم.

۳۷

قلعه‌ای در نزدیکی رود تایمز،
از هنگامی که پادشاه در آن محبوس است ارزشمند شده،
نزدیک پل با یکتا پیراهن دیده خواهد شد
نفر مقابل می‌میرد، سپس درون دژ پشت میله‌ها جای می‌گیرد.
اسارت سپس آزادی چارلز اوّل پادشاه انگلستان. محاصره لندن در دوران جنگ جهانی سوّم.

---

۱. Ulme ۲. Bayse ۳. Damazan ۴. Marsaves ۵. Mezan
۶. Saulne ۷. Sainct Aulbin ۸. Bel ۹. Bleteran

۳۸

پادشاه بولوا در آوینیون حکومت خواهد کرد،
بار دیگر ملّت انحصار را بدست خواهد گرفت،
در روزن از طریق دریا شنا خواهند کرد
تا جایی که به پنج رسد آخرین نفر نزدیک نول است.

آیا به سلطان بزرگ آینده مربوط نمی‌شود، کسی که (به روایتی تأیید شده) از سلسله سلطنتی والوا خواهد بود؟

۳۹

کسی که به شاهزادگی بیزانس برگزیده می‌شود،
بدست شاهزادهٔ تولوز زندانی خواهد شد:
ایمان مردمان فواکس توسط رهبر تولانتن[1]
باعث شکست او خواهد شد، عروس پذیرفته نخواهد شد.

پایان جنگ‌های مذهبی. پیروزی هانری چهارم.

٤٠

توسط ماهی تورروا[2] خون عادل
جهت انتقام گرفتن از افراد تابع زحل
درماه مه در دریاچه نوین به زیر آب می‌رود،
سپس علیه آلبانی به حرکت در خواهند آمد.

پیاده شدن متفقین در نرماندی (۶ ژوئن ۱۹۴۴).

٤١

روباه بدون سر و صدا برگزیده خواهد شد،
جمعیت مقدّس را با نان جو وادار به سد جوع می‌کنند.

---

۱. Tholentin   ۲. Taurer

فرد بسیار نزدیک به خروس رفتار ستمگرانه‌ای خواهد داشت،
در حالی که بر گلوی مردان بزرگ پای می‌گذارد.

سومین جمهوری به نفع مارشال پتن واژگون شد که اصولش به خاطر خشونت معروف شده است.

٤۲

به خاطر حرص و آز با قدرت و خشونت زیاد
هواداران رهبر اورلئان دچار تأسف خواهند شد،
در نزدیکی سن مه‌میر[1] با حمله و مقاومت،
در چادرش مرده، گفته می‌شود که در آنجا بخواب رفته است.

در سال ۱۸۳۰ دسایسی که به توسط آنها، دوک دو اورلئان به تخت سلطنت دست می‌یابد.

٤۳

به سبب تصمیم گیری دو عامل نامشروع،
برادرزاده هم خون حکومت را به تصرف در خواهد آورد،
در قرائت خانه است که ضربه‌های شمشیر زده خواهد شد،
برادرزاده از پس ماتم به عنوان علاقمند می‌شود.

ناپلئون سوم، برادرزادهٔ ناپلئون اول.

٤٤

روال طبیعی اصول دینی،
از هفت به نه جاده متحرف می‌شود
پادشاه بلند قد با یک نیمه انسان‌نما دوست است،

---

۱. Saint Memire

می‌بایستی در ناوار، دژ و پو کرنش کنند.
موفقیت هانری دو ناوار.

۴۵

پا باند پیچی شده، دستی با حمایل به گردن بسته شده،
فرزند کهتر خانواده را از بندر کاله[۱] بیرون خواهد برد،
با کلمهٔ رمز در کمین، مرگ به تاخیر خواهد افتاد،
سپس در معبد پاسک[۲] خونریزی خواهد شد.
هجوم کشور فرانسه سپس اشغال آن در سال ۱۹۴۰.

۴۶

پل مانسول در سه فرسنگی روزن جان خواهد سپرد،
دو تن از نزدیکان به دماغه تاراسک[۳] خواهند گریخت:
زیرا مریخ وحشتناکترین سلطنت را خواهد داشت،
خروس و عقاب سه برادر از فرانسه.
سه برادر عبارتند از لوئی شانزدهم (سرنوشت غم‌انگیز: وحشتناکترین سلطنت)، لوئی هجدهم و شارل دهم، که هر سه بر تخت سلطنت فرانسه جلوس کرده‌اند.

۴۷

دریاچه تراسی‌من[۴] شاهد خواهد بود،
در پروز افراد فاسد خواهند بود،
حاکم مستبد نقش عاقلان را بازی می‌کند،
تدوسک[۵] را با مثله کردن به قتل می‌رساند.
موسلینی.

---

۱. Calais ۲. Pasques ۳. Tarasc ۴. Trasmenien
۵. Tedesq

٤٨

زحل با سرطان، ژوپیتر با مریخ قرین خواهند شد،
در ماه فوریه در سرزمین گال‌دون‌دون[۱] با شلیک سلام نظامی:
ناگهان کاستالون[۲] آرام از سه جهت به محاصره در می‌آید،
در نزدیکی وربیسک[۳] نبردی که به جنگ خونینی منجر میشود

این جنگ مرگ‌آسا آیا به اسپانیا مربوط نیست، پیش در آمد صریح نبرد جهانی دوم.

٤٩

زحل در ثور نقش بر آب می‌زند، مریخ در پیکان،
ششم فوریه روزی مرگ‌آفرین است،
به ساکنان تاردین[۴] در بروژ[۵] خسارت عظیمی وارد می‌شود
که در پونتروسو[۶] رهبر بربرها جان خواهد سپرد.

آیا سقوط و مرگ موسلینی است؟

۵۰

بیماری طاعون در اطراف کاپادیل[۷]،
قحطی بزرگتری در نزدیکی ساگن[۸] ظاهر خواهد شد:
شوالیه فرزند نامشروع پیرمرد نیک نهاد،
با مرد بزرگ تونس سرها را از بدن جدا خواهد کرد.

جنگ داخلی در اسپانیا؛ ژنرال فرانکو قدرت را با زور تصاحب می‌کند.

۵۱

بیزانتین دست به خیرات می‌زند،

---

۱. Caldondon ۲. Caustallon ۳. Verbiesque
۴. Tardaigne ۵. Bruge ۶. Ponteroso ۷. Capadille ۸. Sagon

پس از آنکه کوردب[۱] را برای خویش پس گرفته است:
راه او طولانی است و در جلگه زار به استراحت می‌پردازد،
باگذر از دریا طعمه ازگلوی‌نا[۲] پس گرفته می‌شود.

این فرد اهل بیزانس کیست؟ آیا آتاتورک است که به ترکیه جان تازه می‌بخشد؟

۵۲

پادشاه بلوا در اوینیون فرمانروایی خواهد کرد،
در ناحیه آمبواز[۳] و سم[۴] در امتداد لیندر[۵] خواهد آمد
چنگالی بالهای مقدسین را در پواتیه نابود می‌سازد
در مقابل بونی[۶] [شعر ناتمام است]

سلطان بزرگ آینده، کسی که از سلسله سلطنتی والوا می‌باشد.

۵۳

در بولونی خواستار چشم‌پوشی از خطاهایش می‌باشد،
در معبد موفق نخواهد شد،
با رتق و فتق اموری در بالاترین حّد به پرواز در می‌آید،
که در سلسله مراتب همانند او وجود نداشته است.

عروج دوارآور ناپلئون بناپارت.

۵٤

در زیر پوشش پیمان ازدواج،
چیرن بزرگ، سلین عملیات بزرگی انجام می‌دهد،
کوانتن،[۷] آرآ،[۸] در سفر به اکتشاف می‌پردازند
از بین مردم اسپانیاست که دومین رده بنائی انجام می‌پذیرد.

---

۱. Cordube ۲. Colongna ۳. Ammboise ۴. Seme
۵. Lyndre ۶. Boni ۷. Quintin ۸. Arras

قسمتی از این رباعی رمزی است، امّا می‌تواند در رابطه با سفر رئیس جمهوری چین کمونیست به کشور فرانسه باشد. (چیرن بزرگ).

۵۵

در بین دو شط خود را محبوس خواهد یافت،
بشکه‌ها و چلیک‌ها بهم بسته تا با آن به منطقه دیگر روند
هشت پل در هم شکسته رهبر در فشار بسیارست،
فرزندان خلف با کارد سرشان قطع می‌شود.

شکست فرانسه در ماه‌های مه و ژوئن ۱۹۴۰.

۵۶

دنیا توسط گروه ناچیز تسخیر خواهد شد
افراد فرماندهی فریادهای هولناکی سرخواهند داد
گروه عظیمی از افراد جناح به لرزه در خواهند آمد،
درکنار د.نبرو[1] نوشته‌ها کشف خواهد شد.

انقلاب بلشویکی. پیامش در سراسر دنیا پخش خواهد شد، در صورتیکه لنین و همراهانش فقط اقلیت اندکی بودند (گروه ناچیز دنیا را تسخیر خواهد کرد).

۵۷

سرباز ساده‌ای به امپراطوری می‌رسد،
علیرغم جامهٔ کوتاه خود به لباس طویلی دست خواهد یافت
درلشگرکشی متبحر و با کلیسا به بدترین وضع برخورد می‌کند.
کشیشان را به ستوه می‌آورد چون آبی که به اسفنج وارد می‌شود.

ناپلئون.

---

۱. D.nebro

۵۸

حکومت مورد اختلاف بین دو برادر تقسیم شده است،
به تجهیز سلاح نپرداخته و نام کشور بریتانیا یافته‌اند
عنوان انگلیکن[۱] بسیار دیر اعلام شده است،
شبانگاه غافلگیر و به آهنگ گالیگ[۲] رهبری می‌کند.

شورش مستعمرات انگلیسی در آمریکای شمالی؛ پشتیبانی فرانسه از ایالات متحده آمریکا.

۵۹

دو بار عروج و دو بار سقوط کرده است
غرب نیز به سان شرق دچار ناتوانی خواهد شد
آه، پس از چندین نبرد رقیب هم خواهند شد،
از طریق دریا بیرون رانده بر اثر احتیاج سقوط خواهد کرد.

دو بار جنگ جهانی.

۶۰

برای نخستین بار در فرانسه، و نخستین بار در رومانی،
از دریا و زمین برای مردمان انگلستان و پاریس
عملیات شگفتی بدست افراد قشون رخ می‌دهد
نورلاریس[۳] بسبب زمین پست و خشن شکست می‌خورد.

موفقیت و سپس شکست ناپلئون اوّل.

۶۱

هیچ‌گاه با پدیدار شدن سپیده‌دم
به نشان عصای سلطنتی آهنی دست نخواهد یافت

---

۱. Anglican   ۲. Gallique   ۳. Norlaris

چنانچه تمام مسندها خالی باشد،
از طرف ارتش تائوی مسلح به خروس کمک اهداء خواهد.
اشاره به‌اتحاد نظامی بین‌کشور چین (ارتش تائوی مسلح) وکشورفرانسه.

۶۲

آن هنگام که دیده شود معبد مقدس کفاره می‌پردازد،
شخصیت بزرگ سرخ به مقدساتشان پشت خواهد کرد
توسط آنها بیماری بسیار هولناکی شایع خواهد شد،
پادشاه فرار نموده و برخلاف عدالت محکوم نخواهد شد.
مخالف روزافزون انقلابیون با عقاید مذهبی: مردمان عامی خواستار حذف مسیحیت در کشور فرانسه بودند.

۶۳

در آن هنگام که زناکار بدون هیچ ضربه‌ای زخمی خواهد شد
به سبب دردش زن و فرزندان هم از پا خواهند افتاد،
زن آلوده شده فرزند را به کشتن خواهد داد:
اشخاص بی‌توجه اسیر شده بدون وقفه خواهند مرد.
بی هیچ شکی رباعی نشانه‌ای است[۱].

۶٤

کودکان به داخل جزایر منتقل خواهند شد،
دو تن از هفت تن گرفتار ناامیدی خواهند شد،
آنهایی که خاکی هستند بخوبی تحّمل خواهند کرد،
نام پل از اتّحاد سلاطین گرفته شده که امیدوارکننده است.
توده‌های تبعیدی (جزایر در واقع اردوگاه‌های تمرکز یافته است)، شکل

---

۱. شاید بیماری نظیر ایدز باشد.

آماری که اشارهٔ (دو تن از هفت تن کاملاً مربوط به میزان درصد اسرائیلی‌هائی است که در اروپا قربانی شده‌اند، و نازی‌ها به عنوان «آخرین راه چاره» آن را به کار برده‌اند).

۶۵

مرد مسن از امید اصلی محروم شده است،
او به فرمانروایی امپراطوریش نائل خواهد شد:
در کمال قدرت بیست ماه حکومت خواهد راند،
فرد مستبد و سفاک که فرد بدتری را بر جای خواهد گذاشت.

آدلف هیتلر، جانشین مارشال مسن هیندبرگ شده بود که در سال (۱۹۳۳)، بدون هیچ کشتاری حکومت را بدست گرفت.

۶۶

در آن هنگام که نوشته دی ـ ام[۱] کشف گردد،
و اسرار غار قدیمی با روشنائی چراغ آشکار گردد،
قانون، پادشاه، شاهزاده اولپیان[۲] آزموده شده،
ساختمان ملکه و دوک تحت حمایت قرار دارد.

گنجینه‌ای مخفی شده کشف خواهد شد.

۶۷

پار،[۳] کار،[۴] نرسافه،[۵] در در اختلاف بسیار نابود می‌شوند،
هیچ یک از طرفین حق انتخاب نخواهند داشت،
انگیزه مردم عشق و اتحاد می‌باشد،
از طرف فرار[۶] و کولون[۷] حمایت زیادی خواهد بود.

هیتلر.

---

۱. D.M ۲. Ulpian ۳. Par ۴. Car ۵. Nersaf
۶. Ferrare ۷. Colonne

۶۸

کاردینال مسن بدست کاردینال جوان اغوا می‌شود،
بدون مسئولیتش خود را بی‌سلاح خواهد دید،
ارلس[1] هیولا نیست، به‌گونه‌ای همزاد هویدا می‌شود،
و لیکودوگ[2] و شاهزاده مومیائی می‌شوند.

به جای کاردینال ریشیلیو در حال مرگ کاردینال دیگری جانشین می‌شود (که حمایت شده اوست) مازآرن.

۶۹

درکنار جوان فرشته کهن‌سال فرود می‌آید،
ولی در پایان بر او تفوق خواهد یافت:
ده سال به یک‌سان برای کهن‌سالتر تنزل یافته است
از سه، دو و یکی که هشتمین فرشته است.

احتمالاً این رباعی معنی کیمیاگری دارد.

۷۰

با خبث طینت و وقاحت پستی وارد عرصه سیاست خواهد شد
بر بین‌النهرین حکومت مستبدانه خواهد داشت
کلیه دوستان با بانو عمل زنا خواهند داشت،
سیمای زمین وحشت‌آلود و سیاه است.

آیا اعلام ضد مسیح توسط مکاشفه یوحنا نیست؟

۷۱

شمار ستاره‌شناسان بیش از حد افزایش خواهد یافت،
رانده شده، به تبعید و کتاب‌هاشان ممنوع می‌شود،

---

۱. Arles ۲. Liqueduct

در سال هزار و سیصد و هفت بدست گلوم[1] مقدس
که هیچ کس از دست مقدسین دیگر در امان نخواهد بود.

در قرن هفدهم و هجدهم به طور همزمان، بی‌اعتباری رسمی روزافزون علم ستاره‌شناسی و افزایش قابل توجه تعداد ستاره شناسان می‌باشد.

۷۲

آه، در میدان پروزن[2] چه شکستی عظیم
و نبرد کاملاً نزدیک راونا است،
از گذرگاه مقدس آنگاه که جشن خواهند گرفت،
پیروزمند مغلوب شده بسان مهرهٔ اسب راونا[3] را خواهد خورد

سپاهیان ناپلئون مجبور به ترک ایتالیا شده‌اند.

۷۳

سرباز بربر به پادشاه بزرگ ضربه خواهد زد،
با بی‌عدالتی طوری که با مرگ فاصله چندانی ندارد،
مادر لئیم سبب سازکنش خواهد بود
دسیسه‌گر و حکومت دستخوش پشیمانی می‌شوند.

پیروزی نظامی، به سختی به دست آمده؛ از طرف سلطان بزرگ آینده در برابر اشغالگران کشور.

۷۴

خیلی پیش پادشاه در سرزمین جدید وارد شده است،
در حالی که رعایا به استقبالش می‌آیند،
با ظاهر فریبنده‌اش چنان برخوردی خواهد داشت
که برای شهروندان بصورت جشن و تشریفات در خوهد آمد.

---

۱. Glomes ۲. Perusin ۳. Ravenne

موسلینی.

۷۵

پدر و پسر در کنار هم به قتل می‌رسند
ستمگر در جایگاه خویش است
در تور شکم مادر از پسر آماس کرده است،
اخطاریه در برگ‌های سبز مخفی شده است.

ظاهراً سوء قصد جهت نابودی رهبری را مشخص می‌کند که همراه با پسرش هم زمان کشته خواهند شد.

۷۶

بیش‌تر ماسولن[1] است که پادشاه انگلستان
در محلی گمنام زاده شده، با زور امپراطوری را بدست آورده:
بی غیرت، بی‌ایمان سرزمین را خون‌آلود خواهد کرد،
زمان او آنچنان نزدیک است که من آه می‌کشم.

بار دیگر یکی از رباعیاتی که در ارتباط با ناپلئون است که نستراداموس با خصومت خشم‌آگینی از امپراطور یاد می‌کند! فراموش نشود، که نویسنده سده‌ها که طرفدار معتقد به سلطنت بوده است نمی‌توانسته ناپلئون را جز به صورت یک غاصب در نظر بگیرد.

۷۷

بزودی ضد مسیح سوّم هم نابود خواهد شد،
جنگ او بیست و هفت سال به طول خواهد انجامید،
ملحدین کشته، اسیر، تبعید شده،
با اجساد خونین آب‌ها رنگین شده، زمین منجمد خواهد شد.

---

۱. Macelin

برنامه خدعه‌آمیز ضد مسیح که بیست و هفت سال را در بر دارد.

۷۸

یکی از اهالی پرتقال با زبانی نارسا
از جانب خدایان به قدس‌القدس خواهد آمد:
در معبد را بر روی مشرکین خواهد گشود
و مبارزان کلیسا را بر می‌انگیزاند.

اختلاف، عدم توافق و الحاد بر مرکز کلیسای رُم.

۷۹

زادهٔ نونر[1] بر اثر شمشیر پدر از دست خواهد رفت،
خون گورگان،[2] شومی را به ارمغان خواهد آورد
در سرزمین خارجی سکوت کامل را ترجیح خواهد داد،
خویشتن و فرزندش را خواهد سوزاند.

نبردهای توأم با راز و رمز.

۸۰

خون بی‌گناهان از بیوه و باکره،
به دست مرد بزرگ سرخ مصیبت‌های فراوانی بعمل می‌آید،
شبح‌های مقدسین در شمع‌های روشن به رقص در می‌آیند،
از وحشت هیچ کس را یارای حرکت نیست.

استالین و حزب بیرحم و وحشت سرخ وی.

۸۱

امپراطوری نوین دستخوش ویرانی کامل است،

---

۱. Nonnaire ۲. Gorgon

از جانب قطب شمال تغییر خواهد یافت،
از شهر سیسیل ناآرامی تشنج در خواهد گرفت
خراجگزار متصرفات فیلیپ را به اغتشاش در خواهند آورد.

دو قسمت نخستین شعر نمودار سقوط خونین امپراطوری تزارهاست (۱۹۱۷).

۸۲

تحلیل برنده طولانی توسط آنکه نقش خدمتکار را ایفا می‌کند،
جز برکناری خود در انتها عمل به چیزی نخواهد رسید،
پنجه‌هایش آغشته به زهر و نامه‌ها درگریبان
بدام افتاده و فرارش به خطر می‌انجامد.

زهر، دسیسه‌گری، جاسوسی، نامه‌نگاری‌های مخفیانه.

۸۳

بزرگترین کشتی به خارج بندر زارا[۱]،
عملیات خود را در نزدیکی بیزانس پیاده خواهد کرد،
از دشمن مضمحل می‌شود و از دوست زیانی نخواهد دید
یک سوم دو طرف بزرگترین غارت و اسارت را خواهند کرد.

تشکیل یوگسلاوی سال (۱۹۱۸) به کمک ایالات جنوبی امپراطوری اطریش ـ هنگری.

۸٤

درکنار سیسیل صلح آمیز فریاد خواهد زد،
تمام تدارکات در خلیج تری‌یست[۲]،
که مورد توافق خواهد شد تا تری‌ناکری،

---

۱. Zara
۲. Trieste

کشتی‌های بسیار فرار می‌کند، از طاعون وحشتناکی می‌گریزند.
جنگ ایتالیا (۱۹۴۴).

۸۵

بین بایون،[۱] و ناحیه سن ژان دولوکس
مارس دماغه‌ای را قرار خواهد داد.
در هانیکس[۲] از شمال نانار[۳] برایش حیوان قربانی می‌کنند
سپس در بستر بدون اعتراف دچار خفگی خواهد شد.

قسمتی از رباعی نشانه‌ای است، ولی در عین حال مربوط می‌شود به تبادلات دیپلماتیکی در مرزهای فرانسه ـ اسپانیا (مخصوصاً در دوران لوئی چهاردهم). احتمالاً در ممالک باسک است که جنگ جهانی سوم از آن جا شروع خواهد شد، و استیلا بر کشور فرانسه.

۸۶

توسط آرنانی،[۴] تولوز، شهر فرانک[۵]،
رشته بیکران به سوی کوه آدریان،
توسط نقشه‌ای پل هوتن را از رودخانه می‌گذرد
همه بایون‌ها وارد شده تمام بیگورها فریاد سر خواهند داد.

مملکت باسک در کشور فرانسه اشغال شد به دنبال ورود افراد ماجراجوی او.ت.ا.

۸۷

توطئه به تمامی سبب‌ساز مرگ خواهد شد،
مسئولیت داده شده و سفر به سوی مرگ
گزینش، اختراع حاصل اشتباهاتش خواهد بود.

---

۱. Bayonne ۲. Hanix ۳. Nanar ۴. Arnani ۵. Franque

خون بی‌گناهان پابند ایمان متأسفانه ریخته خواهد شد.
سرنوشت غم‌انگیز لوئی شانزدهم که خواهی نخواهی با گروه وارن جوش خورده بود سفر واقعی به سوی مرگ بود.

۸۸

پادشاه شریفی به ساردین خواهد آمد،
که تنها سه سال در آن قلمرو حکمفرمایی خواهد داشت،
مسلک‌های زیادی با مرام خویش خواهد آمیخت،
شخصاً پس از معالجه با اندوه بخواب سبکی فرو می‌رود.
تحقق اتّحاد ملّی ایتالیا تحت رهبری پادشاه ساردنی.

۸۹

برای آن که به جنگ عمویش گرفتار نیاید،
به سبب حکومت راندن است که فرزندانش کشته می‌شوند،
برای مردم خطابه می‌خواند و قدم به پل‌اونکل[1] می‌گذارد،
کشته و جسدش بین اسبان مسلح کشیده شد.
راویاک که شکنجه، شقه شدن توسط چهار اسب محکوم شد؟

۹۰

در آن هنگام که یکی از صلیبی‌ها عقایدش را در خطر بیند
در جایگاه مقدس گاونر شاخداری دیده خواهد شد
از آن پس جایگاه پاک مملو از خاک خواهد شد،
حکم پادشاه دیگر پشتیبانی نخواهند شد.
حکومت ضد کلیسا از طرف انقلابیون شدت یافته، استفاده بناهای مخصوص انجام مراسم مذهبی برای امور دیگر.

---

۱. Peloncle

۹۱

با تظاهر در کشتزارهای رودآن[1] وارد می‌شود
جایی که اکثر صلیبی‌ها متّحد خواهند شد،
در آتشدان در بدترین شرایط برخورد کرده‌اند
و تعداد بی‌شماری به سبب طوفان شدید مجازات می‌شوند.

این نبردهای وحشیانه که در آستانهٔ درهٔ رن واقع شده چه می‌تواندباشد.

۹۲

دور از حکومت به سفر مخاطره آمیزی دست زده است
بزرگ مرد شجاع جهت تداوم آنجا را در اختیار خود در می‌آورد،
پادشاه کسانش را در اسارت و کروگان نگاه می‌دارد
در بازگشت او سراسر کشور به تاراج خواهد رفت.

تسخیر کشور فرانسه توسط سپاهیان آلمان پس از شکست ۱۹۴۰.

۹۳

اسقف فقط هفت ماه آن را به دست خواهد گرفت
از پس مرگ او تشکیلات جدیدی تأسیس خواهد شد:
اسقف دیگری هفت ماه کار را بدست خواهد گرفت،
در نزدیکی ونیز صلح و اتحاد از نو بر قرار خواهد شد.

پس از انتخاب یک پاپ جدید تفرقه در کلیسا ایجاد می‌شود که این تشنج هفت ماه طول می‌کشد. پس از تشکیل انجمن علمای مذهبی در ونیز پایان خواهد یافت.

۹۴

در مقابل دریاچه‌ای کمین فرد بسیار عزیز را خواهد کشید

---

۱. Rodanes

با گذشت هفت ماه، لشگر او دست ازجنگ خواهد کشید
اسپانیا بدست افراد آلبانی ضایع خواهد شد،
به سبب تاخیر در فرمان تلفات بسیار وارد می‌شود.

ارتش آلمان از فرانکو حمایت بسیار شدید به عمل آوردند در دوران جنگ اسپانیا که مقدمه مستقیم و عامل اساسی جنگ جهانی دوم خواهد بود.

۹۵

فریب کار در گودالی گذاشته خواهد شد،
و تا مدّتها در بند خواهد ماند،
کشیش با صلیبش رهبر را با خود همراه می‌کند
افراد تندرو جناح راست را خشنود کرده و جلب می‌کنند.

بحران وزیران و مقابله مجلسین در پایان دوران جمهوری سوّم: حالتی که برقراری حکومت تندرو جناح راست را متصل خواهد کرد (حکومت مارشال پتن).

۹۶

کنیسه بدون هیچ حاصلی عقیم خواهد ماند
از طرف عهدشکنان پذیرفته می‌شود
بابیلون دختری که در احقاق حق خود می‌کوشد
بدبخت و غمگین بال‌هایش را قطع خواهند کرد.

ائتلاف کشورهای عرب بر ضد اسرائیل غاصب.

۹۷

در پایان جنگ فرمانروای بزرگ پوم[1] عوض خواهد شد،

---

۱. Pom

در نزدیکی رودخانه سه پسر زیبا متولد خواهند شد،
که به هنگام سن بلوغ به مردمان آسیب فراوانی وارد خواهند کرد
درکشور حکومت عوض شده دیگر پیشرفتی دیده نخواهد شد

انقلاب فرانسه.

۹۸

خون مردان کلیسا ریخته خواهد شد،
به میزان زیادی همانند آب جاری خواهد شد
که برای زمان درازی قطع نخواهد شد
بیوه زنان برای کشیش تباهی و زاری و شیون.

این رباعی را می‌توان هم به حکومت خشن ضد کلیسای فرانسه مربوط داشت و هم به افراد بلشویک روسیه در سال ۱۹۱۷.

۹۹

با ید قدرت سه پادشاه موقت،
در مکان دیگری جایگاهی مقدس بر پا خواهد شد:
جای که جوهر روح جسمانی،
تسلیم و واگذار شده و در جایگاه واقعی پذیرفته خواهد شد.

سن سیژ مجبور به ترک رُم می‌شود تا در جای دیگری مستقر شود.

۱۰۰

به سبب وفور اسلحه پخش شده
از فراز تا فرود و از فرود تا بالاترین درجه
به خاطر بازی سرنوشت ایمان بیش از حد به باد رفته است.
مرگ بر اثر عطش و بر اثر وفور اشتباهات.

بدکاری‌های تأسف‌بار بر اثر تعصب و ستیزه جویانه.

سده نهم

۱

در خانه مترجمی از اهالی بورک
روی میز اسنادی پیدا خواهد شد،
با یک چشم، مو حنایی، سفید، امور را در دست خواهد گرفت،
و از نو فرمانده کل را عوض خواهد کرد.

با وجود برخی از گویش‌های سمبولیک، موضوع در باره مارشال پتن است.

۲

از فراز کوه آونتین صدایی به گوش می‌رسد،
مهاجرت افراد از هر دو طرف دیده می‌شود،
از خون سرخ‌ها خشمی برانگیخته خواهد شد،
آری‌من،[۱] پراتو،[۲] کلومنا،[۳] چکمه‌ها را از پا درمی‌آورند.

قدم به سرزمین رُم گذاشتن (۱۹۲۲): موسلینی به قدرت می‌رسد؛ علیه آرمان‌های کمونیستی و سوسیالیستی (سرخ‌ها) بسیار بیرحمانه می‌جنگند.

۳

صاحبمقام مجارستان در راونا اغتشاش شدیدی ایجاد می‌کند،

---

۱. Arimin   ۲. Prato   ۳. Colomna

که توسط پانزده نفر رهبری می‌شود و فورنس[۱] در فشار است:
در شهر رُم دو هیولای دو سر زاده خواهند شد
شدیدترین سیل خون و آتش در فضا بروز می‌کند.

این رباعی سمبولیک شاید مربوط به موفقیت فاشیسم شود و پیوند این حکومت با نازی‌ها باشد (اصطلاح دو هیولای دو سر از این رو به کار رفته است).

٤

سالی که با جاری شدن سیلی آشکار شود،
از دو رهبر انتخاب شده نخستین پا برجا نخواهد ماند
در حال فرار یکی از آن دو زیر سایهٔ دیگری پناه خواهد گرفت،
خانه متزلزلی که اولین نفر حفظ خواهد کرد.

جمهوری آلمان در ویمر، آن که به دست هیتلر سرنگون خواهد شده.

۵

سومین انگشت پا به اولین انگشت آن شبیه خواهد بود
فرمانروایی جدید از رده پائین به بالا راه می‌یابد،
فرد مستبدی که نواحی پیزا[۲] و لوکا[۳] را اشغال خواهد کرد
به جبران خطاهای پیشینیان خواهد پرداخت.

کمکی که از طرف هیتلر و موسلینی به «سومین انگشت»، یعنی ژنرال فرانکو شده است.

۶

به جانب گی‌ین نیروی بی‌حد و حصری از انگلواها[۴]
زیر لوای آنگلاکی‌تن[۵] آنجا را به اشغال در خواهند آورد،

---

۱. Fornase ۲. Pyse ۳. Luques ۴. Anglois ۵. Angloquitaine

از منطقه لانگ‌دوک[۱] تا ناحیه ایس‌پالم[۲] بوردولوا[۳]،
که بعدها نام باربوکسی‌تِن[۴] را بر آن خواهند گذاشت.

سقوط امپراطوری اوّل: مناطق جنوب غربی که توسط سپاهیان انگلیسی اشغال شده است.

۷

آنکه درب بنای تاریخی کشف شده را می‌گشاید،
و فوراً موفق نشود محکم در درب را ببند،
مصیبتی بر او روی می‌آورد و موفق باثبات و رفع آن نخواهد شد
چه بهتر بود که پادشاه برتانی و یا نرماندی بشود.

کشف سکه‌هائی که به وسیله آنها سلطان بزرگ آینده به اثبات احقاق حق قانونیش موفق خواهد شد.

۸

پسر کهتر پادشاه موجب مرگ پدرش خواهد شد،
در پس جدایی مرگبار و توأم با بی‌آبرویی بسیار:
با یافتن سندی بدگمانی جایش را به پشیمانی خواهد سپرد
در آن هنگام که گرگ رانده شده بر بستر جای گیرد.

می‌توان این رباعی را به تزار الکساندر اوّل مربوط کرد، که خود پدرش را نکشته است امّا اجازه می‌دهد افسرانی که توطئه کرده بودند او را به قتل رسانند و به سبب پشیمانی دچار عذاب شده بود ـ و چنانچه می‌دانیم ـ در پایان مراسم و تشیع جنازهٔ مفصلی که بر پا شده بود تزار ناپدید شد تا در دیری واقع در سیبری به خدمت روحانیت در آید.

---

۱. Lanquedoc ۲. Ispalme ۳. Bourdeloys
۴. Barboxitaine

۹

در آن هنگام که چراغ پرحرارت با شعله جاویدش
در معبد وستال[1] پیدا خواهد شد،
کودکی که آتش را پیدا کرده است با گذاشتن آب از غربال:
مردم نیم[2] را غرق در آب کرده تولوز موجب افت بازار می‌شود

این چراغ پرحرارت با شعله جاویدش چیست؟ غیر از یک بمب اتمی؟

۱۰

بدست راهبه کودک جان سپرده به نمایش گذاشته می‌شود،
بدست خرس کشته شده و با همیاری یک شیشه‌گر،
از طریق فوآ[3] پامی[4] سپاه آرایش یافته
علیه تولوزکارکاس توقف‌گاه را برپا می‌کند.

طی جنگ جهانی سوم، روس‌ها، «بدست خروس کشته شده» جنوب غربی فرانسه را اشغال خواهند کرد.

۱۱

فردی درستکار را به ناروا محکوم به مرگ خواهند کرد،
در ملاء عام و در میدان کشته می‌شود:
در این مکان طاعون شدیدی شیوع پیدا می‌کند،
که قضاوت‌کنندگان در حال گریز را در فشار می‌گذارد.

اعدام لوئی شانزدهم.

۱۲

نقره فراوانی متعلق به دیانا و عطارد،
به یک اندازه در دریاچه پیدا خواهند کرد:

---

۱. Vestales ۲. Nymes ۳. Fois ۴. Pamyes

مجسمه‌ساز در حال کاوش خاک کوزه‌گری جدید است
که خود و جانب‌دارانش در طلا غوطه‌ور خواهند شد.

کشف گنجینهٔ افسانه‌ای (گنج مربوط به دوران جنگ نازی؟) که در دریاچه‌ای مخفی شده است.

۱۳

تبعیدیان در اطراف سولونی[۱]
شبانه می‌رانند تا به لوکوس/اوا[۲] قدم نهند،
دو نفر از مودن[۳] رفتار خشونت‌آمیزی نسبت به بولونی دارند،
با آتش بوران‌سوا[۴] شروع به اکتشاف خواهند کرد.

اشغال ارتش آلمان و ایتالیا در کشور فرانسه (۱۹۴۰).

۱۴

دیگ‌های عفونت‌زا در ترانشه گذاشته می‌شود،
شراب، عسل، روغن روی اجاق‌ها ساخته می‌شود،
سازندگان اهریمنی بدون ذکر اثر آن به تهیه خواهند پرداخت
هفت دود از لوله توپ‌ها خارج خواهند شد.

اسلحه‌های پیشرفته مختلف: توپخانه، گاز و غیره (طی اولین جنگ جهانی).

۱۵

در نزدیکی پارپان[۵] سرخ‌ها بازداشت می‌شوند،
مردمان میانه به دوردست‌ها برده و گداخته می‌شوند:
سه تا تجزیه شده و از پنج تا بخوبی حمایت نمی‌شود،
با توافق اسقف و کشیش‌های بورگونی.

---

۱. Soulongne   ۲. Lauxois   ۳. Modenne   ۴. Burancois
۵. Parpan

شکست سرخ‌ها در جنگ اسپانیا: وحشیانه‌ترین فشار از طرف افراد فرانکو.

۱۶

از قصر مخفیانه فرانکو خارج شد،
سفیر کبیر با نارضایتی از آن تشکیلات خارج خواهد شد:
مردم ربی‌یر به آشوب کشانده خواهند شد،
و مرد بزرگ ورود به خلیج را تکذیب خواهد کرد.

فرانکو حکومت جمهوری را به مسخره می‌گیرد. طرفداران پیرمو ریورا به سپاهیان وی ملحق خواهند شد.

۱۷

نفر اول سومین بخش اعمالی شنیع‌تر از نرون انجام خواهد داد
ناجوانمردانه سیلی از خون انسانی جاری و پخش خواهد کرد:
مجدداً بر بقایای آتش‌سوزی نرن ساختمان‌هایی بر پا می‌سازد،
دوران طلایی بسر خواهد آمد، پادشاه جدید با اعمالی ننگین.

هیتلر.

۱۸

گل سوسن دافوا[۱] به نانسی حمل خواهد شد
تا فلاندر برای فرد برگزیدهٔ امپراطور.
یکی از بزرگان مون‌مورانسی[۲] به نحو جدیدی راه را می‌بندد،
و در آن محل نبودنش ثابت شده از مجازات رهایی می‌یابد.

رباعی مبهم است، علیرغم نام‌های تاریخی معروفی که در آن است.

---

۱. Dauffois   ۲. Montmorency

۱۹

در قلب جنگل ماین[۱]،
با درخشش خورشید در لیون آذرخشی فرود خواهد آمد،
فرزند نامشروع عالی مقامی که از سلاله بزرگان مین است.
در همان روز با خون به مناطق فوژر[۲] وارد خواهد شد.

موفقیت هانری ناوار بر دوک ماین رهبر متحّدین.

۲۰

شبی ملکه از طریق جنگل خواهد آمد
لاشخور هرن از دو طرف سنگ سفید،
کشیش سیاه[۳] با لباس مبدل خاکستری در وارن
کاپ منتخب، به سبب طوفان، آتش خون قطعه قطعه می‌شود.

یکی از معروفترین رباعی‌های نستراداموس است: مشّکله وارن، با فرار و توقیف پادشاه؛ سرآغاز سلسله حوادث بیرحمانه‌ای که به اعدام لوئی شانزدهم منتهی خواهد شد.

۲۱

بر فراز معبد مرتفع بلوا سالن[۴] مقدس،
شبی در پل لوار اسقفی از پادشاه آسیب می‌بیند،
در مرداب‌های سون[۵] بر چاه‌کن پیروز خواهد شد
از آنجا به منصب اسقفی در جوار سفیدها نائل خواهد شد.

عرضی جنگ‌های مذهبی، تحت نظارت هانری سوم.

۲۲

پادشاه و دربارش به جای زبان اغراقگو،

---

۱. Maine   ۲. Fougeres   ۳. Noir   ۴. Salonne   ۵. Sone

درون برج تامپل درست در مقابل قصر
اندرون باغ دوک مانتور[۱] و آلب،
آلب و مانتور مورد اهانت و نیش زخم زبان قرار می‌گیرند.

اسارت خانواده سلطنتی در یک معبد مخصوص.

۲۳

فرزند کهتر که به تازگی مخالف‌خوانی می‌کند،
از بالای بام خانه بر فرقش فرود می‌آید،
پدرش پادشاه درون تامپل سُلن مقدس[۲]،
با قربانی کردن بخور جشن را تقدیس خواهد کرد.

رباعی دیگری در مورد اسارت در تامپل.

۲۴

بر روی صخره‌ای در پنجره‌های قصر
دو کودک خردسال سلطنتی ربوده خواهند شد،
حیثیت صومعه‌های لوتیس[۳] و دنیس کنار گذاشته می‌شود،
افراد پست و نالایق هسته‌های نارس را حریصانه می‌بلعند.

در این رباعی هم ذکری از دو کودک سلطنتی شده است، منظور ولیعهد و خواهر بزرگش می‌باشد.

۲۵

با گذر از پل، نزدیک منطقه گل‌های سرخ خواهید رسید،
با آن که دیر آمده هر چه بهتر او پخته خواهد شد
از مرز اسپانیا تا بزیر[۴] وارد خواهند شد
که چنین رانده شدنی قدرت را در هم خواهد شکست.

---

۱. Mantor　۲. Saint Solonne　۳. Luthece　۴. Besiers

طرفداران بی‌شمار جمهوری اسپانیا که از مرز می‌گذشتند و به لانگ دوک پناهنده می‌شدند.

۲۶

در اسنادی تلخ نام نیس کنار گذاشته می‌شود،
کاپ کبیر معرّف چیزی است که متعلق به او نیست:
در نزدیکی ولتری[۱] به دیوارها کرم‌های کاپر چسبیده است
پس از مهر شدن باد در وضعیت عالی می‌باشد.

رباعی مبهم است، امّا تلاقی چندین عصر است: کاپ کبیر: یعنی «لوئی کاپه» امّا نیم بیت اوّل الحاق نیس به فرانسه است (۱۸۶۰).

۲۷

جنگل او را حفظ خواهد کرد، گردباد پل‌ها را درهم می‌پیچد،
از بلندا او را می‌پذیرد و به دوفین ضربه خواهد زد،
پیرمرد تک‌کن[۲] از جنگل متّحد شده گذر خواهد کرد،
از حد مرزی دوک فراتر نخواهد رفت.

لوئی هفدهم فرارش از تامپل.

۲۸

کشتی اسقف سیماکل[۳] در بندر ماسی‌یولیک[۴]،
از بندر ونیز جهت رسیدن به مجارستان:
از خلیج و دماغهٔ ایلی‌ریا[۵] عزیمت کرده،
خرابی در سیسیل، و ضربات پیاپی توپ، به لیگوریا می‌شود.

جنگ وحدت ایتالیا؛ پایان برتر بودن اطریش.

---

۱. Vultry ۲. Teccon ۳. Symacle ۴. Massiolique
۵. Illyrique

۲۹

زمانی که هیچ سرزمین او را در خود پناه نمی‌دهند،
رها شده خواستار تصرف سرزمینی است که بدست نمی‌آورد:
آتشی تازه با خونریزی برافروخته می‌شود قیر در شارلیو[۱]
وگوانتین[۲] بار دیگر بابز[۳] را تسخیر می‌کنند.

شاید اشغال سپس آزادی فرانسه باشد؟

۳۰

در بندر پوالا[۴] تا سن نیکولا،
تلفات نرماندی در خلیج فاناتیک[۵]،
فرمانده بیزانس در خیابان‌ها فریاد تأسف سر می‌دهد،
از سوی گادیز[۶] و فیلیپ بزرگ کمک‌های خواهد رسید.

اعتراف می‌کنیم که نتوانستیم این اشعار را رمزگشائی کنیم.

۳۱

زمین‌لرزه در مُرتارا[۷]،
نیمی از سن ژرژ شکاف برداشته در آب فرو می‌رود:
صلح فرو خفته، جنگ بیدار خواهد شد،
در هنگامه عید پاک معبد در اثر ویرانی فرو خواهد رفت.

آغاز جنگ جهانی دوّم.

۳۲

در عمق ستون قطور سنگ سماق کشف خواهد شد،
در زیر ستون نوشته‌های رمزگونه یافت می‌شود:
استخوان، پشم تأبیده قدرت رُمی‌ها به اثبات می‌رساند،

---

۱. Charlieu ۲. Guintin ۳. Balez ۴. Puola ۵. Phanatique
۶. Gaddes ۷. Mortarra

نیروی دریایی در بندر متولین[۱] بسیج می‌شود.
کشفیات مهم معماری در ایتالیا و در یونان.

۳۳

پادشاه قهرمان ژم و آنومارک[۲]،
از گیون، سه نفر ملقّب به دوگل،
ایتالیا و آب‌های سن‌مارک به لرزه در آورده،
اولین کسی که از تمامی پادشاهان بلند آوازه‌تر است.
نیم بیت دوّم مربوط به ژنرال دوگل است.

۳٤

سهم همسر تنها کلاه بلند و نوک‌دار خواهد شد،
بار دیگر نبرد از فراز تویلری خواهد گذاشت:
خیانتکار مابین پانصد نفر مقامی را دارا می‌شود،
برای چاقوست که ناربون و سولس دارای روغن خواهند شد.
در محاصره گرفتن قصرهای تویلری (روز دهم اوت ۱۷۹۲).

۳۵

فردینان موطلائی عَلم مخالفت بر خواهد داشت،
گل را ترک نموده و مقدونیه را طی خواهد کرد:
به سبب نیاز شدید از مسیرش منحرف شده،
و در جهت مخالف میرمیدون حرکت خواهد کرد.
جلوس فردینان از ساکس ـ کوبورک به تخت سلطنت بلغارستان.

---

۱. Methelin   ۲. Annemarc

۳۶

پادشاه بزرگی توسط مرد جوانی اسیر شده.
اندکی مانده به عید پاک از یک ضربه چاقو آشوبی بر پا می‌شود:
اسارت دائمی در آن هنگام که روشنائی به اوج خود می‌رسد،
آنگاه که سه برادر مجروح شده وبه قتل خواهند رسید.

تفسیر رباعی مشکل است، امّا شاید بتوان (نیم بیت اوّل) را به ناپلئون سوّم مربوط کرد که در سدان زندانی شده بود.

۳۷

در ماه دسامبر پل و آسیاها را واژگون کنید،
رودخانه کارون به بالاترین حد خود خواهد رسید:
دیوارها، ساختمان‌ها در تولوز واژگون خواهد شد،
که هیچ کس مکانش را نخواهد شناخت حتی بعنوان یک ماما.

طغیان فاجعه‌آمیز رودی در تولوز.

۳۸

دریاچه بلوا توسط روشل و افراد انگلیس،
از اماتین[۱] بزرگ گذر خواهد کرد،
سپاه فرانسه در فاصله نه چندان دور از آگن بانتظار خواهد ماند
از کمک نارین پس از مذاکره ناامید خواهند شد.

عملیات نظامی ریشیلیو، در جنوب غربی علیه پرتستانها، (محاصرهٔ لاروشل).

۳۹

در آربی‌سل[۲] تا ناحیه ورون[۳] و کارکاری[۴]،

---

۱. Aemathien ۲. Arbissel ۳. Veront ۴. Carcari

شبانگاه از طریق ساون[1] غافلگیرانه خواهد گرفت،
نقاط حساسی را در کاسکون[2] توربی[3] و اسری[4]
در پشت دیوار کهنه و قصر جدید درگیر می‌شود.
دستیابی هانری دو ناوار بر تاج وتخت فرانسه.

٤٥

در جنگل بورلی[5] نزدیک گوانتن شکنجه داده خواهد شد،
در صومعه فلامان‌ها را سر خواهند برید:
دو نفر کهتر از ضربات نیمه گیج می‌شوند،
در ادامه شکنجه وارد شده و تمام نگهبانان مثله می‌شوند.
نبردهای شدید در منطقه سن کوانتن (اولین جنگ جهانی).

٤١

چیرن بزرگ در چنگال اوینیون گرفته شد،
نامه‌هایی از رُم می‌رسد با لعاب عسل که پر از تلخی است،
نامه سفیر کبیر از شانیون[6] خارج شده،
کارپنترا[7] از طرف دوک سیاه با پر قرمز گرفته شده است.
سلطان بزرگ منطقه کمتا و ونه‌سن را تسخیر می‌کند (جنگ جهانی سوّم)

٤٢

از بارسلون، از جنوا و ونیز،
از سیسیل طاعون مونه[8] متّحد می‌شود:
نیروهای دریایی از مقابل به طرف بربرها نشانه خواهند گرفت،

---

۱. Savone ۲. Gascon ۳. Turby ۴. Scerry ۵. Bourlis
۶. Chanignon ۷. Carpentras ۸. Monet

بربرها بسیار دور تا تونس[۱] عقب رانده خواهند شد.
جنگ‌های تونس و ایتالیا (۱۹۴۳ - ۱۹۴۴).

٤٣

لشکر صلیبی‌ها آماده برای فرود آمدن است
اسماعیلی‌ها[۲] درکمین‌شان خواهند بود،
بدست ناوگان راویه[۳] از هر طرف نبرد آغاز می‌شود،
سریعاً از سوی ده کشتی جنگی زبده مورد حمله قرار می‌گیرد.
نبرد بین اسرائیل و اعراب.

٤٤

مهاجرت‌ها، بزودی از ژنو[۴] مهاجرت‌ها،
زحل طلائی به نوع آهنین تبدیل می‌شود،
مخالفین ری‌پز،[۵] تمام آنان نابود می‌شوند،
قبل از حمله در آسمان نشانه‌هایی آشکار خواهد شد.
جنگ جهانی دوّم، بی‌ارزش شدن پول رایج (طلا به آهن تبدیل می‌شود) ویرانی ژنو جنگ جهانی سوّم.

٤٥

به هیچ وجه از درخواست کردن سیر نخواهد شد،
مندوسوس[۶] بزرگ امپراطوری‌اش را به دست خواهد آورد
به دور از دربار خویش است که ممنوع اعلام خواهد داشت،
پیمون،[۷] پیکاردی، پاریس و تیرون[۸] از همه برتر خواهند بود
ناپلئون اوّل در مقام امپراطور.

---

۱. Thunis ۲. Ismaēlites ۳. Ravier ۴. Genesue ۵. Raypoz
۶. Mendosus ۷. Pymond ۸. Tūron

٤۶

سرخ‌ها شهر تولوز را تخلیه و فرار می‌کنند،
به سبب قربانی است که آئین زهد و تقوی تشکیل می‌شود،
رهبر اصلی شیاطین در زیر سایه جسارت،
بر اثر خفگی جان می‌سپارد زیرا هیچ چیز فراموش نمی‌شود.

اشغال توسط آلمان، چریک‌های کمونیست (سرخ‌ها) در جنوب غربی فرانسه‌اند.

٤۷

نامبردگان بر آزادی ننگ‌آوری گردن می‌نهند،
از طرف تعداد کثیری رأی معکوس خواهند داشت:
سلطان تغییر می‌کند اندیشه‌ها در معرض خطر قرار می‌گیرند،
فشرده شده در زندان خود را رو در رو خواهند دید.

متارکه جنگ در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ میلادی.

٤۸

شهر بزرگ بندری واقع در کنار اقیانوسی
با جذر و مدّی بلور مانند احاطه شده است:
در تحویل زمستانی و اثرات بعد آن،
دستخوش تندبادی هرآس‌آور خواهد شد.

زمین لرزه لیسبون سال (۱۷۵۵).

٤۹

گاند[۱] و بروسل[۲] علیه آنور[۳] عمل خواهند کرد
مجلس انگلستان پادشاهشان را به مرگ خواهد سپرد،

---

۱. Gand ۲. Bruceles ۳. Anvers

نمک و شراب برایش وارونه خواهد بود،
آنان حکومت را در حال آشفتگی خواهند داشت.

شورش کشور هلند علیه کشور اسپانیا. جنگ داخلی انگلستان، شارل اوّل از طرف مجلس سنا محکوم به مرگ و اعدام شد.

۵۰

مندسوس[۱] بزودی به اوج سلطنت‌اش خواهد رسید،
تا حدودی نولاریس[۲] را پشت سر می‌گذارد:
قدرت سرخ کمرنگ و ضعیف می‌شود،
مرد جوان که به وحشت افتاده و ترسان از بربریت است.

انقلاب فرانسه: دوران حکومت وحشت (ترور).

۵۱

علیه قدرت سرخ فرقه‌ها سازش خواهند کرد،
آتش، آب، آهن و ریسمان بسبب صلح کم‌کم تحلیل خواهد رفت
آنان که دسیسه‌چینی خواهند کرد در معرض مرگ هستند،
به استثناء یکی که یقیناً دنیا را به نابودی خواهد کشاند.

انقلاب ماه اکتبر۱۹۱۷؛ جنگ داخلی روسیه.

۵۲

صلح از یک طرف وارد می‌شود، و جنگ
که هرگز تعصبیی چنین شدید وجود نداشته است.
مرد و زن شیون برمیدارند و خون بی‌گناهان بر زمین جاری است
و در سراسر فرانسه کاملاً روی خواهد داد.

جنگ سال ۱۹۳۹؛ شکست و اشغال فرانسه.

---

۱. Mandosus ۲. Norlaris

۵۳

نرون جوان درون سه کوره
جوانان نجیب را برای سوزاندن در آن می‌افکند،
خوشبخت کسی که از این ماجراها به دور خواهد ماند،
سه تن هم خون با کمین کشیدن او را ترور خواهند کرد.

منظور از نرون جوان آیا ناپلئون است؟ یا هیتلر می‌باشد؟

۵۴

به بندر کورسی بون[1] وارد خواهد شد
در نزدیکی راونا، کسی که بانو را چپاول خواهد کرد،
و در عمق دریا سفیر پاپ اولیسبون[2]
در زیر صخره‌ای پنهان شده هفتاد جان خواهند گرفت.

فتح ایتالیا دوران (هیئت مدیره یا دیراکتوار و کنسولی).

۵۵

جنگ وحشتناک که در خاور میانه تدارک دیده می‌شود،
سالی پس از آن طاعونی وحشتناکی خواهد آمد
گسترده و وحشتناک که جوان، پیر، حتی حیوانات نابود می‌شوند،
خون، آتش زحل، مریخ و مشتری در فرانسه‌اند.

جنگ سال‌های ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸.

۵۶

قشون که در نزدیکی نودام[3] است از گوسان[4] گذشته است،
و پرچم خودش را در مایو بر جای خواهد گذاشت،
در لحظه‌ای بیشتر از هزار نفر را به آئین جدید در خواهد آورد،

---

۱. Corsibonne ۲. Ulisbonne ۳. Noudam ۴. Goussan

بدنبال دو نفر هستند یکی را در زنجیر و دیگری را هبه بخشند.
جنگ‌های مذهبی؛ پیروزی نهایی هانری دو ناوار.

۵۷

در جایگاه دروکس[1] پادشاهی مستقر خواهد شد،
و بدنبال تبدیل آئین اناتم[2] خواهد بود،
در طول مدتی که آسمان در شدت تمام به غرش در می‌آید،
پادشاه در دروازه جدید خود را خواهد کشت.

شارل دهم پادشاه انگلیس و سیاست ناشیانه و ارتجاعیش، عامل مستقیم سقوطش شد.

۵۸

در مجاورت چپ در منطقه ویتری[3]
سه شخصیت سرخ فرانسه درکمین خواهند بود،
تمامی سرخ‌ها از پا در می‌آیند، سیاه کشته نخواهد داشت،
توسط اهالی برتانی امنیت خواهند یافت.

مقابلهٔ انقلابیون و سلطنت طلبان؛ جنگ وَندِه.

۵۹

با جرأت ویدام[4] را خواهد گرفت
نیگول سرخ که مایهٔ حیات است را تصرف می‌کند،
لوایل[5] بزرگ زاده خواهد شد که باعث هیاهو می‌شود،
به سبب دردسر بورگونی را به مردم برتانی واگذار می‌کند.

می‌توان رباعی را به سلطان بزرگ آینده مربوط دانست.

---

۱. Drux ۲. Anathme ۳. Vitry ۴. Vidame ۵. Loyle

۶۰

نبرد بربرها درکورنت[۱] سیاه،
خون جاری شده، دالماسی را به لرزه درمی‌آورد،
اسماعیل[۲] بزرگ دماغه مرتفع خودش را خواهد گذاشت،
ران به لرزه در می‌آید لوزی‌تانی به کمک خواهد آمد.

جنگ‌های ناپلئون، که از دالماسی تا پرتقال (لوزی‌تانی) کشیده شده است.

۶۱

غارت در ساحل دریا رخ می‌دهد،
ما را برانگیخته و والدین را همراه می‌برند،
چندین نفر از مالتا توسط کنش‌های مسین[۳]،
به شدت در فشار گذاشته شده و به هیچ وجه آزار نمی‌شوند.

تسخیر مالت توسط بناپارت.

۶۲

در میدان بزرگ عمومی توسط چرامون[۴]
در ردیف‌هایی صلیبی تماماً بسته شده‌اند،
راه‌های مهرگیاه خاص مسدود خواهد شد،
روگن[۵] در ماه اکتبر موجب رهایی یک سوم خواهد شد.

انقلاب سرخ (روگن) در ماه اکتبر سال ۱۹۱۷ میلادی.

۶۳

ناله و زاری، گریه و شیون‌های بسیار
در نزدیکی ناربون و در فواک[۶]،

---

۱. Cornete ۲. Ismael ۳. Messine ۴. Cheramon
۵. Raugon ۶. Foix

آه چه مصیبت عمومی وحشتناکی و چه تغییراتی،
پیش از آنکه مریخ چندین‌بار به گردش خود ادامه دهد.
جنگ‌های مذهبی در جنوب غربی کشور فرانسه.

۶۴

امایتون[1] ازکوه‌های پیرنه گذر خواهد کرد،
در ماه مارس ناربون هیچ مقاومتی نشان نخواهد داد،
از طریق دریا و زمین موجب دسیسه‌چینی بزرگی خواهد شد،
کاپ هیچ زمین مطمئنی جهت سکونت نخواهد داشت.
تسخیر اسپانیا توسط سپاهیان ناپلئون.

۶۵

درون کره ماه برده خواهد شد
وقتی سرزمین بیگانه قدم نهاد آنجا را خواهد گرفت،
ثمره مهاجرت جنجال عظیمی خواهد شد،
تحقیر شدید در ادامه به تحسین فراوان بدل خواهد شد.
سفر اولین انسانها به ماه (ژوئیه ۱۹۶۹). رقابت امریکا ـ شوروی برای تسخیر فضا.

۶۶

بر اثر صلح و اتّحاد تغییراتی ایجاد خواهد شد،
دولت‌ها، ادارات، پائین به بالا، بالا کاملاً به پائین تنزل می‌کنند،
سفرهایی برقرار می‌شود که ثمره آن نخستین آشوب است،
جنگ تمام می‌شود، گفت‌وگوهای قانونی شکل می‌گیرد.
دگرگونی کامل قانون و عادات در دوران انقلاب کبیر فرانسه. بازسازی

---

۱. Aemathion

قانونی توسط کنسول اول انجام می‌شود: قانون مدنی.

۶۷

از بلندای کوهستان تا اطراف لیزر[۱]
در بندر صخره‌های والان[۲] صد نفر گرد هم می‌آیند
پیر از شاتونوف با دوازده دوجین شمشیر،
علیه عقاید مسیحی رومانی جلسه‌ای بر پا کرده‌اند.

جنگ‌های مذهبی در منطقه والانس.

۶۸

از کوه ایمار[۳] نجیب‌زاده‌ای دچار گرفتاری خواهد شد،
مصیبت در نقطه تلاقی سائون[۴] و روزن پیش خواهد شد،
در روز لوسی[۵] سربازان در بیشه پنهان شده‌اند،
که هیچ‌گاه این چنین هولناک با اقتدار عمل نشده است.

بورگوین و منطقه لیون بدست سپاهیان آلمان اشغال شده است (۱۹۴۲).

۶۹

در کوهستان بایلی[۶] و برسیل[۷]
افراد مغرور در گرونویل مخفی خواهند شد،
در جای دیگر طوفان و تگرگ سهمگین در شهرهای لیون و وین،
از آفت ملخ دریایی یک سوم درختان بیشتر باقی نخواهند ماند.

چریک ورکور و مقاومت دلیرانه‌اش.

---

۱. Lizere ۲. Valent ۳. Aymar ۴. Saone ۵. Lucie
۶. Bailly ۷. Bresle

۷۰

ساز و برگ‌های بران در درونه مشعل‌ها پنهان شده است
در داخل لیون در روز مقدس،
اهالی وین بزودی دچار تفرقه خواهند شد
به خاطر بخش‌های لاتن و مکون که کذب نیست.

جنگ‌های مذهبی در دره رن.

۷۱

در مکان مقدس حیوانات غمگین دیده خواهند شد،
به همراه کسی که شهامت روبرو شدن با روز را ندارد،
درکارکاسون به خاطر همراهی و توأم با لطفی
وسایل اقامت ساده‌تری نهاده شده است.

انقلابیون ضد حکومت کلیسا.

۷۲

یک بار دیگر معابد مقدس به بلندی کشیده می‌شوند،
توسط سنای تولوزین[1] به کیفر می‌رسند،
ستاره زحل در دو یا سه دوره متحوّل خواهد شد،
در ماه آوریل و مه مردمانی با مایه جدید.

بار دیگر رباعی است که پر علیه مسیحیت سیستماتیک حکومت فرانسه بدست «انقلابیون» می‌باشد.

۷۳

پادشاه عمامه‌ای در سلول فواس[2] وارد می‌شود،
وکم تر از یک دوره چرخش زحل حکومت خواهد کرد،

---

۱. Tholosain ۲. Foix

پادشاهی با عمامه سفید در قلب بیزانس شیپور می‌زند،
خورشید، مریخ، عطارد، به برج دلو نزدیک می‌شوند.
هانری دو ناوار.

۷۴

در شهر آدم‌کشان فرت‌سود[۱]،
کنش و چندین بار کنش‌های گروه تافته شده مات نخواهد شد،
دیگر بار بازگشتی به شرافت آرتیمس انجام می‌گیرد،
جنازه‌های مردگان برای خاک سپاری به سوی ولکان می‌روند.
شهر لیون سر به شورش برداشته و توسط انقلابیون بیرحمانه مجازات شده است.

۷۵

از امبراکسی[۲] گرفته تا سرزمین تراس[۳]
مردم از طریق دریا آسیب دیده‌اند و فرانسه به کمک آنها می‌آید،
در پروانس آثار ابدی بر جای می‌گذارند،
به‌اضافه بقایای قوانین و آداب و سنن بازمانده‌شان.
در جنوب فرانسه متفقین پیاده شده‌اند (اوت ۱۹۴۴).

۷۶

با راپاکس[۴] سیاه و خونخوار،
که گویی از نژاد نظامی‌های غیرانسانی نرون‌اند،
دو شط جریان دارد که بدست نظامیان چپ دستکاری می‌شود،
توسط جون[۵] سرطاس به قتل خواهد رسید.
هیتلر.

---

۱. Fertsod ۲. Ambraxie ۳. Thrace ۴. Rapax ۵. Ione

۷۷

حکومت تصرف می‌شود پادشاه دعوت خواهد کرد
بانو به مرگ سپرده می‌شود قسم به سرنوشت می‌خورد،
زندگی به پسر ملکه روی خوش نشان خواهد داد،
و با جامهٔ پوستی‌اش درکمال آسایش خواهد زیست.

کاترین دو مدیسی و پسرانش.

۷۸

بانوی یونان با زیبایی به سبک اشراف،
خوشحال از دعوی‌های بی‌شماری که انجام می‌دهد،
از حکومت هیسپانیک[1] خارج شده است،
به اسارت در آمده با مرگی اندوه‌بار جان خواهد سپرد.

جمهوری اسپانیا که به صورت بانوی یونانی مجسم شده است، حکومتی که توسط ژنرال فرانکو نابود می‌شود.

۷۹

رهبر نیروی دریایی با حیلهٔ فریب‌کارانه جنگی،
به جرم کم جرأتی یک نفر را از دسته خود خارج خواهد کرد،
فرد رانده شده رهبر را که منکر خرابکاری است رسوا می‌کند،
سپس او را به دام انداخته به کیفر خود خواهد رساند.

به قدرت رسیدن مارشال پتن (ژوئن ۱۹۴۰).

۸۰

دوک خواستار نابودی خویشاوندانش است،
آنان را به سخت‌ترین مکان‌های بیگانه خواهد فرستاد،

---

۱. Hispanique

بر اثر حکومت استبدادی بیزا[1] و کوک ویران شده،
سپس بربرها نه برای شراب انگورچینی نخواهند کرد.
اشغال فرانسه بدست سپاهیان آلمان.

۸۱

پادشاه مکّار از خبرچین‌هایش خواهد شنید
دشمنان از سه محله حمله خواهند کرد،
مقدار زیاد اشگ حاصل از سیاه سرفه از چشم می‌بارند
مردم عوام از روشنفکران مترجم متمایز می‌شوند.
سقوط امپراطوری؛ جلوس لوئی هجدهم (پادشاه مکّار) به تاج و تخت فرانسه.

۸۲

بر اثر طوفان و شیوع شدید بیماری طاعون،
شهر بزرگی که مدتی طولانی در محاصره بوده است،
نگهبان و پاسدار به قتل می‌رسند،
تسخیر ناگهانی است، امّا به هیچ کس بی‌حرمتی نخواهد شد.
پاریس طی سال‌های ۱۸۷۰ - ۱۸۷۱ : محاصرهٔ حکومت کمون.

۸۳

خورشید در بیست درجهٔ برج ثور، زمین بشدّت بلرزه درمی‌آید
تماشاخانه بزرگ که مملو از جمعیت است ویران خواهد شد،
فضای آسمان و زمین تیره و تار و مختل خواهد شد،
آنگاه که عهدشکنان با خداوند و مقدسین به حرکت درآیند.
می‌توان به انقلاب کمونیستی اشاره رمزی داشته باشد.

---

۱. Bize

۸۴

پادشاه صحنه قتل عام را ختم خواهد کرد،
پس از این که به تبار خود پی می‌برد،
سیلابی که سنگ قبر مرمرین را می‌شکافت مهر بر آن می‌زند
از فرد رُمی بزرگ‌زاده‌ای است که نشانه‌ای بهت‌آور دارا است.

مربوط به سلطان بزرگ آینده است.

۸۵

ازگی‌ین، و لانک‌دوک، و روزن، گذر خواهد کرد،
بی‌درنک از آگن[1] تا نواحی مارماند و لارוول[2] فتح خواهد کرد
با ایمان جداره را می‌گشاید، فوسن خلافتش را بدست می‌آورد
در نزدیکی سن پل مانسون نبرد می‌کنند.

همان تذکر قبلی.

۸۶

در قصبه لارین[3] مستقیم به شارتر خواهند آمد
و در نزدیکی پل آنتونی مکثی خواهند کرد،
هفت نفر موافق صلح با احتیاط همانند سمورها رفتار می‌کنند
مانع ورود ارتش به پاریس خواهند شد.

زره پوشان ژنرال لوکلرک که می‌خواستند تا اعماق پاریس نفوذ کنند (۲۴ اوت ۱۹۴۴).

۸۷

خارها از جنگل انبوه کنده می‌شود،
از طریق تقسیم ارث معبد بر پا خواهد شد،

---

۱. Agen ۲. la Roole ۳. Lareyne

دوک استامپ[۱] از نیرنگی خود ساخته،
برای اسقف کوهستان لوری[۲] نمونه و سرمشق خواهد شد.
ما نتوانستیم این رباعی را تفسیر کنیم.

۸۸

ازکالی[۳] و آرا[۴] به تروآن[۵] کمک می‌رسد،
آرامش و حالت ظاهری صلح‌آمیزش نمودار همراهی است،
مواجب سربازان الوبروکس[۶] از طریق روان[۷] خواهد آمد،
در راه اختلاس شده و ملت افشاء می‌کنند.
آزادی فرانسه، توسط نیروی چریکی (۱۹۴۴).

۸۹

اقبال به مدّت هفت سال با فیلیپ یار خواهد بود،
مجاهدت اعراب را کاهش خواهد داد،
سپس کارهایش واژگونه در گیرودار نوعی حیرانی عمل می‌شود
اوگنیون[۸] جوان تلاشش به هدر خواهد رفت.
تسخیر الجزایر توسط لوئی فیلیپ به تحقق پیوست. با از دست رفتن نهایی تاج و تختش.

۹۰

ناخدایی از نژاد آلمان بزرگ
توسط امدادرسانی‌های ظاهری فرا خواهد آمد
به شاه شاهان از مجارستان کمک می‌شود،
کسی که بر اثر طغیانش خون‌های بسیاری ریخته خواهد شد.
کاپیتولاسیون اطریش و آلمان در مقابل سپاهیان ناپلئون.

---

۱. Estampes ۲. Lehori ۳. Calais ۴. Arras ۵. Theroame
۶. Alobrox ۷. Roane ۸. Ognyon

۹۱

طاعون وحشتناکی در پرنیت[۱] و نیگوپل[۲]،
به چرفونه[۳] سرایت خواهد کرد و مقدونیه،
در تسالی[۴] در وسعت بسیار آمفی‌پل[۵] را هم،
در وی اهریمنی ناشناخته و آنتوان طردش می‌کند.

شیوع شدید بیماری مسری «گریپ اسپانیولی» (که در حقیقت نوعی طاعون ریوی شکل بوده است) سال ۱۹۱۸.

۹۲

پادشاهی خواستار ورود به شهر جدید است،
به سبب دشمنی است که آنها سانسور خواهند کرد
تنها اجازه حرف زدن و تداوم آن مجاز است،
پادشاه از این قضایا بی‌خبر و از دشمنان به دور خواهد ماند.

ورود لوئی هجدهم به فرانسه.

۹۳

دشمنان از مرد قدرتمند بسیار دور می‌باشند،
با ارابه مایحتاج حمل می‌شود،
در دیواره‌های بورژ کلاهبرداری انجام می‌شود،
آنگاه که هرکول هامایتون[۶] را خواهد ساخت.

آزادی سرزمین فرانسه (۱۹۴۴).

۹۴

کشتی‌های جنگی بی‌استحکام در یک نقطه تجمع می‌کنند،
دشمن دوست نما در سنگرگیری کامل تر است:

---

۱. Perynte ۲. Nicopolle ۳. Cherfonnez ۴. Thessalie
۵. Amphiipolle ۶. Haemathion

حمله ضعیف وراتیسلاو[۱] را می‌لرزاند،
لوبک[۲] ومیسن جانب بربرها را خواهند گرفت.

فتوحات طرفداران هیتلر در اروپای مرکزی و خاوری (وراتیسلاو همان براتیسلاو است، پایتخت اسلواکی).

۹۵

تمرین را با نحو نوینی هدایت خواهد کرد،
گرسنگی نزدیک شده و تا کرانه دریا،
از نخبگان میلان کمک خواهد خواست،
دوک نابینا که در قفس آهنین در میلان اسیر است.

جنگ استقلال ایتالیا: پیروزی فرانکو پی‌مونته بر کشور اطریش.

۹۶

نیروی نظامی انتخاب شده وارد شهر می‌شود،
دوک با یقین اطمینان داخل خواهد شد،
ارتش همراهش به دروازه‌های ضعیف هجوم می‌برند،
همه چیز را به آتش، مرگ، خون خواهند کشید.

ورود مردمان ورسای به پاریس؛ اعدام سریع، قلع و قمع بی‌رحمانه علیه حکومت کمون.

۹۷

نیروی دریایی به سه بخش تقسیم می‌شود،
دومین بخش با فقدان آذوقه روبرو می‌شود،
ناامیدانه به دنبال دشت‌های آرام‌اند،

---

۱. Vratislave ۲. Lubecq

افراد بخش نخست از روزنه موفقیت وارد خواهند شد.
جنگ جهانی دوّم.

۹۸

تنها به سبب خطای یک نفر آلوده همه گرفتار آمده‌اند
خطاکار که از حزب مخالف است،
فشارها فقط به سوی لی‌گونزوا[۱] حکم صادر می‌شود
رهبر بزرگ مولیت[۲] را تسلیم خواهند کرد.
موسلینی.

۹۹

باد شمالی باعث شکستن محاصره خواهد شد،
از دیواره‌ها خاکستر آهک و گردغبار پاشیده خواهد شد:
سپس باران‌ها، سبب ساز دام کاملی خواهد شد،
آخرین کمک در پشت مرزهایشان خواهد بود.
محاصرهٔ پاریس توسط سپاه پروس (زمستان ۱۹۸۰)؟

۱۰۰

شبانه کشتی جنگی جدید به آب انداخته خواهد شد،
از طرف غرب آتش به ناوها زبان می‌رساند
رنگ‌کار جدید کشتی بزرگ را رنگ می‌کند،
مغلوب به خشم آمده و پیروزی گویی غبار آلوده است.
رباعی که ظاهراً شرح یک نبرد دریایی است ـ لیکن به عقیده ما ـ تجسمی از پایان کار ابر قدرتهای غربی است.

---

۱. Lygonnois
۲. Molit

سده دهم

۱

با دشمن، دشمن عهدی بسته است
به عهد وفا نمی‌کند، اسرا پس گرفته می‌شوند:
اسرا، محکوم به مرگ و مابقی در یکتا پیراهن‌اند
مابقی از آن رو که حمایت شده بودند لعنت می‌شوند.
پایان حکومت پیشین، اعدام لوئی شانزدهم.

۲

کشتی پارویی جنگی کشتی بادبانی را پنهان خواهد کرد،
کشتی بزرگ سبب میشود تا کشتی کوچک از صحنه خارج شود،
ده ناو مجاور آن را وادار به رفتن می‌کنند،
مغلوب اصلی با یکدیگر متحد شده بهم ملحق می‌شوند.
متفقین در نرماندی نیرو پیاده می‌کنند (۶ ژوئن ۱۹۴۴).

۳

به دنبال پنج دسته‌ای که کنار گذاشته نشده است،
یک فراری به خاطر پنلون[۱] آزاد خواهد شد،
با زمزمه کردن دروغین، کمک از آن طرف خواهد رسید،
رهبر از آن پس محاصره را ترک خواهد کرد.

---

۱. Penelon

پاپ اهل لهستان (ژان پل دوّم) مجبور به فرار از رُم می‌شود طی جنگ جهانی سوّم.

٤

در دل نیمه شب فرمانده ارتش
فرار خواهد کرد و ناگهان بیهوش می‌شود،
هفت سال پس از شهرت بدون نکوهش
در بازگشت او یک‌بار هم پاسخ مثبت نخواهند داد.

خیانت ژنرال دوموریه (۱۷۹۲).

۵

آلبی [۱] و کاستر [۲] اتّحاد نوینی را برقرار خواهند کرد،
نشه نفر از آریایی‌های لبنان و پرتقال،
کارکاس، تولوز، از دسایس‌شان بهره‌برداری می‌کنند،
آن هنگام که رهبر هیولائی گروه نه از لوارگوس [۳] می‌آید.

شکست کامل سپاهیان ناپلئون در پرتقال و در اسپانیا (۱۸۱۴)؛ تسخیر جنوب باختری فرانسه.

۶

ساردون، [۴] نعمان [۵] با چنان شدتی طغیان می‌کنند
که با رسیدن دُکالیون [۶] حیات مجدد می‌یابند،
اکثریت از کنار مجسمه بزرگ عظیم الجثه فرار خواهند کرد،
در مقبره راهبهٔ وستا [۷] آتش خاموش به نظر می‌رسد.

این رباعی ظاهراً از یک طغیان وحشتناک آب خبر می‌دهد، که شبیه «طوفان شدید دُکالیون» در مدیترانه می‌باشد.

---

۱. Albi ۲. Castres ۳. Lauragues ۴. Sardon
۵. Nemans ۶. Deucalion ۷. Vesta

۷

نبرد عظیمی که در نانسی تدارک می‌بینند،
که آماتین[۱] خواهد گفت همه را من مطیع کرده‌ام،
پایه جزیره بریتانیا بر روی شراب و نمک پی‌ریزی شده است،
نصف، نیمه فی.دوم زمانی زیاد از متز[۲] نگهداری نخواهد کرد

جنگ جهانی دوّم.

۸

انگشت سبابه و شصت پیشانی را میناکاری می‌کند
کنت سنگالیا به پسر واقعی خود،
توسط تعداد کثیری از میرنام[۳] جلو را سد خواهند کرد
طی هفت روز سه تن از مجروحین جان می‌سپارند.

امپراطوری فرانسه مستعمراتش را در افریقا از دست می‌دهد.

۹

در روزی مه‌آلود در کاخ انجیر کاستیلون[۴]،
از زنی بد نام شاهزاده‌ای فرمانروا زاده خواهد شد
او پس از مرگ پدر زاده شده ملقب به چاقچور عطرآگین است
پادشاهی چنان پلید هرگز در آن سرزمین حکم نرانده است.

موسلینی.

۱۰

آلوده به زناکاری فراوان، و لکهٔ ننگین قتل است،
بزرگترین دشمن تمامی نوع بشر،
که یکی از بدترین نیاکان و عموها و پدرها خواهد بود،

---

۱. Aemathien   ۲. Mets   ۳. Myrname   ۴. Castillon

آهنین، آتشین، مخلوطی از آب و خون و غیر بشری است.
می‌توان اشاره به هیتلر باشد. یا ضد مسیح آینده.

۱۱

در زیر انبوهی از گیاهان در گذرگاهی پر خطر
جایی که زاده شده پس از مرگ پدر یارانش را عبور خواهد داد،
بدون بار و بنه، از کوه‌های پیرنه گذر کرده،
دوک از پرپنییان تا تند[1] خواهد دوید.

با اطلاعات کنونی، از محالات است که تشخیص بدهیم این حوادث مربوط به چه می‌باشد.

۱۲

مقام پاپ برگزیده شده، منتخب مورد تمسخر قرار می‌گیرد،
به ناگاه متّحمل شده و سریعاً به هیجان می‌آید و شرمسار است،
به سبب نرمش بیش از حد موجب مرگ خویش می‌شود،
در شب مرگ او از وحشت نگهبان خاموش می‌شود.

ژان بیست و سوم، که انتخاب او برای جلوس بر تاج و تخت «سن پیر» ابتدا جدی گرفته نمی‌شد امّا بعدها معلوم گردید که او پاپ عالیمقامی است و یک فرد مقدس.

۱۳

تحت عنوان چوپان حیوانات نشخوارکننده،
توسط آنان به مرکز دسایس عبری راهنمایی می‌شوید،
سربازان مخفی شده، صدای اسلحه‌ها همراهی می‌کنند،

---

۱. Tende

نه چندان دور از معبد در شهر انتی‌پولیک[1].
تسخیر نظامی یک سرزمین به علت خیانت.

۱۴

اورنل[2] وسیل[3] بدون تعقل و رجوع به عقل خویشتن
جسوری که شرمسارست، از ترس اسیری مغلوب شده است،
به همراهی تعداد بی‌شماری روسپی رنگ باخته
در عزلتگاه‌های بارسلون است که متقاعد خواهد شد.
شاید مربوط به جنگ داخلی درکاتالونی باشد.

۱۵

پدر دوک سالخورده که شیفته مسئولیت است،
در روز آخر به زندان انداختن پسرش را انکار می‌کند
زنده به چاهی انداخته شده در اثر غوطه‌ور شدن خواهد مرد،
مجلس سنا مرگ طولانی و سبکی را در نظر می‌گیرد.
براندازی جمهوری سوم توسط مارشال پتن با اشاره به عبارت (پدر دوک سالخورده).

۱۶

کسی که در حکومت فرانسه سعادتمند و خوشبخت در زندگانی
بی‌خبر از خون و مرگ و خشم و خشونت،
به علت نبودن چاپلوساڽ، کسی بر او رشک نخواهد برد،
پادشاه ربوده شده، در آشپزخانه ایمان بسیار حکمفرماست.
لوئی شانزدهم، که حقیقتاً شکم‌پرست بود و همین امر مسبب یافتنش در وارن شد، زمانی که صاحب‌منصبان به مذاکره مشغول و در انتظار

---

۱. Antipolique ۲. Urnel ۳. Vaucile

فرمان از پاریس بودند، پادشاه مایل نبود غذای تمام نشدنی‌اش را به صورت مختصر صرف کند.

۱۷

ملکه ارگاست[۱] دختر خود را در حال ناراحتی دید،
به خاطر افسوسی که در درونش حبس شده است،
سپس در آنگولم فریادهای اسفناکی بر خواهد خاست،
و با پیوند ازدواج آلمانی همبستگی نزدیک می‌یابند.

بانوی سلطنتی، خواهر ارشد لوئی هفدهم و که در آینده دوشس آنگولوم می‌شود.

۱۸

رستهٔ لورن در واندوم مقام خواهد گرفت،
سران به رده پائین افکنده میشوند و پائین به بالا رفعت می‌یابند
پسر هامون در شهر رُم انتخاب خواهد شد،
و دو شخصیت بزرگ در معرض خطا قرار خواهند گرفت.

انقلاب فرانسه: جامعه اشراف تنزل یافته، ملّت مقام والا یافته است. در این ماجرا ناپلئون فاتح بزرگ محسوب می‌شود.

۱۹

روزی که جهت بار عام ملکه تعیین شده است،
روز بعد از بارعام، روز نیایش است:
رفتاری مطابق عقل و ازژش انجام می‌شود،
پیش از این فروتن بود به یکباره دچار غروری مفرط می‌شود.

جلوس کاترین دوّم به تخت امپراطوری روسیه.

---

۱. Ergaste

۲۰

تمام یارانی که از اعضای حزب هستند،
به خاطر نامه‌ای وقیحانه دستخوش مرگ و غارت اموال می‌شوند
در حالی که کاملاً کشتار شوم دسته جمعی را فراموش کرده‌اند.
هرگز مردمان رُم این چنین مورد بی‌حرمتی قرار نگرفته‌اند.

به قدرت رسیدن موسلینی.

۲۱

به سبب خشم ملّت، حمایت از شاه کاستی می‌یابد،
انگشترهایی که به او هدیه می‌کنند او به مردم‌کشی می‌پردازد
پدر برای پسر خواستار ایجاد لقب اشرافی موروثی است
شبیه به آنچه پیش از این مؤبدان پری مانند در ایران انجام دادند.

ناپلئون اوّل نوعی طبقه اشرافی جدید را پایه‌گزاری کرد (خواستار ایجاد یک طبقه اشرافی موروثی است) و در آنحال می‌خواست وارثی برای تاج و تخت امپراطوری داشته باشد.

۲۲

از برای اینکه راضی به طلاق نمی‌باشد،
که بسیار زود به عنوان یک فرد نالایق شناخته خواهد شد،
با توسل به زور سلطان جزایر بیرون رانده می‌شود،
آن که بر تاج و تختش می‌نشیند نشانی از شهریاری در او نیست.

تبعید پادشاه انگلستان ژاک دوم استوارت، که از تغییر دادن دین کاتولیک خودداری کرد (چون راضی به طلاق نبود) در ۱۶۸۹.

۲۳

به ملّت ناسپاس واکنش‌های مجددی نشان خواهد داد،

پس از آن ارتش آنتیب[1] را تصرف خواهد کرد
بر طاق نصرت مونیخ شکایت‌ها سرازیر می‌شود،
ساحل فریوس[2] را از یکدیگر می‌گیرند.

پیاده شدن ناپلئون در بازگشت از جزیره الب (حکومت صد روزه ۱۸۱۵).

۲٤

شاهزاده مغلوب در ایتالیا منکوب می‌شود
دریا را از مسیر جنوا می‌پیماید تا به مارسی برسد،
بعد از کوششی سخت بر نیروهای بیگانه پیروز خواهد گشت،
به جز یک شلیک تفنگ و یک بشکه از شهد زنبورهای عسل.

این رباعی نیز می‌تواند مربوط به بازگشت از جزیره الب باشد.

۲۵

گذرگاهی از نبرو[3] تا بریزان[4] گشوده می‌شود،
بسیار دور است و خیلی بی‌صدا خواهد شد،
در په‌لی‌گوکس[5] مرتکب بی‌حرمتی خواهد شد
از طرف بانوی بزرگی که در جمع نوازندگان نشسته است.

موفقیت «میهن‌پرستان»: اشاره به بانوی بزرگی که در جمع نوازندگان نشسته است تجسمی از انقلاب کبیر فرانسه می‌باشد.

۲۶

جانشین از باجناق خود انتقام خواهد گرفت،
مملکت را در سایهٔ انتقام اشغال خواهد کرد،
بر اثر خون اوست که کشتار عمومی مرگ و تأسف خواهد بود،

---

۱. Antibe ۲. Freius ۳. Nebro ۴. Brisanne ۵. Pelligouxe

برای زمانی دراز بریتانیا با فرانسه درگیر خواهد شد.
اعاده سلطنت: حکومت وحشت بدون خونریزی، گروه افراطیون.

۲۷

توسط پنجمین نفر و یک هرکول قوی،
با نیروی نظامی فرا خواهند آمد معبد را خواهند گشود،
کلمان، ژول[۱] و اسکان‌ها[۲] عقب‌نشینی کرده‌اند،
شمشیر، کلید، عقاب، هرگز چنین دچار تأسف نشده‌اند.

ناپلئون اول (به محض آنکه در رباعی کلمه عقاب نمودار باشد به آسانی قابل شناسایی است).

۲۸

دومین و سومین افرادی که جایزه موسیقی را بدست آورند
از سوی پادشاه به افتخارات عالیه‌ای نایل خواهند شد،
توسط دو فرد چاق و لاغر تقریباً نیمه مسلول خواهند شد.
گزارش نادرست ونوس موجب افسردگی‌اش می‌شود.

کنایه به ونوس باعث این تصور می‌شود که موضوع مربوط به لوئی چهادهم یا لوئی پانزدهم است، که هر دو در پی فتوحات زنانه بوده‌اند.

۲۹

درون غار کاپری[۳] واقع در پل مانسول
پنهان شده است که توسط مرد ریشو بیرون کشیده می‌شود،
اسیر شده و مثل حیوانی سگ‌نما برده خواهد شد
به دست بی‌گوردان[۴] تا نزدیکی تارب[۵] برده خواهد شد.

این شاهزاده فراری که دستگیر شده است چه کسی می‌تواند باشد؟

---

۱. Jule ۲. Ascans ۳. Caprine ۴. Begourdans
۵. Tarbe

۳۰

برادرزاده‌ای از نژاد مقدس بدنیا آمد،
همانند لقب‌اش طاق نصرت‌ها و کمان‌ها را حفظ می‌کند.
افراد بیرون رانده شده و محکوم به مرگ برهنه رها شده‌اند،
رنگ سبزشان به رنگ سرخ و سیاه تبدیل می‌شود.

لوئی ـ ناپلئون بناپارت، «برادرزاده»: کودتای دوّم دسامبر.

۳۱

امپراطوری مقدس به آلمان خواهد آمد،
پیروان اسماعیل[1] جایگاه بی‌مانع را خواهند یافت،
آدم‌های نادان همچنین خواستار کارمانی[2] هستند،
تمامی حمایت‌کنندگانشان سراسر گیتی را می‌پوشانند.

احیاء حکومت امپراطوری در آلمان (۱۸۷۱). لیکن این رباعی می‌تواند در عین حال مربوط باشد به جلوس رایش سوم که رویاهای طلائی و دیرینهٔ یکی شدن تمام احزاب در آلمان را از سر گرفته است.

۳۲

در سال هر کس در امپراطوری بزرگ مکلّف است،
یک نفر از میان دیگران مسئولیت را بدست گیرد:
امّا حکومت و موجودیت او مدّت زمان کوتاهی خواهد بود،
تنها دو سال در ناوهایش خواهد توانست پایداری کند.

امپراطوری ناپلئون اوّل، شکست نهایی اقدامش با هدف ابرقدرت شدن در اروپا.

---

۱. Ismaëlites ۲. Carmanie

۳۳

نگهبان ستم‌کار با لبادهٔ بلند،
خنجرهای تیزی را در زیر لباسش مخفی کرده است:
دوک فلورانس و جایگاه‌های دو واژه‌ای را گرفته است،
آشکارکردنش توسط ناپاکان و عیالشان خواهد بود.

قدرت یافتن موسلینی.

۳۴

امپراطوری که با جنگ فرانسه را اشغال خواهد کرد،
از سوی شوهر خواهرکوچکش مورد خیانت قرار می‌گیرد،
به اسب وحشی بسته شده و به زمین کشیده خواهد شد
برادر مدت طولانی از این عمل احساس نفرت خواهد کرد.

ناپلئون اوّل، که نزدیک‌ترین کسانش او را رها ساختند.

۳۵

پسر کهتر شهریار به جرم شهوت‌رانی علنی رسوا خواهد شد،
به خاطر متمتع شدن از دختر عموی خویش:
با لباس زنانه به معبد آرته‌مید[1] رفته:
به دست فردی ناشناس از اهل مین[2] کشته خواهد شد.

هانری سوم، که خصوصیات اخلاقی وی کاملاً معروف شده است (پوشش زنانه).

۳۶

پس از دلواپسی پادشاه از جنگ سخن به میان می‌آورد
اهالی جزایر متحده او را مورد نفرت قرار خواهند داد

---

۱. Arthemide ۲. Maine

چند سالی به نوعی سرگرم چپاول و غارت خواهد شد
حکومت را تغییر داده و مستبدانه بر جزایر حکومت می‌راند.

جنگ داخلی انگلستان: حکومت سلطنتی جایش را به دیکتاتوری کرامول خواهد سپرد.

۳۷

مجمعی عظیم در جوار دریاچه بورژه[۱]،
در نزدیکی مون‌ملیان[۲] دست اتّحاد خواهند داد:
اندیشمندان، در حال پیشروی نقشه‌ای طرح خواهندکرد،
شامبری[۳] مورین[۴] در نزدیکی سن ژولین[۵] به نبرد می‌پردازند.

نبردهای وحشیانه، ناحیه ساووا و در دوفینه، بین افراد چریک و سپاهیان آلمانی.

۳۸

آمور[۶] محاصره‌اش را نه چندان دور چابکانه اجرا خواهد کرد،
پادگان آنها در ناحیه سن باربار[۷] خواهد بود:
اورسن[۸] هادری از طرف فرانسه ضربه خواهند خورد،
از ترس اینکه ارتش را به گریزون[۹] تسلیم کند.

سپاهیان آلمان سراسر سرزمین فرانسه را اشغال می‌کنند.

۳۹

اولین پسر بانوی بیوه حاصل ازدواج نامراد است
بدون وجود فرزندان دو جزیره در اغتشاش است
پیش از هجده سال فاقد صلاحیت سن قانونی است

---

۱. Borget ۲. MOntmelian ۳. Chambrry ۴. Moriane
۵. Sainct Iulian ۶. Amour ۷. Sainct Barbar
۸. Ursins ۹. Grisons

از سوی آنانی که رتبه کمتری نسبت به او دارند، نامزد میشود
رباعی که تفسیر آن مشکل است، امّا ممکنست مسأله امپراطریس ژوزفین مطرح شده باشد، که از ازدواج اوّل با پایان نافرجامش پسری داشته است.

٤٥

در دولت انگلستان جوانی به قدرت می‌رسد،
که پدر در حال مرگش او را تأیید می‌کند،
امّا در هنگام مرگ به لونول[۱] موضعی خواهد داد،
و حکومت مورد درخواست را به پسرش تفویض خواهد کرد.
انقلاب انگلیسی. توسط کرامول (کلمه لونول موجب می‌شود به لقب مشهور اولدنول فکر کنیم). اعاده سلطنت باعث می‌شود که پسر شارل اول به سلطنت برسد.

٤١

در مرز کاساد[۲] و شارلوس[۳]،
نه چندان دور از ژرفای دره،
از موسیقی شهری فرانش[۴] تا آهنگ مارش جنگی،
احاطه شده از کلاه‌های رسمی اسقف‌ها و مملو از گلوله.
می‌تواند مربوط باشد به سلسله حوادث جنگ‌های مذهبی در مرکز و جنوب غربی فرانسه.

٤٢

حکومت انسانی فردی از نژاد آنژلیک،
به کمک اتحاد آرامش حکومتش را حفظ خواهد کرد:

---

۱. Lonole ۲. Caussade ۳. Charlus ۴. Franch

نیمی از قلمرو او درگیر جنگ است،
زمانی طولانی صلح موجب حفظ آنها خواهد شد.

امپراطوری بریتانیا که در طول سالیانی دراز، قدرتش را گسترش خواهد داد.

٤٣

زمان‌های بسیار خوش با سخاوت بسیار شاهانه،
با انجام غفلتی ناگهانی شتابان از هم می‌پاشد:
سبک‌سرانه همسر وفادارش را نادرست خوانده،
لوئی به سبب خوش قلبی به مرگ محکوم شد.

سرنوشت غم‌انگیز لوئی شانزدهم، قربانی ضعف خود و خوش‌خلقی‌اش شد و به خاطر مهربانی به مرگ سپرده شد.

٤٤

در آن هنگام که پادشاهی مخالف خویشاوندانش خواهد شد،
که اصلاً متولد بلواست متحدین را به اطاعت در خواهد آورد،
مامل[۱] و کوردوبا[۲] و اهالی دالماسی،
گروه هفت سپس سایه پادشاه برای‌اولین بار به دیوارها می‌افتد.

می‌تواند مربوط به بناپارت باشد؛ امّا چه کسی می‌تواند متولّد بلوا باشد (بلوا، نزدیک شهر بردو است)؟

٤٥

در شهر ناوار سایه حکومت حقیقت نداشت،
و زندگانی مرد قدرتمند را غیرقانونی می‌سازد:
وعده‌های مشکوکی طی پیمان کامباری[۳] داده شده است،

---

۱. Mammel ۲. Cordube ۳. Cambray

پادشاه اورلئان دستور ساختن دیواری قانونی را خواهد داد.

لوئی فیلیپ (پادشاه اورلئان)، کسی که می‌خواست فرانسوی‌ها حسن نیت معروف «پادشاه مهربان هانری» را به یاد آورند (در سایهٔ حکومت ناوار)، بدون آن که به آن دست یابد.

٤۶

زندگی و سرنوشت مرگ فردی نادرست به طلا بستگی دارد،
در ساکس انتخاب جدیدی نخواهد شد:
امضای دوستانه‌ای از برونزویک[۱] درخواست خواهد کرد،
گمراه‌کننده به اشتباه به مردم تحویل خواهد داد.

کشمکش‌های بین سلسله‌های سلطنتی در حکومت‌های آلمان در قرن نوزدهم.

٤۷

در شهر بورز[۲] با بانوی گیرلاند[۳]،
به ارتکاب خیانت متهم خواهد شد
اسقف بزرگ لئون[۴] توسط فرماند[۵]،
زوّارهای نادرست و ربایندگان شکست می‌خورند.

ممکنست به جنگ داخلی اسپانیا مربوط باشد.

٤۸

مرد درجه‌داری از دورترین نقطه اسپانیا می‌آید،
از قله خارج شده و به سمت دورترین نقطه اروپا،
ناآرامی‌هایی در نزدیکی پل لاین[۶] گذر می‌کنند،
به دست سپاهی بزرگ دسته دسته تار و مار می‌شوند.

---

۱. Brunsvic ۲. Bourze ۳. Guyrlande ۴. Leon
۵. Formande ۶. Laigne

جنگ داخلی اسپانیا، ژنرال فرانکو و کودتایش؛ موفقیت وی بر ارتش‌های جمهوری‌خواه.

٤٩

پارک جهانی در نزدیکی شهر نوبنیاد،
و در راه کوهستانی غارها:
توقیف شده و در درون خمره غوطه‌ور می‌شود،
و به آشامیدن آبی مسموم و آلوده به گوگرد مجبور می‌شوند.

غلبه بر سویس توسط ارتش سرخ در دوران جنگ جهانی سوّم.

۵۰

رودخانه موز[1] به هنگام روز در سرزمین لوکزامبورگ،
برج زحل را با شمارهٔ سه در قمر خواهد یافت:
در کوه و دشت در شهر و شهرک دهکده،
طوفانی در لورن،[2] توسط لجباز کبیر خیانت می‌شود.

غلبه آلمان بر بلژیک و لوکزامبورک (ماه مه ۱۹۴۰): آلمان راه موفقیت بسوی فرانسه را می‌گشاید.

۵۱

در سرزمین لورن[3] مکان‌های پست‌تر،
با بخش‌های سفلای آلمان متّحد خواهند شد:
توسط سران فرماندهی پیکاردی، از نرماندی، از میسن[4]
و در بخش‌ها دست اتحاد می‌دهند.

بار دیگر رباعی مربوط به اشغال آلمان در سال ۱۹۴۰ است.

---

۱. Meuse ۲. Lorrain ۳. Lorraine ۴. Maisone

۵۲

در جایی که رودهای لی[1] و سلد[2] بهم می‌پیوندند،
ضیافت این پیوند به مدت طولانی بر قرار خواهد بود:
در ناحیه آنور[3] جایی که یک نوع خاص توپ حمل شده است،
دختر جوان در بیهودگی با دوران پیری همدستان شده است.

غلبه بر بلژیک سال (۱۹۴۰).

۵۳

سه ژاندارم از فاصله دور به مجادله خواهند پرداخت،
بزرگترین فرد کمتر گوش به فرمان باقی خواهد ماند:
سلین بزرگ بیش از این رئیس نخواهد بود،
او را بدخوی آتشین‌مزاج ماده سفید لقب خواهد داد.

می‌توان این رباعی را، به دوران پس از جنگ جهانی دوّم مربوط کرد، که به اختلافاتی بین «سه ابرقدرت» منتهی شد.

۵٤

از معشوقه‌ای بارآور به دنیا آمد،
با اطلاعاتی غم‌انگیز در میان دو مقام بلند پایه گذاشته شد،
در دست دشمنان به اسارت در خواهد آمد،
به مالنگ[4] و بروکسل آورده خواهد شد.

یکبار دیگر موضوع غلبه بر بلژیک است.

۵۵

جشن ازدواج محقری برگزار خواهند کرد
با شادمانی بسیار: ولی دارای پایانی ناگوار است،

---

۱. Laye ۲. Scelde ۳. Anvers ۴. Malings

ماری و مادر قانونیش مورد تحقیر خواهند بود،
لو فیب[۱] می‌میرد و قانون ترحم‌انگیزتر خواهد بود.

ازدواج ناپلئون و ماری لوئیز، که با بسیار خوشحالی جشن گرفته شد لیکن ازدواجی نافرجام بود. مرگ پیش از موقع اگلون (لو فیب).

۵۶

اسقف شاهوار صورت خود را بیش از حد خم می‌کند،
خون به صورت موجی بزرگ از دهانش خارج خواهد شد،
حکومت آنژلیک با حکومت مورد نظر برقرار می‌شود،
آنکه زمانی دراز مرده بسان کنده با ریشه در تونس زندگی می‌کند

منظور از اسقف شاهوار آیا کاردینال ریشیلیو نیست؟

۵۷

طغیان‌گر عصای سلطنتش را نخواهد شناخت،
فرزندان جوان بزرگ‌ترین شخصیت بی‌حرمت می‌کنند:
آن موجودی که این چنین پست و ستمکار نبوده است،
برای همسرانشان مرگ سیاه و تبعید خواهد خواست.

اعدام خانواده امپراطوری روسیه توسط بلشویک‌ها (۱۹۱۸).

۵۸

در زمان سوگواری است که فرمانروای گربه صفت
با آمانتین[۲] جوان به جنگ خواهد پرداخت:
فرانسه به جنبش در می‌آید، منافع اصلاح می‌شود،
اهالی فوسن تمایل می‌یابند تا با پونا[۳] مذاکره نمایند.

سال ۱۹۴۰: شکست فرانسه. فرمانروای گربه صفت آیا هیتلر است ـ

---

۱. le Phbe ۲. Aemathien ۳. Ponant

آمانتین جوان، دوگل است، که ازلندن، فرمان احضار هجدهم ژوئن را می‌فرستد.

۵۹

در شهر لیون بیست و پنج نفر هم نفس،
پنج شهروند آلمانی، بروسان[1] لاتین:
در زیر پوشش اشرافی زندگی مجللی خواهند داشت
از پس پارس سگ‌های بولداک کشف خواهند شد،
شورش سلطنت‌طلبان اهل لیون در سال ۱۷۹۳.

۶۰

اشکم از بابت نیس، موناکو، پیزا، جنوا، روانست،
ساونا، سین، کاپو، مودن، مالت،
همه دستخوش تیغ و شمشیر به جای پاداش‌اند،
آتش، زمین‌لرزه، سیل، بدبختی‌هایی که به ثبت می‌رسد.
امپراطوری فرانسه در سال ۱۸۱۴ مجبور شد، تمامی متصرفات عالی دوران ناپلئون را در مدیترانه رها کند.

۶۱

بتا،[2] وین اِمور[3] ساکاربانس[4]،
خواستار تحویل مجارستان به بربرها هستند:
خون و آتش شهر بیزانس را فراگرفته است
دسیسه‌گران به دست عاقله زن شناسایی می‌شوند.
سال‌های ۱۹۱۷ - ۱۹۱۸: سقوط امپراطورهای مرکزی و ترکیه.

---

۱. Bressans ۲. Betta ۳. Emorre ۴. Sacarbance

۶۲

در نزدیکی سوربن جهت حمله به مجارستان،
قهرمانی از اهالی برودکا[۱] به آنان هشدار خواهد داد:
رهبر بیزانس، سالون از اسلاونیا،
آنان را به شریعت عربها در خواهد آورد.

میتوان چنین برداشت کرد که، در این رباعی، نستراداموس به هیچ وجه پیشگوئی نکرده است: مجارستان توسط ترکها تسخیر شده بود. امّا میتوان به تاریخ کنونی اندیشید: آیا قانون عرب توصیف رمزی درباره کمونیست نمیباشد؟

۶۳

سیدرون،[۲] راگیز،[۳] شهری مختص هیرون مقدس است،
درباره کمکهای پزشکی دوباره جان مییابد
مرگ پسر پادشاه سپس مرگ دو قهرمان،
عرب و مجارستان همسان با یکدیگر گام بر خواهند داشت.

رشد نفوذ روسیه در اروپای مرکزی و شرقی (۱۹۴۵). کشور جماهیر شوروی از اعراب پشتیبانی خواهد کرد.

۶۴

میلان، مردم لوکا[۴] و فلورانس به گریه در آیید،
که دوک بزرگ تو بر ارابهای سوار خواهد شد،
مقر فرماندهی را در نزدیکی ونیز تغییر داده و به پیش میتازد
در آن هنگام که کلون[۵] در رُم تغییر خواهد کرد.

تسخیر ایتالیا بدست بناپارت.

---

۱. Brudes ۲. Cydron ۳. Ragues ۴. Lucques ۵. Colonne

۶۵

آه ای رُم پهناور نابودی تو فرا می‌رسد،
نی از مرزهایت بل از خونت و جوهر حیاتت:
با نامه‌های تند محیط کشتی را بسیار متشنج خواهد کرد،
شمشیر نوک تیز تا دسته در بدن جای خواهد گرفت.

می‌تواند به تخریب مادی - رُم مربوط باشد، یا به پایان کلیسای کاتولیک.

۶۶

رهبر لندن با حکومت آمریک[۱]،
جزایر اسکاتلند ترا با یخبندان تحت نفوذ در می‌آورد:
پادشاه رب[۲] ضد مسیح کاملاً دروغین را بوجود می‌آورد،
که به سرعت همه را با مشکلات فراوان روبرو خواهد ساخت.

کمی بیش از جنگ جهانی دوم، کشتی‌ای که ژرژ ششم را برای ملاقات رسمی به کشور آمریکا می‌برد دچار تاخیر شد به واسطهٔ توده‌های یخی در پهنه جزیره کانادایی - جایی که اسکاتلند جدید وجود داشت. و ضد مسیح کاملاً دروغین مسلماً هیتلر است. امّا رباعی در عین حال می‌تواند به آخرین جنگ جهانی مربوط باشد.

۶۷

زمین لرزه بسیار شدیدی در ماه مه واقع می‌شود،
برج زحل، جدی، مشتری، عطارد، در برج ثور:
ناهید، همچنین سرطان، مریخ در سنبله تقارن خواهند کرد،
تگرگی با دانه‌های درشت‌تر از تخم‌مرغ فرو خواهد بارید.

می‌توانیم از خودمان بپرسیم، آیا این تقارن نجومی حقیقتاً به

---

۱. Americh ۲. Reb

طوفان‌های وحشتناک بارش تگرگ مربوط است؛ و آیا این تگرگ نموداری رمزی از بمباران‌های هوایی نمی‌باشد؟

۶۸

نیروی دریایی در مقابل شهر صف‌آرایی خواهد کرد،
سپس بدون پیمودن مسیری طولانی آنجا را ترک خواهد کرد:
شهروندان طعمهٔ بزرگی از زمین به دست خواهند آورد،
نیروی دریایی بازگشته و عملیات اوّل را انجام خواهد داد.

محاصرهٔ «روشل» که ناوگان عظیم انگلستان به بیهودگی سعی داشت بر آن اتکا کند.

۶۹

نه فرد پیر با شمشیرهای آختهِ و برّاق،
در جنوب و شمال بسیار بلندپایه خواهند شد:
از طرف خواهر تنی‌اش گروه بسیاری قیام می‌نمایند،
قاتل به بیشه‌زار آمبلون[1] می‌گریزد.

پیروزی فرانکو در جنگ داخلی اسپانیا.

۷۰

چشم از برخورد با یک شیئی گوشت اضافی می‌آورد،
با شدت وحدتی مثل برف فرو می‌بارد.
حوزهٔ در معرض این بارش بیحاصل خواهد شد،
که اسقف بزرگ در رُژ[2] از پا در خواهد آمد.

این برف شدید چه می‌تواند باشد؟ شخص را بیاد بمباران‌های هوایی می‌اندازد، شاید ناپالم.

---

۱. Ambellon ۲. Rege

۷۱

زمین و هوا یخ بسته می‌شود. جریان سیلاب شدید،
هنگامی که روز پنج شنبه را گرامی خواهند داشت
آنچه خواهد شد هرگز آنقدر زیبا نبوده است،
از چهار طرف او را مورد ستایش قرار خواهند داد.

یخ‌بندانهای وحشتناکی که در اثنای روز پنج شنبه‌ای مقدس رخ می‌دهد.

۷۲

سال هزار و نهصد و نود و نه پس از هفت ماه،
پادشاه بزرگ وحشت از آسمان فرو خواهد آمد:
بار دیگر پادشاه بزرگ انگول‌موا[۱] را زندگی خواهد بخشید،
درست پس از این زمان مارس با نیکبختی حکومت خواهد راند

متوجه تاریخی چنین دقیق می‌شویم: ۱۹۹۹، در هفتمین ماه، از تشخیص هویت پادشاه بزرگ وحشت اجتناب می‌کنیم: که دارای قدرتی ماوراءالطبیعه است یا موجود غیرزمینی «شاید فضایی» است؟

۷۳

دوران کنونی که معرف عصر گذشته است،
توسط فرد بزرگ ژوویالیست[۲] به داوری گرفته خواهد شد:
مردم دیر هنگام از او خسته خواهند شد،
توسط هیئت روحانی قانونگزار نامشروع قلمداد خواهد شد.

واتیکان دوّم و اصلاحات کلیسا.

---

۱. Angolmois
۲. Iovialiste

٧٤

با تمام شدن شماره بزرگ هفتمین،
عصر بازی‌های کشت و کشتار فرا خواهد رسید،
که چندان از زمان هزاره بزرگ فاصله ندارد،
آنان که درگورها آرمیده‌اند از آن خارج خواهند شد.

پایان عمر دوران فعلی زمین: رستاخیز مردگان است، یعنی روز داوری.

٧٥

آن که آنقدر انتظارش را داشتند هرگز باز نخواهد آمد.
در اروپا، و در آسیا ظهور خواهد کرد،
وی یکی از فرقه‌های منشعب شده از جماعت هرمس است.
و از تمامی پادشاهان مشرق زمین برتر خواهد بود.

پایان دوران ابرقدرتی کشورهای غربی. مائوتسه‌تونگ؛ قدرت روزافزون کشور چین.

٧۶

سنای بزرگ تشریفاتی را تهیه خواهد دید،
فردی که پس از این مغلوب خواهد شد رانده می‌شود،
پیروانش به او خیانت خواهند کرد
با تبلیغات مفید دشمنانش پراکنده می‌شوند.

پایان دوران جمهوری سوّم.

٧٧

سی نفر متّحدین ازگروه صلح‌طلب
تبعید شده، و اموالشان به رقبا سپرده می‌شود،
تمام اعمال نیکشان را به عدم لیاقتشان تعبیر می‌کنند،
نیروی دریایی به دزدان دریایی محول خواهد شد.

حکومت ویشی در دوران اشغال فرانسه: مبارزه علیه شخصیت‌های رهبری گذشته در دوران جمهوری سوّم.

۷۸

شادمانی ناگهانی به تیره بختی ناگهانی تبدیل می‌شود،
شهر رُم برای پذیرش آن عنایت ضربه خواهد خورد
سوگواری، شیون وزاری، اشک خونبار، به هم خواهد پیوست
گروه‌های مخالف غافلگیر شده و دستگیر می‌شوند.

تسخیر رُم توسط گروه سیاه جامه‌های موسلینی.

۷۹

تمام جاده‌های فرسوده مرمت خواهد شد،
افراد از مرتفع‌ترین قسمت مم‌فیس[۱] گذر خواهند کرد،
مرکور بزرگ از نژاد هرگول با علامت گل سوسن
موجب تزلزل خاک و دریا و کشورها خواهد شد.

توسعه شگفت‌انگیز وسایل نقلیه. (تمام جاده‌های فرسوده مرمت خواهد شد).

۸۰

بزرگ‌مرد با حکومتی مقتدر حکمرانی می‌کند،
با نیروی نظامی دروازه‌های بزرگ هوایی
گشوده خواهد شد، پادشاه و دوک با هم سازش می‌کنند،
بندر کوبیده شده، برای کشتی های تجاری باز و آرام است.

امپراطوری ناپلئون.

---

۱. Memphis

۸۱

گنجینه‌ها در معبد شهر هسپاریک گذاشته می‌شود،
در چنین جای مرموزی مخفی شده است:
با گشودن معبد است که پیوندهای خانوادگی روشن می‌شود،
با خوشحالی باز نموده طعمه وحشتناکی می‌یابند.

گنجینه شگفت‌انگیز مربوط به رهبانان پرتغال است؟

۸۲

بر اثر چاقوها شیون، و زاری، و اشک، به بار خواهد آمد،
تظاهر به فرار می‌کنند، آخرین حمله خود را انجام می‌دهند:
در اطراف پارک سکوهایی عمیق ایجاد می‌کنند،
به شدت به عقب رانده و در همان مکان به قتل می‌رسند.

حمله نهایی که به برلن انجام شد توسط ارتش سرخ (آوریل ۱۹۴۵).

۸۳

هیچ علامتی برای نبرد داده نخواهد شد،
مجبور به ترک از پارک جنگلی خواهند شد:
در پیرامون گاند پرچم شناسایی می‌شود،
که موجب مرگ همه کسانش خواهد شد.

فتح بلژیک (ماه مه ۱۹۴۰).

۸۴

احساسات طبیعی در حد بسیار اعلی است نه به صورت اندک،
بازگشت دیر هنگام شوهران را خوشحال خواهد کرد:
مرد منزوی هیچ مشاجره‌ای نخواهد کرد،
با صرف و اتلاف تمامی وقت خود.

اعاده سلطنت: مرخص کردن کامل سپاهیان فرانسوی (بازگشت

دیرهنگام شوهران را خوشحال خواهد کرد).

۸۵

خطیب سیاسی پیر در اوج لرزان
شتابان خواهد بود، اسیر تسلیم نخواهد شد،
پیری که مسن نمی‌نماید بسختی و با شرمساری صحبت می‌کند،
به دوستانش از طریق قانونی تحویل داده می‌شود.

مارشال پیر هیندبرگ است که در تدارک به قدرت رساندن آدلف هیتلر بود.

۸۶

پادشاه اروپا به سان لاشخور خواهد آمد.
اهالی شمالی او را همراهی می‌کند،
لشکر بزرگی از سرخ‌ها و سپیدها را رهبری خواهد کرد،
و بر علیه پادشاه بابیلون خواهد بود.

پادشاه اروپا می‌تواند ناپلئون اوّل باشد (آنچه که ما شخصاً فکر می‌کنیم) ـ که در آن صورت پادشاه بابیلون نیز فرمانروای انگلستان خواهد بود ـ یا منظور سلطان بزرگ آینده است.

۸۷

پادشاه بزرگ بندری در نزدیکی نیس[1] را خواهد گرفت،
امپراطوری بزرگ مرگ به شدت آن را انجام خواهد داد،
ماده گوساله خود را در آنتی‌پول خواهد گذاشت،
از طریق دریا غارت صورت می‌گیرد همه چیز نابود خواهد شد.

پایان کار ناپلئون: پس از تشکیلات صد روزه (لنگر انداختن در نزدیکی نیس) که منجر به تبعید او به جزیره سنت هلن شد.

---

۱. Nisse

۸۸

پاها و اسب در دومین شب زنده‌داری
از طریق دریا همه چیز با عظمت وارد خواهند کرد:
در مارسی با همراهی حیوانات وارد خواهند شد،
زاری، شیون، و خون، زمانه هیچگاه چنین تلخ نبوده است.

۸۹

دیوارهای آجری به مرمر بدل می‌شوند،
هفت و پنجاه سال صلح‌آمیز:
برای بشریت شادی، قنات‌ها بار دیگر بر پا می‌شوند،
سلامتی، ثمرات زیاد و خوشحالی و زمانی شیرین مثل عسل.

می‌تواند مربوط باشد به دوران طولانی صلح معروف کشور فرانسه پس از پایان جنگ‌های ناپلئون.

۹۰

پادشاه ظالم بر علیه بشردوستی صدبار خواهد مُرد،
فردی دانشمند و ملایم به جای او می‌نشیند،
که تمامی مجلس سنا را تحت اختیار خود خواهد گرفت،
از سوی مردی جسور به دردسر خواهد افتاد.

آیا منظور از پادشاه ظالم و مستبد ناپلئون است؟ فراموش نکنیم که نستراداموس او را از دیدگاه فردی سلطنت‌طلب و با حرارت می‌دیده، وی را غاصبی خونخوار می‌پنداشته است.

۹۱

در سال هزار و سیصد و نُه توسط هیئت روحانیون رُمی،
به عنوان رهبر نمونه برگزیده خواهد شد:
از سلالهٔ عالیمقام خاکستری‌پوش سیاهی به وجود آمد،

که هرگز کسی به سخت‌دلی او نبوده است.

می‌توان این رباعی را به پدر ژوزف مرموز مربوط کرد، که لقب «عالیمقام خاکستری پوش» را داشت. آیا او مأمور مخفی معمولی دیپلوماتیک ریشلیو بوده است، یا این که کسی بوده که حقیقتاً نقش رئیس را بازی می‌کرده است؟

۹۲

کودک در حضور پدر به قتل خواهد رسید،
سپس پدر در میان طناب‌های کنفی گرفتار می‌شود،
اهالی ژنواز[۱] تلاش و کوشش خواهند کرد،
رهبر در بین آنان به سان تنه درختی درازکشیده است.

ممکنست به تسخیر ژنو توسط گروه‌های انقلابی مربوط باشد.

۹۳

باکشتی جدید پذیرای سفرهایی خواهد شد،
امپراطور را به اینجا و آنجا خواهد برد:
بوکر،[۲] آرل[۳] گروگان‌ها را نگاه خواهند داشت،
درکنار دو ستون از سنگ مرمر پیدا می‌شود.

می‌توان آن را به اولین امپراطوری مربوط دانست. لیکن، در عین حال می‌تواند مربوط باشد به گروگان‌های اسیر شده ـ در بوکروآرل؟

۹٤

از نیم،[۴] تا آرل، و وین سرایت کرده است،
ابداً از فرمان هسپریک اطاعت نمی‌کند:
جهت محکوم بزرگ زحمت بسیاری کشیده می‌شود،

---

۱. Genevoise ۲. Beaucaire ۳. Arles ۴. Nismes

شش نفر در لباس فرشتگان فرار می‌کنند.
رباعی بسیار مبهم است!

۹۵

پادشاه بسیار قدرتمندی از میان اسپانیایی‌ها بر خواهد خاست،
از طریق دریا و زمین جنوب را زیر سلطهٔ خود در می‌آورد:
این مصیبت در زمان کاستی گرفتن هلال ماه انجام خواهد شد،
بال‌های مردمان پیرو جمعه را خم می‌کنند.

ظاهراً تفسیر این رباعی مشکل است، با این که دارای وضوحی بسیار آشکار است. پادشاه بسیار قدرتمند می‌تواند فرانکو باشد؛ کاربرد هلال ماه، و مردمان جمعه شاید منظور مسلمان‌ها و شاید جمهوری‌خواهان باشند، که میان آنها کمونیست‌ها نقش اساسی را بازی می‌کنند. می‌توان اینطور استنباط کرد ـ که نستراداموس ـ در کلیشه روشن بینی علائم حامل داس و چکش را دیده است و به هلال که مربوط به مسلمانان است فکر کرده است... رشد مسلمان‌ها. که به نظر بیهوده می‌آید، و با وجود این! در عصر نستراداموس علامت داس و چکش فکر روشنی ایجاد نمی‌کرده جز شباهت گنگی که با نشانه‌های مسلمانان داشته است.

۹۶

شریعتی هم نام دریاها پیروز خواهد شد،
اندر مخالفت پسر آدلف ترسناک،
فرقه سمج دلسوزانه به وحشت در خواهد آمد
هر دو نفر توسط آلِف[1] و آلِف مجروح می‌شوند.

جنگ جهانی دوم: پیروزی متفقین بر آلمان نازی.

۹۷

کشتی‌های جنگی، با اسیرانی از سنین مختلف مملو می‌شود،
روزهای نیک بدفرجام و شادکامی به تلخ کامی مبدل می‌گردد:
طعمه بربرها بیش از حد عجول خواهد بود،
اشتیاق برای دیدن، چون شکوه نگارش قلم برباد است.

تبعیدیان بی‌شمار جنگ جهانی دوم.

۹۸

روشنائی فروزان برای باکره شادان،
دیگر نخواهد درخشید، مدت طولانی بدون نمک خواهد ماند
با سوداگران، دلال‌های محبت، گرگ‌های نفرت‌انگیز،
غول‌های جهانی همه را به جنگ و ستیز وامی‌دارد.

تحدیدها و «بازار سیاه» (سوداگران، دلالان) در فرانسه تحت اشغال آلمان.

۹۹

در پایان گرگ، شیر، ثور، وخر،
کبوتر با سگ بولداگ اهلی یار خواهند شد:
بیش از این مائده آسمانی برای آنان گران تمام نخواهد شد،
بیش از این مراقبت و قوّت از آن سگ بولداک نخواهد شد.

پس از پایان عصر کنونی زمینی، ایجاد عصر طلائی، همراه با صلح جهانی خواهد بود.

۱۰۰

انگلستان به امپراطوری بزرگی تبدیل خواهد شد،
بیش از سی صد سال صاحب قدرت است:
نیروهای بی‌شماری از دریا و خشکی خواهد گذشت،



پرتغالی‌ها از این مسأله خرسند نخواهند بود.

حقیقتاً امپراطوری بریتانیا به مدّت بیش از سی صد سال ادامه داشته است. که از پس گسترش قدرت پرتغالی‌ها است (پرتغالی‌ها از این مسئله خرسند نخواهند بود).



انتشارات بدیهه